

سال سوم شماره ۱۴
آزادی‌هفت ۱۳۷۳
مهر ۱۳۸۲



دفتر انتشارات: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۷۳

اشغال سفارت کنسولگری، دفتر نمایندگی یونسکو و دفتر هواپیمائی رژیم و آکسیونهای دیگر در سراسر جهان



مهر
آکسیونهای
سراسری
۲۸ صفحه

عملیات قهرمانانه

پیشمرگان فدائی

در

منطقه سردشت به مناسبت دومین سالروز شهادت رفقا: هادی، نظام و همزمان نشان

پیشمرگان دلیر فدائی طی دو عملیات پی در پی و قهرمانانه در روزهای ۲۵ و ۲۶ اسفندماه، یاد شکوهمند شهدای اسفندماه ۱۳۶۰، رفقا احمد غلامیان لشکروندی (هادی) نظام، کاظم و دیگر اعضا و کادرهای سازمان که در این روز شهادت رسیدند را گرامی داشتند و ضربات سختی بر پیکر مزدوران رژیم جمهوری اسلامی وارد آوردند. پیشمرگان فدائی طی این دو عملیات، یکبار دیگر پیمان خونین خود را با شهدای اسفندماه و دیگر شهدای سازمان تجدید کرده، عزم و اراده استوارشان را در ادامه بلا نقطاع راه آنها و وفاداری به آرمان آنها که همانا آرمان کارگران و زحمتکشان سراسر ایران است، به نمایش گذاشتند.

آنان در بزرگداشت خاطره رفقای شهید کمیته مرکزی سازمان، گلوله‌های خود را بر سینه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی نشانه رفتند و در غرش رگبارهای خود، فریاد بقیه در صفحه ۲۵



قلاشی "شورای ملی مقاومت" قطعی است

در خردادماه سال ۶۰ هنگامیکه ائتلاف رهبران سازشکار سازمان مجاهدین خلق با جناحی از لیبرالها برهبری بنی‌مدرتکل رسمی و علنی بخودگرفت، انقلاب ایران پی‌از سازش‌خاشانه "اکثریتی‌ها" باضربه دیگری از سوی رهبران مجاهدین خلق روبروشد، چراکه در ماهیت امر تفاوت اساسی میان خط مشی این دو جریان وجود نداشت. یکی راه سازش با یک جناح بورژوازی سر-گرمگی حزب جمهوری اسلامی را برگزید، و مجاهدین خلق نیز راه سازش با جناح دیگر بورژوازی یعنی لیبرالها را برگزیدند. با این تفاوت که هنوز در آزمان تعداد زیادی از ثوده‌های مردم نمی‌توانستند ماهیت اعمال و سیاستهای سازشکارانه رهبران سازمان مجاهدین خلق را درک کنند.

اما امروز پس از گذشت نزدیک به سه سال از سازش رهبران مجاهدین خلق با بورژوازی لیبرال بسیاری از حقایق آشکار گشته است، و ماهیت اعمال، رفتار و سیاستهای سازشکارانه آنها برملا گشته است.

انقلاب به سرعت ثوده‌ها را آموزش میدهد، توهانات را زایل می‌سازد، ماهیت ارتجاعی خط مشی‌های رفرمیستی و سازشکارانه را برملا میکند و صحت و حقاقت خط مشی انقلابی پرولتاریائی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را که پرچم مخالفت با "شورای ملی مقاومت" را برافراشت، پیگیرانه ماهیت این ارگان و برنامه بورژوا-رفرمیستی آنرا افشا نمود و سیاست درهم شکستن آنرا که سدی بر سر راه انقلاب ایران محسوب میشود در پیش‌گرفت نشان داد.

امروز دیگر تردیدی باقی نمانده است که "شورای ملی مقاومت" با کلیت برنامه و تاکتیک آن مانکست روبروشده است. خروج بنی‌مدر از "شورای ملی مقاومت" که خبر آن طی این هفته انتشار یافت خود سازش‌ترین تجلی شکست و فروپاشی "شورای ملی مقاومت" و انحلال قطعی آن محبوب میگردد. از مدتها پیش روشن بود که پی‌از شکستهای مداوم این ارگان و سازمان شدن بقیه در صفحه ۲۵



حماسه مبارزه، مقاومت و شهادت
رفیق بیژن جزئی و همزمانش
همیشه الهام بخش مبارزان راه
رهائی طبقه کارگر و زحمتکشان
میهن ما خواهد بود



رفیق کیمیا فدائی خلق، بیژن جزئی از
پیشمرگان فدائی، شهادت نمودن کشورش ایران

به مناسبت ۲۱ فروردین سالگرد شهادت
رفیق جزئی و همزمان

رادیو فدایی



همه روزه از ساعت ۶ الی ۶/۵ بعد از ظهر
زوی هوج کوتاه ردیف ۴۱ امت

برای تماس با جهان با آدرس
زیرمکاتبه نمائید:

JAHAN جهان
P.O. BOX 540
N.Y., N.Y. 10185 U.S.A.

سخنی در حاشیه آکسیون سراسری موفق ۲۶ آوریل

موفقیت چشمگیر آکسیون ۷ نوامبر بعدی بود که عناصر متفوق رژیم را وادار نمود تا برای خنثی نمودن اثرات مثبت آن در - اعکار مردم چه در داخل و چه در خارج از ایران، به دروغ و حیل متوسل شوند و هواداران سازمان را به آمریکا و غیره وابسته گردانند. این موفقیت زمینه ساز برنامه ریزی دیگری برای آکسیون شعری - مشابهی در ابعاد وسیع تر گردید.

روز ۲۶ آوریل ۱۹۸۴ (۶ اردیبهشت) به منظور اعتراض به وضع زندانیان سیاسی در ایران و افشای شکنجه های قرون وسطایی زندانیان و با یاد دانشجویان شهید در اوایل اردیبهشت ۱۳۵۹ در دانشگاه های ایران، بار دیگر چندین مرکز رژیم در کشورهای اروپایی توسط دانشجویان هوادار سازمان چریک های فدائی خلق ایران اشغال شد. سفارت رژیم جمهوری اسلامی در لندن، کنسولگری رژیم در لندن، دفتر هواپیمایی رژیم در فرانکفورت، دفتر نمایندگی رژیم در بونسکو بطور همزمان توسط دانشجویان رزمنده و انقلابی تصرف گردید. همزمان و

بزرگ توانست توجه رسانه های خبری دنیا را به خود جلب کند. یکی تظاهرات دانشجویان ایرانی در آمریکا علیه شاه در شهر واشنگتن در سال ۱۹۷۷ که به زد و خوردی خونین با ساواکی ها، مزدوران رژیم و پلیس آمریکا منجر شد و دیگری در آستانه سقوط شاه و پایان یافتن حکومت ۵۵ ساله پهلوی در شهر لوس آنجلس آمریکا که محل سکونت شمس پهلوی به آتش کشیده شد.

در چند سالی که از قیام بهمن ماه میگذرد، میتوان گفت که آکسیون مبارزاتی مشابهی در خارج از کشور برگزار نشده است. تنها در ۷ نوامبر ۱۹۸۳، آکسیون اشغال سفارت رژیم در بلژیک و اشغال دفاتر هواپیمایی ایران در لندن، پاریس، فرانکفورت، وین و دهلی نو توسط هواداران سقفا توانست به نحو بی سابقه ای توجه رسانه های بین المللی را به خود جلب کند. تا آن زمان آکسیون اشغال مراکز رژیم، برجسته ترین آکسیون جنبش دانشجویی خارج از کشور بعد از سال ۱۹۷۹ بود.

به یقین میتوان گفت که در طول سه دهه حیات جنبش دانشجویی خارج از کشور و برگزاری صدها آکسیون مبارزاتی، تنها چند آکسیون توانسته است از بازتاب وسیع بین المللی برخوردار شود. موفقیت یا عدم موفقیت هر آکسیون مبارزاتی عمدتاً بستگی به میزان انعکاس آن در رسانه های بین المللی، اعم از رادیو، تلویزیون و جراید و همچنین میزان افشاکاری از جنایات رژیم و اثرات آن در افکار عمومی دارد. در دوران حاکمیت شاه، جنبش دانشجویی خارج از کشور قادر گشت نقش افشاگرانه بی مهابی در افکار عمومی جهان ایفا نماید، چهره های ماسک زده دانشجویانیکه در کنفدراسیون جهانی شکل یافته بودند، توانست در آکسیونهای خیابانی در شهرهای اروپا و آمریکا، ابعاد ترور، اختناق، شکنجه و اعدام در رژیم شاه را در اذهان تداعی کند. همچنین آکسیونهای اشغال سفارتخانه ها و مراکز ساواک و جاسوسی رژیم شاه در خارج از کشور، در تاریخ جنبش دانشجویی خارج از کشور با درخشندگی خاصی ثبت گردیده است. در اواخر عمر رژیم شاه، دو آکسیون

فهرست مطالب

گزارش اشغال سفارت، کنسولگری، دفتر صفحه پشتک و آرو حزب معامله گرتوده	۳۶
نمایندگی یونسکو و	۵
قطعنا مه پانثوم هیجدهم کمیته مرکزی	
قطعنا مه آکسیون سراسری	۱۵
پیام کارکنان "جهان"	۱۵
انعکاس خبر آکسیون سراسری در مطبوعات	
و اکثریت	۳۷
موضع ما در مقابل چرخش جدید حزب توده	
و اکثریت	۳۹
جهان	۱۱
برگزاری مراسم قیام و سیا هکل	۴۰
گشت و گذار	۱۴
گزارشهای برگزاری مراسم ۸ مارس	۴۳
اخبار ایران	۱۶
اخبار جهان	۲۵
انقلاب آقای رجوی در علم و فلسفه	۴۷
چرا دولت ریگان برای تصویب کسر بودجه	
اتهام	۵۵
آمریکا تلاش میکند	۲۳
بمناسبت اول اردیبهشت	۵۲
جنبش سوسیال دمکراسی و کمونیستی ایران	۲۶
بسیج زنان: انقلاب در انقلاب (۲)	۵۷
چگونه روز جهانی کارگر بوجود آمد؟	۲۸
از خوانندگان	۶۱
محال است در اسلام حکم مساوات	۳۲
شعر	۶۵
مجاهدین: شکست یک استراتژی	۳۳
کمکهای مالی	۶۶

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

بدنبال این آکسیون ها ، رفقای هوادار در کشورهای اطریش ، سوئد ، هند ، آمریکا و کانادا اقدام به برگزاری تظاهرات ، تحصن ، راه پیمایی ، اجرای نمایش های اعدام خیابانی ، اعتصاب غذا ، برگزاری نمايشگاه عکس ، پخش وسیع اعلامیه و... نمودند .

اخبار مربوط به این آکسیونها بویژه آکسیون مربوط به اشغال سفارت در هلند ، کنسولگری در انگلستان ، دفتر نمایندگی یونسکو در فرانسه و دفتر هواپیمایی رژیم در فرانکفورت توسط تمام رسانه های خبری جهان پخش گردید . بی مبالغه میتوان گفت که دهها فرستنده تلویزیونی در چندین نوبت غیر مربوط به این آکسیون را همراه با فیلم های مستندی از این آکسیون ها در سراسر جهان پخش کردند و تنها در کشور آمریکا کانالهای تلویزیونی سراسری ABC ، CBS ، NBC ، PBS و CNN در دو نوبت این اخبار را مخابره نمودند و بدنبال آنها مدتها کانال سال تلویزیونی محلی در شهرهای مختلف آمریکا خبر را رله کردند ، ایستگاههای سراسری رادیویی CBS ، NBC ، ABC ، PBS و VOA در چندین نوبت در رأس خبرهای خود بعنوان یکی از سه خبر بزرگ جهان آنها پخش نمودند . در اولین ساعات روز پنجشنبه ۲۶ آوریل خبر آکسیونهای سراسری دهن به دهن منتقل گردید و همه جا مورد ارزیابی مردم جهان قرار گرفت . بدنبال پخش خبر توسط خبرگزاریهای اروپایی و آمریکایی ، سایر خبرگزاریهای جهان این خبر را به زبانهای مختلف همراه با تفسیر و شرح سابقه تاریخی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پخش نمودند . همه جا صحبت از این آکسیون بود . ایرانیان متراقی با خوشحالی تمام غیر موفقیت آکسیون را به یکدیگر اطلاع میدادند و بی اختیار ابزار خوشحالی میکردند چرا که میدانستند که پس از مدتها سکوت ، این آکسیون توانسته بود نظر جهانیان را در مورد وضع زندانیان سیاسی و جنایات رژیم علیه آنها ، جلب نماید .

بی اغراق میتوان گفت که این خبر جنب و جوش و تحرک جدیدی در مجامع سیاسی ایرانیان خارج از کشور بوجود آورد . - انجام موفقیت آمیز این آکسیون نه تنها آنها را خوشحال کرد ، بلکه امید تازه ای در دل مبارزان خارج از کشور بوجود آورد . این حرکت به آن دسته از دانشجویانی که فعالیت قدرتی را در خارج از کشور تقبی میکردند آموزش داد که چگونه میتوان حتی در خارج از کشور چهره کربه رژیم را به

جهان نشان داد . این عمل انقلابی سرمشی بود برای آندسته از محافل سیاسی پرمعنا که در خارج از کشور کنج عزلت گزیده اند و در لاک تفکرات روشنفکرانه خود فرو رفته اند . این آکسیون تعرضی به آندسته از شیروهاشیکه مبارزات دانشجویی را تا حد عملیات منفعلانه ، تقلیم خواهانه و ترجمه برانگیز کاهش داده اند و بجای افشای چهره کربه رژیم ، در جهت جلب شرح سیاستمداران غرب تلاش میکنند ، باد داد که میثاق همواره روحیه رزمندگی خود را حفظ نمود ، هواداران را به عملیات تعرضی فراخواند و قدر قدرتی رژیم را خدشه دار ساخت .

رمز موفقیت این آکسیون در چه بود ؟ هر فرد آگاهی بخوبی میداند که انجام آکسیون مبارزاتی موفق چون آکسیون ۲۶ آوریل ، به شرایط و ویژگی های خاصی بستگی دارد که باید مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرند :

یکی از دلایل اساسی موفقیت این آکسیون را باید در سراسری بودن آن دانست و این ممکن نیست مگر اینکه تشکیلاتی وسیع و متشجع در کشورهای مختلف در ارتباط با یکدیگر وجود داشته باشد . اما تنها وجود تشکیلاتی سراسری کافی نیست گذشته از این ، این تشکیلات سراسری باید دارای برداشت های سیاسی و مبارزاتی واحد و یکسانی باشد و اتوریته سازمانی مشترک و متمرکزی را بپذیرد . این پیش شرط ها یک سازمان سیاسی را قادر میسازد که بطور همزمان برنامه مبارزاتی مشترکی را تدارک ببیند ، بنا براین با توجه به پراکنده گی جنبش و تبلور آن در خارج از کشور ، وجود سازمانهای سراسری هوادار که دارای خط مشی سیاسی و مبارزاتی واحد باشند و در نتیجه اتوریته سازمانی و تشکیلاتی وسیع و متمرکزی را بوجود آورند ، برای انجام موفقیت آمیز چنین آکسیونهای ضروری است . از همین روست که افراد پراکنده و بی سازمان هر قدر هم که مبارز و معتقد باشند ، از آنجائیکه در تشکیلات واحد نیروی خود را کانالیزه نمیکند و در عین حال هر یک خود را "محور" جنبش می شناسند و دیگران را قبول ندارند ، قادر به انجام چنین آکسیونهایی که ضرورت آن برکی پوشیده نیست ، نمی باشند .

اما یک سازمان هوادار در خارج از کشور زمانی میتواند به چنین آکسیونهای موفق دست بزند که "سازمان مادر" داخل کشور زنده ، فعال و مبارز باشد . بنا براین

سازمانهایی که میدان مبارزه را در داخل کلاها کرده اند و در خارج از کشور کنج عزلت گزیده اند ، طبعاً نمیتوانند هواداران فعالی داشته باشند . زمانیکه حداکثر فعالیت این دسته از گروهها ، مطالعه و احیاناً هراز چندگاهی انتشار جزوه ای ، آنهم در نقد دیگران باشد ، از هواداران آنها نمیتوان توقعی بیش از سازمانهای مادرشان داشت .

رمز دیگر موفقیت آکسیون ۷ نوامبر و آکسیون ۲۶ آوریل ، تعرضی بودن آنها بود . در حقیقت این عملیات تعرضی این آکسیونها بود که توانست توجه رسانه های بین المللی را بخود جلب کند و سکوت خبرگزاریهای بین المللی را در مورد جنایات رژیم فدیشی جمهوری اسلامی بشکند . بنا براین اعتقاد به ضرورت آکسیونهای تعرضی و رزمنده و اعتقاد به این مسئله که آکسیونها نباید همواره حالت دفاعی و غیر تعرضی داشته باشد ، در موفقیت آکسیون های سراسری ۷ نوامبر و ۲۶ آوریل نقش بسزایی داشت .

در این میان شاید از یک عامل بسیار مهم غافل ماند و آن اینکه وجود یک ستاد هماهنگ کننده ، هدایت کننده و برنامه ریز برای انجام این آکسیونها حتماً ضروری است . سخادی که خود معتقد ، مشوق و برنامه ریز انجام اینگونه آکسیونها باشد بنا براین نقش "کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" در این میان بسیار برجسته است . برای درک بهتر این مسئله باید یادآور شد که حتی در زمانیکه شرایط برای انجام آکسیونهای تعرضی و حاد بیشتر از امروز فراهم بود ، جنبش دانشجویی در خارج ، از جمله هواداران چپخا قادر نگشتند آکسیون تعرضی موفق چون آکسیون ۷ نوامبر ۸۲ و آکسیون کنونی (۲۶ آوریل ۸۲) برگزار کنند . بنا براین بی آنکه بخواهیم مبالغه کنیم ، نقش "کمیته خارج از کشور" در این میان روشن و برجسته میگردد . کمیته ای که بحق نقش ارزنده ای در برنامه ریزی و هدایت برگزاری این آکسیونها داشته است . "کمیته خارج از کشور" از زمان رسمیت یافتن خود علاوه بر انجام وظائف مهم و متعدد خود در رابطه با سازمان در داخل کشور ، توانست هماهنگی و ارتباط بیشتر و عمیق تری بین تشکیلاتها در خارج از کشور بوجود آورد ، علاوه بر آن ، وجود این کمیته سبب شده است که ارتباط نزدیکتر بقیه در صفحه ۲۵

اشغال سفارت، کنسولگری، دفتر نمایندگی یونسکو و دفتر هواپیمائی رژیم و آکسیونهای دیگر در سراسر جهان



رققا پس از اشغال سفارت در هلند توسط پلیس دستگیر و روانه زندان شدند. عکس فوق رققا را در ماشین پلیس نشان میدهد

هلند - لاهه :

اشغال سفارت رژیم

صبح روز پنجشنبه ۲۶ آوریل، گروههای عملیات اشغال سفارت، برنامه را شروع نموده و احتمالات گوناگون در طی برنامه را مورد بررسی قرار داده و در هر مورد تدابیر از پیش اتخاذ شده را در نظر گرفتند. رأس ساعت ۱۰/۱۵ دقیقه، عملیات اشغال شروع شد و به فاصله ای کمتر از ۵ دقیقه رققای انقلابی هوادار سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران بر ۳ طبقه ساختمان و زیرزمین آن کاملاً مسلط شدند.

در حین اشغال پس از غشی نمودن مقاومت عناصر فالانژ و اجیر شده رژیم ایران که قصد خوش رقصی برای آنها داشتند، بویژه شخص سفیر، تمامی کارمندان به گوشه های هدایت شدند، با توجه به نزدیکی محل سفارت به پست مرکزی پلیس و قرار گرفتن آن در محله ای که سفارتخانه های خارجی در آن قرار دارد، حداکثر زمانی که برای رسیدن حتمی ماشین های پلیس به محل در نظر گرفته شده بود، ۳ الی ۱۰ دقیقه بود. در این فاصله علاوه بر اشغال ساختمان،

می بایست برخی اسناد و مدارکی که در مبارزه علیه خود رژیم از آن استفاده خواهد شد، به بیرون منتقل شد. این بخش از برنامه نیز با مهارت و سرعت رققا، در مدت زمان پیش بینی شده به خوبی انجام گرفت.

در ساعت ۱۰/۳۰ دقیقه، پلیس خیابان های منتهی به سفارت و تمامی منطقه را محاصره کرد. گروه اشغال پس از انجام بخش اول برنامه، خود به نوشتن شعار بر روی



یکی از رفقای شرکت کننده در آکسیون اشغال سفارت، اهداف آکسیون را برای خبرنگاران توضیح میدهد.

انگلستان - لندن:

اشغال کنسولگری

همانطور که در گزارش قبلی با اطلاع رساندیم، در روز پنجشنبه ۲۶ آوریل دانشجویان هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، کنسولگری رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در لندن را اشغال انقلابی کردند.

اهداف عملیات لندن، اشغال طبقه همکف ساختمان کنسولگری و تعطیل نمودن آن در آن روز، پاشیدن گشتیدن و باره کردن تماویز رهبر جماعت بدشان، نصب آرم سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، نصب شعارهای انقلابی به زبان فارسی و انگلیسی در دفاع از مبارزات خلقهای ایران و زندانیان سیاسی در بند جمهوری اسلامی، نصب پردهای با عنوان "کشتار دسته جمعی در ایران ادامه دارد و جهان در این باره ساکت است" به زبان انگلیسی بر روی پنجره و بالافره اشکاف غیر این آکسیون در مطبوعات و رادیو تلویزیون که با موفقیت کامل انجام پذیرفت.

دنیاهای سفارت و آویختن آرم سازمان پرف، خ، ا، مانند رول بزرگی که بر روی آن خواستها و اهداف آکسیون برابری نوشته شده بود، پره افشاند. نمایندگان خبرگزاریهای مختلف که از اشغال سفارت مطلع شده بودند، در محل حاضر شدند، طبق برنامه تعیین شده، یکی از رفقا از پنجره همکف ساختمان، قطعه نامه آکسیون را در اختیار نمایندگان خبرگزاریها قرار داده و به سؤالات مختلف آنها جواب داد.

در ساعت ۱۱/۲۰، پس از تأمین اهداف مختلف آکسیون، رفقای شرکت کننده در آکسیون توسط پلیس هلند، که اجازه ورود به داخل سفارت را مستقیماً از دولت ایران گرفته بود، توقیف شدند و قفا در حالیکه شعار "مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی"، "مرگ بر خمینی"، "دوره بر فدائی" و "آزادی زندانیان سیاسی" را به زبانهای هلندی و انگلیسی میدادند، به داخل کامیونهای پلیس برده شدند.

عملیات لندن موفق شد که وضعیت

زندانیان سیاسی ایران را در سطح جهان مطرح سازد و ماهیت فداانقلابی رژیم جمهوری اسلامی و دیپلماتهای چماق بدست آنرا افشاء کند.

رفقای انقلابی ما طبق یک برنامه دقیق طرح ریزی شده، پس از ورود به ساختمان کنسولگری در همان لحظات اول تکهپان و چماق داران مستقر در طبقه همکف را متهورانه خنثی ساختند، مزدوران رژیم که از حرکت سریع رفقای ما کاملاً سراسیمه شده و قادر به هیچگونه عکس العملی نبودند از همان ابتدا همچون بزدلان حقیری بنای شیون و فریاد گفاهشتند و با ندای "کمک، کمک، کمک کنید"، قالاتهای مستقر در چهار طبقه فوقانی و طبقه زیرزمین را به امداد خود طلبیدند. این اوباشان که با عنوان دیپلمات در این مقر مستقر هستند، با چماق چاقو به پیچید بگس از طبقات دیگر به رفقای غیر مسلح ما حمله ور میشوند، رفقای انقلابی ما موفق میشوند به مدت ۲۵ دقیقه پس از

شروع عملیات با دست خالی از خود دفاع کرده و برنامه شعبین شده را به پیش ببرند. در این فاصله که تعداد چماق بدستان به بیش از ۴۰ تن رسیده بود و موفق شده بودند تا درهای ورودی ساختمان را با سیستم قفل الکتریکی که از دیگر طبقات قابل کنترل هستند، مسدود نمایند، رفته رفته بر هواداران سازمان غالب می‌شوند. رفقای ما با حفظ روحیه انقلابی و تسلیم ناپذیری خود به مدت ۸ ساعت، حتی پس از غلبه فالتزها، حرکات آنها را به استهزا گرفته و همچنان

— زنده باد سوسیالیسم —
سازمان دانشجویان ایران در انگلستان
اسکاتلند و ولز، هوادار سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران
۲۸ آوریل ۸۴

فرانسه — پاریس : اشغال دفتر نما یندگی رژیم در یونسکو

در پی یک برنامه سراسری، ساعت
یازده صبح روز پنجشنبه ۲۶ آوریل ۱۹۸۴



پاریس — پاریس نظا هرات پس از ترک دفتر رژیم در ساختمان یونسکو

با شعارهای انقلابی خود، به افشاکری از رژیم جنایتکاران می‌پردازند. اوباشان رژیم هنگام خروج رفقا سعی کردند با حرکات سفیهانه‌ای این عملیات متهورانه را ناموفق جلوه دهند، اما این امر خود از لحاظ تبلیغاتی بر موفق بودن عملیات افزود. رفقای ما هنگام انتقال به ماشین پلیس با شعارهایی همچون "مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی"، "زنده باد انقلاب"، "درود بر فدائی" و... در مقابل اجتماع خبرنگاران و شبکه‌های تلویزیونی اهداف خود را به جهانیان اعلام داشتند. وسعت تبلیغات و پیش‌سریع اخبار این عملیات در سراسر ایران چنان بود که رژیم را مجبور به اقرار به شکست خود و ارائه توضیحات ابلهانه‌ای واداشت.

سردمداران جنایتکار حکومت جمهوری اسلامی باید بدانند که فرزندان دلبس خفقان ایران لحظه‌ای مزدوران رژیم را در داخل و خارج از مرزهای ایران آسوده نخواهند گذاشت و تا سرنگونی حاکمیت ضد خلقی جمهوری اسلامی و پیروزی انقلاب، به مبارزاتی بی‌امان خود ادامه خواهند داد.
— سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی —
— زنده باد انقلاب —

بسرعت در سراسر جهان انعکاس یافت. در مدتی کوتاه شمار کثیری از خبرنگاران رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مختلف رادیو تلویزیون بین‌المللی در محل حاضر شدند. ابتدا پلیس از ورود آنها بداخل محوطه یونسکو مانعت بعمل آورد. در این میان تیم تبلیغات در بیرون از محوطه بطور گسترده به توفیح علل آکسیون و خواسته‌های رفقا اقدام نمود. رفقای که دفتر را در اشغال خود داشتند، در جهت تحقق خواسته‌های آکسیون خواهان محاصره با خبرنگاران بودند. معاون دبیر اول یونسکو مسئولین حفاظتی و دیگر مقامات این سازمان بین‌المللی سعی بر این داشتند تا از طریق مذاکره مانع ورود خبرنگاران شده و به اشغال دفتر خاتمه دهند. زمانیکه در این امر ناموفق شدند، رفقا را تهدید به مداخله پلیس نمودند که با برخورد قاطع رفقا مجبور به دادن اجازه ورود به برخی از خبرنگاران شدند.

رفقای هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، در فاصله ۳/۵ ساعتی که دفتر را تحت کنترل خود داشتند، موفق شدند اسناد و مدارک زیادی را صادره و از محل خارج نمایند. پس از خاتمه عملیات،



رفقا در صفوف فشرده، در حالیکه شعارهای انقلابی فضای یونسکو را به لرزه درآورده بود، ضمن محاصره با اندوهی دیگر از خبرنگاران که تازه به محل رسیده بودند محوطه را با موفقیت هرچه تمامتر تسرک کردند.

انعکاس این عملیات موفقیت‌آمیز در اذهان بین‌المللی آنچنان گسترده بود که تمامی شبکه‌های رادیو و تلویزیون از همان لحظات اشغال اقدام به پخش اخبار آن نمودند.

چند تیم از هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، دفتر ایران در یونسکو واقع در پاریس را علیرغم کنترل شدید محل پس از غشی کردن کلیه تدابیر امنیتی مأمورین حفاظتی، به اشغال خود درآوردند. آنگاه رفقای هوادار شعارهای انقلابی و آرم سازمان را بر درب و دیوار اتاقها نصب و قطعنامه آکسیون سراسری را در محوطه پخش نمودند.

اخبار این عملیات که به‌منظور جلب افکار بین‌المللی در مورد وضعیت اسفبار زندانیان سیاسی در ایران صورت گرفت،

آلمان فدرال - فرانکفورت : اشغال دفتر هواپیمائی

همزمان با انجام آکسیونهای تعرضی سراسری هواداران سچفا در خارج از کشور، هواداران سازمان در آلمان فدرال و برلین غربي در يك حرکت يرق آسا، دفتر هواپیمائی رژيم را در شهر فرانکفورت به تصرف خود درآوردند. رفقای هوادار در تيم های مختلف در ساعت ۱۱ صبح روز پنج شنبه به درون دفتر هواپیمائی راه يافتند و مؤدوران رژيم درمدد جلوگیری از انجام حرکت ضربتی محل را به تصرف درآورده و - با نصب شعارها و اعلامیه های تبلیغی محل را ترک نمودند. يك تن از رفقای شرکت کننده در آکسیون توسط پلیس دستگیر شد. پلیس فاشيست آلمان بعد از لحظه ای، کل منطقه را که يکی از شلوغ ترين مناطق فرانکفورت میباشد، محاصره نمود که در اين حين رفقای تيم تبلیغی اعلامیه های آکسیون را به زبانهای آلمانی و فارسی در بين ناظران پخش نمودند. دو نفر از رفقا نیز در حين پخش اعلامیه دستگیر و بازداشت شدند.

عصر همانروز هر سه رفیق تا زمان تشکیل دادگاه آزاد شدند. اين آکسیون با زتاب وسيعی در سطح مطبوعات و رادیو و تلویزیون آلمان داشت. خبر اشغال دفتر هواپیمائی و ديگر آکسیونهای انجام شده در کشورهای ديگر در بخشهای مختلف خبری پخش شد.

سود

هواداران سازمان چریکهای فدائشی خلق ایران در سود، در مرکز شهر استکهلم، در "میدان آزادی" به منظور اعتراض به کشتار و شکنجه زندانیان سیاسی، دست به اعتصاب غذا زدند. گزارش های مربوط به این اعتصاب غذا که از روز پنجشنبه ۲۶ آوریل تا روز دوشنبه ۲۸ آوریل ادامه داشت، از طریق ایستگاههای رادیویی استکهلم پخش گردید. در ضمن يکی از ایستگاههای رادیویی صاحبهای بمدت ۱۰ دقیقه با يکی از رفقای هوادار را پخش نمود.

اطريش

هواداران سازمان چ.ف.خ.ا. در اطريش در شهر وين، در برابر دفتر سازمان ملل به منظور اعتراض به رفتار وحشیانه و کشتار زندانیان سیاسی توسط رژيم جمهوری اسلامی و سکوت سازمان ملل در مقابل اعمال

رژيم خود را به مدت سه ساعت به زنجير بستند. گزارش مربوط به این آکسیون همراه با گزارشهای عملیات موفقیت آمیز ديگر هواداران در شهرهای اروپائی، بطور وسيع و چندین بار از طریق مطبوعات و ایستگاه های رادیو و تلویزیون اطريش پخش گردید. در طی این عملیات رفقای هوادار از دفتر سازمان علو بين المللی با بی.بی.سی. لندن تماس گرفته و گزارش آکسیون و قطعنامه را در اختیار آنها گذاشتند. رفقا از همان محل از طریق تلکسی با کمیته حقوق بشر سازمان ملل نیز تماس گرفتند. همچنین مسئولین دفتر بين المللی در وين خود مستقیماً با سفارت ایران در وين و وزارت امور خارجه ایران تماس گرفتند و قطعنامه آکسیون را به آنها تسليم کردند.

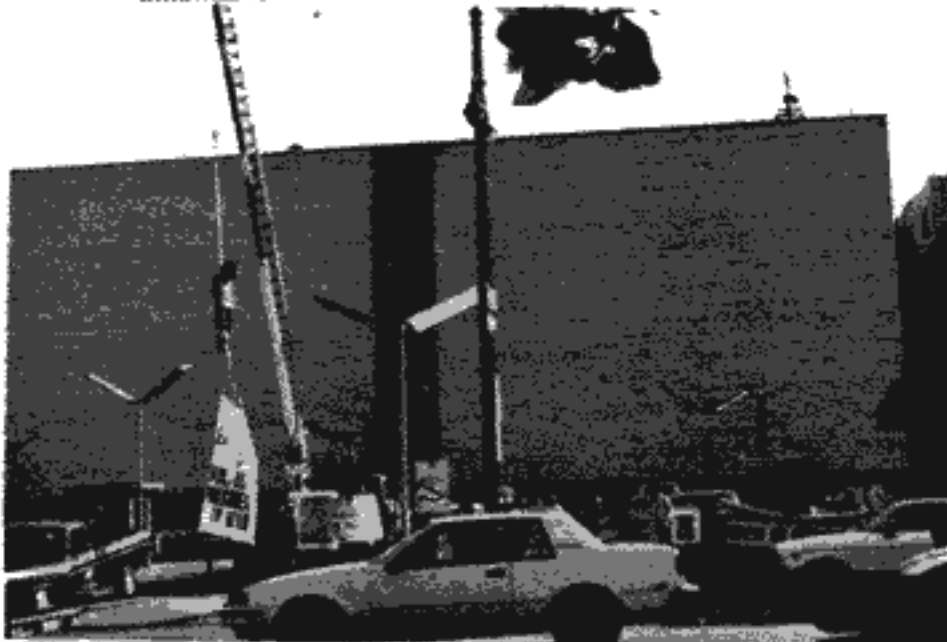
کانادا - ۲۶ آوریل

همزمان با برگزاری آکسیون سراسری هواداران سازمان چریکهای فدائشی خلق ایران در ۲۶ آوریل ۸۲ به منظور دفاع از زندانیان سیاسی و محکوم کردن جنگ ارتجاعی و خانمانسوز دولتين ایران و عراق که در چندین کشور اروپا، آسیا، آمریکا و کانادا برگزار گردید، هواداران سازمان در کانادا اقدام به برگزاری آکسیون در هر وقت و آمدترین محل شهر مونترال، میدان هیلپ نمودند. در این

www.iranianarchive.com

حکومت نظامی اجرا شد، و نیز شعارهایی در جهت افشای رژيم جمهوری اسلامی و دفاع از زندانیان سیاسی و مبارزات خلق کُرد و همبستگی مردم کبک و کانادا و ایران، به زبانهای فرانسه و انگلیسی داده شد که از سوی عابرين در خیابان مورد استقبال قرار گرفته و با مبارزات مردم ایران ابراز همدردی نمودند.

در طول انجام آکسیون چندین رسانه خبری و مطبوعاتی جهت تهیه گزارش خبری و انجام مصاحبه مطبوعاتی در محل حضور يافتند. رادیو و تلویزیون CTV, CBS و چند روزنامه انگلیسی و فرانسوی زبان به پخش خبر آکسیون در مونترال و پنج کشور اروپائی پرداختند. خبر برگزاری آکسیونهای سراسری و موفق رفقا در اروپا از صبح زود پنجشنبه ۲۶ آوریل تا نیمه شب از چندین کانال تلویزیونی و ایستگاه رادیویی کانادائی بطور مستمر پخش و در چند روزنامه انگلیسی و فرانسوی منعکس شد. رفقای هوادار در کانادا، بطور خلاق در این آکسیون شرکت نمودند و در حمایت از این عمل مبارزاتی نمایتدگان و تعدادی از هواداران نیروهای انقلابی و مترقی بين المللی السالوادور، شیلی، فیلیپین، اروگوئه و انجمن زنان آمریکای لاتین شرکت جستند. آکسیون حدود ساعت ۳ بعد از ظهر با موفقیت به پایان رسید.



آمریکا لس آنجلس، نمایش اعدام خیابانی بوشلیه چرا اشغال

آکسیون که از ساعت ۱۱ صبح آغاز شد، رفقای هوادار با پخش وسيع قطعنامه سراسری آکسیون و چندین اعلامیه افشاگرانه ديگر از جنایات رژيم جمهوری اسلامی به زبانهای فرانسه و انگلیسی و حمل پلاکارد پرداختند. در ادامه آکسیون اعدام نمایش زندانیان باردار، شکنجه و اعدام انقلابيون در - بيدادگاههای رژيم همراه با پخش موزیک

لس آنجلس

در ارتباط با برگزاری آکسیون سراسری ۲۶ آوریل، دانشجویان هوادار سچفا در شهر لس آنجلس نیز برنامه افشاگرانه ای علیه جنایات رژيم جمهوری اسلامی تدارک دیدند تا



آمریکا - شیکاگو

چهره کربه جمهوری اسلامی را در سطح بین‌المللی بیش از پیش بشناسانند. رفقا در این شهر بسا ابتکار خود و بطور سمبلیک صحنه اعدام انقلابیون را بوسیله جراثقال، یعنی یکی از صدها وسیله ای که جلادان جمهوری اسلامی انقلابیون را به شهادت میرسانند، را به نمایش گذاشتند.

این آکسیون که در یکی از مناطق پررفتوآمد شهر اجرا شد توجه‌های ایران را نسبت به آنچه امروزه در ایران میگذرد جلب نمود و نفرت هر چه پیشتر آنها را نسبت به جنایات رژیم قرون وسطائی خمینی برانگیخت. نمایش اعدام بوسیله جراثقال با پخش اعلامیه به زبان انگلیسی و فارسی همراه بود. این برنامه با موفقیت انجام پذیرفت.

آمریکا

نیویورک

تظاهرات در نیویورک ساعت ۱۱ صبح در مقابل ساختمان سازمان ملل با شرکت رفقای هوادار برگزار شد. بیعت انجمن وسیع اخبار آکسیون‌های اروپا، تظاهرات نیویورک با استقبال بی‌نظیر خبرگزاریهای تلویزیونی و رادیویی مواجه گشت. محاسبه‌هایی از طرف شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی در افشای رژیم انجام گرفت نمایش شکنجه و شلاق که از طرف رفقا برگزار شد، با استقبال غایرین روبرو شد. همچنین طی محاسبه با یکی از شبکه‌های تلویزیونی قطعنامه تظاهرات سراسری بطور کامل خوانده شد. بهنگام فیلم‌برداری از محنه‌های نمایش، شعارها و سرودهای انقلابی از طرف رفقا خوانده شد.

آمریکا

شیکاگو

... بهمین مناسبت نیز تظاهراتی در شهر شیکاگو با شرکت دهها تن از دانشجویان شرقی ایرانی برگزار گردید. در این شهر علاوه بر رفقای ما، هواداران چریک‌های فدائی خلق و دانشجویان متشکل در آنحادیه ملی نیز شرکت داشتند. بسیاری از نمایندگان نیروهای ایرانی و غیرایرانی نیز در همبستگی با روز اعتراض به جنایات رژیم خمینی به تظاهرات پرداختند. قهرمانی رفقای ما در اروپا آنچنان تاثیر بر مردم آمریکا و وسائل ارتباط جمعی گذاشته بود که برای اولین بار خبرنگاران قبل از تظاهرات در محل تظاهرات حضور یافتند! فریاد مرگ بر خمینی سرگون باد رژیم جمهوری اسلامی، شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی را در ایران متوقف کنید، بعدت چند ساعت در خیابانهای مرکز شهر شیکاگو به گوش میرسید. اخبار این

مستقر در سفارت که با مشاهده صحنه تظاهرات و جلب حمایت مردم و افشای چهره شکنج رژیم به خشم آمده بود، درصدد ایجاد درگیری بودند که با دخالت پلیس متلاطم خاتمه یافت. این آکسیون با موفقیت و حمایت مردم روبرو شد و خبر آن در روزنامه‌های هند نیز منعکس گردید.

برمناله بقیه از صفحه ۲۵

این امر از این اعتقاد سرچشمه میگیرد که اگر یک سازمان سیاسی همراه با حرکت مبارزاتی و آکسیونهای تعرضی خود، در زمینه‌های نظری و تشویریک نیز فعال و پیشگام نباشد و حرکات مبارزاتی خود را در متن یک استراتژی و برنامه سیاسی مشخص نگنجاند، به عمل گواشی و خرده کاری و بی هدفی دچار خواهد شد. هشباری و آگاهیه نسبت به هر دو وجه مبارزه، عامل مهمی است در تداوم حیات سازمان در همه ابعاد لازم خود.

به امید پیروزی هرچه بیشتر

آکسیون در شام روزنامه‌های بزرگ شیکاگو چاپ شد و چند کانال تلویزیونی نیز صحنه‌های از این تظاهرات و نکاتسی از محاسبه را پخش نمودند. در پایان تظاهرات، قطعنامه‌های فارسی و انگلیسی آکسیون سراسری قراشت گردید.

هند

همزمان با برگزاری آکسیون سراسری رفقای هوادار در کشورهای مختلف، برنامه تظاهرات به همراه نمایش خیابانی در دهلی نو توسط رفقای هوادار انجام گرفت. تظاهرات از یکی از خیابانهای شلوغ شهر شروع شد و بطرف سفارت رژیم جمهوری اسلامی ادامه یافت علاوه بر تظاهرات، نمایش خیابانی برای نشان دادن وضعیت زندانیان سیاسی بصورت حمل یک قفس که ۴ نفر بصورت زندانی در آن بودند، بطور سمبلیک همراه با شعار و پخش اعلامیه‌های مختلف در رژیم اجرا گردید. علاوه بر آن مجسمه‌ای از خمینی جلاد از قبل فراهم شده بود که در جلوی سفارت رژیم توسط رفقا به آتش کشیده شد. فالانژهای

ما خواهان قطع شکنجه و آزادی

زندانیان سیاسی در ایران هستیم

- قریب به صد هزار زندانی سیاسی که حدود ده هزار نفر از آنان از اعضا و هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران میباشد در زیر وحشیانهترین شکنجهها و در فشارترین شرایط زیستی بسر میبرند. شکنجههای «مدرن» با استفاده از دستگاههای خشک الکتریکی و شکنجههای قرون وسطائی نظیر استفاده از علق و غیره در زندانهای ایران اعمال میشوند.

- رژیم جمهوری اسلامی ایران علاوه بر زندانهای عتقه شده بهای زندان مخفی نیز تاسیس نموده است که در آنها شکنجههای سادیستی انجام میگردد.

- اکثر زندانیان که تن به تنگ همکاری به رژیم ندارند و از تنفی نظرات خود سر باز زدند یا پس از انقضای مدت (محکومیت) همچنان در زندان نگاه داشته شدهاند و یا آنکه در حالت بلا تکلیفی (نامشخص بودن مدت زندان) بسر میبرند. آنها به عنوان گروگانهای محسوب میشوند که در صورت بروز اعتراضات توده‌ای و یا در پاسخ به فعالیت‌های سازمان‌هایی که بدان تعلق دارند اعدام میشوند.

- ملاقات با خانواده‌های زندانیان یا املاک آن‌ها ندارد و یا در شرایط بسیار سخت و مشکل برای محدودی از افراد خانواده و به فواصل زمانی طولانی امکان پذیر است. مطالعات نشریات غیر رسمی اکیدا ممنوع و ناممکن است. مکاتبات به شدیدترین وجه کنترل میشوند و گوش فرا دادن به رادیوهای خارجی غیر ممکن است.

- پاسخ رژیم در مقابل اعتراضات و اعتصاب‌های زندانیانی که به وضعیت رقت‌بار زندان اعتراض کرده‌اند اعدام سخته جمعی و اعمال تنبیهات بیشتر و شدیدتر بوده است.

جنگ نفرت انگیز ایران و عراق به همراه تبلیغات برخی از رسانههای خبری تبلیغات غرض پرده‌ای بر تمامی این واقعیات وحشتناک افکنده و علیرغم قطعنامه چهلمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر در مورد محکومیت اعدامها و شکنجه در ایران و علی‌رغم اعتراضات نهادهای سازمانهای دمکراتیک و مترقی جهان رژیم جمهوری اسلامی هیچ نوع تغییری در وضع زندانیان نداده بلکه بر وخامت وضع آنها افزوده است.

این اعتراضات تا زمانی که به یک فشار مادی تبدیل نشده است نمیتواند به تغییری در رفتار رژیم ایران منجر شود. بویژه آنکه برخی از کشورهای خارجی نظیر آمریکا و انگلستان و این اسرائیل و ... با کمک تسلیحاتی و اقتصادی خود به رژیم ایران نه تنها مابقی بر سر راه وی نبوده‌اند بلکه سردمداران جنایتکار این رژیم را به ادامه اعمال خود تشویق نموده‌اند.

اکسیونهای اعتراضی ما «هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران» که در این روز انجام میگردد بر مبنای خواسته‌های زیر است:

- ۱- فرستادن هیئتی جهت بررسی وضع زندانیان سیاسی در ایران و پخش گزارش این هیئت
- ۲- قطع کمکهای تسلیحاتی و اقتصادی به رژیم جنایتکار ایران.

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در کشورهای
آلمان - آمریکا - انگلستان - ایتالیا - اتریش - هلند
سوئد - کانادا - فرانسه - هند

پیام تبریک

کارکنان "جهان" به رفقای شرکت کننده در آکسیون سراسری ۲۶ آوریل

گرمترین درودها، تبریکات و مراثی همبستگی ما را بمناسبت آکسیون سراسری موفقیت آمیز ۲۶ آوریل (۶ اردیبهشت) بپذیرید. عملیات شهروانه سازمان یافته، آگاهانه، مبتکرانه و بموقع شمارفقای مبارز، بحق پاسخ شایسته‌ای بود به وظایف‌های که جنبش خلق و موقعیت بااران در زندان در برابرمانها داشت. وسعت بسیار این آکسیونها و انعکاس خبرحرکات شعری شما در رسانه‌های بین‌المللی، بطور بسی نظیری اذهان عمومی مردم جهان را نسبت به جنایات رژیم قرون وسطائی جمهوری اسلامی جلب نمود. مسئله شکنجه و اعدام دهها هزار زندانی سیاسی نقض هرعقود حقوق و موازین انسانی بطور بیسابقه‌ای توانست چهره منفور خمینی را در برابرانظار جهانی قرار دهد.

رفقای دلاور: میزان تهور، آگاه‌های، رزمندگی و وفاداری شما به آرمان کارگران و زحمتکشان و احساس مسئولیت شما نسبت به سرکشت و رزمندگان دربند در زندانهای قم و وین، قزل قلعه، کوهردشت و ... و چکا و کهای خوتین میدانهای اعدام، تیلور خود را در موشترترین وفا طعمانه‌ترین حرکت انقلابی اخیرشان به نمایش گذاشت و در مقابل، یکبار دیگر زبونی، زحمت، فربسکاری و شهادت و جنایت پیشگسی و تروریسم مزدوران رژیم را در تمام عرصه‌های سیاسی و دیپلماتیک، خاصه در کشولگری انگلستان و سفارت رژیم در هلند به شوت رسانید.

رفقای مبارز: براسنی که شما ادا نمیدهندگان و بیروزان راستین سنت انقلابی فدائیان خلق هستید، براسنی که فریادهای اعتراضی شما علیه اعدامها، شکنجه زندانیان سیاسی و سایر بیادگریرها و جنایات و دستگیریهای رژیم ددمش خمینی، انعکاس شایسته و رسائی بود از فریادهای حق طلبانه دهها هزار زندانی سیاسی، میلیونها تن بوده زحمتکش که در زیر سلطه وحشت زای استبداد و ترور و خفقان، فقر، جنگ و کشتار و کرائی و نایابی حواش و جهالت قرون وسطائی و رژیم جمهوری اسلامی تاریکترین سالهای زندگی خود را میگذرانند. فریادهای اعتراضی و عملیات شعری شما انعکاس رسائی بود از فریادهای اعتراضی شما می دانشجویان و آوارگان و پناهندگان سیاسی متهمی که بدلیل شرایط حاکم بر وطن، در کشورهای مختلف آواره گشته‌اند.

رفقای رزمنده: شما با حرکت یکپارچه، متحدانه و با پیشگامی خود نه تنها احساس غرور و تحسین همکاران خود را برانگیختید، بلکه قلب هر ایرانی متعهد و مترقی را که زخم‌ها و داغ‌های حاصل از شکنجه‌ها و شلاق‌های جلادان رژیم را بر پیکر فرزندان



Acties tegen Iran



Van de zwaaiende beelden wordt afgevoerd.

Uff, DPA, AFP — De laatste ambassade in Den Haag was donderdag deels van acties. Ook het Franse consulaat in Londen en het kantoor van Iran bij de VN-organisatie voor onderwijs, wetenschap en cultuur, de Unesco, in Parijs werden door groepen van een tiental leden bezet.

De bezettingen waren „aangekondigd“ van de Federatie, een internationale organisatie die haar kant heeft in de noordwestelijke provincie Kurdistan en in het zuiden.

In een telefoontje aan AFP van een van de bezetters in Parijs, die aangegeven was geïnteresseerd in het verspreiden van een bericht over de bezetting van de ambassade in Den Haag.

Op zaterdag werd tegen de politie van de bezetters in Parijs, die aangegeven was geïnteresseerd in het verspreiden van een bericht over de bezetting van de ambassade in Den Haag.

...Sfartخانه ایران در لاهه، روز پنجشنبه هدف آکسیونها بود. همچنین کنسولگری ایران در لندن و همچنین دفتر علمی و فرهنگی سازمان ملل (یونسکو) در پاریس بوسیله یک گروه (دهها نفر) اشغال شد. اشغال کنندگان هواداران سازمان مارکسیستی چریکهای فدائی خلق هستند که پایه آن (مرکز آن) دفتر شمال غربی ایران، استان کردستان و در جنوب میباشد.

این اعتراضات بخاطر موقعیت زندانیان سیاسی در ایران و شکنجه آنها بوده است که دفتر عفو بین المللی Amnesty International یک خبر راجع به این جریان داده است (که در ایران طبق آخرین خبر این سازمان، زندانیان سیاسی شکنجه میشوند).

خواستهای آنها (اشغال کنندگان) و سایر آکسیونها، این بود که یک گروه جهت بررسی به وضع زندانیان سیاسی در ایران به آنها فرستاده شود و همچنین فروش اسلحه به دولت ایران خاتمه پیدا کند...

NRC HANDELSBLAD

Maastricht 14e jaargang prijs per ex. Nederland 20 gld. België 25 gld. Duitsland DM 2. — Engeland £ 0.60, Frankrijk Fr. 6. — Luxemburg 20. — Zwitserland Sw. 2. —

Algemeen Handelsblad (1828) en Nieuwe Rotterdamse Courant (1844) Donderdag 26 april 1984 — 14e jaargang no. 176

Khomeini protests stir across Europe

Special for USA TODAY

As the Sunday deadline loomed for the evacuation of Iranian diplomats from their homes in London, British authorities Thursday announced a ban on Iranian protests.

About 15 Iranian protesters gathered in the center of London, shouting slogans and waving Iranian flags. They were quickly dispersed by police.

The incident in London was part of a series of protests across Europe. In Paris, a group of Iranian protesters gathered in front of the French embassy.

A group of them had started the Iran Air office. The report said.

In Paris, a group of Iranian protesters gathered in front of the French embassy. They were quickly dispersed by police.

In London, Iranian protesters gathered in front of the British embassy. They were quickly dispersed by police.

In Amsterdam, Iranian protesters gathered in front of the Dutch embassy. They were quickly dispersed by police.

In Brussels, Iranian protesters gathered in front of the Belgian embassy. They were quickly dispersed by police.

In Rome, Iranian protesters gathered in front of the Italian embassy. They were quickly dispersed by police.



The Iranian revolution has sparked a wave of protests across Europe. In London, a group of Iranian protesters gathered in front of the British embassy. They were quickly dispersed by police.

In Paris, a group of Iranian protesters gathered in front of the French embassy. They were quickly dispersed by police.

In Amsterdam, Iranian protesters gathered in front of the Dutch embassy. They were quickly dispersed by police.

In Brussels, Iranian protesters gathered in front of the Belgian embassy. They were quickly dispersed by police.

In Rome, Iranian protesters gathered in front of the Italian embassy. They were quickly dispersed by police.

In Madrid, Iranian protesters gathered in front of the Spanish embassy. They were quickly dispersed by police.

In Athens, Iranian protesters gathered in front of the Greek embassy. They were quickly dispersed by police.

In Ankara, Iranian protesters gathered in front of the Turkish embassy. They were quickly dispersed by police.

In Cairo, Iranian protesters gathered in front of the Egyptian embassy. They were quickly dispersed by police.

In Beirut, Iranian protesters gathered in front of the Lebanese embassy. They were quickly dispersed by police.

In Damascus, Iranian protesters gathered in front of the Syrian embassy. They were quickly dispersed by police.

In Baghdad, Iranian protesters gathered in front of the Iraqi embassy. They were quickly dispersed by police.



Na de bezetting van de Iraanse ambassade verspreiden in Den Haag werd de bezetting van de Nederlandse ambassade in Teheran.

Iraanse ambassadeur licht gewond bij korte bezetting

Van een ander verslaggever

DEN HAAG — Bij een korte bezetting van de Iraanse ambassade in Den Haag is de ambassadeur licht gewond geraakt.

De bezetting werd uitgevoerd door een groep van ongeveer tien personen. Ze werden snel onschadelijk gemaakt door de politie.

De bezetters werden vastgehouden door de politie. Ze werden naar het ziekenhuis gebracht voor medische behandeling.

Ravage groot in ambassade in Den Haag

Wanneer persbureau werd in de ambassade vernield. In een uur was de bezetting afgevoerd. De bezetters, die via een postbus samen waren aangekomen van de Nederlandse persbureauorganisatie in Iran, zijn samen met de politie naar het ziekenhuis gebracht.

De bezetters werden vastgehouden door de politie. Ze werden naar het ziekenhuis gebracht voor medische behandeling.



Bezetters door agenten vastgehouden. Een van de bezetters met opgeheven arm de Iraanse ambassade.

3. Amroez vechهدف آکسیونهای دانشجویان مارکسیست ایرانی بود. در لندن ۹ نفر به ساختمان کنسولگری هجوم بردند. اطراف ساختمان بلافاصله تخلیه شد و پلیس از طریق یک پنجره شکسته شده با دانشجویان غیر مسلح وارد مذاکره شد. در یک تماس تلفنی با دبیر روزنامه فرانسوی AFP اعلام داده شد که دفاتر شرکت هواپیمایی ایران در آلمان هم اشغال شده اند. اهداف این آکسیونهای بدون خشونت این بود که وضعیت زندانیان سیاسی مورد بررسی قرار گیرد و به کمکهای خارجی (از طرف کشورهای اروپایی و...) به رژیم ختمی خاتمه داده شود.



خارج از محدوده :

بار دیگر نطفه های انقلاب

شکل می گیرد !

زیست مقیم میشوند و عمدتاً از مجموعه امکانات شهری (اگر موجود باشد) مثل آب و برق، مدرسه، حمام و غیره محروم هستند.

سران رژیم فراموش نکرده اند که جنبش مردم علیه رژیم شاه در سال ۵۶ نیز از "خارج از محدوده" یعنی جاشیکه بیشترین فشار اقتصادی بر مردم تحمیل میشود و با شرکت زحمتکشان رانده شده از روستاها و وامانده در شهرها آغاز گردید.

استاندار در سخنرانی دیگری میگوید: "روانه نزدیک به ۱۵۰۰ نفر مهاجر در حال تهران های میگيرند، تهران با امکانات کم خود قادر نیست جمعیت ۸ میلیونی را در درون خود جای دهد، مهاجران شهری و روستایی در کوته و کنار شهر، در آلودگیها، مسافرخانه ها، حتی پارکها هر کجا که میتوانند و با اهل اندک خود را جا داده و زندگی میکنند." آقای استاندار سپس مهاجرت روستائیان فقیر و بی خانمان را یک نوع بیماری ارزیابی کرده و قول داده است که با آن مبارزه کند. ولی مسئله بعد وسیع تری پیدا کرده و سران سفیه رژیم را درست همانند اواخر حکومت دیکتاتوری شاه که از مبارزه زحمتکشان خارج از محدوده (بخوان مهاجرین) به وحشت افتاده بود، به تکیه و دلپره انداخته است. بدنبال مبارزه با "آفت مهاجرت روستائیان"

دانسته و آنرا حتی از شراب خوردن و زنا کردن و احتکار نیز بدتر شمرده اند! در جای دیگر استاندار تهران نیز در همین رابطه در یک مصاحبه رادیو و تلویزیونی میگوید: "مردم بدانید که در تهران هیچ خبری نیست، آنچه در اینجا دیده میشود گرفتاری و انبوه مشکلات است. بنابراین ساکنین روستاها و شهرهای کوچک فریب ظاهر امر را نخورید و قبل از مهاجرت به تهران محدودتهایی که از نظر مسکن، شغل، تهیه دفترچه بسیج و غیره را دارید در نظر بگیرید." وی سپس در ادامه صحبت هایش می افزاید: "مردم باید صبر کنند، کارها درست میشود، شما بدانید که مهاجران به شهرها پیامدهای غیرمفید برای جامعه خواهد داشت." البته آقای استاندار به این پیامدهای غیرمفید اشاره ای نمیکند، زیرا همان چیز است که پایه های جمهوری سفیهان را بلرزده انداخته است. چرا که مهاجران روستایی که از فقر و بدبختی برای لقمه نانی روانه شهرها میشوند در "خارج از محدوده" شهرها در اسفناک ترین شرایط

"با این جواسمردی و انصاف است که آن برادر رزمنده برای یک هدف الهی از شر اجانب و آزاد کردن اسلام و مسلمین از جنگال چنانشکاران تکه پاره شود و این را تحمل کند، تا آخر عمر معلول باشد و بدنش ناقص شود ولی یک روستایی برای اینکه یک قدری آن رفاه مورد نظرش را وقتی در روستا نمیبیند، روانه شهر شود، این ضربه زدن است، این زمینه را برای تسلط دشمنان آماده کردن است که از بزرگترین گناههاست و با هیچ گناه معمولی قابل قیاس نیست، از شراب خوردن، زنا کردن، احتکار، از همه اینها بدتر است." (تاکید از ماست) این سخنان شیوا را آیت الله جنتی در نماز جمعه قم بیان داشته است. ولی راستی چرا یک باره کلیه سران جمهوری سفیهان در هر موقعیتی که دست می دهند از مسئله مهاجرت روستائیان به شهرها و بخصوص تهران صحبت میکنند. این روزها وقتی روزنامه های جمهوری سفیهان را ورق میزنیم به مسئله مهاجرت روستائیان بیش از هر مطلب دیگری بر میخوریم و نا آنجا که توانسته اند از مضرات این عمل "قبیح" پیاد کرده اند تا جاشیکه آنرا بزرگترین گناهها

دست فروشهای کنار خیابان نمودند. در خیابان ۴۵ متری گلشهر دکه‌ها را جمع‌آوری کردند و ۲ روز بعد، دکه‌داران با کمی عقب‌نشینی از محل قبلی، دوباره دکه‌های خود را برپا کردند. مزدوران رژیم همچنین به دستفروشی‌های سیاه جهاشهر که محصول سیب زمینی و پیاز پهن کرده بودند، حمله کردند اما با مقاومت شدید دست فروشها مواجه شدند. این زحمتکشان که شبها را نیز در هاشنجا و کنار بساطفشان می‌خوابند، به مامورین و مزدوران رژیم گفتند: با این سرما و با این سختی در اینجا می‌سازیم تا زندگیمان را بگذرانیم و شما نمیتوانید ما را بیرون کنید. شما پول بدهید که شکم خانواده‌مان را سیر کنیم تا اینجا را تخلیه کنیم اما مامورین شهرداری و دیگر سرکوبگران که گوششان بدهکار نبود، قصد داشتند با لودر آنها را درهم بگویند که یکی از دستفروشها با سنگ ترازوی ۲ کیلوگی به راننده لودر حمله کرده، از شایبه سر و صورت او را بشدت مجروح کرد و مامورین که چنین دیدند میدان را خالی کرده رفتند. غارت‌های متواری شد اما دیگر همکاران بعد از تاراج

شدن مامورین رژیم، همچنان در همان محل به کار خود ادامه میدهند. رژیم جمهوری اسلامی که بنا بر ماهیت ضد خلقی و فاشیستی به خواستهای توده‌ها و از جمله بیکاری گسترده نیست، و میخواهد با جمع کردن دکه‌داران و سرکوب آنان و فشار هرچه بیشتر به آنان، این زحمتکشان را وادار به رفتن به جبهه‌ها یا مزدوری در کمیته‌ها و سپاه و ... نماید اما این شرفنها کاری از پیش نخواهد برد.

گوشه‌ای از جنایات رژیم

در یکی از روزهای باصطلاح دهه فجر، پاسداران مزدور، جلوی ماشینهای را گرفته و به پوشش آرایش خانم ابراز میگرفتند. شوهر وی می‌گوید بسیار خوب رعایت میکنند ولی پاسداران می‌گویند باید خانم با ما بیاید و اقدام به بردن او بزور میکنند. شوهر این خانم به اعتراض برخاسته و به و دوخورد با آنها می‌پردازند که با شلیک یک گلوله کشته میشود. در این هنگام خانم شروع به اعتراض کرده و از مردم استمداد می‌طلبد که ماشین گشت دیگری سر رسیده و

چون سعی پاسداران در بردن او بجایی نمیرسد، به او نیز گلوله شلیک کرده که می‌افتد و سپس اجساد هر دو را پاسداران می‌زنند در حالیکه ماشین و کودک آنها در محل باقی مانده. اینگونه اعمال که بطور روزمره در کوچه و خیابان اتفاق می‌افتد از بشمار جنایاتی است که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بکار می‌گیرد تا بهر نحو که که شده تفکرات ارتجاعی خود را به مردم تحمیل نماید.

دیماه - زن و شوهر جوانی که قصد مسافرت به شهرهای شمال را داشتند، در شهر رشت توسط پاسداران دستگیر میشوند و به بهانه نداشتن مدارک لازم یک شب بازداشت و فردای آنروز آزاد میشوند و از ادامه مسافرت منصرف شده و به شهران باز میگردند همان شب زن جوان در حمام خانه خودکشی کرده و در نامه‌ای که از خود بجا میگذارد، علت خودکشی خود را تجاوز ۵ پاسدار در شب دستگیری اقلام کرده است. شوهر وی پس از حادثه دچار بیماری روانی شده است. این نیز نمونه دیگر از جنایات و تجاوزات مزدوران جنایتکار رژیم.

(به نقل از ضمیمه خبری کار شماره ۱۷۷)

گشت و گذار

حجت الاسلام مقتدانی عضو و سخنگوی شورای عالی قضائی اعلام داشت: "چنانچه مسئولین شهرداریهای نواحی ۲۵ گانه تهران نتوانند از ساختن ساختمان بدون جواز در اطراف تهران جلوگیری کنند، تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت." و شهردار تهران دست‌بدمان سفیدان جمهوری اسلامی شده که: "با راهنمایی‌های خود روستائیان را در مهاجرت منصرف کنند." ولی مسئله دیگر از راهنمایی (بخوان فریب روستائیان) گذشته و ابعاد جهنمی که جمهوری اسلامی برای زحمتکشان ساخته آنچنان وسیع است که دیگر هیچکدام از سفیدان قادر به کنش و کنش آن نیستند. فقر و تنگدستی، مرض و بکنش، پیراهنی، گرسنگی و بیکاری آنچنان تا اقصی نقاط کشور گسترش یافته که حد و مرز نمی‌شناسد. روستائیان برای بدست آوردن لقمه‌ای نان به حرکت درآمده‌اند و همین مسئله است که جمهوری سفیدان را بوحشت انداخته است. آیت الله مشکینی در این رابطه می‌گوید: "ما از پشت پرده هر چه خواهیم می‌کنیم که روستائیان به شهرها نیایند، اما وقتی نان در روستا پیدا نمیشود، آنها می‌آیند." (تاکید از ماست)

این تخریب کاملاً مجاز و شرعی میباشد. (تاکید از ماست) باز هم جنایتی دیگر. تخریب و جمهوری سفیدان درهم آمیخته شده‌اند. این بار هم تخریبی مجاز و شرعی درست می‌افتد تخریب کردستان، تخریب دانشگاهها، تخریب ترکمن صحرا، تخریب توده‌ها، تخریب جوانان و تخریب ایران. تخریب در جمهوری سفیدان حد و مرز نمی‌شناسد. آیا این موثر می‌افتد. تاریخ با صدای رسا پاسخ خود را داده است و پاسخ منفی است. اگر شاء و ساواکش توانست جلوی حرکت زحمتکشان خارج از محدوده را که آغاز شد برای سقوط رژیمش بگیرد، این جانیان و قداره بندگان نیز موفق خواهند شد. آتشکشان خشم فرو خورده توده‌ها سرانجام قوران خواهد کرد و کلیه جنایتکاران جمهوری سفیدان را در التهاب خود خواهد سوزاند.

وی پس ادامه میدهد: "حالا من از دولت خواش می‌کنم که امکانات گسترش یافته شهرها به خود تا آنها به روستاهای خود برگردانند. البته من نمی‌گویم که موعظه تاثیر ندارد ولی موعظه برای شکم سیر خوب است نه شکم گرسنه." (تاکید از ماست) بنا براین پس وقتی موعظه و یا عبارت صحیح‌تر فریب زحمتکشان سودی ندارد، زعمای سفید را که پایه‌های لرزان شان بر روی سرتیژه بنا شده است، بفکر ارجاع و زور می‌اندازد.

فرماندار تهران طی بخشنامه‌ای از شوراهای محلی میخواهد تا برای کسانی که واجد شرایط نیستند (مهاجرین) دفترچه بسیج اقتصادی صادر نکنند. بدین جهت چنانچه این افراد به تهران مهاجرت کنند باید اوراق خود را از بازار آزاد تهیه نمایند. ولی این نیز موثر نمی‌افتد و شکم گرسنه را سیر نمیکند. روستائیان در حرکتند و حکومت سفیدان در وحشت. رهبران سفیدان بار دیگر خود دست‌بکار میشوند و دستور تخریب را صادر میکنند. تخریب آلودگها، تخریب "خانه‌های ساخته شده با مقوا و حلبی، تخریب زندگی روستائیان.

اما جنایتکار خطاب به ناطق نوری، وزیر کشور می‌گوید: "ساختمانهای خلاف در شرف عملیات باید تخریب شوند. بنا براین



تتفر از مسجد

مهدوی کنی، امام جمعه تهران در نماز جمعه گفت: "بعضی از مساجد در ختم ها و روضه ها، صدای منبرها و موعظه ها و مرثیه ها و همه اینها هم در روز هم در شب... صداهای بلند، بلند است و شما میدانید که آنها در همسایگی مساجد هستند همه با متعایل نیستند این صداهای را بشوند و با مسلمانند ولی خوب همیشه دلشان نمیخواهد صدای منبر بشنوند. آنها می خواهند که بشنوند خوب، می آیند توی مسجد، آنها هم که نمیخواهند بشنوند با این صدای بلندگوی بوقی که گذاشته میشود بالای مسجد، نیراز اینکه مردم تتفر پیدا کنند و ناراحت بشوند، چیز دیگری نتیجه ندارد، بلکه بیشتر تتفر پیدا میکنند."

...

قبر حیوانات

آیت الله العظمی منتظری در رابطه با مصرف گوشت گفت: "در بعضی خانواده ها چنان مصرف گوشت و برنج و دیگر مواد غذایی زیاد است که اگر مازاد آن را به چند خانواده دیگر بدهند، آنها هم مستغنی میشوند، اصولا چرا باید در حالتی که ما هنوز از خارج گوشت و برنج وارد میکنیم این قدر خودمان را به خوردن گوشت و دیگر مواد غذایی وارداتی عادت دهیم، در روایت از اینکه انسان شکم خود را قبر حیوانات کند، سخت مذمت شده است."

...

مشتاق حضور

آقایان روحانیون

در جبهه ها هستند! مدیریت حوزه علمیه قم طی اطلاعیه ای خاطر نشان ساخت: "طبق اطلاعات مکرر و تلگراف بسیاری که از جبهه های نبرد میرسد، رزمندگان اسلام مشتاق حضور آقایان روحانیون و استفاده از راهنمایی های آنان هستند. بدون تردید حضور شما در جبهه رشید تاثیر عمیق و بسزایی در جنگ خواهد داشت. اکنون انتظار میرود فضایی محترمی از تعطیلات دهه فجر استفاده کرده و با اهتمام بیشتر در جبهه ها شرکت کنید."

نکته جالب این است که تا بحال رؤسای جمهوری اسلامی سعی کرده اند با استفاده از احادیث مذهبی و ناآگاهی برخی از مردم، عده ای از آنها را روانه جبهه ها کنند ولی گویا در زمینه فرستادن افراد

اهل بیت خود تا بحال موفقیتی نداشته اند. و طبیعی است وقتی دو شاد هم میزنند متقاعد کردن یکدیگر کار آسانی برایشان نیست.

...

خمینی گفت: "چه عیدی شما دارید"

آیت الله خمینی در رابطه با درخواست اعزامین به جنگ میثی بر دیندار قایل هایشان در ایام عید نوروز گفت:

بیماری سالک را که بوسیله پشه مخصوص ایجاد میشود، تاکید کردند. وی گفت: "این پشه بخصوص اگر در گوشه و کنار جدا ها در جبهه ها باشند، بسیار در شیوع این بیماری که درمان آن بسیار دراز مدت است و اگر هم دیر به آن برسند، حتی استخوان را هم مانند غوزه میخورد، کمک میکنند. حجت الاسلام آنگاه با خونسردی ادامه میدهد: "انشاء الله این مسئله را ما در تهران با مسئولین وزارت بهداشتی در میان



میگذاریم که فکر اساسی بکنند."

...

زندگی فلاکت بار

وزیر بهداشتی جمهوری اسلامی گفت: "حساب کردیم دیدیم اگر در هر سال ۵ هزار پزشک تربیت شوند، تازه بعد از ۲۰ سال یعنی در سال چهل هزار پزشک کم خواهیم داشت. اما اگر چنین نباشد و با توجه اینکه در طول این ۲۰ سال جمعیت کشورمان نیز دوبرابر خواهد شد، آنوقت دیگر زندگی فلاکت بار خواهد بود."

بزرگترین شریک

جمهوری اسلامی

وزیر صنایع سنگین در مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که در حال حاضر آلمان فدرال بزرگترین شریک بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی در بخش صنایع سنگین است. در همین زمینه وی افزود: "کشور ما در حال حاضر

"خوب شما مشغول یک عبادت بزرگ هستید. الان شما بخواهید جبهه را خدای نخواسته رها کنید و برای عید چند روزی هم بپایید اینجا، خوب چه بکنید؟ عید، چه عیدی شما دارید؟ شما می که آنجا آنطور گرفتار هستید و در آنجا بمب های مسموم به سر شما می ریزند، خوب شما چه عیدی دارید که حالا بپایید برای عید جبهه را خالی بکنید. جبهه را قوی نگذارید، عید شما آنوقتی است که شما جبهه را محکم نگذارید و آنها را از صحنه بیرون بکنید و انشاء الله، فتح بزرگ شر و فتح نهائی را بکنید."

...

شیوع بیماری سالک

حجت الاسلام ازه ای، سرپرست سازمان بهزیستی کشور که جهت دیندار از جبهه های جنگ و بررسی مشکلات خوزستان به این استان سفر کرده بود در مصاحبه ای با خبرنگار کیهان گفت: "برادران تیپ القدر شیوع

احتیاجات جبهه‌های جنگ!

ستاد تبلیغات جبهه و جنگ قرارگاه کربلا طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که این ستاد جهت برآوردن نیازهای تبلیغات لشکرها و تیپ‌ها احتیاج به وسایل تبلیغات بخصوصی مانند کاغذ و پاکت‌نامه دارد؛ لذا از کلیه نهادها، ارگانها و اقدار مختلف مردم درخواست شد که در مورد تهیه و ارسال وسایلی از قبیل کاغذ نامه، پوستر امام و آیت‌الله العظمی منتظری و شخصیت‌ها و قرآن جیبی ۱۱ سوره‌ای همکاری لازم را می‌ذول فرمایند.

با ظهور مهدی،

همه ابوعلی سینا میشوند!!

آیت‌الله مشکینی در نماز جمعه قم گفت: "برخی افکار منحرف در رابطه با ظهور حضرت مهدی میگویند فعالیت‌نکشیست که یک حکومت اسلامی درست شود. زیرا وقتی جامعه اسلامی پیش‌آید، همه خوب و نیکو شدند حضرت تشریف نمی‌آورد و برمیگردند پیش‌خدا و میگویند ما دیگر بی خودیم و برگردیم بی کارمان" وی سپس افزود: "بر طبق روایات حضرت با ظهور خود سه قدم اساسی در میان بشر برمی‌دارد.

قدم اول اینکه حکومت‌های جهانی را نابود کرده و سرنگون میکند و همه حکومتها را بصورت واحد درمی‌آورد و این سلاطین و شاهان و روسای جمهوری و پادشاهان و هوای نفس را سرنگون و جهان را از اشغال آنها پاک میکند. مرزها و سیم‌های خاردار و سدهای آهنین را برمی‌چیند و تمام قواش را از بین می‌برد و همه را شامل یک قانون اساسی که آنهم براساس اسلام است قرار میدهد.

در قدم دوم احکام الهی را پیاده میکند. بعدا بشر باید شروع به آموزش و تحصیل بکند. آنروز است که علوم قرآن آنچنان رواج پیدا میکند که هر انسان آن زمان از ابوعلی سینا امروز بالاتر میرود.

ناگفته نماند که در بیان همین دوره "از تاریخ" آقای رجوی معتقد است در آن زمان مردم بجای پول برای خرید اجناس از طوالت استفاده میکنند. (تبیین جهان) و تمام کشورها تحت تأثیر ولوری توحیدی قرار میگیرند.

...

طرح شناسنامه‌های جدید

از امسال کلیه شناسنامه‌ها تصویری

باندازه بیش از ۲۰۰ تانک موثر است. زیرا نقش روحانیون در جنگ نشانگر حضور امام و معنویت ایشان است. حضور روحانیون در جبهه باعث میشود رزمندگان ما در رزم خود با دشمن احکام اسلامی را بطور دقیق انجام دهند. بعضی از روحانیون ممکن است احساس کنند وجودشان در جبهه موثر نیست و هیز رفته‌اند. لذا به این منظور باز میگردند که چیران آن مدت زمانی طول میکشد.

...

پیشرفته ترین قوانین دنیا

آیت‌الله موسوی اردبیلی در جمع میهمانان خارجی جمهوری اسلامی گفت: "ما با مراعات اعلام میکنیم که قوانین امروز جمهوری اسلامی دقیق ترین و پیشرفته ترین قوانین قضائی دنیاست و ما حاضریم با هر کسی که مدعی خلاف آنست به بحث بپردازیم." البته آیت‌الله اشاره‌ای به قانون خون بها که ارزشون برابر یک شتر است و مرد دو -

روابط چندانی با دولت شوروی در آرمینیه منابع سنگین ندارد و زمینه این همکاری ها نیز در آینده مشهود نیست.

مهاجرین افغانی

در طرح لبیک

به گزارش خبرنگار کیهان در مانور تمرین آزادی قدس در پایگاه کرج یک گردان از نیروهای مجاهدین افغانی شرکت داشتند. در همین گزارش آمده که مانور تمرین آزادی قدس با پیام خامنه‌ای آغاز شد. خامنه‌ای در پیام خود گفت: "یگانهای آزادی قدس باید آماده باشند تا طبق دستور در هر نقطه از جبهه جنگ تحمیلی که بوجود آنها نیاز است حضور یابند." گفته میشود که رژیم جمهوری اسلامی مدتهاست از وجود مهاجرین افغانی در جنگ استفاده میکند. چندی پیش رژیم ایران تعداد زیادی افغانی را با کامیون روانه پاکستان کرد. این عده حاضر به رفتن به جبهه‌ها نبودند.

...



سعادت ابدی!

منتظری در سخنرانی در رابطه با اعزامین به جبهه‌های جنگ گفت: "اینکه بعضی از جوانان عزیز و قهرمان ما میگویند ما میرویم به جبهه برای شهادت و میخواهیم به هر نحو شده شهید شویم. منطبق درستی نیست. آن عزیزان بروند در جبهه‌ها برای کسب پیروزی اسلام به کفر، کشتی اگر در فتن بدست آوردن چنین پیروزی عظیمی شهید شدند، آن موقع به فوز عظیم و سعادت ابدی نیز قائل شده‌اند."

هز روحانی برآبر

۲۰۰ تانک است

حجت‌الاسلام مصباحی در رابطه با تأثیر شرکت روحانیون در جبهه‌ها گفت: "به ما گفته‌اند که حضور روحانیون در هر واحد

شتر، نکرد. ناگفته نماند چندی پیش امام جماران گفت: "منافقین میگویند قانون دست زدن قانون اسلامی نیست، حال آنکه در قرآن صریحا از دست زدن گفتگو شده است."

...

رادیو قرآن:

کمبودهای مردم کم‌کم

برطرف می‌شود!

رادیو قرآن برای اولین بار با پیام خامنه‌ای شروع بکار کرد. ابظمی، سرپرست رادیو قرآن گفت این رادیو فعلا سه ساعت در روز برنامه دارد. در ۲/۵ ساعت اول ۵۵ درصد قرائت خوب خارجی، ۵۰ درصد بقیه قرائت درجه یک ایرانی اجرا میشود و نیم ساعت باقیمانده برنامه، قرآن از ابتدا خوانده میشود!

...

خواهد شد. در شناسنامه‌های جدید در صفحه پنجم آن ۳۰ خانه مربعی وجود دارد که برای ۳۰ دوره انتخابات در نظر گرفته شده است. در صفحه آخر دو قسمت برای علل فساد و شهادت در نظر گرفته شده. با اجرای این طرح جدید، دولت‌کنترل بیشتری روی مردم جهت شرکت کردن در انتخابات خواهد داشت. شهادت از مزایای بیشتری برخوردار خواهد بود.

در مجلس چه می‌گذرد

وقتی میرحسین موسوی، نخست‌وزیر بودجه سال ۶۲ را به مجلس معرفی می‌کرد و یکی از اختیارات برجسته بودجه سال ۶۲ را توازن نسبی درآمدها و هزینه‌ها دانست و این را نشانه‌ای از ثبات اقتصادی جمهوری اسلامی اعلام کرد، هنوز کاملاً مشخص نبود که گویا کفگیر بودجه جمهوری اسلامی به ته‌دیگ خورده و بودجه ۶۲ با رقمی در حدود ۱۵ - میلیارد تومان کسر بوده مواجه شده است. در این رابطه غلامعلی شهرکی یکی از نمایندگان مجلس اظهار داشت هزینه‌هایی که باعث ارائه متمم کسر بودجه شده غیرقابل اجتناب است. در قسمت بنیاد امور مهاجرین جنگ اعتباری در نظر گرفته شده بود که معادل آن اعتبار هزینه نشده است. اطلاع داریم که مهاجرین جنگی با توجه به ادامه جنگ روز به روز تعدادشان تغییر میکند و مشکلاتی ایجاد میکند، همچون مشکلی که باعث شد در راه آهن یکی دو ماه حقوق کارگران و کارمندان پرداخت نشود، ناشی از این بود که هزینه‌های جاری را خیلی کم در نظر گرفته بودند. در نتیجه با این مشکل، تاخیر در پرداخت روبرو شدیم و بالاخره مسئله جنگ که اگر این جنگ ۱۰ میلیارد تومان هم هزینه نیاز داشته باشد، ما نمیتوانیم آنرا به علت نداشتن بودجه تعطیل کنیم، لذا من با تصویب این لایحه موافقم.

در همین رابطه ساوچی بعنوان اعتراض گفت: "آیا مجریان محترم از نظر شرعی و قانونی مجاز نیستند که پا را فراتر بگذارند، چرا بودجه‌ای که مجلس تصویب کرده از حدود آن تجاوز کرده‌اند، با توجه به اینکه ما درآمدی که بتواند این هزینه‌ها و طرح‌های اضافی از آن را جبران بکند، املا نداریم.

اما غلامحسین نادری یکی دیگر از نمایندگان این کسری بودجه را طور دیگری مطرح میکند. نامبرده در همین رابطه میگوید: "هنگامیکه ما در باره بودجه ۶۲ نسبت به درآمدها بحث می‌کردیم، دقیقاً مشخص

بود که این بودجه بیش از یک هزار میلیارد ریال کسری دارد، تنها نشان داده نمی‌شد. وقتی او یک جلسه تشکیل داد و قیمت نفت را کاهش داد ما متذکر شدیم اگر بنا باشد ما یک رقمی از نفت را که در بودجه نشان می‌گذاریم وصول نشود و در مقابل آن هزینه بپردازیم این هزینه‌ها چه جاری باشد چه عمرانی بیخ ریش مان مانده است، هیچ دلیلی ندارد که ما بعنوان درآمد کاذب در بودجه در مقابل آن هزینه بپردازیم و در آخر سر دچار کمبود بودجه شویم. وقتی بودجه نسبت و درآمدی حاصل نشده نباید تعهدات سنگینی ایجاد شود."

کا هش تولید

بنا بر گزارش کیهان، سطح کشت آبی گندم در استان اصفهان در سال جاری به میزان ۶ درصد، کشت دیم گندم و جو بیش از ۶ درصد و چغندر قند ۴ درصد نسبت به سال قبل کاهش داشته است.

اظهار رضایت

بر اساس آمار منتشره، عادات سوخت به ایران بنا بر گزارش روزنامه سوئدی سونگا داگ بلادت، طی ماه‌های نوامبر - ژانویه سال ۱۹۸۳ به میزان ۲۲۲ درصد و ارزش ۲۸۵۵ میلیون کرون افزایش یافته است. معاون وزارت خارجه و مشاور نخست‌وزیر سوئد طی ملاقاتی با ولایتی اظهار داشت که برنامه ۵ ساله اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مورد تحسین مقامات سوئدی قرار گرفته است.

(کا روان یوم الله)

آموزش و پرورش استان تهران اعلام کرد که "کاروان یوم الله" را تشکیل میدهد. کاروان مزبور مرکب از دانش آموزان نمونه، مربیان و معلمان برای زیارت سرزمین خون و شهادت جبهه‌های اسلام و دیدار با سربازان امام زمان و بازدید از فتوحات سپاه اسلام تشکیل میشود."

نظرخواهی

در باره قانون کار به گفته دست‌اندرکاران مسائل اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی، تدوین قانون کار بر مبنای عدالت‌خواهی اسلامی و در چهارچوب پاره‌ای از عقود و احکام اسلامی مشخص و معین گردیده است. به گفته آنان در این قانون جدید سعی شده نهایت

حمایت از کارگران بشود. در همین زمینه قدرت‌الله آزاد از کارخانه برده‌ساف میگوید: "قبلاً هر کارگر ۱۲ ساله یک‌کارگر مستقل بحساب می‌آمد و هر گونه مزایای کارگری به او تعلق می‌گرفت، حالا بموجب این قانون جدید کارگر ۱۲ ساله بعنوان کارآموز از مزایای کمتری برخوردار خواهد بود." وی سپس اضافه می‌کند: "چرا دست‌اندرکاران در تنظیم این قانون نظرات کارگران کارخانه‌ها را در نظر نگرفته‌اند." حسین باقری، کارگر دیگر در همین رابطه میگوید: "در ازای هر سال کسار پرداخت یک روز حقوق در زمان بارشستگی با توجه به تورم و هزینه سنگین زندگی برای یک کارگر کافی نیست." علی یوسفی یکی دیگر از کارگران میگوید: "در قانون قبلی مدت استراحت بعد از زایمان ۹۰ روز بود حال آنکه قانون جدید این مدت را ۷۵ روز در نظر گرفته." نامبرده نسبت به شورای مشورتی مندرج در قانون جدید، ضمن اعتراض اضافه می‌کند: "کارگران شوراهای مشارکتی میخواهند نه مشورتی."

سرسام آور است

بنا بر گزارش روزنامه کیهان، هزینه پزشکی در ایران سرسام آور است. بنا بر همین گزارش هزینه عمل جراحی و بستری شدن در بیمارستان‌های خصوصی که از نظر دکتر و وسائل و امکانات از وضع بستری نسبت به بیمارستان‌های دولتی برخوردار هستند، پرداخت هزینه یک عمل جراحی لوزه با آپاندیس، معده و ... از عهده هر بیماری بر نمی‌آید. مثلاً انجام عمل آپاندیس در یک اطاق یک تخته حدود ۱۶ هزار تومان است. علاوه بر این هزینه عمل جراحی، هزینه تخت و غذا از بیمار دریافت میشود. در همین گزارش آمده است که هزینه انجام یک عمل جراحی آپاندیس و استفاده از اطاق دوتخته در بیمارستان آپادانا ۱۴ الی ۱۵ هزار تومان است. بیمارستان آریا واقع در بلوار کشاورزی برای یک عمل لوزه ۷۵۰۰ تومان دریافت میکند. اطاق خصوصی در بیمارستان سامان هشت ۷۱۰ تومان و با همراه ۹۱۰ تومان خواهد بود. در بیمارستان سجاد برای یک عمل سزارین، ۲۲ هزار تومان دریافت میکنند.

جنبش توده‌ای

مقاومت ده‌داران در مقابل موااسل رژیم: کرج - هفته اول بهمن - مأمورین اداره راه و شهرداری با تفاق عده‌ای از پاسداران به جمع‌آوری دکه‌ها و سقاط بقیه در صفحه ۱۶

عملکرد رژیم جمهوری اسلامی از نظر مردم به روایت روزنامه های رژیم

نوبتی هم که باشد نوبت خمیر دندان است!

مثل اینکه کم بودن و نبودن اجناس و وسایل زندگی در بازار نوبتی است و این بار نوبت خمیر دندان و اسکاچ ظرفشویی است چرا خمیر دندان و اسکاچ که در کشور خودمان تولید می شود در بازار پیدا نمی شود و اگر هم گریباید باقیمانی چندین برابر قیمت قبلی فروخته می شود. آخر مگر در آمد یک خانواده معمولی چقدر است که باید برای خریدن مایحتاج ضروری میلی گزاف بدهد. همچنین چرا دولت فکری برای پایان دادن به این صلهای طولانی و طویل نمی کند تا از این همه وقتی که صرف نوبست و صلهای می شود مردم بتوانند بهترین استفاده معنوی را ببرند.

حسن - رستمی

برق کلاچای و جابکسر را تامین کنید

نزدیک به هشتال است که برق معابر عمومی روستای لاسوآباد علیا و قراه حومه از کسایب بخش کلاچای خاموش شده و دانش آموزان هنگام بازگشت از کلاس درس به منزل پسین راه دچار ترس و وحشت میشوند و همچنین مردم روستای مذکور در مواقع شب به خاطر خاموشی برق معابر عمومی، با در دست داشتن فانوس به منازل یکدیگر میروند چرا که مسئولان اداره برق کلاچای و جابکسر در تامین روشنایی برق معابر عمومی روستای لاسوآباد علیا اقدام نمائند.

علینکی کشاورز

چرا باید قیمت خرما کیلویی ۳۵ و ۴۰ تومان باشد در روزنامه خواندم که خرما را برای درخت کیلویی ۴۰۰ الی ۴۰۰۰ ریال میخرند اکنون باین قیمت خرما را برای خرما باید خرما را ما در شهرها کیلویی ۳۵ الی ۴۰ تومان بخریم. خندان

گرفتنی سرسام آور قیمت پارچه
قیمت پارچه پنبه سرسام آوری بالا میبرد و معلوم نیست در کجا متوقف خواهند شد. برای خرید پارچه به فروشگاهی که در روزنامه آگهی کرده بودم حراج است. رفتم. و انعام کفایت سوت می کشد. پنجاهترین پارچه های پیراهنی بالای صد تومان. پارچه های که گسی بهتر بود بالای ۳۰۰ تومان قیمت داشت. خرک های تاوین گاهی پارچه رویوش می دهند و گاهی هم پارچه های که بیشتر به درد کتله بچه پاروشکی می خورد تاوشین. چون ندوام دارد و نازک آن ثابت است. اینطور که پیش می رود باخرش و از میری تا پیش دست اندازگان تولید و توزیع پارچه لابد درآیند نزدیک لباس هم از اقلام ظنی وژیسی خواهد شد که قطع دست محتکران به آن خواهند رسید.

مگر آوردن ده کیلو برنج آزاد نیست
طبق قبل ازجاده رست که به تهران میامدم مسئولان ۴ کیلو برنج ناشتم که دربین راه گفتم. مزاین برنج را کیلویی ۳۸ تومان خریده بودم. اما پول آنرا کیلویی ۲۲ تومان دادند. شوال اول من اینست که مگر آوردن ۱۰ کیلو برنج آزاد نیست درتانی چرا برنجی را که کیلویی ۳۸ تومان خریده بودم کیلویی ۲۲ تومان دادند. مراحلیکه فروش برنج ایرانی درتهران کیلویی ۲۲ تومان است.

فکری برای دادن شیر به اهالی شود
درحال حاضر اغلب محازها با به افرادی که فرزندکمش از دو سال دارند شیر میدهند ویا با نایید ماسجد و پزشکان به افراد بسیار. اما هستند افراد من و بچه های که احتیاج دارند به آنها نیز شیر داده شود. بهمن خاطر تقاضا داریم از شیرهایی که زیاد میماند به خانواده ها نیز داده شود. از کف های متعدد به کیهان و شما

فکری در مورد کار هن شود
دیر آموزش و پرورش هستم که بعد از خرجهی بدون حقوق چون در بیمارستان بستری نبودم اما بیمار بودم حدود یکماه و امروز از خرجهی استلاچی من قبول نشد است. پرونده من به بازسازی فرستاده شده و در مرحله و میدکی بود که این حیاتها منحل شدند. اکنون تقاضا دارم به وضع پرونده من که شوال است رسیدگی نشد رسیدگی شود. خانم دبیر منطقه

روستای ملی کنندی در حال نابودی حتمی است

سلاکندی معروف به ملی کنندی از روستاهای آذربایجان شرقی است که در حدود ۲۵ کیلومتری مشگین شهر واقع شده است. روستای مایا توجه به کمبود امکانات کشاورزی و حتی زندگی در روستا و علیرغم مشکلاتی که در روستا وجود دارد هنگام با انقلاب اسلامی پیش می رود و حتی چند شهیدی هم در جهما داشته است. عمده مسالهای که روستای ما با آن روبرو است و همین ساله هم باعث شده است اهالی مجبور به مهاجرت به شهرها بشوند کمبود آب راه. حصاب برق. بهداشت و غیره می باشد فعلا اگر مسئولین هر چه سریعتر اقدام به رفع کمبودهای این روستا انجام دهند از مهاجرت روستائیان به شهرها جلوگیری خواهد شد و آن دستای هم که فعلا به شهرها رفته اند به روستا باز خواهد گشت ما از مسئولین تقاضا داریم که به مشکل ما رسیدگی نمایند.

از طرف اهالی - عباس توخیدی

به مشکلات کشاورزان جهاد آباد ایوانکی رسیدگی کنید.

ما کشاورزان جهاد آباد ایوانکی که در زمین رسکزار مسالیت کشاورزی خود را با آب خیلی کم می گذرانیم و قبل از انقلاب شکوهمند اسلامی هیچکدام مسالک زمین نبودیم از مسالعات جمهوری اسلامی انتظار داریم که ساله دیوان سالاری را از شهر ایوانکی اگر مقدور است ریشه کن نمایند و ساله بعد اینکه کلا های سهمیه بندی شده به موقوف و مسالاده به دست مردم نسرسد و جواب سراجمین به بهشتداری هم شد انقلاب است و همچنین مردم را نوی خیابان به دستور اشخاصی کنگ نزنند و فعاشی نکند و خیلی گرفتاریهای دیگر موجود است که ما از مسئولین تقاضای رسیدگی عاجل داریم.

مدعی از کشاورزان جهاد آباد ایوانکی

بازنشسته ها با این حقوق کم چه کنند
کارمند بازنشسته با سرعالت هستم که حقوق بازنشستگیام به هیچ عنوان تکافوی مخارجم را نمیدهد و بهمن خاطر چون ساکن سمدج هستم یک عمارت با قرض باز کرده ام اما شهرتاری من جواز نمی دهد. از مقامات مسئول دولت جمهوری اسلامی تقاضا دارم اینکه قوانین طاغوتی را لغو نمایند و قرضی بدهند که اگر کسی خواست هزینه زندگی افراد تحت تکفل خود را تامین کند قادر به این کار باشد. یک بازنشسته سمدجی

تقاضا از مقامات مسئول
رأئیده از کار افتاده شرکت واحیستم که پاداشتن ۲۵ سال سابقه رانندگی پایه یکم در شرکت واحد انجام وظیفه میگردم. اکنون با سرعالت باحیانه ۱۹۰۰۰ تومان مستمری دریافت میکنم و مستاجر هم هستم و صاحبانه هر مبراهندید به تقاضی می کند. از مسئولان امر تقاضا دارم فکری بحال مستمری بگیرانی نظیر من برای افزایش مستمری و تامین میکن آمان بکنند. رأئیده مستمری بگیر حرکتی واحد

تور پر خاطره جزیره کیش

اقامت در هتل لوکس شایان (حرکت شنبه و سه شنبه هر هفته)

دیدنیها: کاخهای جزیره - کشتی یونانی - کاخ بی نظیر صنایع دریایی - کاخ اکواریم اسکله های جدید و قدیم - بازار فرانسه - دسکده و بازار سفین - رستوران جرینا تفریحات و سرگرمی: استفاده از دریا و شنا در سواحل زیبای کیش - تاسیسات ورزشی از قبیل: تنیس - اسنچر - قایقرانی و غیره - نمایش ۷ فیلم سینمایی در هتل سرگرمی کودکان و نوجوانان: پارکبازی برای کودکان - تی وی گیم - بیگبگ فوتبال دستی - شنا و نمایش فیلمهای کارتون بطریقه ویدئو سانترال

و دهها برنامه فوق العاده دیگر در هوای دلپذیر کیش

آژانس هواپیمایی پارس

خیابان ولیعصر - استاد مطهری شماره ۴۳ - تلفن: ۸۹۷۹۵۵ - ۸۹۷۹۶۸

۱۹



آمریکای لاتین نیکاراگوئه

هفته نامه گاردین - آمریکا
دولت انقلابی نیکاراگوئه روز ۲ مارس با
فرستادن نامه ای به جرج شولتز وزیر امور -
خارجه آمریکا اعتراض خود را در رابطه با
ممنوعیت گذاری در بنادر تلاتیک و پاسیفیک در -
شهر ال بولفیک از شهرهای بندری نیکاراگوئه
اعلام نمود. این ممنوعیت ها از جانب دولت های
نی که از جانب امپریالیسم آمریکا، دولت های
هندوراس و کوستاریکا حمایت میشوند در این
بنادر کار گذاشته شده بودند. در این نامه
اعتراضی آمده است که تا زمانی که کانتراس
(یکی از مخالفین رژیم ساندینیستا) از -
جانب سازمان سیا حمایت مالی میشود ما هر -
گونه خرابکاری در این بنادر را از جانب
آمریکا می بینیم. کانتراس روز ۲۹ فوریه اعلام
کرد که مینه را در نواحی آبی نیکاراگوئه
کار گذاشته اند، که در همین رابطه یک قایق
ماهیگیری هفته قبل از آن در اثر امواج تپا -
مین غرق شد.

بدنبال اظهارهای پی در پی دولت انقلابی
نیکاراگوئه مبنی بر کارگذاری مین در بنادر
آبی این کشور، در اوایل آوریل چندین کشتی
حاوی مواد غذایی و دارو در اثر امواج تپا -
مین ها غرق شدند، این مسئله که از یکطرف
موجب برانگیخته شدن هرچه بیشتر خشم و نفرت
مردم نیکاراگوئه نسبت به امپریالیسم -
آمریکا است، از طرف دیگر تظاهرات درونسی
هیئت حاکمه امپریالیسم آمریکا را بخصوص با
نزدیک شدن انتخابات رئیس جمهوری به -
جناح دمکراتها و جمهوریخواهان به اوج خود
رسانیده، با در حال است که هفته قبل

از آن سنای آمریکا مبلغ ۲۲ میلیون دلار کمک
برای غذای انقلابیون نیکاراگوئه ای را -
تأمین رسانید.

کلمبیا

بحران اقتصادی موجود در کلمبیا که منجر
به بیکار شدن میلیونها کارگر و دهقان شده است
مشکلات سیاسی زیادی را برای دولت محافظه -
کار بلیسستار ریویوتا کورت (Belisario
Betan Court) فراهم کرده است. در اوایل
ماه مارس حمله ناگهانی چریکها به یکی از
مراکز نظامی در شهر فلورنسیا و مقابلت با
نیروهای نظامی که منجر به کشته شدن ۲۲ تن
از مردم گردید، زمینه های ناراحتی مردم از
رژیم این کشور و رشد سازمانهای چریکی در -
کلمبیا را بیش از پیش فراهم نموده است. حمله
چریکها به این شهر در رابطه با برهم زدن برگزاری
انتخابات محلی بود که بنا به گزارش مطبوعه -
مات کلمبیا ۷۵٪ از کسانی که واجد شرایط -
رای دادن بودند از رفتن به صندوقهای رای
امتناع ورزیده بودند.

در اوایل ماه مارس حدود ۱۰ تن از -
چریکهای کلمبیایی با استفاده از اتوبوس
های عمومی به یک زندان در جنگل حمله کرده،
زندان را به اشغال خود درآوردند و سپس
۱۲۵ تن از همزمان خود را آزاد ساختند و پس از
مصادره سلاحهای زندانبانان در جنگل عقب
نشینی کردند.

برزیل

لوموند - فرانسه، چندین هزار دهقان
گرسنه در روز ۱۰ فوریه به مرکز مواد غذایی
در ایالت "کائرا" واقع در شمال شرقی برزیل
حمله کردند. در ایالت کائرا حدود ۱۰۰ هزار تن

که خشکالی مانع کشت و زرع شده است در
۴۰۰۰۰ تن مواد غذایی پلیس دهقانان را سرکوب
کرده است ولی در "واژراگراندا" حدود یک هزار
نفر از دهقانان توانسته اند وارد یک شرکت
تعاونی شوند و حدود ۲۰۰ تن لوبیا و برنج را -
مصادره نمایند. در جای دیگر دهقانان بسته
انبار مواد غذایی "کمیشه دماغ" حمله کرده اند
و حدود ۱۵۰ تن مواد غذایی مصادره کردند، این
مواد از مهمترین مصادره های چند سال اخیر
بوده اند.

اروگوئه

دهقانان از مادران و خانواده های زندانبانان
سیاسی در خیابانهای منتهویدشو به منظور
آزاد ساختن ۹۰۰۰ زندانی زن و مرد که در ظرف
چند ماه گذشته در زندانبانهای این کشور اسیر
میشدند دست به تظاهرات زدند. ناراحتی
های عمومی مردم نسبت به رژیم فاشیستی
ازوگوئه و دشمنی و کینه آنان روز به روز -
افزایش مییابد. دولت نظامی در چند ماه
گذشته با غیر قانونی اعلام کردن چندین
اتحادیه کارگری، بستن مطبوعات و تفتیش
عقاید و بازداشتگری تعدادی زیاد از مردم نقد
جلوگیری از اعتراضات گزوده ای را داشته است
با این وجود مردم به خیابانها ریخته و با
شعارهایی از قبیل "اینها سرنگون خواهند شد"
به مبارزات خود ادامه میدهند.

اکوادور

در اوایل ماه مارس کارگران منابع نفت
اکوادور، در دو شهر صنعتی این کشور یعنی
"ناپو" و "اسمرادا" دست به اعتصابات
گسترده ای زدند. دولت اسوادا هوردا دو" به
معترضین این غیر دستور نظامی کردن، این
دو منطقه نفتی را مصادر کرد، تا بدینوسیله
اعتصاب کارگران را سرکوب نماید. بنا به گزارش
مطبوعات در زد و خوردی که بین ماموران -
انتظامی و کارگران نفت صورت گرفت ۵ تن از
افراد ماموری و ۵ تن از سربازان زخمی شدند.
با این وجود کارگران نفت موفق شدند که
سربازان را در نواحی نفت خیز خلع سلاح
نمایند.

شیلی

لوموند - فرانسه، در شب ۲۹ فوریه تا
۱ مارس حدود ۵۰ انفجار مختلف در تاسیسات
برق سانتیاگو و کنسپسیون رخ داد. به این
ترتیب برق دوشهر قطع شد. پلیس در کنسپسیون
حدود ۵۰ نفر را بازداشت کرده است. در شهر
والپارایسون نیز در پی انفجار پمپ برق شهر قطع
شد. این سری عملیات همزمان با ورود پیشرو



هلیکوپتر نظامی آمریکایی در قلمرو نیکاراگوئه توسط انقلابیون
این کشور سرنگون شده است. آمریکا مدعی شده است که این هلیکوپتر
تصادفاً وارد قلمرو نیکاراگوئه شده بود.

به شهرمانتیاگو صورت گرفت. در روز ۲۶ فوریه
تظاهراتی بر ضد دولت صورت گرفته است که طی
آن ۲۶ نفر منجمه رودولفو سگوشل رهبر
سندیکا های کارگری شیلی دستگیر شده اند.

جزایر کاراشیب

جمهوری دومینیک: در دو تظاهرات گوناگون
مدها تن از زنان کارگر با حمل نمودن یک
طرفه منظر نشان دادن از دیادگرستی در
کشور و واسطه ماریس در دو شهر سان تودومینیکو
پایتخت این کشور دست به تظاهرات زدند.
تظاهرکنندگان خواهان پایین آمدن قیمت
مواد غذایی و بالابردن دستمزد ها بودند. دومین
تظاهرات بر علیه کرسنگی از جانب فدراسیون
کارگری که جمعیت زیادی را با خود به خیابانها
کشاند ترتیب داده شده بود. این تظاهرات
نیز همانا اولی بر علیه بالابودن قیمت
مواد غذایی از جانب هزاران تن از زنان و
مردان کارگرانجام گرفته بود. در این
اعتراضات اتحادیه های کارگری سازمانهای
اشغال، دولت را تهدید کردند که اگر تا ظرف
۲۴ ساعت در جهت خواسته هایشان اقدامی نشود
دست به اعتصاب سرتاسری خواهند زد.

جمهوری دومینیک

در پی دستگیری هزاران دانشجویی که بر
علیه سیاستهای دولت و تحمیل سیاستهای
استعمارگران صندوق بین المللی پول در
اواخر ماه مارس صورت گرفته صدها هزار دانشجو
و محصل دیگر در خیابانهای شهر سان تودومینیکو،
بانی، اسرناز و سانفرانسسکو دی مارکوئیز
دست به اعتراضات گسترده ای زدند. در دو
خوردهائی که بین پلیس و دانشجویان رخ داد
پلیس با استفاده از گاز اشک آور تظاهرات
کنندگان را وادار به عقب نشینی کرد. یکی از
سازماندهندگان این تظاهرات (FED)
فدراسیون دانشجویان دومینیک بود. فدراسیون
مزبور به همراه یکی از فدراسیون بزرگ کارگری
در حوادث اخیر نقش اساسی را در دانشگاه به
منظور محکوم ساختن همکاری صندوق بین المللی
پول و دولت ایفا نمود.

گرانادا

لوموند- فرانسه ۲۲ فوریه گزارش داد،
کندریک رادیکس، وزیر رفاه اجتماعی در دولت
مورین بیشاپ اعلام کرد که اعضای جنبش
"نیوجمول" (NJM) با وجود کشتلی که بر آنها
اعمال میشود، مصممند که در انتخابات آینده
شرکت کنند وی اعلام کرد که شهاج آمریکا
نتایج اقتصادی و عیمی داشته است منجمه
اینکه ۳۰۰۰ نفر کار خود را از دست داده اند.
وی گفته است که هم اکنون گرانادا تحت
اشغال و کنترل آمریکا است و نه یک دولت

آرژانتین

کشور آرژانتین که یکی از بزرگترین
تولیدکنندگان گوشت در جهان میباشد، اعلام
کرده که محدودیتهائی را در مورد تولید گوشت
در آینده نزدیک در نظر خواهد گرفت. قیمت
گوشت که در این کشور سیر صعودی دارد اکنون
بمعنوان یکی از موادیکه تنها ثروتمندان از
عده خرید آن بر می آیند، درآمده است. در
اواسط ماه مارس کمیته زنان خانه دار بر علیه
بالا رفت، قیمت گوشت و کمبود آن دست به

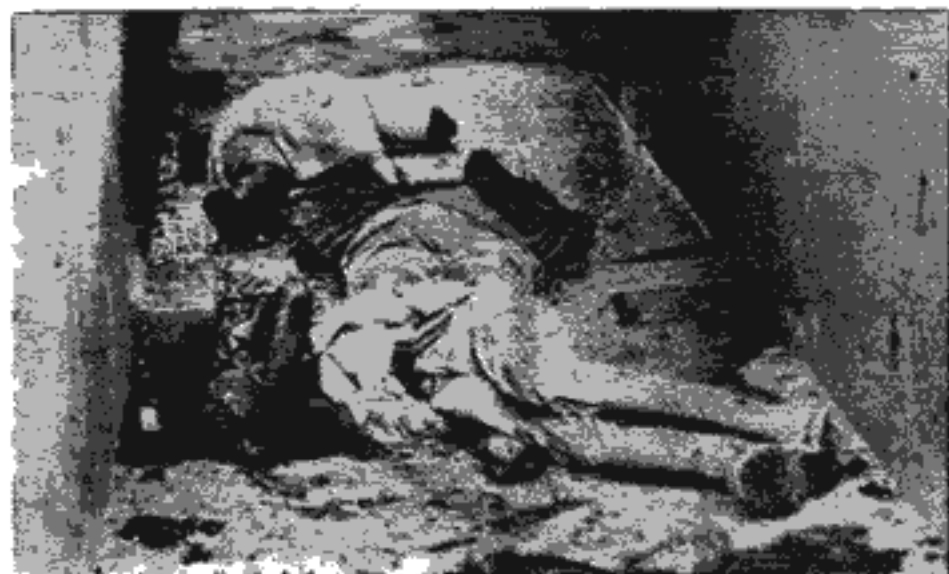


اجساد چند راهب آمریکائی که در حمایت از انقلابیون السالوادور
فعالیت داشتند که بطور وحشیانه ای مورد تجاوز و سپس کشتار و ترور است
های وابسته به رژیم السالوادور قرار گرفتند

اعتراضات گسترده ای زدند، این اعتراضات
مورد پشتیبانی وسیع مردم واقع شد. برخلاف
سایر کشورهای آمریکای لاتین که گوشت
بمعنوان یک مواد غذایی که تنها مورد استفاده
طبقات مرفه قرار میگیرد، میباشد، در آرژانتین
تولید گوشت بمعنوان یکی از صادرات این کشور
مورد استقبال بازاری جهانی بوده است.
بطوریکه سالانه میلیونها پانده گوشت به
بازارهای جهانی صادر می کنند، متلادر فوریه
گذشته ۲۵۰۰۰ تن گوشت به بازارهای جهانی
از طرف آرژانتین صادر شد. با این وجود دولت
آرژانتین که امروزه میلیونها دلار به

بانکهای امپریالیستی بدهکار است و با اقتصاد
ورشکسته ای روبرو گردیده قیمت گوشت را چندین
برابر بالابرده است.

لوموند- فرانسه، ۲۲ روز مارس
پرویا اعتصاب سراسری کارگران و زحمتکشان
که مشترکا توسط کلیه نیروهای سندیکا سی
سازماندهی شده بودند، بکلی فلج شد. در پی
این اعتصاب تظاهراتی در شهر لیما برگزار
شد که به شدت مورد سرکوب قرار گرفته دبیرکل
حزب کمونیست پرو (حزب رویزیونیست) آقای
جرج دل پرادو در اثر اصابت یک نارنجک گاز
اشک آوری به سینه اش شدیداً مجروح شد. وی در
مین حال سنا تور مجلس نیز هست. دولت برای
جلوگیری از برگزاری این اعتصاب استعفای
وزیرداری خود را پذیرفت ضمانتهای قانون
اساسی را بعد از ۳ روز غیر قابل اجرا اعلام کرد
ولی با این حال کارگران پرو مصممند
اعتصاب خود را برگزار کنند، فرماندهی متحد
سندیکا ها به دولت هشدار داده است که اگر
سیاست اقتصادی خود را تغییر ندهد مجدداً یک
اعتصاب عمومی ۴۸ ساعته و یا ۷۲ ساعته برگزار
خواهد شد.



اجساد کافرگرا تیکه در کاخ نه‌ای در نزدیکی موبوتا (موزامبیک) - توسط مزدوران رژیم آفریقای جنوبی به قتل رسیده‌اند، مه ۱۹۸۳

سیتی، کارلستی، اعلام حکومت نظامی کرد. جریان بدین ترتیب شروع شد که در سال ۱۹۸۲ یکی از پلیسهای کوبا-مقیم آمریکا جوان سیاه‌پوسته سال‌های بنام نیل جانسون را بدون دلیل بوسیله شلیک گلوله‌ای از پای انداخت. کشته شدن جوان ۲۰ ساله منجر به زد و خورد شدید پلیس و سیاهان محله شد که در این زد و خورد نیز یک جوان سیاه دیگری قتل رسید. به دنبال این مسئله پلیس شد شورش میانی با تجهیزات فراوانی به سرکوبی سیاهان این مناطق پرداختند که در نتیجه آن تعداد زیادی دستگیر و به زندان - انداخته شدند و بدینوسیله شورش تا مدت - فروکش کرد. ولی بلافاصله بعد از دو سال که دادگاه که هیئت زوری آن تمام اسفید بودند حکم نهائی را در مورد پلیس مذکور اعلام و اورا تبرئه نمود، عثم سیاهان این مناطق مجدداً به اوج خود رسید و زد و خورد شدیدی بین پلیس و مردم - رخ داد که مجدداً تعداد کثیری بوسیله پلیس دستگیر و به زندان انداخته شدند، یکی از - شاهان مینی در این مناطق اظهار می‌دارد که "آنها (پلیس) با واره شدن به مناطق ما و کشتن یکی از جوانان ما از ما می‌خواهند که خون سرد - باشیم، با اینحال ما سعی کردیم خون سردی - خودمان را حفظ کنیم، اما تا وقتی که آنها با اسلحه‌هایشان از پشت پنجره‌های ماشین‌هایشان ما را تهدید می‌کنند و با گاز اشک‌آور به مقابله با ما می‌پردازند خون مردماندن خیلی مشکلاست" پلیس از ساعت قبل از اعلام حکم دادگاه در مناطق سیاه نشین کمین کرده بودند و منطقه را کاملاً زیر نظر خود قرار داده بودند و با وجودیکه عناصر متفرقی محلی با همکاری سیاهان - در سازماندهی جریان داشتند، ولی چندان - در این امر موفق نشدند، چندی پس از این - حادثه سازمانهای دینی و دفاع از حقوق مدنی به فعالیت‌هایشان در این زمینه ادامه دادند

قدرت را در این کشور در دست گرفت. این کمیته ملی اطلاعاتی کسب قدرت خویش را که از رادیوی گینه پخش شد اعلام کرد که کلیه ارگانهای "حزب دمکراتیک گینه" و نیز "مجمع ملی خلقی" را منحل کرده است و قانون اساسی را نیز ملغی نموده است این کمیته اعلام کرد که هرگونه سازمان توده‌ای (اتحادیه زنان، جوانان و کارگران) تا اطلاع ثانوی ممنوع - میباشد. این کمیته اعلام کرده است که - خواهان ایجاد پایه های واقعی دمکراسی است و احمید سکوت را به اعمال دیگنا توری - فردی متهم کرده است تا با ارفا ارتش و ریاست جمهوری کاملاً به حزب دمکراتیک گینه وابسته بودند و فرماندهی ارتش میباشد اجباراً از - اعضای حزب انشخاب می‌شد.

موزامبیک

در روز ۲۴ مارس پلیس موزامبیک - از اعضای کنگره ملی آفریقا (ANC) که یک سازمان فدائیان را بنهاد در آفریقا جنوبی است را در مایوتو (پایتخت موزامبیک) پس از - با رجوع، بازداشت کرد. این عمل در چارچوب قرارداد عدم تجاوز میان آفریقای جنوبی و موزامبیک که طی آن دولت موزامبیک متعهد شده است که از فعالیت‌های کنگره ملی آفریقا در موزامبیک جلوگیری کند، صورت گرفته است در موزامبیک دولت آفریقای جنوبی نیز متعهد شده است که به "جنبش مقاومت ملی" که یک سازمان فدائیان در موزامبیک است هیچگونه کمکی - نکند.

آمریکا

میامی، فلوریدا - در اواخر ماه مارس شهر میامی در ایالت فلوریدا برای بار دوم صحنه زد و خورد های سیاهان با پلیس فاشیست این - شهر بود بطوریکه پلیس شهر میامی در مناطق سیاه نشین این شهر کوکونا دگرو، لیبرتی -

کره جنوبی؛ بزرگترین عملیات مشترک نظامی آمریکا و کره؛

بیش از ۲۰۰۰۰۰۰۰ سرباز آمریکایی و کره‌ای در بزرگترین عملیات مشترک نظامی که از سال ۱۹۷۶ تا بحال هر ساله انجام میگردد شرکت کردند، در این عملیات نظامی که بیشترین نیرو از آغاز شروع همکاری بین آمریکا و کره صرف آن شده است نیروهای آمریکایی درگیر بیش از ۶۰۰۰۰۰ نفر میباشد که بیشتر در قسمت شمالی سخالول (پایتخت کره) مستقر گشته اند حدود ۸۰۰۰۰ تنگدار دریایی در آبهای ژاپن مستقر میباشد که عملیاتی را بنام "عملیات واحد دریایی" انجام میدهند. قابل توضیح است که تنگداران دریایی در این منطقه مجهز به سلاحهای اتمی میباشد، علاوه بر این تجهیزات امیرالیم آمریکا به پهانه حملات احتمالی کره شمالی هرروزه ارتش نیمه میلیونی غری کره جنوبی را به وسایل جنگی مدرنتر و پیچیده تری مجهز می‌دارد تا بدینوسیله - کره جنوبی نقش ژاندارم منطقه را در آسیای شمال شرقی ایفا نماید.

چین

در روز ۲۳ مارس آقای ناکاسون رئیس - دولت ژاپن برای یک دیدار رسمی وارد پکن شد، مقامات دولت چین ضمن استقبال گرم از او سعی نمودند روی این دیدار تبلیغات گسترده‌ای صورت دهند. در مراسم استقبال به نشانه دوستی با یار تاقون بیست و یکم ۱۹۰ گلوله توپ شلیک شده است طی این دیدار یک کمیته دوستی ژاپن - چین تاقون بیست و یکم ایجاد شد. ناکاسون اعلام کرده است میان دو کشور نمیک تضاد وجود دارد و نه درگیری و آقای راتو در جواب گفته است "سو" ظن بطور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته اند" این وقایع نشان میدهند که دو کشور خواهان ایجاد ثبات و آرامش در منطقه خود میباشد دولت چین اعلام کرده است که آنها نیز متوجه خطر تهدید ۱۳۵ موشک ۲۰۰ اس اس در مرز شوروی میباشد و - معتقدند که "خطر تهدید امنیت منطقه از طرف شوروی است ولی بیش از آن از تقویت تسلیحات دوا بر قدرت بویژه در منطقه آسیا نگراناند" دولت ژاپن تصمیم گرفته است که مبلغ ۲ میلیارد دلار با بهره کم به دولت چین وام دهد. این وام میباشد در زمینه تحقیق ۷ پروژه بزرگ در بخشهای راه آهن، بندر سازی، هیدرو الکتریک مورد استفاده قرار گیرند.

آفریقا

گینه: در روز ۲ آوریل یک کمیته نظامی

چرا دولت ریگان برای تصویب کسری بودجه آمریکا تلاش می‌کند؟

در سال مالی جاری، دولت آمریکا مبلغ ۱۸۲/۷ میلیارد دلار کسر بودجه دارد. به عبارت دیگر، مبلغ ۱۸۲/۷ میلیارد دلار مخارجش بیشتر از درآمدش می‌باشد. در سال آینده کسر بودجه دولت آمریکا نزدیک به ۲۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید و طرف پنج سال آینده، طبق برآورد دولت مجموعه کسر بودجه انباشته شده آمریکا برابر با ۱ تریلیون خواهد بود. دولت آمریکا این مبلغ را هر ساله از طریق قرض از بانکها جبران خواهد کرد. اما نکته بسیار جالب در این میان سود حاصل از این کسر بودجه برای سرمایه داران و بانکداران بزرگ امپریالیستی است. در پایان سال ۱۹۸۵ بدهی دولت آمریکا به ۱/۹ تریلیون دلار خواهد رسید. روشن است که اکثر کشورهای تحت سلطه امپریالیسم به بانکهای امپریالیستی، بخصوص آمریکا بدهکارند که این بدهکاری از مرز ۷۰۰ میلیارد دلار گذشته است. حال پرسیدنی است که دولت آمریکا به چه کسانی بدهکار است؟ به سرمایه داران آمریکایی!! (بسیار ساده دولت بعنوان ابزار کار سرمایه داران انجام وظیفه میکند)

تنها بهره بدهی یکساله آمریکا، ۱۲۹/۵ میلیارد دلار میباشد. این مبلغ در سال ۱۹۸۵ به ۱۶۴/۷ میلیارد دلار خواهد رسید. یعنی سالانه هر نفر آمریکایی باید مبلغ ۶۹۰ دلار بابت بهره بدهی دولت آمریکا به سرمایه داران آمریکا پرداخت کند.

روشن است که درآمد دولت آمریکا عمدتاً از طریق مالیات داخلی و چپاول ذخایر ملی کشورهای تحت سلطه تأمین میشود. بنابراین با یک محاسبه ساده میتوان گفت که بهره ۱۲۹/۵ میلیارد دلاری بدهی دولت آمریکا را که مستقیماً به جیب بانکداران بزرگ میرود، زحمتکشان و محرومان جهان خواهند پرداخت. یعنی پرداخت کنندگان مالیات آمریکا در نهایت کسی جز کارگران

و زحمتکشان هستند. حال روشن میشود که چرا دولت مافوق ارتجاعی ریگان برای تصویب کسر بودجه در کنگره آمریکا تلاش می‌ورزد. چون تنها از همین طریق بیلینون ها دلار به جیب سرمایه داران مالی و بخش نظامی سراربر میشود و اختلاف جناحهای مختلف امپریالیسم آمریکا در کنگره و مذاکرات طولانی آنها پیرامون کسر بودجه از کجا آب می‌خورد. چون قسم هر پستکار جناحها در این میان یکسان است. جناح نظامی که دولت ریگان نمایندگی مستقیم آنهاست، برای این کسر بودجه که عمدتاً ناشی از افزایش هزینه‌های مینتاریستی و بکار انداختن صنایع نظامی است بیشترین تلاش را برای به تصویب رساندن آن که تصویب سود مافوق تصور ها رترین بخش سرمایه داری آمریکا است، بکار گرفته است. (منبع: گزارش بیست و دومین حوزه کنگره ای آمریکا، بهار ۱۹۸۴)

بقیه از صفحه ۲۴

روز زن را بیشتر می‌گذاریم که با گذشت بیش از ۵ سال از حاکمیت ننگین رژیم جمهوری اسلامی، شدیدترین تضییقات بر زنان میهنمان روا شده و تمامی حقوقشان پایمال و با انواع و اقسام لواط ارتجاعی از صحنه اجتماع رانده شده‌اند.

مروری گذرا و کوتاه بر وضع زنان زحمتکش در ایران، نمایانگر عمق زخمی است که طی سالها تحقیر و ستم دوگانه بر بیکرشان نشسته است.

در این بین و در دامنه مبارزات زنان در سراسر جهان شاهدیم که بورژوازی نیز گاه و بیگاه جهت منصرف کردن خواستها و مبارزات زنان متمدنی، صحبت از باطل حق زنان میکند، و این همه، نشانگر رشد آگاهی و مبارزات زنان و ناتوانی بورژوازی در پاسخگویی به خواستهای آنان است.

بر بستر چنین شرایطی است که وظیفه ما هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، در تجلیل و پیشبرد مبارزات زنان، در پیوند با جنبش طبقه کارگر، هرچه بیشتر و سنگین تر میشود.

رفقای کمیته زنان هوادار "سجفخا" جهت پیشبرد این مهم، با شرکت در هفته زنان شهر هامبورگ، بار دیگر حضور خود را در تمامی عرصه‌های مبارزه انبساط کردند. این مراسم با شرکت سازمانهای زنان متمدنی از کشورهای نیکارگوئه، البالدور، ترکیه، آلمان (بعلاً جریانات



فمینیستی که در برگزاری مراسم نیز نقش بسزایی داشتند) و ایران (کمیته زنان سجفخا) انجام شد.

روز پنجشنبه ۸۴/۳/۲۹ سمیناری از سوی رفقای متشکل در "کمیته زنان" جهت افشاء جنایات رژیم فداخلقی جمهوری اسلامی و تشریح وضع زنان در ایران برگزار گردید که طی ۳ ساعت بحث و بررسی و با حضور بیش از ۸۰ نفر از زنان متمدنی آلمانی توانست به نحوی شایسته پاسخگوی نیازهای افشاگرانه تبلیغی این مراسم در مورد ایران باشد. بحث عمدتاً حول

لایحه ارتجاعی قوامی جنایات رژیم، جنگ، نقش مذهب در جامعه و بطور خاص در پایمال کردن حقوق زنان و مسئله سرنگونی و آلتزنا دیوهای موجود و برنامه عمل سازمان ادامه یافت. این سمینار با نمایش اسلایدهایی در افشاء جنایات رژیم جمهوری اسلامی در کردستان، بکار خود ادامه داد. طی این مراسم، جلسات بحث، سمینار - های مختلف حول مسائل زنان و خواستهای آنان که از سوی سازمانهای متمدنی ارائه شد، توانست گوشه‌ای از ستم مضاعف بر زن را به نمایش گذارد. رفقا طی برگزاری این هفته، با ارائه نشریات و آثار سازمان به زبان آلمانی، به تبلیغ مواضع انقلابی سازمان پرداختند که مورد استقبال عسده کثیری از باز دید کنندگان قرار گرفت. به گزارش تلویزیون آلمان، طی هفته زنان هامبورگ که امسال برای چهارمین بار برگزار میشد، ۵۰۰۰ (پنج هزار) نفر از آن بازدید کردند. ضمناً بعلت گرایشات انحرافی غالب بر جریانات برگزار کننده این مراسم، ورود مردان به سالن ممنوع بود. برتوان باد مبارزه هزاران زن و مرد قهرمان که اکنون در زندانهای اوین، قزل حصار، گوهردشت و... در زیر شدیدترین شکنجه‌ها، مبارزه‌ای بی امان را تا محو هرگونه ستم و استثمار ادامه میدهند.

"کمیته زنان" سازمان دانشجویی در آلمان فدرال و برلن غربی هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (هامبورگ)



اشتباه نکنید. این تماویز
صحنه‌هایی از یک فیلم وسترن و یا
جنگ داخلی آمریکا در قرن ۱۹ نیست
اینها تماویزی از حمله پلیس فاشیست
آمریکا به تظاهرات آرام مردم در
با اصطلاح "مهد دمکراسی" در شهر
سانفرانسیسکو آمریکا است.



کاتاندا

مونیترال: بقیه از صفحه ۴۶
کمیته برگزار کننده شب‌نوروز (با
شرکت انجمن دانشجویان ایرانی، هوادار
"سپه‌ها" هواداران سازمان وحدت کمونیستی
و هواداران سازمان خودمختاری "بیتاد")
در مونیترال (کاتاندا) جشن فرارسیدن عید
نوروز را در روز جمعه ۲۳ مارس در محفل
دانشگاه کنکوریدا تحت عنوان "بهار
رحمت‌گشای خجسته‌باد" برگزار کرد.

برنامه شب‌نوروز که درآمد آن به
جنبش انقلابی خلق کرد تعلق داشت، از سوی
بیش از ۵۰ نفر از هموطنان و ملیت‌های
دیگر کشورهای خارجی و کاتاندایی استقبال
شد. این برنامه را پس از ساعت ۷ بعد از ظهر با
اعلام یک دقیقه سکوت بابت جانودان تمامی
شهادت بخون غرقه خلقهای ایران شروع
گشت. آنگاه گرداننده برنامه با عرض
خوشامدگویی و تبریک حلول سال نو به
شرکت‌کنندگان در برنامه شب‌نوروز، نظیر
آنان را با اجتماع مقاله‌ای به زبان‌های
فارسی و انگلیسی از فلسفه عید باستانی
ایرانیان و پیام کمیته "شب‌نوروز" جلب
نمود.

آنگاه بخش هنری شب‌نوروز شامل
های کوتاه حاجی فیروز، عباپن آقا کارگر،
داندگاه (محاکنه) شرعی، زندانی آزاد شده،
مباحثه کلاسیک... و ترانه سروده‌های
مترقی، رفصای محلی کردی، لری و نگلیه
شو توسط گروه هنری کمیته شب‌نوروز به اجرا
درآمد.

را با خود همراه داشت. با شروع تظاهرات
در کنار هتل هیلتون سانفرانسیسکو، افراد
سرایا مسلح پلیس سوار بر اسب، موتور -
سیکلت و پای پیاده شروع به آزار -
تظاہرکنندگان کردند. تظاہرکنندگان متقابلاً
اقدام به بستن خیابان Mason (از خیابانهای
شلوغ شهر) زده و با وجود آوردن باریکارد
و دراز کشیدن در وسط خیابان، عملاً توریسته
پلیس فاشیست را به زیر سؤال بردند.

شماره‌های کوبنده تظاهرات نشان -
باروی از رادیکالیزه شدن جو جریان‌های
است که با تمام توان بر علیه ملیتاریزم
حزب جمهوری خواه بسیج گشته‌اند. تنوع
شماره‌ها نشان دهنده همبستگی گروه‌های مختلف بر
علیه این ملیتاریزم عیان بود. عمده
شماره‌های تظاهرات ماهیت کمینجر را افشاء
نموده و خواستار خروج نیروهای نظامی
آمریکا از منطقه آمریکای مرکزی، قطع
مسابقه تبلیغاتی و پایان یافتن سیاست‌های
ملیتاریستی دولت ریگان بود.

با حمله و فشار پلیس، تظاہرکنندگان
بالاخره در محاصره پلیس افتاده و دستگیری
از حوالی ساعت ۲/۵ بعد از ظهر شروع گشت.
پلیس ضد مردمی با باتوم، مشت و لگد،
تظاہرکنندگان را که جرمی نداشتند جز
درخواست پایان سیاست‌های ارتجاعی و نظامی -
گری جناح حاکم، دستگیر کردند. تعدادی از
تظاہرکنندگان در حالیکه زخم‌های عمیقی
برداشتند بودند، اول به بیمارستان و بعد
به بازداشتگاه برده شدند.

دوشنبه ۱۶ آوریل ۱۹۸۲، سانفرانسیسکو
بر طبق گزارش خبرنگار "جهان" در
سانفرانسیسکو، در ارتباط با سخنرانی
هنری کمینجر در هتل هیلتون سانفرانسیسکو
حدود هزار تن از هواداران گروه‌های چپ
آمریکایی سازمانهای ضد جنگ و سلامتی
هستای، هواداران متشکل جنبشهای رهاشی -
بخش (از جمله هواداران FMLN - FDR -
سندینیتها و هواداران سپه‌ها) تظاهرات
وسیع در مقابل این هتل برگزار نمودند.
این تظاهرات که ساعتها بطول انجامید،
منجر به زدن خورد با پلیس ضد مردمی
سانفرانسیسکو و دستگیری نزدیک به ۲۰۰ نفر
از نیروهای مترقی گشت.

سخنرانی کمینجر، این مهره شناخته
شده و یکی از مهمترین تئوریسین‌های
معاصر سرمایه‌داری جهانی در ارتباط با
اوضاع فعلی آمریکای لاتین انجام پذیرفت.
قابل ذکر است که کمینجر اخیراً در اس -
هیئت از طرف رونالد ریگان جهت بررسی
اوضاع آمریکای مرکزی فرستاده شده بود.
جمعیتی نهائی این هیئت که در ماه ژانویه
گذشته انتشار یافت، کمک نظامی و سیاسی
هرچه بیشتر آمریکا به دول ارتجاعی منطقه
تا حد دخالت نظامی در جهت سرکوب انقلاب در
این منطقه بوده است.

تظاهرات که از یک ساعت قبل از ورود
کمینجر شروع گشت (ساعت ۱۱/۵ صبح) از
همان شروع نشانه‌هایی از برخورد با پلیس

خشم و کینه کارگرانی را به زبان آوردند که وجود منحوس رژیم جمهوری اسلامی، رژیم پاسدار سرمایه و ستم، بی عدالتی، فقر، بدبختی، خفقان، شرور و اعدام های دسته جمعی را به زور سوزیزه و سرکوب، بر آنها تحمیل کرده و بهترین فرزندان آنها را قربانی مطامع خود کرده است.

در روز ۲۵ اسفند ماه، پیشمرگان قهرمان فدائی در یک عملیات مشترک با پیشمرگان دلیر حزب دمکرات کردستان، در ساعت ۳/۳۰ دقیقه بعد از ظهر، در جاده "ماره غانی" - سردشت را در چند نقطه بطول ۲ کیلومتر تحت کنترل خود درآوردند و به تحکیم مواضع خود پرداخته، تا راس ساعت ۴ بعد از ظهر حمله به مزدوران تاسیسم جاده را آغاز نمودند و آنان را در محاصره آتش مسلسل های خود قرار دادند. مزدوران رژیم که از این حمله قافلگیرانه به هراس افتاده بودند، مواضع پیشمرگسان را، پایگاه های "گانی کیو" (گانی سیم)، "ماره غانی"، "کوله" و "پورگتی" زیر آتش شدید توپخانه و خمپاره انداز و انواع سلاح های سنگین و نیمه سنگین خود قرار دادند و دیوانه وار منطقه عملیات را به آتش بستند.

طی این عملیات ۴ تن از مزدوران رژیم به هلاکت رسیدند و ۲ نفر از آنها نیز زخمی گردیدند. یکی از آنها چشاش خود فروخته ای بنام "محمد سیری" (احمد کسیری) بود. در خلال این عملیات که بعد از ۲ ساعت ادامه داشت، پیشمرگان با قدرت تمام جنگیدند و عرصه را از همه سو بر مزدوران رژیم تنگ ساخته و خشم و کینه بر دشمنان زحمتگشان را، از لوله تفنگ هایشان در سرب گذاشته گلوله هایشان بر سینه مزدوران نشانه رفتند و بعد از چند ساعت درگیری همگی سالم به پایگاه های خود بازمی گشتند. فردای آنروز، یعنی در ۲۶ اسفند ماه نیز پیشمرگان فدائی مجدداً با همکاری پیشمرگان حزب دمکرات کردستان، جاده "ربط" - سردشت را به راهی پیرانشهر را به کنترل خود درآوردند و در ساعت ۵ بعد از ظهر مزدوران رژیم را مورد حمله شدید قرار دادند و درگیری سختی آغاز گردید و هر لحظه بر ابعاد آن افزوده شد. مزدوران رژیم سراسیمه و وحشت زده با آتش شدید خمپاره و آرپی-جی و فدا کننده هائی، سنگرها و مواضع پیشمرگان را زیر آتش گرفتند.

در طول این عملیات، سرنشینان اتومبیل هائی که از پیرانشهر عازم سردشت بودند، به نظاره نبرد قهرمانانه پیشمرگان علیه رژیم جمهوری اسلامی ایستاده بودند و از نزدیک عجز و زبونیی

و رعب و وحشت سرکوبگران و عزم و اراده فولادین فرزندان دلیر آنها مشاهده می نمودند. طی این عملیات قهرمانانه، پایگاه "قولتی" توسط یک دسته دیگر از پیشمرگان با آتش موشک های آرپی-جی و نارنجک انداز درهم کوبیده شد.

در این عملیات که تا ساعت ۷/۳۰ دقیقه بعد از ظهر ادامه داشت، ۶ تن از مزدوران رژیم به هلاکت رسیدند که دو تن از آنها سرباز و بقیه بسیجی بودند و تعدادی نیز زخمی گردیدند. بدستور فرمانده عملیات، پیشمرگان از جمع آوری غنائم خودداری نمودند و همگی سالم به مناطق آزاد شده باز گشتند.

- جاویدان باد خاطره شکوهمند شهدای اسفندماه ۶۰ و کلیه شهدای خلق - هرچه گسترده با اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی - پیروز باد جنبش انقلابی - دمکراتیک خلق کرد - سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

سازمان چریک های فدائی خلق ایران شاخه کردستان - ۲۷ اسفند ۱۳۶۲

و ارگانیک تری بین هواداران و سازمان مادر برقرار گردد. وجود این کمیته سبب شد که بسیاری از توطئه های ساخته شده توسط عناصر، گروه ها و سازمان های ضد فدائیی بموقع خنثی گردد. روشن است که نقش فعال و هدایت کننده این کمیته زمانی ممکن است که موجودیت سیاسی و مبارزاتی سازمان چریک های فدائی خلق در عرصه سیاسی جنبش ایران زنده و فعال باشد و وگرنه بسیاری از جریانات سیاسی، بجای کمیته خارج از کشور مجموعه رهبران تشکیلاتی خود را به خارج منتقل کرده اند، ولی نتوانسته اند هیچ نقش مؤثری بر جنبش خارج داشته باشند. بطوریکه این نوع جریانات حتی تحریک مبارزاتی یک سازمان هوادار را نیز ندارند و در واقع بتدریج به منافقانی بی عمل و روشنفکرانه بدل میشوند.

التماس باید یادآوری نمود که آکسیون های مبارزاتی و فعالیت های عملی تنها یک بعد حیات سیاسی هواداران سازمان در خارج از کشور را تشکیل میدهد. هواداران سازمان همواره در مبارزه ایدئولوژیک با نظرات و تشویرهای انحرافی و برنامه های رفرمیستی نیز بطور فعال شرکت کرده اند.

بقیه از صفحه ۱۲
ناخوانی آن در صورت قدرت سیاسی، "شورای ملی مقاومت" با فروپاشی قریب الوقوع روبرو خواهد شد. خروج بنی مدراز "شورا" در حقیقت اعلان شکست برنامه و سیاست های این ارگان و فروپاشی قطعی آن است.

تردیدی نیست که رهبران سازشکار مجاهدین خلق که طی مدت نزدیک به سه سال گام به گام در سجنالاب لیبیرالسم سقوط کرده اند لطافت چیران ناپذیری به انقلاب ایران وارد آورده اند، سازش تلاش خواهند کرد تا شاید این موجود محتفراکه حامل سازش بدو است آنها را بورژوازی است حفظ کنند و حتی از طریق به اصطلاح چپ هاشیکه ممکن است سر خود نام مارکسیست نیز گذاشته باشند، اما جز لیبیرالهای وامانده و بی مقدار چیز دیگری نیستند برای خود وجهه ای کسب کنند و شکست سیاست های سازشکارانه خود را پرده بوشی کنند. اما انقلاب ماهیت تمام اعیال و رفتار آنها را فاش و برملا نموده است. تاریخ دست برد بر سینه آنها زده است و دیگر نموده مردم هرگز به آنها اجازه نخواهد داد که بنام انقلاب و خلق علیه انقلاب و خلق گام بردارند.

رشد فزاینده های درونی "شورای ملی مقاومت"، کناره گیری بنی مدراز "شورا" و طبعیه های فروپاشی قطعی آن یکا ردیگر این حقیقت مسلم را به اثبات رساند که در شرایط کنونی هرگونه راه حل های سینا جینی، سازشکارانه و رفرمیستی با شکست قطعی روبرو است. با قدا انقلاب متمرکز با قطعیت انقلاب. با قاطعیت انقلابی پرولتری با قاطعیت فدا انقلابی بورژوازی. این است راهی که در برابر انقلاب ایران قرار دارد. شکست "شورای ملی مقاومت" بهمانه یک آلترنا تیفو قطعی است. تنها یک آلترنا تیفو آخیم آلترنا تیفو پرولتری قادر است نجات بخش انقلاب و پیروزی قطعی آن باشد. هر نیرویی نیز که بخواهد نام انقلابی و دمکرات بر خود بگذارد باید به رهبری طبقه کارگر در انقلاب تمکین کند و برنامه حداقل پرولتاریا را در انقلاب دمکراتیک بپذیرد.

اگر اندک راه نجاتی نیز برای سازمان مجاهدین خلق وجود داشته باشد، گسست قطعی از بورژوازی، دست برداشتن از خموت و دشمنی با طبقه کارگر ایران و مظهر آگاه این طبقه یعنی سازمان چریک های فدائی خلق ایران و پذیرش برنامه حداقل پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک ایران. عزاین هیچ راه نجاتی برای آنها وجود نخواهد داشت.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق
تا بودا دامبرالیم جهاتی سرگردگی امبرالیم آمریکا و پایگاه داخلی
سازمان چریک های فدائی خلق ایران

جنبش سوسیال دمکراسی

توضیح

۹ کمونیستی ایران



مقاله حاضر در سه بخش در "جهان" درج میگردد. بخش اول به بررسی شرایط مبنی رشد و تکوین جنبش کارگری ایران میپردازد بخش دوم چگونگی تشکیل و عملکرد گروه اجتماعیون - عامیون (سوسیال دمکراسی)، پیدایش حزب کمونیست ایران و ... تا سال ۱۳۱۰ میپردازد. در بخش دوم جنبش کارگری ایران در سالهای ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ مورد مطالعه و بررسی قرار خواهد گرفت.

(بخش اول)

برچم سرخ را همواره و همواره خواهی دید
با عشق یا نفرت - بر حسب جایگاهت در این پیکار
زیرا که با یابی نیست
بجز پیروزی قاطع ما در همه شهرها و همه کشورها
هرجا که کارگری هست

"برتولت برشت"

امروزه در شرایطی بسر میبریم که جریانات کمونیستی و کارگری در ایران بعنوان یک رکن اساسی از نیروهای سیاسی در سطح جامعه موجودند. در ایران، جنبش کمونیستی مسیری پربینج و خم، گاهی با پیروزی و گاهی با شکست طی کرده است. از نظر تاریخی جنبش کمونیستی در بعضی دورانها به نسبت بعضی دیگر از دورانها کمتر مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. بعنوان مثال اگر در مورد حزب توده و چگونگی عملکردهایش مقالات و رسالات زیادی نوشته شده است در عوض در مورد عملکرد حزب کمونیست در سالهای ماقبل ۱۹۲۰ میلادی تحقیقات خیلی کمتری شده است. بدین لحاظ هدف این مقاله، گذری تاریخی و تحلیلی با توجه به منابع موجود در دسترس به جنبش کمونیستی و سوسیال دمکراسی ایران از آغاز پیدایش تا تشکیل حزب توده ایران در سال ۱۳۲۰ شمسی میباشد.

■ ■ ■

در اوائل قرون وسطی ایران بعنوان یکی از کشورهای پیشرفته دنیا دارای ذخایر غنی از نظر علمی و دارای دانشمندان و متفکران فراوان بود. بعد از حملات مغولان و تیموریان و تخریب دستاوردهای تولیدی و تکنیکی همراه با کشتار مردم و وارد کردن صدمه به پروسه تکامل نیروهای مولده جامعه برای مدتی نسبتاً طولانی، حرکت پویای موجود از دست رفته و پیشرفت علوم و فنون در آن نسبت به سایر کشورهای جهان بخصوص تعدادی از کشورهای اروپائی به تاخیر افتاد. بعدها نیز که ایران توانست خود را از یوغ مغولان و تیموریان خلاص کند، دچار استعمارزدگی دنیای جدید یعنی اروپا گردید. نتایج منفی آن دوران از قبیل کمبود آگاهی، کمی پیشرفت، نالایقی حکمرانان و امیران و غیره دست به دست هم داده و باعث شدند که کشور ایران بعنوان کشوری تحت سلطه و در دوران ماقبل سرمایه داری باقی بماند و این در شرایطی بود که در اروپا مراحل انقلابات بورژوازی با گامهای نیرومند به پیش میرفتند. در دوران صفویان پای خارجیان برای غارت و تغذیه ماشین تازه بکار افتاده کشورهای سرمایه داری باز شد و در پروسه ای نسبتاً کوتاه تا اواخر دوران فتحعلیشاه قاجار، ایران به کل به زیر سیطره روسیه تزاری و انگلیس درآمد. بدنبال رشد تکنولوژی و گسترش طبقه بورژوازی در غرب،

پیدایش جنبشهای توده ای عمدتاً و در کنار آن رشد تسمی خواسته های سیاسی - اجتماعی بورژوازی ملی ایران، و پیدایش جریانات روشنفکری و مترقی، بعد از روی کار آمدن ناصرالدین شاه قاجار آغاز شدند که در تداوم خود به انقلاب نیمه کاره مشروطیت انجامید. خیزشهای اجتماعی از قبیل جنبش بابیان و تنباکوسو و پیدایش افراد مترقی مانند شیخ احمد روحی و میرزا آقا خان کرمانی و دیگران خود دلیلی است بر آگاه شدن ایرانیان به حقوق اجتماعی و سیاسی خود هرچند به شکل محدود. به قول باقر مومنی: "بالاخره در اثر تکنیک جدید، رقابت سرمایه داران اروپائی و نفوذ طرز تفکر مخصوص بورژوازی، تحولات و افکار نوینی که سابقاً موجود نبود و نمیتوانست باشد از قبیل آزادی - خواهی (یعنی آزادی برای تجارت)، مساوات طلبی (یعنی تساوی با اشراف و اعیان در امتیازات قانونی و استفاده از آن امتیازات)، تمرکز جوشی (یعنی تبعیت از یک حکومت مرکزی و ایجاد امنیت برای تسهیل امور بازرگانی)، وطن پرستی (یعنی مقابله بازرگانی داخلی با سرمایه داری خارجی) و بالاخره طرفداری از انقلاب (یعنی گرفتن حکومت از دست فئودالها به نفع سرمایه داری داخلی) بوجود می آید و توسعه و نفوذ می یابد. باید دانست که این کودک نوزاد در زیر عباي دراز آخوندان و دامن قباي طبقه متوسط محافظه کار پرورده میشود و در مراحل اولیه گاهی که سر از پرده برون میکند، چهره اش رنگ مذهبی

تمام ایران بیش از ۷۱ هزار ویزای مهاجرت برای ایرانیان صادر شد. علاوه بر این باید یادآور شد که بسیاری بدون اجازه رسمی دولت تزاری از روی استحصال، بطور غیرقانونی از مرزها می‌گذشتند و ناگزیر در شرایط بدتری استخدام میشدند. گفتنی است که تعداد روستائیان بیشتر بود، لذا کارگران غیر ماهر اکثریت دهم مهاجران را تشکیل میدادند.^{۶۰}



در روسیه بخاطر بنا لا گرفتن جنبش کارگری و مقاومت کارگران روسی، کارفرمایان دست به تاختنیک استفاده از مهاجرین فقیر در عوض کارگران خودی میزدند. آنها با سوءاستفاده از فقر بیش از حد این مهاجرین نه تنها در مقابل کارگران مبارز بومی ایستاده، بلکه پولی کمتر هم بابت فرد می‌پرداختند. وضع رقت بار و زندگی بخور و شعیر ایرانیان مهاجر که پس از طی مدها کیلومتر به پای پیاده می‌نایست از دسترنج ناچیز خود بهای تکه نانی را هم پس انداز کنند و برای خانواده چشم براه خود بفرستند، طوری بود که به هر کاری تحت هر اوضاع و احوالی تن درمیدادند و بدین جهت مورد سوءاستفاده کارفرمایان قرار میگرفتند. ازجمله، بهنگام استخدام کارگران ایرانی از آنان می‌خواستند به قرآن قسم یاد کنند که به عضویت هیچ اتحادیه کارگری درنیایند. پس، از کارگران ایرانی توقع میرفت که نه تنها در اعتمالات کارگری این مناطق شرکت نکنند، بلکه عندالزوم بعنوان انتخابشکن نیز علیه برادران غیر ایرانی خود وارد عمل شوند. بنابر مقاله‌ای که یکی از فعالین حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه در اوائل ده کثونی تحت عنوان "حوادث ایران و بازار کار در باکو" نوشت: "ارتش بیکارانی که وضعیت اقتصادی کارگران باکو را تهدید میکند عمدتاً از کارگران مهاجر ایرانی تشکیل شده است. وی می‌افزاید که اینان نه تنها به سازماندهی کم‌روی می‌آورند، بلکه از نظر آگاهی نیز

دارد، ولی هر چه از کتاب‌شده‌ها بیشتر درس می‌خواند قیافه جدیدی بخود می‌گیرد تا آنجا که از چراغ کشی شیخ احمد آخانی به شنگ‌داری منتار خان میرسد."^{۶۱}

در نیمه دوم قرن نوزدهم در داخل ایران بعلمت خلفان و استبداد شدید دولت قاجاریه جلو هر پیشرفت علمی و فرهنگی در جامعه سد شده بود. اما افکار شرقی و آگاهگرانه از اروپا و روسیه بشوسط نویسندگان و محققین ایرانی که اکثراً در خارج از ایران ساکن بودند به درون کشور رسوخ داده میشد. روزنامه‌های ایرانی زبانی که در خارج چاپ میشدند سراسر انبیاخته از مطالب جدیدی بوده و نقشی بزرگ در بیداری توده‌ها داشتند. اولین روزنامه‌ای که در این زمینه موشر واقع گردید، روزنامه "اختر" (چاپ استانبول) بود که به مدیریت محمد طاهر قزوینی در سال ۱۲۹۲ هجری قمری (۱۸۷۵ میلادی) در استانبول منتشر شد. در این روزنامه، نویسندگانی چون شیخ احمد روحی و میرزا احمد روحی و میرزا آقا خان کرمانی مطلب می‌نوشتند و علیرغم متنوع بودنش در ایران بدست علاقمندان میرسید. این روزنامه ماهیستی ضد استعماری داشت. طبق گفته گسروی این روزنامه در مورد معاهده تنباکو مردم را روشن کرد. دیگری روزنامه "قاسم‌پور" بود که در سال ۱۳۰۷ هجری قمری (۱۸۹۰) توسط میرزا ملکم خاں ناظم الدوله در لندن منتشر شد. روزنامه قانون چکیده افکار لیبرالی ملکم خاں بود و در آن حملات شدیدی به دربار و سیستم فئودالی ایران میشد. "حیل المنین" روزنامه دیگری بود که از سال ۱۳۱۱ هجری قمری (۱۸۹۳) بشوسط سید جلال الدین کاشانی (موبدالاسلام) در شهر کلکته منتشر میشد. اولین نطفه‌های جریانات سوسیالیستی در این دوران پدیدار شدند. قدیمی‌ترین سند مکتبی که از تاریخ سوسیالیسم معاصر در ایران تا کنون ضمن پژوهش‌های خود بدان دست‌یافته‌ایم مقاله‌ای است که روزنامه "ایران" در شماره ۴۱۲ مورخه ۸ مارس ۱۸۸۰ به نقل از روزنامه "اختر" چاپ استانبول درج کرده است. "۳ در بخش‌هایی از این مقاله در مورد نظرات سوسیالیستی و کمونیستی چنین نوشته شده بود: "گروه نهیلیست و سوسیالیست که در محافل اخبار نوشتنیه میشود، طایفه هستند که روز بروز ترقی در رواج دادن مقاصد خودشان می‌نمایند و چنانکه دیده میشود آنان از اهل (اباحه) هستند و آنان بقدر بیست سال میشود که در جمیع اروپ منتشر شده‌اند. "۴ ... این گروه از اجرای مقاصد دست‌شکیده، آهسته آهسته در اطراف ممالک اروپا منتشر شده، تخم خیالات خودشانرا کاشتند و آنان در روستاها بیشتر از همه جا کار میکنند."۵ نظرات مارکسیستی اساساً از طریق ایرانیانی که به خارج از مرزها رفته بودند به داخل رسوخ داده میشدند، بطور اخص از طریق روسیه بوسیله مهاجران ایرانی.

بعلمت مشکلات مالی بیش از حد و استبداد و زور و ظلم فراوان حکام قاجاریه، مردم، بخصوص کسبه خرده فروش و دهقانان مجبور به ترک خانه و گاشانه خود در جستجوی یافتن کاری، آواره کشورهای هم‌جوار میگرددند. بنابر آمار استخراجی مؤرخان شوروی از آرشیه‌های روسیه تزاری، از سال ۱۸۴۵ به بعد هزاران مهاجر ایرانی پای پیاده از نقاط شمالی، گاه حتی از نقاط جنوبی ایران به سوی مناطق شمال مرزهای کشور کوچ میکردند. موافق بخشنامه‌هایی که از حکام دولتی این مناطق بجا مانده، دولت روسیه چنین مهاجرت‌هایی را حتی تشویق نیز نمیکرده است. بطور مثال میتوان یادآور شد که تنها از شهر تبریز در سال ۱۸۹۱ نزدیک به ۲۷ هزار ویزا برای مهاجران ایرانی صادر شده است. همین رقم در سال ۱۹۰۳ به ۳۳ هزار رسید و یک‌سال بعد در



اول ماه ۱۸۸۶، پرتاب بمب به میان افراد پلیس از سوی عوامل خود ار در شیکاگو.

چگونه

روز جهانی کارگر

بوجود آمد؟

انگلستان
از آنجا که کمیته برگزارکننده جشن اول ماه مه در انگلستان تصمیم گرفت که مراسم مربوطه در روز پنجمین ماه که در روز یکشنبه (چهارم ماه) برگزار گردد، به عده‌ای از کارگران این احساس دست داد که به قطعنامه بین‌المللی خیانت شده است. شورای فدراسیون سازمان‌های کارگری، طی فراخوانی کارگران را دعوت به تظاهرات در همان روز اول ماه مه نمود که دوهزار نفر در این تظاهرات شرکت جستند. اما در روز یکشنبه تظاهرات جشن اول ماه مه در هایدپارک برگزار شد. شرکت‌نیم میلیون نفر در این اجتماع باشکوه، آنرا به بزرگترین و مهمترین نمایش کارگری آن سال دنیا تبدیل نمود.

بلژیک
جشن‌اعتمادی اول ماه مه با اعتمادمشهدانه کارگران معدنی (صد هزار تن از ۱۱۰ هزار) آغاز گردید و به سرتاسر بلژیک گسترش یافت. اگرچه تعطیلی در همه رشته‌ها عملی نشد و برخی از رشته‌ها نیز تنها بعد از ظهر آن روز را دست‌از کار کشیدند. پلیس بلژیک کوچکترین اقدامی علیه تظاهرکنندگان بعمل نیاورد.

فرانسه
قرار بود مف‌نمایش دهندگان در پاریس تا محل پارلمان رژه بروند و در آنجا در تظاهرات شرکت کنند. اما در شب ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۹، استفاده شده است.

سراسر جهان مبادرت به برگزاری تظاهرات عمومی کرده و خواستار تقلیل ساعات کار به ۸ ساعت و بهبود شرایط و محیط کار کردند.
برگزاری نخستین جشن اول ماه مه در جهان (۱۸۹۰) آلمان
در سال ۱۸۹۰ همزمان با برگزاری اولین نمایش روز جهانی کارگران، کارفرمایان و دولت سرمایه‌داری بر علیه برگزاری این روز دست‌بکار شدند. کارفرمایان اعلام کردند که کارگرانی را که روز اول ماه مه از کار غیبت کنند، دیگر به کارخانه نخواهند پذیرفت. دولت نیز به پادگان برلین آماده‌باش داد و از مدیران کارخانه‌ها خواسته شد کوچکترین حرکتی را فوراً به کلانتری محل و شهربانی اطلاع دهند. اما کارگران با حفظ روحیه خود اعتصابات اول ماه مه را آغاز کردند و در هامبورگ، روستوک، برلین، فرانکفورت، کلن، لایپزیک و مونیخ اعتصابات تا چند روز ادامه یافت. بطوریکه بندر هامبورگ به مدت پانزده روز کاملاً فلج شده بود.

اطریش
جشن‌اعتمادی اول ماه مه با موفقیت و عمومیت چشمگیری برگزار گردید. در وین تعداد شرکت‌کنندگان تا ۱۵۰ هزار نفر تخمین زده شد. در شهر بوداپست که در آن زمان جزئی از امپراطوری اتریش بود، با وجود ممنوع اعلام شدن تظاهرات، ۳۰ هزار نفر از کارگران در شهر اجتماع نمودند.

در اول ماه مه سال ۱۸۸۶، ۴۰۰ هزار نفر از کارگران ایالات متحده آمریکا در شیکاگو و بسیاری از شهرهای دیگر به تظاهرات وسیعی دست زدند. شعار اصلی این تظاهرات را "هشت ساعت کار در روز"، "بهبود شرایط کار" و "افزایش دستمزد" تشکیل می‌داد. در آن زمان ساعات کار کارگران ۱۲-۱۴ ساعت در روز بود. اگرچه تهاجم وحشیانه پلیس به صفوف تظاهرکنندگان، در بسیاری نقاط این اجتماعات را به خاک و خون کشید، اما مقاومت آنان در این روز و قهرمانی‌های کارگرانی چون "پارستز"، الهام بخش مبارزات بعدی کارگران جهان در راه مبارزه علیه استثمار، سرمایه‌داری، و رسیدن به رفاه و سوسیالیسم گردید.

در سال ۱۸۸۸ کنگره حزب سوسیالیست کارگری آمریکا، طی قطعنامه‌ای روز اول ماه مه را به مثابه روزی که باید همه ساله کارگران در آن دست به تظاهرات بزنند، تصویب نمود و قرار شد که فدراسیون سندیکا‌های کارگری آمریکا (American Federation of Labor) برای اولین بار در سال ۱۸۹۰ روز اول ماه مه را به تظاهرات سراسری کارگران اختصاص دهد.

در ژوئیه سال ۱۸۸۹ در کنگره بین‌الملل کارگری در پاریس، طرحی از سوی گروهی از نمایندگان کارگری فرانسه به کنگره ارائه شد. بر طبق این طرح، روز اول ماه مه بعنوان روز جهانی همبستگی کارگران تعیین گردید و قرار شد هر سال کارگران

آنجا عریضه‌ای حاوی درخواست تقلیل مدت کار به هشت ساعت در روز تقدیم مجلس شود. اما تظاهرات در سراسر فرانسه، خاصه در پاریس ممنوع اعلام شد و علاوه بر ۳۴ هزار سرباز مستقر در پاریس، از شهرستانها نیز کمک خواسته شد. هیئت نمایندگی کارگران که مرکب از برخی اعضای پارلمان و رهبران جنبش سندیکائی و احزاب چپ بود، در نزدیکی میدان کونکورددستگیر شدند. پرچم‌های سرخ با شعار "اول ماه مه، هشت ساعت کار" پاشین کشیده شد و نیروهای نظامی از پیشروی جمعیت جلوگیری کرده، نمایش آرام کارگران را به زود خوردی خشن میل نمودند.

ایتالیا در شهر رم حکومت نظامی اعلام شد. نیروهای نظامی تمام خیابانها و بناهای مهم را به اشغال خود درآوردند. منازعه‌ها نیز تعطیل شد اما عملاً کارگران به هدف خود رسیدند و شهر بکلی به تعطیلی کشیده شده بود. در سایر شهرهای ایتالیا درگیری‌های بین مردم و نیروهای نظامی بوقوع پیوست و در بعضی نقاط نظیر فلورانس، تظاهرات بدون درگیری، انجام گرفت و در نقاطی دیگر نظیر شهر صنعتی تورینو در عین فشار و دستگیری‌ها، مقاومت کارگران به سنگربندی‌های خیابانی کشیده شد. تظاهرات و اعتصابات تا چند روز در شهرهای مختلف ادامه یافت.

اسپانیا تظاهرات و اعتصابات این کشور به چهل شهر کشیده شد. در اثر حمله پلیس به تظاهرات کارگری در شهر بارسلون، چندتن به قتل رسیدند و دهها نفر زخمی گشتند. در مادرید تظاهرات با شرکت ۲۰ هزار نفر و به آرامی برگزار گردید. قطعنامه بین المللی طی مراسمی به نخست وزیر وقت ارائه گردید.

پرتغال جزء چند تظاهرات پراکنده در شهرهای لیسبون و پرتو، گزارش دیگری در مورد اولین تظاهرات روز جهانی کارگران در پرتغال، ثبت نشده است.

سوئیس نمایشات کارگری این کشور در شهرهای ژنو، برن، لوژان، زوریخ و لوسرن بدون درگیری با پلیس و با آرامش برگزار گردید.

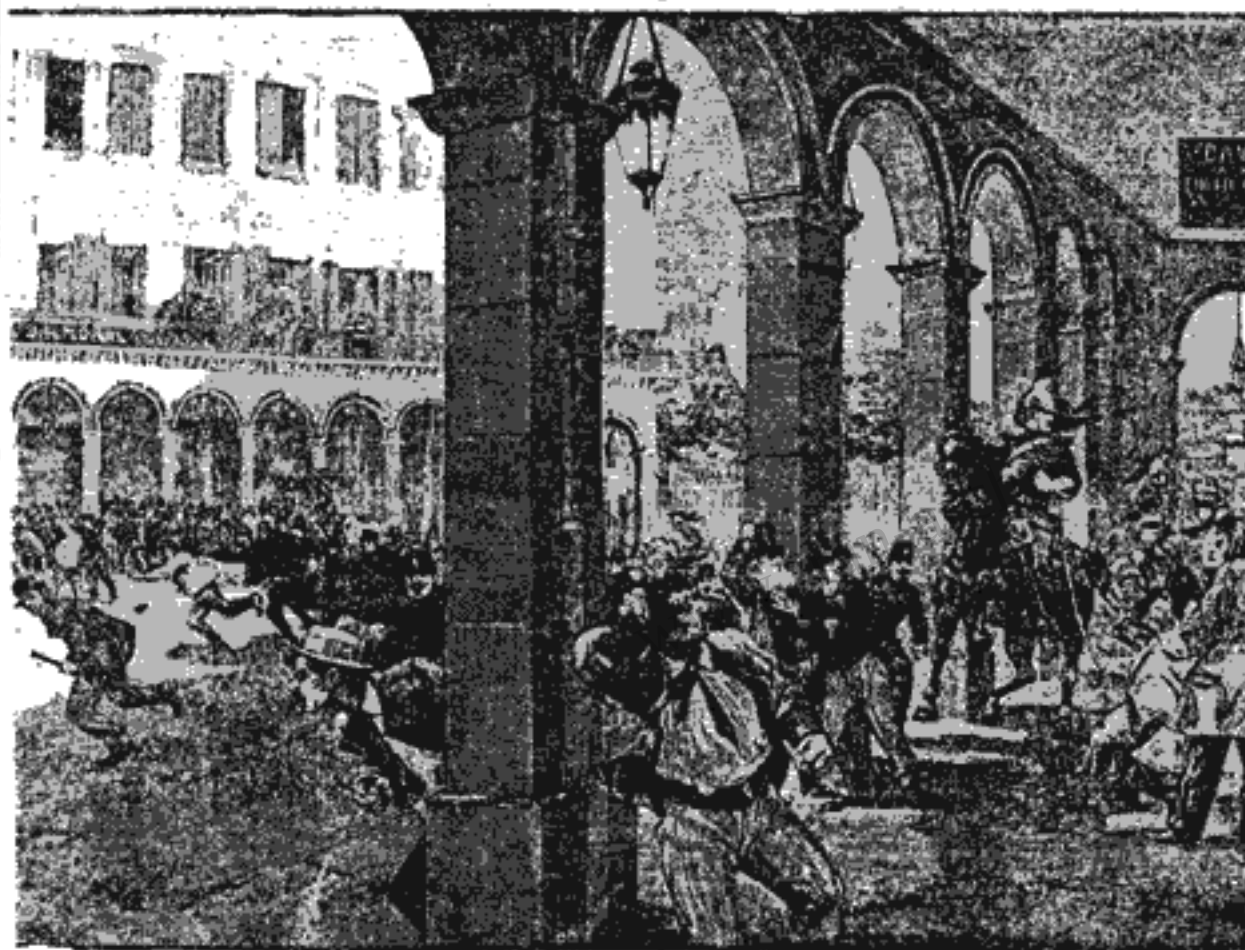
کشورهای اسکاندیناوی در این کشورها هم اعتصاب و هم تظاهرات انجام گرفت. در شهر استکهلم بیش از صد هزار نفر در اجتماع اول ماه مه گرد آمدند.

لهستان سلطه اختناق سیاسی شدید در این کشور، برگزاری تظاهرات اول ماه مه را

بسیار دشوار میکرد. از همین رو بود که نماینده روسیه (گئورگی پلخانف) در کنگره بین الملل، به تصویب قطعنامه رای مخالف داده بود زیرا تحقق برگزاری چنین مراسمی را در روسیه ناممکن میدانست. عملاً در آن سال (۱۸۹۰) تظاهراتی هم در روسیه رخ نداد، بلکه نخستین تظاهرات اول ماه مه این کشور در سال ۱۸۹۱ برگزار شد. بهر حال با وجود تمامی فشارها، در تهر ورشو کارگران صنعتی کار را تعطیل کردند و نخستین اعلامیه‌های سیاسی بمناسبت این روز در چاپخانه‌ای مخفی به چاپ رسید و از همین روز نوعی مطبوعات آزاد، یعنی غارچ از - کنترل حکومت سرکوبگر لهستان، تولد یافت.

جهان به نمایش گذاشتند. **آمریکای لاتین** در مکزیک تعطیل در کار واقع نشد اما دوره کارگری تظاهراتی را سازمان داد که طی آن کارگران مکزیکسی و کارگران مهاجر اروپا در کنار هم شرکت جستند. در کوبا با وجود اینکه هر نسوع گردهم آشی در روز اول ماه مه ممنوع شده بود و با وجود اینکه اتحادیه کارگران سیگار سازی منحل شده بود، این کارگران همراه با کارگران تجاری دست به اعتصاب زدند.

آفریقا با توجه به سلطه استعمارگران بر این قاره و بسیاری از کشورهای آسیائی



کاستیلون پاریس، از دید ژوزف بلون

و عقب ماندگی و عدم رشد طبقه کارگر در این قسمتهای جهان، اولین ماه مه به اعتصابات کارگری چشمگیری رویو نشد. تنها عده‌ای از اروپائیان مقیم شهر الجزیره در این روز دست به تظاهرات زدند که توسط پلیس پراکنده شد. در کشور تونس نیز عده‌ای از آنارشست‌های ایتالیائی جلسه‌ای برپا کردند و کارگران چاپخانه‌ها نیز تنها به ارائه عریضه‌ای به والی تونس اکتفا نمودند.

ایران جشن اول ماه مه در ایران برای نخستین بار نه در ۱۸۹۰، بلکه در سال ۱۹۲۰ (۱۳۹۹) برگزار شد. در آن سال به ابتکار "شورای مرکزی اتحادیه کارگران" که از

جشن نخستین ماه مه در فرانسه **رومانی** کارگران و مبارزان کشورهای بالکان هم همبستگی خود را با کارگران سایر کشورها نشان دادند. روز چهارم ماه مه (یکشنبه) چهار هزار نفر در تظاهرات بعد از ظهر در شهر بخارست شرکت جستند. تظاهرکنندگان با حمل پرچم سرخی که روی آن نوشته بود "هشت ساعت کار در روز و نه بیشتر" رژه رفتند.

آمریکا کارگران ایالات متحده آمریکا طی اجتماع با شرکت ۲۰ هزار نفر در شهر نیویورک و ۲۵ هزار نفر در شهر شیکاگو، و تظاهرات با شرکت ۲۰ هزار نفر در شهر لوشی ویل، همبستگی خود را با بنیان گذاران این روز بزرگ و زحمتکشان سراسر

پانزده اتحادیه تشکیل شده بود، نظافتات وسیعی در تهران و شهرستانها صورت گرفت که شایسته بود از جنبش کارگری و سندیکائی نوپای ایران .

در دوران خفقان و استبداد رضاخانی، کارگران ایران، روز جهانی کارگر را اغلب پنهانی برگزار میکردند، اما از سال ۱۳۲۰ (۱۹۴۱) که مبارزات ملی و کارگری ایران ابعاد گستردهتری یافت، و حکومت رضاخان نیز سقوط کرد، مراسم اول ماه مه بطور آشکاری برگزار میشد. در سال ۱۳۲۵، بیش از ۲۵۰ هزار نفر از کارگران و زحمتکشان در مراسم اول ماه مه شرکت جستند. در همان سال دهها هزار نفر از کارگران نفت جنوب دست به اعتصاب زدند و طی آن به پاره‌ای از خواستههای خود از جمله به رسمیت شناختن اول ماه مه بعنوان روز کارگر و تعطیل اعلام نمودن این روز، موقتاً دست یافتند. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سلطه مجدد استبداد سلطنتی، و شکست جنبش کارگری خاصه در اثر رفرمیسیم و فرصت طلبی و فرار و خیانت رهبری حزب توده، باز هم روز کارگر بصورت پنهانی و در تجمعات پراکنده و نقاط دور افتاده توسط کارگران پیشرو و کمونیستها برگزار میگردد. بعد از سرنگونی رژیم منگور پهلوی

و استبداد سلطنتی، مراسم روز جهانی کارگران در ایران در یازدهم اردیبهشت ۱۳۵۸ دوباره بصورت علنی و باشکوهی برگزار گردید. در این مراسم که به ابتکار "شورای هماهنگی برگزاری مراسم اول ماه مه" و عمدتاً بوسیله سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برگزار گردید، صدها هزار تن از کارگران و زحمتکشان و کمونیستها و مبارزین شرکت جستند.

اما با تسلط فداانقلاب بقدرت غریبه، و حاکم شدن مجدد دشمنان کارگران و

**کارگران سراسر جهان متحد شوید
زنجیرهای بندگی را بکشاید
شما با آتش های بزرگ خود میتوانید
بر هر خود کامگی فائق آید** "برتولت برشت

زحمتکشان، نه تنها هر نوع مبارزات اصیل کارگری خورد هجوم چاق بدستان جمهوری اسلامی توار گرفت، بلکه تمامی نهادها و خواستههای برحق و دموکراتیک توده ها مورد شدیدترین و همه جانبه ترین سرکوبها واقع گردید.

برپای روز جهانی کارگران در یازدهم اردیبهشت ۵۸ و تبلیغات و برنامه های ترویجی وسیعی که در این رابطه از طرف کمونیستها، بویژه فدائیان دامن زده شد،

رژیم حاکم را وادار به برسمیت شناختن این روز نمود. با وجود اینکه ارتجاع حاکم شتوانسته است طی ۵ سال حکومت جنایتبار خود، به رسمت شناختن روز کارگران را پس بگیرد، اما تلاش نموده است که با گرفتن ابتکار عمل بدست خود، این روز را از محتوای اصلی و انقلابی خود خالی کرده و آنرا به تشریفات توخالی و عوامفریبانه بدل نماید. امروز رژیم حاکم با قوانین مافوق ارتجاعی و قرون وسطائی پهنهادی وزیر کارش کارگر را به "آچار" میدهد و حتی ابتدائی ترین حقوق بورژوازی کارگران را نیز بزیور با گذاشته است. کارنامه ننگین این رژیم ضدبشری با قتل عام ها، سرکوب های وحشیانه اعتراضات کارگران، به سلاخی کشته شدن بهترین پیشروان پرولتاریای جوان ایران، ننگین تر شده است. بی شک تاریخ باز هم ورق خواهد خورد و بی شک کارگران و زحمتکشان ایران پاگاهای اتحاد، شکل و برپائی میلیونی خود اینبار خود سرنوشت جنبش و انقلاب را بدست خواهند گرفت و با رهبری آنان جامعه نوین عاری از بتم و استثمار، جامعه نوین سوسیالیستی برپا خواهد گشت و طی جشن های اول ماه مه دست آوردهای سالها مبارزه خونین و دلاورانه کارگران در سراسر جهان را گرامی خواهیم داشت ■

در سطح نازلی قرار دارند و درست همین مشکل بود که سوسیال دمکراتهای قفقازی را برآن داشت تا در میان کارگران ایسرانی بکار سیاسی بپردازند. از همین جا بود که نخستین نطفه های اتحادیه کارگری ایران و سپس سوسیال دمکراسی (اجتماعیون - عامیون) ایران بسته شد. ۲

یکی دیگر از عواملی که باعث پیداشدن نظریات سوسیالیستی در ایران گردید، همکاری عده ای روشنفکران ایرانی در پروسه انقلاب روسیه بوده است. در دورانی که اختناق تزاری حاکم بود انقلابیون روسی که اکثر نشریاتشان را در خارج از روسیه بطبع می رساندند از طریق کشورهای همجوار به داخل شوروی می فرستادند یکی از این راههای ارتباطی ایران بود. "بطوریکه از مکاتبات نمایندگان و خبرنگاران "ایسکرا" دیده میشود تبریز یکی از نقاطی بود که از همان آغاز انتشار این روزنامه بدین منظور مورد استفاده واقع میشد. این کار انقلابی بسیار مهم و پنهانی را از جنبش مشخما رهبری میکرد. مطبوعات انقلابی از مونیخ از راه برلن - وین - تبریز - باکو به روسیه ارسال میشد. چگونگون آخرین مرحله این راه بوسیله چهارپاداران طی میگردد. در مکاتبات محرمانه آنها بنام "اسپ" میخواندند. حمل و نقل "ایسکرای" لنینی از طریق ایران بوسیله گروهی از سوسیال دمکراتهای روسیه مقیم باکو و حاجی ترخان صورت میگرفت. ت. گالپیرین، تیوکیدزه، کتسفو ولی، گوزرنکو، کراسین و دیگران جزو این گروه بودند. در نامه ای که مارتوف از شهر مونیخ پس

از دهم ماه مه ۱۹۰۱ به وچلوو مقیم برلن نوشته متذکر میشود: "دیروز توفیق نیافتیم بسته را برای شما ارسال داریم. خودمان آنها از راه رومانی خواهیم فرستاد و برای ایران همین روزها با اولین وسیله چهار کیلو ارسال خواهیم داشت. بدین ترتیب شما باید: ۱) "ایسکرا" (۲ زاربا، ۳) یاداشتهای ویتسه (۴) بسته دیگری که مطبوعات لازم آنها برایتان خواهند آورد به ایران بفرستید. ۸"

ملاحظات و مآخذ

- ۱- منظور فرستادن نشریات انقلابی به داخل روسیه از طریق تبریز است.
- ۲- "ایران در آستانه انقلاب مشروطیت و ادبیات مشروطه" نوشته باقر مومنی، ص ۶۹-۶۸
- ۳- "مبارزه دو ملی در جنبش مردم: جنبش تنباکو- جنگل" دمکراتیسیم و لیبرالیسم" از انتشارات کتفدراسیون محطیون و دانشجویان ایرانی (برای احیای سازمان واحد جنبش دانشجویی) ص ۲۳
- ۴- اسناد تاریخی جنبش کارگری سوسیال دمکراسی و کمونیستی ایران "۱" ص ۵
- ۵- اسناد تاریخی جنبش کارگری ... (۱۱) ص ۱۱۱
- ۶- همان منبع، ص ۱۱۲-۱۱۳
- ۷- اسناد تاریخی ... (۱) ص ۱۲-۱۳



انتخابات فرمایشی و عکس العمل تورمها


 ما در یک رژیم جمهوری اسلامی انتخابات فرمایشی دیگری را نداریم. همانطور که در انتخابات گذشته مجلس مشخص گردید و ثودها، شاید بودند، تنها نمایندگان شعار سرمایه داران و زمین داران و ... برای حفظ منافع طبقاتی خود و رژیم حاکم مجلس راه یافتند و تمامی قوانین نیز تنها در این جهت طرح و تصویب گردید. از اینرو برای کارگران و دیگر زمینداران به تجربه ثابت شده است که تا زمانی که رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بر سر کار است، هیچگاه ثودها نمیتوانند مجلس راه یابند و در جهت تامین منافع خود اقدام نمایند.

از هم اکنون نتیجه انتخابات کذالی مجلس از پیش معلوم است و رقابتها نیز حول چنانچه‌ای درون شکست دور می‌زند. هر چند که توده‌ها در ابتدای بدترت رسیدن رژیم بدلیل توهم ناشی از نا آگاهی در انتخابات شرکت میکردند اما امروزه در سه سال اخیر که ماهیت رژیم برایشان روشن گردید تنها تحت تاثیر جو سرکوب و اوجاب حاکم و جهت میر زدن به شناسنامه‌های خود بهراکز جمع آوری رای مراجعه کرده و با انداختن برقه سفید در صندوق، نفرت خود را نسبت به رژیم نشان میدادند اما اکنون حتی طریقه کشید بد جو اوجاب، ترس توده‌ها فرو ریخته است و دیگر حتی جهت میر زدن به شناسنامه نیز کمتر مراجعه خواهند کرد و با تحریم گسترده خود مشت ممکن نیز دهان رژیم چنانکار جمهوری اسلامی نخواهند زد.

سرنگون باد و زخم چمنی اسی

برقرار باد جمہوری دہمکراشیک خلق

سازمان چوبکهای فدائیشی خلق ایران

المسألة ٢٩ -

انجناد و همیستی کارگران ضامن پیروزی آنهاست

دوستان کا رگو!

روزم فرتدای جمهوری اسلامی برای تأسیس مدارس جنگ و هزینه سرسام آور ارگانهای سرکوب
خبر مد اوم بدقی کارگران و زندگتکنای یوزی سبرد . هر روز به بهانهای بخشی از دستنزد تا خبر
کارگران را بتاراج سبرد . یکروز سوز و پژه را که بخشی از دستنزد کارگران میباشد ، بهانه طاقوتی
بودن قطع میکند ، روز دیگر بهانه کتک به حبسههای جنگ بخشی از حقوق کارگران را کسر میکند ،
و امروز بی شرمی را بدائی رسانده که بهخواهد در شرکت ما (درحالت) بهانه طاقوتی بودن
جدول حقوقی مطابق زادی از دستنزد کارگران را کم کند . همه این کارها در شرایطی انجام میشود
که گران سدا در سبند و دستنزد ها حتی برای رقم نیازهای اولیه یک خانواده چهار نفره سوزگانه میکنند .

دوستانِ کارگر!

چرا رژیم که ادعای دفاع از مستضعفین را دارد، بجای امانت گردن دستبرد عا، صامت به کم کردن گرسنه سپاه طاعتی بودن میکند؟ راستی سود حاصله از افزایش تولید (هفتاد میلیون در روز) و افزایش محصولات کارخانه بهیچ جگانه‌ای منوط به ناصح سولهای بالا نیست که رژیم علاوه بر جمع‌آوری اسلام، حاضر سرمایه‌های ارزان و شمار بزرگ بازار و دشمن سرسخت کارگران و زید شکست‌های است.

کارگران مبارز!

تنها راه نجات متحد شدن برای سرنگون کردن این رژیم ضد مردمی است. بیا عزیزان درگهته‌های مدنی، انتخابات، تشکیک هیومن و رژیم جمهوری اسلامی را و همسین رژیم شاه را یا برپای اعتبار صوبی - سیاسی و قیام سلطانه سرنگون سازیم.

سورنگون باد رزم چمپوری اسلام

یو فزارداد جهه وری د نکرانیک خلق

کارگران هوادار سازمان جردنهای فدائی خلق ایران



بہاران نوید رھائی

نوروز فرا میرسد، هنوز نوروز طلحه بهار و بهار از طراوت و جرمشزی است. شکوفه‌های بهاری بر تارک درختان رخ می‌تابند و شقایق‌های انقش که نشان خون شهیدان است از حراس میهن فرا میروند. پس بهار نسیم چیرگی نو بر کشته دروغشانی بر تاریکی و ناپایداری زیستان و غلوط زندگی تا

کاورگان و زندگستان سپهان در عراق طی بهار اسال را آغاز میکنند که بهرکت بیش از پنج سال حاکمیت جنایتبار جمهوری اسلامی، مرفهانیان خالی تر گشته، سایه فقر و فلاکت، سرکوب و تکشمار اعدای درسته جمعی، جنگ ارضی و . . . هر روز داغتر است:

براستی چگونه میتوان نبرد بختی، آوارگی، بیخانانی، بیکاری و گرانی را جشن گرفت و چگونه میتوان در شرایطی که نریمان فرزندان انقلابیان از سیاهچالهای رژیم بگوش مرشد بیا بگویند، بر شاخت، باید عهد تنویر را به عهد واقعی کارگران و زمینکنان بدل ساخت باید طبل اصلی همه سربازان و تباخها را از زمان برداشت نماید رژیم دشمن کارگران و زمینکنان و غلظهای تحت ستم نابود شود. باید جمهوری دموکراتیک خلق مستقر گردد، دانشگاه عهد واقعی شود و همه فرا رسیده است، پس بهار راستی است و باید به بهار دهانی کارگران و زمینکنان بدل ساخت.

کازان و جغتایان با عزم، شوق و زحم جمهوری را سرنگون سازیم، جمهوری دیکتاتوریک خلق را مستقر نسازیم.

سرنگون باد رزم جبهه‌ی اسلامی

یو آزار باد جمهوری دیمکراتیک خلق

سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران

2. 7. 1991



۸۰ تن از کارگران مبارز و خانیات در سیاهچالهای رژیم

کازمیران آگاہ و مبارز!

اکنون، هوش از حرمزبان شما بدلیل اختصاب در شرکت و غایب است و سفاطمه و نافع از حقوق حقه خویش در زندان گوهر دست کرج تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار دارند. آنها حتی از ابتدائی‌ترین حقوق یک زندانی در بلند یعنی حق ملاقات محرومند.

حرم انان استعانت و مبارزه در مقابل توطئه‌های رژیم سرافراز جمهوری اسلامی مبنی بر کاهش و ستمزد انان در حد چلچله و ستمزد ماهیانه‌شان میباشد. رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی جسارت افزایش عدت اشتکار کارگران و از این طریق تأمین مخارج جنگ‌های تحمیلی و . . . هر روز با جلسه و بی‌تنگی تازه و ستمیه گاهشی و ستمزد کارگران میزند و این در حالی است که حتی و ستمزد معمول انان شانزدهم مخارج زندگی روزمره‌شان را نمی‌کند و با توجه به تورم افسار گسیخته و بی‌ثباتی حیرت‌آور کنونی و ستمزد و ادمن کارگران علاوه بر کاهش چشمگیری یافته است.

اعلام همبستگی با کارگران سازد. در خانقاهات نه تنها وظیفه انقلابی نگه کارگران است، بلکه خود عامی باز دارند و در مجلس شریعتی، عوطقه رژیم در دربار کارخانه‌ها می‌باشد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

یو آر ایداد جمهوری دیمکراتیک خلق

سازمان چهره‌های فردا طی خلق ایران

گیتکارگری - شهران

“محال است در اسلام حکم مساوات”

و رنو را العباد بالله از علما است و انبیا بنی اسرائیل افضل نمی شمارند و اهل ذمه را بر مطالبه به مساوات با مسلمین تشجیع نمی نمایند... اینهاست نویر امر معروفات و نهی از منکرات که فرقه خاله مظه از بهارستان حریت و شورویت برای ما فرستاده اند و وعده داده اند که من بعد مردم از این باغ بری برسانند تا رفته رفته آزادی عهد قباد و مساوات مذهب مزدک را رواج بدهند. (۹)

از شما می پرسم آیا از وقتی که اسم آزادی در این شهر شایع شده است سستی عقاید اهالی و درجه هوشی ها و بی باکی ها از کجا به کجا رسیده است... امسال همگی دیدید با مستحضر شدید ذاکرین و وعظ میگویند که امسال مجالس روضه خوانسی و شکایای عزاداری و اهتمام مردم در این عبادت که از شعائیر بزرگ شعبه خانه است نزدیک نمایی تعطیل گذشت و متروک شد. (۱۰) — ملکزاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، جلد ۴، تهران، کتابخانه سقراط، ۱۳۳۱، ص ۱۴۷.

۲- ایضا، ص ۲۰۹.

۳- نامه رسا، مهاجرین قم به مظفرالدین شاه، در: رسا، اعلامیه ها، مکتوبات، ... و روزنامه شهید فضل الله نوری، گردآورنده، محمد ترکمان، جلد ۱، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۲، ص ۱۲۳.

۴- صورت عریضه علما، تهران به محمدعلی شاه، در: رسا، اعلامیه ها، ... ص ۱۵۵.

۵- جمهوری اسلامی، بهشتیه ۱۱ مرداد ۱۳۶۲، شماره ۱۲۰۸. — منظور قانون اساسی ۱۹۰۶ است.

۶- ملکزاده، مهدی، جلد ۴، ص ۲۱۶-۲۱۴، همچنین: رسا، اعلامیه ها، ... ص ۱۵۹-۲۰۷.

۸- رسا، اعلامیه ها، ... ص ۲۶۹-۲۶۸.

۹- ایضا، ص ۲۸۸-۲۸۷.

۱۰- ایضا، ص ۲۶۲.



طرحی از روزنامه ملانصرالدین، نشریه فکاهی دوران مشروطه

شیخ فضل الله نوری، “سلسله مستبدین” (۱) و رهبر — قعد انقلابیون مشروعه طلب بود. شیخ فضل الله مشروطه را حرام و مشروطه طلب را کافر و واجب القتل میدانست. (۲) — برای تمکین از مقام سلطنت (که) وظیفه شرعی و تکلیف دینی است (۳) علم مشروعه خواهی را برافراشت. بجای “مجلس شورای ملی” خواهان تشکیل “مجلس شورای اسلامی” شد زیرا “نتیجه آنرا جز هدم دین و هرج و مرج و هدر دماء محترمه و هتک نوا میس اسلامیة نمیدانیم.” (۴) این خواسته خدا انقلابیون دوران جنبش مشروطیت را رژیم جمهوری اسلامی هفتاد و اندی سال بعد، با تغییر نام مجلس عملی نمود.

رژیم حاکم شیخ فضل الله را “پایه گذار جمهوری اسلامی” و “شهید راه ولایت فقیه” قلمداد میکند. (۵) آنچه که در ذیل می آید نمونه ای از آرای اوست که امروز به شکل رژیم جمهوری اسلامی تبلور خارجی یافته است.

یکی از مواد آن خلالت نامه (۶) این است که افراد مملکت متساوی الحقوقند... “بدانید که مملکت اسلامیة مشروطه نخواهد شد زیرا که محال است با اسلام حکم مساوات...”

... “ای برادر دینی اسلامی که اینقدر تفاوت گذارد بین موضوعات مختلفه در احکام چگونه میشود گفت که مساوات است جز آنکه خیال این باشد که دگانی در مقابل صاحب شرع باز کنند و احکام جدیدی تاسیس کنند اعاذنا الله تعالی منه” (خداوند ما را از آنان محفوظ دارد)...

“ای ملحد اگر این قانون دولتی مطابق اسلام است که ممکن نیست در آن مساوات و اگر مخالف اسلام است منافعی با آنچه در چند سطر قبل نوشته شده که آنچه مخالف اسلام است قانونیت پیدا نمی کند...”

“ای بی شرف ای بی غیرت بین صاحب شرع برای اینکه تو منتحل به اسلامی برای تو شرف مقرر فرمود و امتیاز داد تو را و تو خودت از خودت سلب امتیاز میکنی و میگوئی من بایکد با مجوس و ارشئی و یهودی برادر و برابر باشم.”

“ماده دیگر که در این خلالت نامه است آزادی قلم و آزادی مطبوعات است.” (۷)

“یک فعل از قانونهای خارجه که ترجمه کرده اند این است که مطبوعات مطلقاً آزاد است (یعنی هرچه را که هر کس چاپ کرد احدی را حق چون و چرا نیست) این قانون با شریعت ما هم سازد... زیرا که شرک کتب فلال و اغاچه فحشاء در دین اسلام ممنوع است کسی را شرعاً نمیرسد که کتابهای گمراه کننده مردم را منتشر کند و با بدگوشی و هرزگی را در حق مسلمانی بنویسد و به مردم برساند پس چاپ کردن کتابهای ولتر فرانسوی که هتک تاسی را به انبیا علیهم السلام و... در روز نامجات و لوايح مستعمل بر کفر و رده و سب علما اسلام تماماً در قانون قرآنی ممنوع و حرام است لامذهبیها میخواهند این در باز باشد تا این کارها را بتوانند کرد.” (۸)

“آیا مجلس امر بمعروف و نهی از منکر است یا مجلس نهی از معروف و امر به منکر است آیا بواسطه نشر دادن مزدکیان عصر کلمه آزادی را در این مملکت تجربات و تهتکات مردم تا چه اندازه افزوده است و فنون فحشاء و فسوق و فجور تا کجا شایع شده آیا زینها لباس مردانه نمی پوشند و به کوچ و بازار راه نمی افتند... و بی محابا فاندیک و گاليله و نیون و کپلر و هوگو

مجاهدین: شکست يك استراتژی

شاید به جرات بتوان گفت که یکی از مهمترین اشتباهات جنبش کمونیستی ایران، عدم مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی با مجاهدین خلق و در غلطیدن به سیاست مماشات با آنها بوده است که البته این خود ناشی از شرایط حلقان بار جامعه در گذشته و حال، عمده بودن مسئله مقابله با دیکتاتوری حاکم، پراکندگی و ندانم کاری جنبش چپ و بی تجربگی آن در زمینه های شوریک و عملی، دنباله روی از حوادث و عدم برخورد به سیاست های اشغرافی مجاهدین به خاطر حرکات انقلابی آنها در گذشته... بوده است. در حالیکه تکنیک خط و مرزهای طبقاتی با جریانات خورده بورژوازی و رژیم روند حرکت آنها در شرایط مختلف از اولین وظائف ضروری جنبش چپ میباشد که متاسفانه در گذشته نیروهای چپ به آن توجهی ننمودند. برخورد با سیاست های اشغرافی مجاهدین از جمله مبارزه همه جانبه سیاسی، ایدئولوژیک و فلسفی با آنها بعنوان نماینده اقتدار میانی و تحتانی خورده بورژوازی، تنها در کنار استمرار مبارزه قاطع طبقاتی با رژیم ممکن بود. چپ ایران این وظیفه را انجام نداد. بنظر ما اگرچه امروز نتایج عملی سیاست های اشغرافی مجاهدین کم و بیش آشکار شده است با این حال جنبش چپ نباید اشتباهات گذشته را تکرار کند و باید بیرحمانه به افشای ایدئولوژیک - سیاسی نظرات و عملکردهای مجاهدین بپردازد، وظیفه ماست که برای دفاع

از حقوق کارگران و زحمتکشان ایران نقش آگاه گرایانه خود را در هر سطح و در هر محیط مبارزاتی و در حدی که رسالت آن را داریم، به انجام رسانیم. ناگفته نماند که وظیفه اصلی این مبارزه همه جانبه بر عمده نیروهای انقلابی داخل کشور است، اما ما نیز به عنوان هواداران سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران وظیفه داریم که در اشاعه این مبارزه در محیطی سالم و سازنده نقش خود را ایفا نمائیم.

با توجه به دلایل بالا، نشریه جهان سلسله مقالاتی را به منظور روشن کردن خط و مرزهای نیروهای کمونیستی با انحرافات سازمان مجاهدین در زمینه های سیاسی، فلسفی، ایدئولوژیک آغاز کرده است. باشد که سازمان مجاهدین خلق ایران و هواداران آنها و یاکسانی که خود را مدافع برنامۀ ما دیدگاه مجاهدین می شناسند در رد نظرات ما و اثبات حقانیت مجاهدین، نظراتشان را در معرض تفاوت دیگران قرار دهند. ما گذشته از انتشار این مقالات، برای چندمین بار هواداران سازمان مجاهدین خلق را در تمام کشورها دعوت به شرکت در مباحث مورد اختلاف در جنبش انقلابی مینمائیم. چرا که معتقدیم که بحث و نظرات ما میتواند در پروسه بحث های سالم و خلاق و سازنده به اثبات برسد.

“مصلحت بر این قرار گرفت که...”

مخدوش نمودند. ما بی آنکه بخواهیم به نکات و مسائل مورد اختلاف بین بنی صدر و مجاهدین که منجر به این جدایی شد، بپردازیم، به ریشه ها و انگیزه های سیاسی - طبقاتی و رای این اشتقاق و جدایی اشاره خواهیم کرد. هر واضح است که طرح علنی اختلافات سیاسی فی ما بین مجاهدین و بنی صدر و توضیح سیاسی آنها، وظیفه خود آنهاست.

چرا اختلاف؟

مجاهدین به قصد کسب قدرت سیاسی، در شرایط ضعف و پراکندگی کمونیستها، با تحلیل غلط از موقعیت جامعه و بکارگیری حمایت از جانب پشتیبان بنی صدر، چه در سطح داخلی (از جمله ارتش) و چه در سطح بین المللی (سوسیال - دموکراسی اروپا) با پشت پا زدن به تمام اصول و موازین پیشین خود و با گرایش به خواست و برنامه بورژوازی - لیبرال، با شتاب فراوان با بنی صدر و همراهان وی اختلاف نمودند. آنها همچنین با دهن کجی مغرورانه - ای به نیروهای چپ، پیشاپیش با اصطلاح قدرت سیاسی را بین خود و بورژوازی لیبرال "برادرانه" تقسیم کردند. البته برای نمایش دموکراسی منشی خود، چند عنصر غیرمذهبی را نیز چاشنی این اختلاف نمودند تا جای خالی چپ را که هم در انقلاب بهمن ۵۷ و هم در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی نقش بسیار موثرتر و ارزنده تری از مجاهدین ایفا کرده بسود، با اصطلاح پر کنند.

چرا جدایی؟

گذشت زمان، ارزیابی نادرست مجاهدین از میزان پایه و

اطلاعیه شورای ملی مقاومت

از آنجا که در شرایط کنونی عمل همکاری میان آقای ابوالحسن بنی صدر و شورای ملی مقاومت در چارچوب این شورا نامیسر می نماید، مصلحت بر این قرار گرفت که به اختلاف سیاسی فی ما بین در شکل کنونی خاتمه داده شود.

آقای ابوالحسن بنی صدر و شورای ملی مقاومت امیدوارند همچنانکه همکاری و اتحاد آنها طی دو سال و هشت ماه گذشته سنت نیکویی در مبارزات مردم ایران بوده است، پایان محترمانه و دوستانه آن نیز سنت حسنی دیگری در تاریخ اختلافات سیاسی مین ما باشد.

بدیهی است آقای بنی صدر و شورای ملی مقاومت ضمن قدرشناسی متقابل از اقدامات و مبارزات گذشته و یکدیگر در دفاع از آزادی ها، دساتوردهای مشترک و فعالیت انقلابی گذشته خود در مسیر آزادی و استقلال و تمامیت ارضی کشور را مورد تأیید قرار داده و آنها را بسیار تحسین می دانند.

شورای ملی مقاومت
۴/ فروردین ۱۳۶۲

شماره ۱۹۶



مجله سبزه سبز
مجله سبزه سبز
مجله سبزه سبز

این اصل درست است که در شرایط اوج جنبش و در زمانی که تفاد بین انقلاب و ضدانقلاب عمیق بیشتری می یابد، همانقدر که اختلافات و تفاذهای درون مفقد انقلاب وسعت می یابد، اختلافات درون مفد انقلاب تحت الشعاع نیاز به یگانگی و اتحاد قرار میگیرد و بر عکس در مقطع بحرانی و افست جنبش، تمام آنچه که اعتلای جنبش پوششی بر آن نهاده بود، عریان میگردد. اختلاف و جدایی مجاهدین و بنی صدر تابعی بوده است از این قاعده. با این تفاوت که مجاهدین مفد انقلاب و ضد انقلاب را در مقطع اختلاف خود

نفوذ بنی صدر از یک طرف، و توان حاکمیت جمهوری اسلامی را از طرف دیگر نشان داد. گذشت زمان، استراتژی سازشکارانه و بی برنامه‌گی مجاهدین را روشن کرد، تاکتیک‌های ماجراجویانه آنها را با شکست روبرو ساخت و تلاش آنها را برای جلب توده‌ها و نیروهای واقعی چپ (که ابتدا خود را از آنها بی‌نیاز می‌دیدند) به یاس تبدیل کرد. افراد و گروه‌هایی نیز پس از درک بلوف‌های مجاهدین "بموقع" خود را کنار کشیدند. در یک جمله، آرزوی کسب قدرت سیاسی بصورت پشدار باقی ماند. آنها در عین حال نتوانستند آنقدر "غایبگی" از خود نشان دهند که حتی با وجود بنی صدر، رغایت و حمایت امپریالیست‌ها را نیز جلب نمایند. بنا براین امپریالیست‌ها حساب کوچکی را که برای آنها باز کرده بودند، بدون پرداخت بهره، بستند! و در عوض حساب‌های پراعتباری برای رژیم که الحق مستحق دریافت آن بود، گشودند. بنا براین بنی صدر که با سودای رهبری بلامنازع قدرت، دورخیز کرده بود، خود را محکمه این اختلاف دید. از اینرو از "شورا" قطع امید کرد و سهم باقی نمانده خود را به دیگران بخشید و "شورا" را ترک کرد. مجاهدین نیز پایان این تراژدی غم‌انگیز را با انتشار یک اطلاعیه بسیار کوتاه و پراهم با اطلاع الباقی متوجهی رساندند. آنها خجولانه تمام حقایق را که گفتن آنها برای خود اعتراف به شکست میدانستند، در زیر کلمه "مصلحت" استخار کرده و در "طبق اخلاص" نهادند تا هر کس بر طبق سلیفه خود و فتراخور بینش سیاسی خود، هرطور که می‌خواهد، این حقایق ناگفته را تعبیر و تفسیر نماید. همچنانکه اشاره رفت، با باز شمردن این علل و نتایج، ما خود را ملزم نمیدانیم که حقایق ناگفته مجاهدین را یک‌بیک بر شمیریم و تنها به آن بخش که به خودمان و مواضع مان نسبت به این آخرین تحولات "شورا" بر می‌گردد، اکتفا می‌کنیم.

درباره خود اطلاعیه

در تاریخ ۳ فروردین ۱۳۶۲، اطلاعیه "شورای ملی مقاومت" مبنی بر جدایی بنی صدر از "شورا" انتشار یافت. این جدایی زمانی اتفاق می‌افتد که از انتصاب بنی صدر بعنوان رئیس‌جمهور از جانب رجوی، مدت زمان بسیار کوتاهی می‌گذرد. بنی صدر با خروج خود از "شورا" عملاً کم‌دی بودن این انتصاب را به نمایش گذاشت. در اطلاعیه "شورای ملی مقاومت" هیچ سخنی از استعفا بنی صدر از ریاست جمهوری در بین نیست. انتشار اطلاعیه در واقع بیان خجولانه پایان انتظارات طرفین از توافق‌های اولیه است. مجاهدین پس از قریب به ۳ سال همکاری با بورژوازی - لیبرال، سرانجام با دشی خالی و با وضعیتی حقارت‌بار راهی فرجام را همچنان ادامه می‌دهند. این جدایی نشان می‌دهد که آنها نه تنها دستاوردی از این اختلاف نداشته‌اند، بلکه حیثیت سیاسی و حمایت مردمی خود را نیز از دست داده‌اند. چرا که امروز پس از گذشت این دوره، مهر و نشان بورژوازی لیبرال بر سارک رهبران این سازمان نقش بسته است. مهر و نشانی که با ترک بنی صدر زوده نخواهد شد.

در اطلاعیه منتشره از جانب رجوی، مجاهدین حقایق سیاسی را در پشت کلمه کشدار "مصلحت" پنهان می‌کنند. بسیاری از آگاهان سیاسی و اجتماعی به واژه "مصلحت" آشنایی دارند. آنها خوب میدانند که چه سازش‌ها، خیانت‌ها و جنایت‌هایی توسط رهبران مذهبی از گذشته‌های دور تاکنون در پس کلمه "مصلحت" در دل تاریخ ثبت است. مجاهدین نیز خود خوب میدانند که بسیاری از جنایاتی که هم امروز توسط رژیم جمهوری اسلامی انجام می‌گیرد، با عبارت "مصلحت اسلام بر این است"، توجیه می‌گردد. از طرف

بسیاری از نیروهای سیاسی که از آغاز این اختلاف را نادرست دانسته و ناشی از ارزیابی غلط مجاهدین از وضعیت جامعه، آرایش و توازن نیروهای سیاسی و ماهیت سازشکارانه آنها قلمداد می‌کردند، این روزها پیش‌بینی میشد. کما اینکه مسئله ثلاثی "شورای ملی مقاومت" نیز از همان ابتدا قابل پیش‌بینی بود. بنا براین از نظر ما، واقعه عجیبی رخ نداده است.

مطلب دیگری که در این اطلاعیه کوتاه به چشم می‌خورد، کاربرد عبارت "سنت حسنه" برای خروج "مصلحت‌آمیز" بنی صدر از "شورا" است. مجاهدین پنهان کردن حقایق را "مصلحت‌آمیز" میدانند و بدنبال بقیه ساخت و بافت‌های قبلی خود با بنی صدر، در آغو نیز شوافی میکنند که هیچ یک از طرفین سخنی از حقایق بیان نکنند و اسم آنها هم "سنت حسنه" می‌گذارند! آنها با اختلافات سیاسی خود بنا بر بنی صدر را تا حد اختلافات شخصی و خانوادگی کاهش داده‌اند و برای حفظ "آبروی" طرفین، مصلحت را بر آن دیده‌اند که بطور "حسنة" (یعنی پنهان کردن حقایق) به اتحاد سه ساله خود پایان دهند! در واقع مجاهدین باید حداقل برای طرفداران "شورا" که "ریاست جمهوری" بنی صدر را نپذیرفته بودند، توضیح دهند که آنهمه توجیهات برای برای ضرورت وجود بنی صدر بعنوان رئیس‌جمهور از جانب مجاهدین، بخصوص تبلیغات ویژه مسعود رجوی در مورد بنی صدر چه شد؟ در واقع باید گفت شیوه مجاهدین در این مورد همان شیوه ولایت فقیه‌ی است که "بزرگان" بر مبنای "مصلحت" تصمیم می‌گیرند و سازش و اختلافی صورت می‌گیرد و زمانی دیگر باز بنابر "مصلحت" فسخ می‌گردد بدون آنکه توضیحی لازم باشد و اسم این عمل را هم، یعنی نگشودن دلایل جدایی و اختلاف و نفی هر نوع مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک می‌بینیم. "سنت حسنه" نام می‌گذارند. اگر امروز از هواداران مجاهدین، حتی آشپزیکه روز و شبی غل و غش، بی آنکه خود بدانند این سازمان چه میکند و به کجا می‌رود، می‌گوشتند و می‌دوشتند، پرسید که بنی صدر چرا از "شورا" جدا شد، پاسخ‌تان تنها یک کلمه است. نمیدانیم!

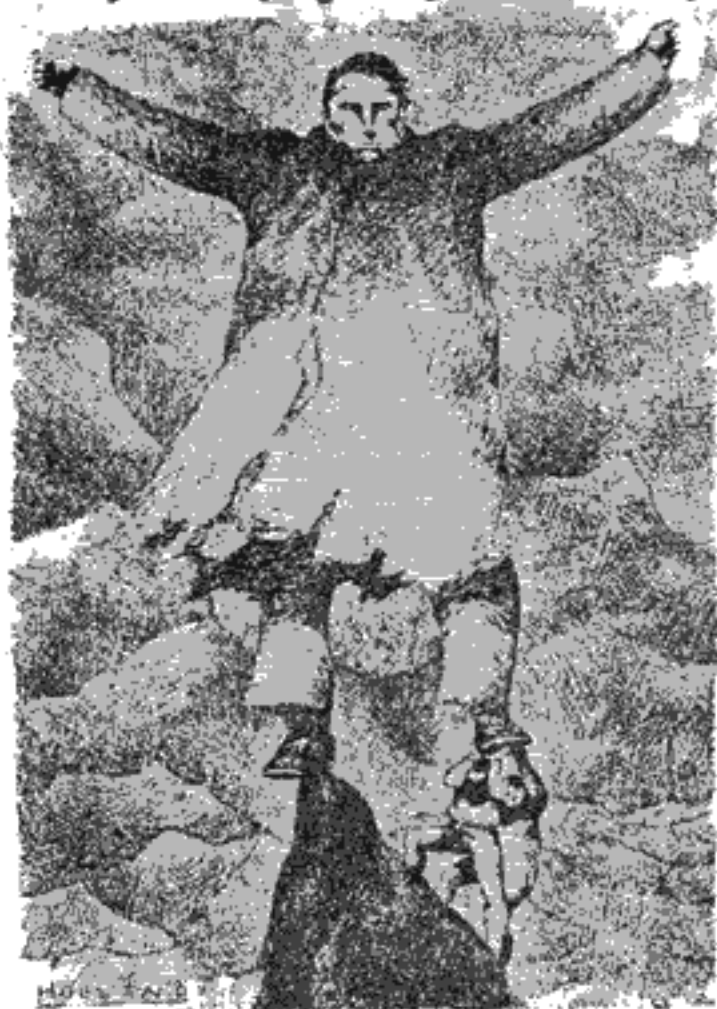
خروج بنی صدر، سرآغاز علنی شدن اختلافات دوران "شورا"

مجاهدین در آغاز اعلام تشکیل "شورای ملی مقاومت"، برای جمع‌آوری عناصر و گروه‌های بیشتر بدنبال برنامه و تشکیلات خود، توهم قدرت‌گیری سریع را پراکندند تا بعدی که بسیاری از عناصر با اصطلاح چپ‌را - بزیر پرچم رنگ و روباخته خود گشادند. البته در آن زمان مجاهدین هم برای کشاندن افراد بیشتر بدرون "شورا" و استفاده از آنها برای فراهم نمودن زمینه توجیه سازشکاری افراد با اصطلاح چپ، حقوق و امتیازات سازمان خود را تا حد حقوق این افراد کاهش دادند و آنقدر "دتمکرات" شدند که حق رای مساوی برای همه اعضای "شورا"، چه سازمان‌های یکنفره و چه سازمان‌های ششک ستون اساسی آنها تشکیل میدادند "قائل" گشتند. بنا براین چنین امتیازات ظاهری در آن مقطع خاصیتی دوگانه داشت: ۱- افراد بیشتری را جلب میکرد، ۲- سازشکاری این افراد با "امتیاز" رای مساوی توجیه میگشت. البته نباید فراموش کرد که این افراد با اصطلاح چپ و "مفر متفکر" جنبش‌در نهان به بهانه اینکه "مجاهدین که چیزی سرشان نمیشود" و ما از درون اینها را خط می‌دهیم و رهبری می‌کنیم"، سازش خود را تئوریزه میکردند. (مثل برخورد حزب توده نسبت به رژیم) بهر حال همین امتیازات ظاهری در اوج توهم آنها نسبت به موقعیت مجاهدین (که شاید از این نمذ کلاهی هم برای آنها فراهم شود)، طرفین را راضی مینمود که صورت‌ظاهر را حفظ کنند. اما گذشت زمان بسیاری از حقایق را که ما از آغاز روی

برنامه و هوکب کنونی "شورا" و گردن نهادن به برنامه حداقلی پرولتاریا است. راه دیگری برای خروج از این بن بست برای آنها وجود ندارد.

خطر جدید

مجاهدین آخرین ناشیهای خود را برای کسب قدرت سیاسی می‌آزمایند. آنها همانند غرق‌شدگان هستند که به هر چیز چسبند می‌اندازند تا شاید فرجی حاصل شود. خوانندگان "جهان" حتما اطلاعیه توضیحی "شورای ملی مقاومت" را در رابطه با "تایمات" ورود حزب شده به "شورای ملی مقاومت" (مجاهد شماره ۱۹۶) مطالعه کرده‌اند و اگر چنین فرمتی دست نداده است، ما به هنگام توصیه می‌کنیم که آنرا مطالعه کنند. مجاهدین در این اطلاعیه با یک دست‌حزب‌شده را ظاهرا پس‌زده‌اند و با دست‌دیگر آنرا پیش‌کشیده‌اند. بررسی همه‌جانبه محتوای این اطلاعیه بسیار مهم در این مقاله نمی‌گنجد و باید در فرمتی دیگر آنرا شکافت. با اینحال جان کلام مجاهدین در این اطلاعیه چنین است: دعوت غیرمستقیم از حزب‌شده برای پیوستن به "شورا" یا "شروطی" که واقع آنها برای حزب‌شده چون نوشیدن آب‌سهل است. درحقیقت مجاهدین در این اطلاعیه بطور عوام‌فریبانه‌ای تلاش نمودند که زمینه‌های ذهنی لازم برای همکاری‌های بعدی با حزب‌شده را فراهم سازند. "فاز" جدید سیاستهای مجاهدین، تظہیر حزب‌شده را ضروری می‌سازد و آنها از هم‌اکنون از خیانت آن رسا فاکشور گرفته‌اند. حتما مبارزات دلاورانه رزمندگان مجاهد در میدانهای نبرد، رهبران آنها را در پاریس مجاز میدانند که از خیانت حزب‌شده، که در سرکوب انقلابیون با رژیم جمهوری اسلامی همکاری فعال داشته است، صرفنظر کنند! ما همچنانکه در بالا اشاره نمودیم، این بحث را در مقاله‌های دیگر خواهیم گشود و در اینجا صرفا بتوانیم هشدار دیگری به هواداران مجاهدین لازم دانستیم به آنها یادآور شویم که خود را برای توجیه‌گیری‌های جدید و همانند توجیه اشتباه مجاهدین با بنی صدر آماده سازند.



وضعیت شورای ملی مقاومت "تنها آلترناتیو انقلابی"!

آن انگشت گذاشته و بصورت‌های مختلف توفیح داده بودیم، برمیلا کرده چند گروه ریز و درشت‌که وارد "شورا" شده بودند، کم کم با برمیلا شدن بنی ریشه بودن تخیلات خود نسبت به قدرت‌گیری مجاهدین، نق زدن را آغاز کردند و بعضا از آن خارج شده و خروج خود را نیز مثل ورود خود بنوعی بشوریزه کردند. اما امین‌پروز برخلاف گذشته، مجاهدین را بن "بنیون افلی" "شورا" برای جلوگیری از خروج این افراد و گروهها باید امتیازات ظاهری را به - امتیازات واقعی بدل نمایند. از طرف دیگر این گروهها و افراد که موقعیت را درک کرده‌اند، کم کم ادعاهای خود را مطرح خواهند کرد. مثلا، بسیار محتمل است که مجاهدین برای رفاست خاطر نیروهای غیر مذهبی درون "شورا" و فشارهای بیرونی، و از آنجائیکه بنی صدر "مسلمان راستین" هم دیگر در درون "شورا" نیست، امتیاز حذف کلمه اسلامی از نام حکومت را به این نیروها بدهند که البته روشن است که اگر چنین اتفاقی هم بیفتد، مجاهدین آنرا نه عقب نشینی، که نشانی از دستکورات بودن خود جا خواهند گذاشت. در مورد طرح نیم‌بند "خودمختاری کردستان" چنین کردند: بنابر این خروج بنی صدر از "شورا" سرآغاز باز شدن اختلافاتی است که در بن این نهاد وجود دارد و مجاهدین با تمام توانشان میکوشند آنها را پنهان کنند. تضادهاییکه دیر با زود به درهم شکستن کامل "شورای ملی مقاومت" منجر خواهد شد. این گسست، نتیجه نهایی بحرانی است که مجاهدین خود آفریده‌اند.

آیا خروج بنی صدر از "شورا" راه ورود برای کمونیستها را برداشته است؟

جواب منفی است. چرا؟ اولاً خروج بنی صدر از "شورا" هنوز به معنی جدایی مجاهدین از بورژوازی لیبرال نیست. ثانیا و مهمتر از همه، با خروج بنی صدر، هیچ چیز تغییر نیافته است. اطلاعیه "شورای ملی مقاومت" در رابطه با خروج بنی صدر، گویای روشن این حقیقت است. آیا دلایل مخالفت ما با "شورا" تنها وجود بنی صدر بود؟ خیر. ما این ائتلاف و سازش را نه در خدمت انقلاب که ضربه‌ای بر آن ارزیابی می‌کنیم. ما قبل از هر چیز و مهمتر از هر چیز برنامه و سیاست "شورا" را بورژوا - رفرمیستی تشخیص دادیم و امروز هم با خروج بنی صدر، هنوز تغییری در آن مشاهده نمی‌کنیم. ما "مفاد برنامه "شورا" را مغایر با منافع کارگران و زحمتکشان شهر و روستا، یعنی اکثریت جامعه ایران ارزیابی کردیم و امروز نیز همچنان بر این باور هستیم. ما استراتژی قدرت‌گیری مجاهدین را طرح توطئه‌گرانه و از بالا و اتسکا به ارتش ضد خلقی و بر مبنای نفوذ خیالی بنی صدر در آن و جدا از راه انقلاب دانستیم و امروز صحت نظراتمان آشکار گردیده است. ما تاکتیک‌های مجاهدین را جدا از مردم، ما جراحوباشی و آوانتوریستی ارزیابی نمودیم. عقب نشینی خود مجاهدین از این تاکتیک‌ها، واقع نگری ما را به اثبات رسانده است. ما انگاه مجاهدین به نیروهای بین‌المللی نظیر جناحهای "دوراندیش" امپریالیستها و عدم انگاه آنها به توده‌ها را انحراف از - موازین انقلابی دانستیم و امروز با خروج بنی صدر، هنوز تغییر در سیاستهای ما ثبات طلبانه مجاهدین بوجود نیامده است. ما برخورد‌های مجاهدین را نسبت به نیروهای کمونیست و اصولا نسبت به توده‌ها کاسیکارانه و نامادقانه ارزیابی نمودیم و امروز سیاست "مصلحت بر این قرار گرفت... مجاهدین و پنهان کردن حقایق از مردم، محتاین ادعای ما را آشکار نمود. بنابر این بر واضح است که خروج بنی صدر هنوز در آنچه تاکنون بدراه اتحاد ما با مجاهدین بوده است، تغییری نداده است. ما معتقدیم، همچنانکه بارها گفته‌ایم، تنها راه برای مجاهدین رها کردن



و چراغ سبز آن به شورای ملی مقاومت

و طرفداران او در حاکمیت (بخوانید "خط امامی ها") قرار گرفت. در این شرایط با در نظر داشت اختلافات گذشته در حاکمیت سیاسی و توقف روند تعمیق انقلاب امپریالیست و میرفت گامهای اساسی در جهت حل مشکلات اقتصادی - اجتماعی جامعه به نفع توده های زحمتکش پرداخته شود. این امید به تحقق نمیوست و این روند نه تنها آغاز نگرش نیست بلکه سیاست رژیم تغییر کیفی یافت و پیش از پیش به راست گراشد (قطعنامه "پلنوم") که جای هیچگونه شکی باقی نمیگذارد. اما بهینیم منظور حزب معامله از گرایش به راست چیست.

"چرخش هیئت حاکمه به راست در زمینه سیاست داخلی و خارجی که به شکل احیاء نظام منطبق سرمایه داری وابسته، تقویت بنیه مالی بورژوازی تجاری، احیاء مواضع اقتصادی و مآل سیاسی امپریالیسم و همسانی و هموشی هرچه بیشتر با دول امپریالیستی نظامی ظاهر میکند، جامعه را با بحران اقتصادی - اجتماعی و سیاسی روبرو ساخته است." (همان منبع، تاکید از ماست)

پس منظور حزب معامله از گرایش به راست "احیاء نظام سرمایه داری وابسته"، "احیاء مواضع اقتصادی سیاسی امپریالیسم" و هموشی و همسانی هرچه بیشتر با امپریالیستهاست. بهای این بنظر حزب با برکناری بنی صدر از صدارت، انقلاب متوقف شده، سیاست رژیم تغییر کیفی یافته و رژیم با امپریالیستها همسو و همان شده است. پس اینطور که بنظر میرسد "ماهیت انقلابی و ضد امپریالیستی" رژیم جمهوری اسلامی قبل از برکناری بنی صدر، نه بخاطر خمینی و "خط امام"، بلکه بخاطر وجود بنی صدر در حاکمیت بوده. بیاد بیاوریم تبلیغات شهوع آور و کر کننده حزب معامله گر توده در رابطه با "انقلابی و ضد امپریالیست" بودن "امام" را، و حال بیکباره حزب با پشتکار و اراده و رد تمام تحلیل های گذشته مدعی است که:

"هدف سران جمهوری اسلامی که شقی ترین نوع دیکتاتوری و خود که مگی قرون وسطایی را به میهن بلا کشیده و مردم زجر دیده آن تحمیل کرده اند، روی آوری به دامان امپریالیسم جهانی و سرکردگی امپریالیسم

میکنیم. این نگرش، بررسی کلیه مفاد قطعنامه نیست چرا که پرداختن به همه آنها از حوصله این مقاله خارج است، بلکه پرداختن به چند نکته اساسی بعنوان مثالی از خروار است.

در پیام هیجدهمین "پلنوم کمیته مرکزی" حزب آمده است که: "هیئت حاکمه که در جریان جنبش انقلابی و سالیهای نخست پس از پیروزی انقلاب در جهت خواست های خلق گام بر میداشت پس از غصب انحاری پشت به مردم کرد. ارتجاعی ترین و قشری ترین جناح هیئت حاکمه که توانست بتدریج مواضع خود را در حاکمیت تحکیم بخشد با تغییر سمت حرکت انقلاب آنرا از مضمون اجتماعی - اقتصادی تهی کرد... انقلاب را در مرحله سیاسی متوقف ساخته و مانع فراروشی آن به انقلاب اجتماعی شدند." (تاکید از ماست) حزب معامله گر توده شرمگینانه وجود بنی صدر در حاکمیت را بعنوان عزمی انقلابی، عامل پرداختن گامهایی در جهت خواست خلق در سالیهای نخست پس از پیروزی انقلاب میداند. اما با بیرون کردن بنی صدر از حاکمیت و "غصب انحاری" قدرت توسط "ارتجاعی ترین و قشری ترین جناح حاکمیت" سمت و سوی انقلاب تغییر میکند و انقلاب در "مرحله سیاسی متوقف" شده و مانع از تحقق "انقلاب اجتماعی" میگردد. پس اگر بنی صدر کما فی السابق در حاکمیت باقی میماند و قدرت سیاسی بطور انحاری غصب نمیشد "انقلاب اجتماعی ایران" صورت گرفته بود. بیاد بیاوریم زمانی که حزب معامله در دوران صدارت بنی صدر وی را لیبرال معرفی میکرد و لیبرال ها را پایگاه امپریالیسم آمریکا میدانست و مبارزه با لیبرالها عمده ترین تاکتیک حزب بود، رژیم جمهوری اسلامی به "رهبری امام خمینی" ضد امپریالیسم و انقلابی قلمداد میشد اما اکنون چه؟ اکنون ارتجاعی ترین، قشری ترین جناح حاکمیت "امام" و "خط امامی ها" است که قدرت را بطور انحاری غصب کرده؟! ممکن است گفته شود که ما غریبوزانه حزب را متهم به دفاع از بنی صدر میکنیم اما قطعنامه "پلنوم" آنچنان واضح و صریح میگوید که: "با برکناری بنی صدر از ریاست جمهوری، در واقع رهبری سیاسی انقلاب بطور عمده در اختیار آیت الله خمینی

بالاخره همانطور که انتظار میرفت حزب بی آبرو و معامله گر توده، پس از مدتها مداحی، شناگوشی، چاپلوسی، پس از خوردن توده های محکم از طرف جمهوری اسلامی و پس از دست رفتن آخرین امیدهای دربار و بندگی به درگاه رژیم جمهوری اسلامی در هیجدهمین "پلنوم کمیته مرکزی"، پشتکار جدید خود را زد و بیکباره "انقلاب پیروز شده" در راه خود "متوقف میشود" و با شوجیه انجام "انقلاب سیاسی" بعنوان پرچمدار برانجام رساندن "انقلاب اجتماعی" ایران، با فراخواندن "کلیه نیروها از هر عقیده و مذهبی" حتی "بورژوازی" در جبهه متحد خلق، رسالت اتمام و به ثمر رساندن انقلاب نیمه تمام در زمینه "اجتماعی" را بعهده میگردد. رژیم "ضد امپریالیست و انقلابی جمهوری اسلامی" به رژیم مافوق ارتجاعی و قرون وسطایی تبدیل میشود، دیکراسی با به زندان افتادن "برادران" - توده های جای خود را به خفقان و اختناق میدهد و ما ناگهان متوجه میشویم که زندانی سیاسی وجود دارد، در زندانها به زنان تجاوز میشود، خون محکومین به اعدام پیش از مرگ کشیده میشود و انواع و اقسام شکنجه های قرون وسطایی وجود دارد!!؟

حزب معامله گر توده که تا دیروز کعبه آمال خود را در رژیم جمهوری اسلامی میجست و در کنار رژیم به نیروهای انقلابی که از وابستگی رژیم به امپریالیست ها، زندانی، شکنجه و آزار قرون وسطایی زندانیان سیاسی صحبت میکردند، نهیب میزد و منکر همه چیز میشد و در اسلامی بودن خود تا بدانجا پیشرفت که به برکت سر آیت الله کیهان نوری برای خود شجره نامه اسلامی درست کرد و خود را به نوادگان آیت الله نوری منتسب کرد، امروز صحبت از "ارتجاع حاکم"، شکنجه، اختناق و... میکند!!؟ بیکباره بنی صدر "سرکرده لیبرال ها" به عنصر ملی تبدیل میشود که با رفتن او از حاکمیت رژیم دچار "راست روی" و بالاخره ارتجاعی میگردد. "فدائشی و مجاهد... ضد انقلابی" به انقلابی و "جنبش ارتجاعی خلق کرد" بر حق "شناخته میشود!!؟ برای اینکه ما را متهم به پیش داری نکنند نگرشی کوتاه و اجمالی به "پلنوم ۱۸ کمیته مرکزی" حزب توده



قطعنامه پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران

و سردرد مسعود رجوی

در ماسی که گذشت بی شک یکی از بهترین رویدادها سیاسی میهنان پرکاری پلنوم هجدهم حزب توده ایران و مباحث جدیدی بود که این حزب در پلنوم هجدهم خود به تصویب رسانید. طبیعتاً باید با در نظر گرفتن کمیت مردمی ناچیز این حزب بخصوصی اعتباری و بی حیثیتی اش در ایران تحولی در پیش آن نیز چندان پر اهمیت و حتی قابل ذکر نباشد اما به سبب نقد مهمی که در ساله این حزب در مقام "انجمن دوستی ایران و شوروی" و جری سیاستهای آنان در ایران پس از حزب از اهمیت و توجه فراوانی در نزد ناظران سیاسی جهان برخوردار بوده است و بی تردید باید اذعان داشت که تمامی سیاستهای خارجی اردگاه سوسیالیستی و چپونی پیش از آن در ایران به سبب این حزب با بی ارادگی تمام تا کنون بقایای دوله و یگار گرفته شده است. در نتیجه عده دار بودن چنین نقشی است (انجمن دوستی ایران و شوروی) که هویت واقعی این حزب در محافل سیاسی دنیا مشخص میگردد نه پس بر بنای ادعای این حزب در مقام "دافع طبقه کارگر ایران" با توجه به همین کاراکتر مشخص سیاسی است که مساهله برگزاری پلنوم هجدهم و تغییر جهت سیاسی موضوع - صریحاً آنرا در راه گذشته از رویداد های مهم سیاسی کشورمان نام میبریم - تصمیمات و برنامه های صوب - پلنوم که با احتیاط در قطعنامه پیرامون یک سلسله از مسائل حاد سیاسی ایران به تصویب رسیده است - سلباً از قبل در اختیار و قبضه آن دسته از مشاوران خارجی گرفته و نیز یک این حزب قرار گرفته و در نهایت آینده سیاستهای بعدی اردگاه سوسیالیستی در مورد ایران خواهد بود چه اگر کل آن در موضوع گیری های رسمی این کشورها نسبت به ایران انعکاس خارجی نیابد - اختلاط بینیم جمهوری اسلام را با اتحاد جماهیر شوروی وارد نگاه سوسیالیستی که چه تاکنون در موضوع سیاسی این کشورها نسبتاً با ایران تغییرات عدای بوجود نیاورده است اما با شنیدن سخن و گفتارهای رادیکال و مسکو که در ماههای اخیر بر طبق رژیم شدیدا ترش شده است میتوان از صحنه کاملاً محسوس این اختلاط و تجدید نظرهای ضمنی آن مطلع گردید و همانطور که در قبل بان اشاره کرد پیشکی نیست که کل سیاست یگار گرفته شده از جانب حزب توده ایران مورد تأیید اتحاد جماهیر شوروی نیز می باشد اما شوروی همیشه ترجیح داده است از تمامی آن بعملی ((گذشتن حداقل پس از برگشتن رسمیت نسبتاً این سیاستها)) حمایت نکند تا در محافل بین المللی از طرف دیگر استقلال داخلی این حزب را حتی اگر به صورت ماهره هم که شده از جانب خود محفوظ نگاه داشته شده و آنچه سازد - قبل از بیان اینکه مجاهدین خلق چگونه راین مورد استثنائی به تجدید نظر در موضوع تنوعی شان خواهند پرداخت آیا رامنرا برای ارد حزب توده بشورای ملی مقاومت باز خواهند گذاشت؟ یا با آن بسردی برخورد خواهند نمود؟ لازم است نخست به روشن نمودن وسعت میدان فعلی مانورهای حزب توده در سطح جنبش ایران برای

شکستن و بهرین آمدن از ایزولا سیونی سیاسی کشنی خود بپردازیم.

۱- تمام نیروهای چپ ایران با تفاق این حزب را - سالیست که به خیانت و داشتن انحراطات تنویک - محکم نموده اند و تقریباً درها برای حزب توده در - این قسمت کاملاً بسته است - حزب توده این را بخوبی میداند بنابراین نیریش صرف آن نخواهد نمود اما سخن خود نسبت به این سازمانها را تا زمانیکه هنوز پایتیر - بر روی زمین محکم نشده است پائین نهد خواهد داشت اما بخاطر پیداست آوردن دل شورا هم که شده در مورد - مائوئیست خط ۲ در درون حزب کمونیست ایران.

موضوع تعرضی اتخاذ خواهد نمود
۲- حزب دموکرات کردستان ایران: خیانت حزب - با باند غنی بلوکیان بر حزب دموکرات پیشیده - نیست بخصوص که حزب توده در کردستان بخاطر اعمال ضد انقلابی و همکاران اش با رژیم کاملاً افتاده است اما حزب دموکرات تا کنون معمولی و تا کنون یگار برده شده خود را یاز یگار خواهد بست - بر خیانتهای خود اظهار تائید امتیاز خلق کردستان را خواهد بستید کردستان بیاید و در کنار سایر برادران کرد خود بپارزه بر طبقه رسم بر خیزد.

۳- سازمان مجاهدین خلق ایران: در قطعنامه پلنوم دوپند ما و به سازمان مجاهدین خلق ایران و نیروهای انقلابی در کردستان اختصار داده شده است. این بخوبی روشن کرد درجه اهمیت است که این دو سازمان در نزد حزب توده دارا میباشند - حزب توده تنها روزه امید و راه نفوذ را به بعد آینه بین - همین با همین صیحات روشن میسازد - عکس العمل مجاهدین خلق همان سردردی است که در بعد به توضیح آن خواهیم پرداخت.

۴- شورای ملی مقاومت: گرچه در شورای ملی مقاومت چیز مجاهدین خلق و حزب دموکرات کردستان نیروها و شخصیتهای دیگر نیز ذی نفوذ میباشند اما عطا بهمت فقدان پایه مردمی کافی در ایران از اهمیت چندانی بر خود ارتعمیاسانند و بیشتر همان سازمانها و احزاب - موجود بر روی کاغذ اند اما تشبه این نیروها در جمع از مخالفان سر سخت و قسم خورده چندین ساله حزب توده میباشند - چه از مائوئیست های خط ۲ گرفته تا ترشکیست ها و برخی از یاران باقی مانده خللی ملکی و چه از پانده - بی صدر و دیگر نیروهای نزدیک بان.

۵- سلطنت طلبان و سایر گروههای نزدیک بان و جناح هائی از رژیم جمهوری اسلامی: که در موقعیت کشنی برای حزب توده - عملاً مطرح نمی باشد.

تقسیم بندی فوق پرورشی حیطه عمل مانورهای سیاسی حزب توده را برای نزدیک و ایجاد مناسبات همکاری با نیروهای انقلابی - دموکرات به خاطر بهرین آمدن و خلاصی از ایزولا - سیون سیاسی فعلی موجود خود نشان میدهد و همچنین مشخص می نماید که این حزب روی چه نیروهائی از هم اکنون به سراغ گذاری نقشه است (مجاهدین خلق و حزب - دموکرات) کسانی که احتیاطاً از این تحلیلی متعجب خواهند گردید باید

این را در نظر داشته باشند که اصلاً چگونگی ورود سیاسی این حزب به ملت نیریش کمی اجتماعی ناچیزان در ایران - و خصوصاً انباشته ای از تئوری های من و زاید و انحرافی سیاسی به اسم مارکسیسم - لنینیسم همیشه تا کنون بر روی یک سری از رد و پند های محلی و ملی و یک سلسله از مانورهای سطحی با بالائی ها صورت گرفته است تا ترویج واقعی تئوری مورد ادعای او در طبقه کارگر و - مشکل نمودن آنان - سازش و عاشقات تا سرحد غفلت - خود غرضی ملی (اچیز که آقای فرخ نگین دارد در نوشته مسائل انقلاب و موضوع ما "از آن بنام بودن در فائوسن - مبارزات یاد می کند) (آقای تا کنون با و خصلت حرکات سیاسی این حزب را تا به امروز مشخص نموده است و شایع میوه - در نهایت آینده سیاسی این حزب و یگار کشی مجدد آن - میباشند.

تفسیر موضوع از حائن و وابسته دانستن مجاهدین و حزب دموکرات کردستان ایران تا انقلابی دموکرات و عدل امیرا - لیست بر نمودن آنها ((صرف نظر از این گردش خدمت دارا)) امروز با تئوری سنجیده و مرامات کامل چو سیاسی - موجود از طرف حزب توده انجام میگرد و در آینده نزدیک همین حزب را خواهیم دید که با چه انرژی و نیریش خود را پناه یاران نزدیک و بهریم پیوسته این سازمانها جای خواهد زد و چگونه به وصف متعجب و افسانه سرانی در باره مشاور ملی مقاومت و مبارزات عدل امیرا لیستی آن خواهد نشست که حتی خود آقای مسعود رجوی و تمام سران شورا را هم در حاش و لوج باقی خواهد گذارد - بیکار بینی صدر رلی جمهوری اسبق رژیم جمهوری اسلامی و یکی از بدنامتر - ترین چهره های شناخته شده شورا را طبق به نامی شده - بهر لای طری ایران خواهد نمود و بهر مناسبات شورا احزاب - سوسال دموکراسی را که تا دیروز از طرف این حزب و ستان امیرا لیسم نامیده میشدند (کبد رستی هستند) صحنه

لذاشته و آنرا مورد تمجید قرار خواهد داد - و تازه این املی راه است و سردرد و اضمحلالی مسعود رجوی زمانی شروع خواهد کردید که تماماناه رسمی حزب توده - ایران را برای ارد به شورای ملی مقاومت (که مسلماً تا کنون - نوشته شده و آماده است) روی میز کار خود طاحمه نماید - باید گفت با تمام گرایشات ضد شوروی و ضد کمونیستی سازمان مجاهدین خلق و گریز همیشگی این سازمان در بهر وجود بودن و عدالت عمل با نیروهای چپ این سازمان امروز و بخصوص بعد از جریان شکست کودتای مشترکشان با بی مدرد رسمی خرداد ۶۰ بر حسب تفسیر چو سوسیالیستی و شرایط جدید میباید جبراً شاهد گشته که امتان بهر روی - آنان به تنهایی بر طبقه رسم خنثی و ساقط کردن آن غیر ممکن و برابر با صراحت است - لذا پایه روی شورای ملی مقاومت و برنامه های تشکیلی بعدی آن کوششی بود در گرد آوردن - نیروهای انقلابی چپ و دموکرات بپیر بشر خواسته ما و - و برنامه های تحمیلی مجاهدین خلق ایران (مجاهدین پس حتی برای همیشه تصور امیدام سریع و فواید رژیم جمهوری اسلامی را نیز بشمار گذاشتند)

با اعتقاد نیروهای چپ از قبیل شرکت در شورای ملی مقاومت و انتقاد هار واقع بینانه آنان از صیحات ناقص و راستگرایانه شورا از یک طرف و سیاستهای مذبذبه و ضد

جهانخواه آمریکاست. (پیام "پلنوم" ...)

و "سیاست بران جمهوری اسلامی برای احیای مواضع امپریالیسم در کشور... را سیاستی عمیقاً ضد ملی و مغایر مصالح عالیه خلق - های میهن ما میدانند." (قطعنامه "پلنوم") اما ببینیم نظر "پلنوم" نسبت به نیروهای دیگر چیست. همانطور که انتظار میرفت حزب معامله گر توده پس از دستگیری "برادران" توده‌ای، نیروهای "فد انقلابی" دیروز را انقلابی میدانند و خواستار اتحاد عمل با آنها میگردد. تا دیروز وجود فدائی مجاهد نفی میشد ولی حالا، ... حزب توده ایران ... از پایداری قهرمانانه زندانیان توده‌ای، فدائی، مجاهد و دیگر مبارزان صادق ضد امپریالیست تحت سخت ترین شرایط و زیر شدیدترین شکنجه ها قرار دارند...

صحبت میکنند. (پیام به مردم ایران) "پلنوم" اظهار میدارد که: "بران رژیم میخواهند شما را ... بنام مجاهد و فدائی و توده‌ای ... رو در روی یکدیگر قرار دهند... ما میتوانیم و باید با اتحاد و عمل مشترک این نقشه شیطانی هیئت حاکمه را نقش بر آب کنیم" (پیام "پلنوم"). حزب معامله گر توده که زمانی همین فدائی‌ها، مجاهد‌ها ... را لو میداد و خود در نقش بازو آنها را شکنجه میکرد هم اکنون که مدینه فاضله خود را در شورای ملی مقاومت میداند برای بدست آوردن دل آزاده مجاهدین بعنوان محور این شورا یاد آورد میشود که: "برخی سو تفاهات و تندزوبیا در روابط متقابل حزب توده ایران و سازمان مجاهدین خلق مشکلاتی را پیش آورده که در مجموع به زبان نهفت ضد امپریالیستی مردم میهن ما تمام شد. "پلنوم" خواهان تجدید نظر مثبت در

قطعنامه پلنوم هجدهم کمیته مرکزی

بقیه از صفحه ۳۷

مرد می حزب توده - اکثریت از طرف دیگر مجاهدین خلق عریضه بیشتر به نفوذ راستی های شورا گفانده شده و کاربرد تاکتیکهای آنان برایشان مکرر گردد. اما امروز بعد از ۱۰ سال تبلیغ و جنگال آفرین مستمر براساس شورا این اگر برای آقای محمود رجوی و دیگر رهبران شورای ملی مقاومت هنوز روشن نگردیده باشد حداقل برای اکثر مردم ایران - مشخص شده که:

۱- تاکتیکهای سیاسی و دیپلماتی شورا گرچه بجنب حمایت احزاب کشورهای امپریالیستی از شورا انجامیده - است اما با تمام کوشش و سعی رجوی استیلاز پاید شورا نکرده است (فیب شدن کماریهای ضد امپریالیستی در "مجاهد" بطور ناگهانی - و عدم شرکت هواداران مجاهدین در خارج از کشور در تظاهرات ضد امپریالیستی از این دیدگاه نشئت میکند.)

پشتیانی حزب کارگر انگلیس، حزب سوسیالیست میتران و هزار دیگر شخصیت اروپائی و آمریکائی از شورا شاید قادر باشد شورا را از حومه پاریس به پاریس نقل مکان دهد اما

این روابط است و به هیئت سیاسی توصیه میکند در راه ایجاد روابط سالم و سازنده با سازمان مجاهدین خلق ایران به مثابه یکی از نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی در اتحاد همه نیروهای انقلابی و میهن پرست کوشش نماید" (قطعنامه) و همچنین برای بدست آوردن دل حزب دمکرات کردستان، پایه دیگر شورای ملی مقاومت می افزاید که: "حزب توده ایران کوشش های لازم را برای ایجاد تفاهم و تماس نزدیک با سازمانها و نیروهای مترقی انقلابی خلق کرد به عمل خواهد آورد. "پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران" از - مبارزه برحق خلق کرد در راه خودمختاری در چهارچوب ایرانی مستقل و آزاد پشتیبانی میکند" (همان منبع). زمانی حزب معامله گر توده جنبش انقلابی کردستان را ارتجاعی و کار عمال امپریالیسم میدانست، اما امروز با پشتک جدید "مبارزه خلق کرد برای خودمختاری را برحق" میدانند. زهی بیشر می.

براستی علت چیست که حزب معامله گر توده بنی صدر را تطهیر میکند، او را - انقلابی قلمداد میکند، به درگاه مجاهدین و حزب دمکرات طلب استغفار میکند؟ در واقع این چراغ سبز است به شورای ملی مقاومت برای بدست آوردن "پروانه کار" در شورای ملی مقاومت. "حزب" برای اینکه همخوانی برنامه خود با برنامه بورژوازی فرمیستی شورای ملی مقاومت را نشان دهد و آنها را از هر حیث آسوده خاطر سازد، تیرا اصلی را رها میکند و در قطعنامه خود "ایجاد شرایط لازم برای تأمین فعالیت سودمند سرمایه داران کوچک و متوسط و دفاع از منافع آنها در قبال انحصارهای امپریالیستی (همان منبع) در جهت حفظ سیستم سرمایه داری را ترویج میکند. این همان چیزی است که

برای انتقال آن به تهران همان دست خف حضرت عباس لازم است.

۲- حیطه مانورهای سیاسی شورا در نزدیکی با احزاب سیاسی اروپا حدت است که به درجه انبساط و ان چراغ خطر قرمز رسیده است و جای دیگری برای لاف زدن های السکی باقی نمانده است

۳- تاکتیکهای نظامی و کودتا گرانه مجاهدین با تمام نازها پند را بران با بجا گذاردن هزاران شهید و اسیر شکست خورده و غم مانده است و امروز تنها در حرکتی ضعیف در کردستان جریان دارد

پایراین برای مجاهدین خلق که تمام کارتهای آس خود را - بازی کرده اند و فعلاً پشت دست نشینند چرخش ناگهانی حزب توده به جانب داری از آنان رو داد بسیار مهمی حساب میاید چه مجاهدین با استقبال از آن هم در تشریح پشتیبانی غرضی و هدیه بسیار مهم شورای و در نتیجه اردوگاه سوسیالیستی و بسیاری از جنبش های آزادی بخش کوشیده اند و هم از طرف دیگر زنجی و حقارت حزب توده را برای هگان و بخصوص طرفدارانشان به نمایش خواهند گذاشت و افشارانش را در آینده بدست خواهند داشت.

شورای ملی مقاومت اساس کار خود را بر آن استوار ساخته است. "دولت موقت (منظور دولت موقت دمکراتیک اسلامی) سرمایه داری و بازار ملی، مالکیت شخصی و خصوصی، سرمایه گذاری فردی را می پذیرد، مشروط بر آنکه ابعاد نامحدود و وابسته و جهت گیری کمبرادوری پیدا ننموده و توسعه اقتصادی - اجتماعی تمام جامعه و کشور را مخدوش و فلج نکند." (تذکر یک بخش استقلال، فصل سوم مواد برنامه شورای ملی مقاومت). - مقایسه ای بین این دو اصل از برنامه حزب معامله و شورای ملی مقاومت در می یابیم که "ایجاد شرایط برای فعالیت سرمایه داران - کوچک و متوسط" از طرف حزب معامله گر توده همان "پذیرش سرمایه داری و بازار ملی و سرمایه گذاری فردی در ابعاد محدود" است که مورد قبول شورای ملی مقاومت است - به عبارتی دقیق تر "حزب" و "شورا" در مورد حفظ سیستم سرمایه داری با هم انقادی نظر دارند.

آری پشتک جدید حزب معامله گر توده با توجه به ماهیت اپورتونیستی و خط مشی کلی آن، همانطور که گفتیم آنچنان هم غیر - منتظره نبوده است. ما و نیروهای انقلابی دیگر پیش بینی این لحظه را می کردیم. اما نکته درخور توجه این است که قطعنامه "پلنوم حزب" نشان دهنده شروع پروسه نزدیکی حزب معامله و شورای ملی مقاومت است و ما در آینده نزدیک با پستی منتظر اتحاد "حزب" و "شورا" باشیم. شورای ملی مقاومت هم برای برخورداری حمایت جهانی احزاب برادر که پشتیبان حزب معامله گر توده هستند به این اتحاد عمل بی میل نیست. روند برخورد های اخیر مجاهدین با "حزب" این رغبت به اتحاد را نشان میدهد.

اما تمام این واقعیت ها کی انجام خواهد پذیرفت و سپهر حوادث ثابت پیچید آدن مسائل جدی تری خواهد کرد چه مجاهدین خلق پسوی آگاهند که با عنوان کرد در پذیرش حزب توده اعضا شورای ملی مقاومت را در برابر چه سؤال - مشکلی قرار خواهند داد. مجاهدین به شهرتید و بی - حیثیتی این حزب در ایران واقفند و میدانند چه زبانه های جبران ناپذیر را با قبول آن در شورا تحمل خواهند نمود که حتی موجودیت شورا را نیز به خطر خواهد انداخت.

از طرف دیگر وابستگی این حزب به شورای و انعکاس مرد آن به شورا در محافل سیاسی احزابی که فعلاً مجاهدین بدنبال آنها چپا رنعل در حال دیدن هستند بطور قطع ایجاد سو - ظن و بد بینی خواهد نمود که مجاهدین قیلاز آن - اجتناب می ورزند اما وضعیت فعلی کشتی پل نشسته شورای ملی مقاومت نیز حق انتخاب چندانی برای مجاهدین بجای نمی گذارد. هم حزب توده با مؤذی از این وضعیت ظلم است و هم سردرد آقای محمود رجوی نشانی دال بر ان و برای ما ناظران بر این صحنه هیچ چیز عجیب نمی باشد چه اگر پیشی مدتها در این شورا در مقام ریاست جمهوری ظاهر میگردند حزب توده میبایستی در حکم عیسی صبح

موضع ما در مقابل چرخش جدید "حزب توده" و "اکثریت"

تیمپاشی، که گویا بطور ویژه فقط برای اینان سفارش داده بودند، دانستند. و باز به توجیه هم حکومت و هم سردمداران خود پرداختند. بسیار آموزنده است یادآور شویم که این رهبران که اینچنین در برابر جلادان و مخدومین خود زانو زده و تقاضای ترحم و بخشش از جانب آنان را نمودند، در مقابل کلیه خیانتها شبکه به خلق و انقلاب ملی عمر سیاسی ننگین خود مرعوب شده اند، در آخرین با صلااح پلنوم خود، تنها آنها یک سو، تفاهم نمایند و با کمال وقاحت خود را، حزبی که همواره با مردم و انقلاب بوده است، معرفی کرده اند. این رسم این خائنین است که همواره در مقابل جلادان که از او پشتیبانی کامل نیز کرده اند، زانو زده و از او تمنای ترحم و بخشش نمایند و در مقابل خلقی که عمری بدان خیانت ورزیده اند بنا چهره ای طلبکارانه خود را نیروی همیشه مدافع انقلاب و مردم بدانند. اینهمه وقاحت اینهمه بی شرمی! برآستی باور شکردهنی است.

خلق ایران این خائنین را خوب شناخته است. اینان نمیتوانند با اتخاذ سیاست مخالفت با حکومت جمهوری اسلامی و با حتی مبارزه! کتافات ناشی از خیانت چندین ساله خود را به کلیه مردم ایران و انقلاب ببوشانند. چرا که اگر معیار ما برای انقلابی دانستن و ندانستن یک جریان، مخالفت و یا حتی مبارزه با حکومت جمهوری اسلامی بود، سلطنت طلبان بی آبرو و فدا خلق نیز انقلابی میبودند. ما برای اینکه خیال این چاکر صفیان را از هرگونه وسوسه و توسل جستن به شیوه های موعظه گرایانه و عوام فریبانه از غماش شیوه های چندین ساله حزب توده آلوده کنیم، با صدائی رسا و در عمل نیز، به اینان اخطار میدهم که تکلیف شما خائنین به انقلاب و مردم را تنها و تنها دادگاه های واقعی انقلاب معین خواهد کرد.

بنابراین موضع و سیاست ما نسبت به چرخش و پشتک و آرومی خائنین "توده ای" - "اکثریتی" بسیار روشن و صریح است. حال اگر فرد یا افرادی از وابستگان سابق این دو جریان خود را فریب خورده اینان میدانند و امروز با دستگیری و محاکمه رهبران خود به عمق خیانت و ماهیت دغلکارانه آنها پی برده اند و ضربات مهلک ارتجاع جمهوری اسلامی بر بیکر انقلاب آنها را از خواب توهم بیدار کرده است و خواهان پیوستن به صفوف مبارزه با رژیم دهنش جمهوری اسلامی هستند باید قبل از هر چیز وظیفه خود را مقابل، مبارزه و افشای کامل "حزب توده" و "اکثریت" بدانند. به عبارت دیگر، مبارزه این دسته از فریب خورده گان توده ای - "اکثریتی" با رژیم جمهوری اسلامی قبل از هر چیز از کاتال مبارزه قاطع و بی امان با این دو جریان میگذرد نه تقویت و توجیه آنها و ادامه حرکت در زیر پرچم زرد و ننگین گذشته که چیزی نیست جز دورخیز کردن برای خیانتی دیگر در آینده. ما قاطعانه اعلام میداریم که در هیچ برنامه ای (عملی یا نظری) فرد یا افرادی را به نام "توده ای" - "اکثریتی" راه نخواهیم داد. اینان اگر خواهان مبارزه با رژیم اند، قبل از هر چیز، وظیفه دارند در تلاشی کامل حزب خائن توده و "اکثریت" برخیزند، چرا که همطوریکه یکی از سردمداران تهرانی تجربه خیانت حزب توده، یعنی به - آذین، در دادگاه رژیم پس از در یوزگی حفیرانه ای اعلام داشت: "این حزب با اعمال و خیانتهاش که صورت داده است، الان بصورت لاشه گندهای است که بایست دفن شود." [۱]

دو مقاله صفحات نسل و جنبه مختلف از آخرین چرخش حزب خائن توده و توبالگان آنها، یعنی "اکثریتی" های خائن و پی آمدهای احتمالی آن از جانب مجاهدین را مورد ارزیابی قرار داده اند. اما نکته بسیار مهمی که ذکر آن در اینجا حتی بعنوان یک هشدار به تمام نیروهای انقلابی ضروری است این است که امروز پس از بی موجب ماندن "حزب توده" و "اکثریت" در مقابل نوکسری و حلقه یگوشی شان نسبت به رژیم جمهوری اسلامی، بار دیگر تلاش جدیدی را برای داخل نمودن خود به صفوف نیروهای انقلابی آغاز کرده اند و برای جلب نظر دیگران خود را مخالف سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی نیز وانمود میکنند. اگرچه این همدستان جمهوری اسلامی و توجیه گران جنایات بیشمار آن، هنوز امیدشان را نسبت به انظار رژیم بطور کامل از دست نداده اند و علت قطع دفاع و همکاری علنی با رژیم را به صراحت عدم خواست آنها میدانند و گرنه این خائنین هنوز مدافع این سیستم هستند. فرخ نگهدار منفور، این عنصر رذل و سordست "اکثریتی" های خائن، در دومین جزوه با صلااح "پرسش و پاسخ" خود بنام "مسائل انقلاب و مواضع ما" که کاریکاتور مشتمل کننده و عقب مانده ای به تقلید از کیا ثوری است، به صراحت خاطر نشان میازد که:

"بنابراین در سیاست ما نسبت به حکومت، دیگر جایی برای پشتیبان حکومت بودن باقی نمانده است. ما سبتر بگوشیم جایی برای این سیاست ما باقی نگذاشته است." (ص ۴۲) تاکید از ماست) بنا بر این اگر حکومت به این دو مقنن هنوز هم فرصت بدهد، در لو دادن انقلابیون، در همکاری با جلادان بیدادگاههای رژیم و شکنجه گران اوین کوتاهی نخواهند کرد. در واقع این رژیم است که دیگر اجازه نمیدهد این جاسوسان بی موجب به جاسوسی و خیانت و عوام فریبی خود ادامه دهند. وی در همین جزوه، در رابطه با وظائف نیروهای "انقلابی" با توجه به تمام جنایات رژیم میافزاید:

"وظیفه عاجل هر عنصر انقلابی بیکر دفاع جانانه از حزب توده ایران، مقابله جدی با جنجال های تبلیغاتی ضد شوروی و مخالفت صریح و استوار با استمگوری سیاست حکومت جمهوری اسلامی است." (همانجا، تاکید از ماست) نوکوشی اشکال رژیم برپائی جنجال های تبلیغاتی ضد شوروی است! و اینهمه حقایق مربوط به جنایات رژیم علیه انقلاب و انقلابیون و ویران کردن ایران برای اینان کافی نیست که امروزه "وظیفه عاجل هر عنصر انقلابی" را دفاع، آنها از زووع چاشنه اش از حزب منفور و خائن توده دانسته است. حزبی که سردمداران آن در یوزگی و حلقه یگوشی و حلقه یگوشی را بجای رسانده اند که برای نجات جان حفیرشان به پای بوسی جلادان و کفتاران جمهوری اسلامی افتادند، رهبرانیکه پس از دفاع و پشتیبانی کامل از کلیه حرکات، عملیات و سیاست های رژیم طی بیش از ۴ سال سرانجام در دادگاه های جمهوری اسلامی به چنان حقارتی تن دادند که تاریخ بخود یاد ندارد، حقارت محکمی که ماهها برنامه های نمایشی تلویزیونی رژیم را فراهم آورد. اینان پس از اینهمه خدمت به رژیم، سرانجام در مقابل همان مخدومین خود چنان زانو زدند و چنان در لجن زار حقارت فرو رفتند و چنان به عجز و لایه افتادند که هواداران شان برای توجیه اینهمه ضعف و واماندگی آنها، آنرا ناشی از اثرات داروهای



سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

شنبه ۲۹ بهمن ماه ۱۳۶۲
سال پنجم - شماره ۱۷۷ صفحه ۲۰

راهپیمائی ۲۲ بهمن شکست سیاسی رژیم

منفی کرده بودند به شکست کامل کشانیدند و نشان دادند که نه رژیم جمهوری اسلامی را قبول دارند و نه حاضرند به خاطر فحایح این رژیم به رژیم منحوس سلطنت روی آورند.

بی اعتنائی و تحریم انقلابی توده‌ها منی بر عدم شرکت آنان در مراسم رژیم نشانگر خشم و نفرت عینی‌شان نسبت به رژیم است که تا کنون جز فقر و فلاکت، کشتار و بی خانمانی، بیکاری و... ارمغانی برای آنان نداشته است و دیری نخواهد پایید که خشم نهفته توده‌ها به آتش‌فشانی عظیم بدل گشته و تومار ننگین رژیم جمهوری اسلامی را به کورستان تاریخ سپارد.

رژیم دارند، خانواده کشته شدگان جنگ که از رژیم مستوری دریافت میدارند و بالاخره مزدوران سپاه و بسیج و کمیته و خانواده هایشان که قشون حزب اله رژیم را تشکیل میدهند و نیروهای مسلح سازمانده از رژیم شاه که به همراه پاسداران جهت رژه نمایشی رژیم گرد آمده بودند و البته فضای وسط میدان آزادی را برای این رژه گذاشته بودند.

در ساعات برگزاری مراسم، زندگی روز مره توده‌ها در نقاط مختلف تهران ادامه یافت و این امری بهائگر این واقعیت بود که توده‌ها مردم ضمن اینکه در مراسم رژیم شرکت نکردند، آرزوهای موهوم سلطنت طلبان فراری را که از مردم دعوت به خانه نشینی و مبارزه

امثال در سالگرد قیام خونین ۲۲ بهمن بیکار دیگر اوج فلاکت و شکست سیاسی رژیم در بسیج توده‌ها بنمایش در آمد. توده‌ها مردم بیوز در تهران با عدم شرکت خود در مراسم نمایشی رژیم، خشم و نفرت خود را از خمیت و دار و دسته‌اش نشان دادند.

علیرغم تبلیغات وسیع رژیم و تلاشها گسترده‌اش جهت بمیدان کشیدن توده‌های مردم و علیرغم بکارگیری شگرد های مختلف در میدان آزادی از توده‌های مردم یعنی از کارگران و دیگر زحمتکشان خبری نبود و جمعیتی که به سختی میدان آزادی را بر میگرد صبارت بود از افغانستان و عراقهای پناهنده، جنگرگان که تحت پوشش رژیم از ارد و گامها بزور آورده شده بودند، معلولین که به شدت وابستگی اقتصادی به

برگزاری شب همبستگی با خلقهای ایران در "پنجمین سالگرد قیام پرشکوه بهمن ۵۷ و چهاردهمین سالگرد تولد سچفا"

مونترال

انجمن دانشجویان ایرانی در مونترال هوادار "سچفا" در مناسبت با پنجمین سالگرد قیام توده‌ای بهمن ماه ۵۷ و چهاردهمین سالروز تولد سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران، برنامه بزرگداشتی تحت عنوان "شب همبستگی با خلقهای ایران"، در عصر روز شنبه ۱۱ فوریه، در محل دانشگاه کنکور دیا، برگزار کرد.



نیروهای خارجی و کانادائی شرکت داشتند. برنامه در ساعت ۷ بعد از ظهر، با اعلام یک دقیقه سکوت بیاد جاودان تمامی شهدای بخون غخته، خلق شروع شد. سپس مقاله‌ای از طرف انجمن دانشجویان ایرانی در مونترال هوادار سازمان در مناسبت با قیام توده‌ای بهمن و ۱۹ بهمن خوانده شد، که مورد استقبال حاضرین در برنامه قرار گرفت.

در بخش برنامه هنری - سیاسی، گروه هنری رفقای هوادار سچفا به اجرای چند ترانه سرود، دکلمه شعر، رقص آذری، بافتو-

در همبستگی با خلقهای ایران و بزرگداشت قیام بهمن ۵۷ و حماسه ۱۹ بهمن هواداران نیروهای انقلابی دیگر کشورها، از جمله کمیته همبستگی با جبهه فارابوند و مارشی مردم السالوادور (واحد کبک)، گروه اشتقاقی پرملیه دیکتاتوری مارکسوس و همبستگی با مردم فیلیپین (واحد مونترال) و کمیته حمایت از زندانیان سیاسی شیلی (واحد کبک) نیز همکاری داشتند. در این برنامه که به زبانهای فارسی و فرانسه اجرا میگشت، بیش از ۲۷۰ نفر از هموطنان و هواداران نیروهای انقلابی و مترقی و

سیم کارگر، دانشجو، دهقان و سرمایه دار، و گروه هنری السالوادور به اجرای چند رقص فولکوریک آمریکای لاتین و گروه هنری فیلیپین به اجرای چند موسیقی مترقی بر علیه دیکتاتوری مارکوس پرداختند که از سوی شرکت کنندگان در برنامه به گرمی استقبال شدند. پیامهای همبستگی هواداران نیروهای انقلابی و مترقی خارجی به انجمن دانشجویان با نایرانی در مونترال، هوادار سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران بطور متناوب در طول اجرای برنامه قراحت شد. پیامهای همبستگی قراحت شده شامل: پیام کمیته همبستگی با جبهه فارابوند و مارشی مردم السالوادور، پیام هواداران جنبش انقلابی شیلی میر (MER)، پیام گروه اکتلافی بر علیه دیکتاتوری مارکوس فیلیپین، پیام هواداران سازمان انقلابی کارگران ایران (راه کارگر) در کانادا بودند. و نیز پیامی از سوی کمیته دفاع از کم شهکسان جهان سوم در کانادا دریافت شده بود.

همچنین در بخشی از برنامه یک اسلاید پرمحتوا از طرف انجمن به نمایش

گذاشته شد.

رفقای هوادار سازمان چه در هنگام اجرای برنامه، چه در حین تنفس و چه بعد از پایان برنامه، در میان شرکت کنندگان علاقمند، بویژه نیروهای خارجی به تشریح نقش سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و مواضع آن در جنبش نوین کمونیستی ایران و جهان و ضرورت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی حول برنامه عمل سچفا مشغول بودند. رفقای هوادار سازمان در هر چه بهتر برگزار نمودن این برنامه فعالانه شرکت و همکاری داشتند. این برنامه در ساعت ۱۲ شب با موفقیت به اتمام رسید.

لندن

روز شنبه ۱۱ فوریه ساعت ۶ و نیم بعد از ظهر مراسم بزرگداشتی بمناسبت قیام و سیاهکل از طرف سازمان دانشجویان ایرانی در انگلستان، اسکاتلند و ولز، هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با شرکت ۱۵۰ نفر در ساختمان A.L.A. برگزار گردید. در این بزرگداشت که تا ساعت ۱۱ شب ادامه داشت، پیام کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت قیام و سیاهکل قرائت گردید و مقاله ای توسط یکی از رفقا در رابطه با مواضع اخیر سازمان ارائه شد. در طی برنامه رفقای گروه سرود چند سرود انقلابی اجرا نمودند. قسمت اعظم برنامه به بحث آزاد پیرامون مقاله اختصاص داده شده بود. بعد از نمایش فیلم "حرف بزین ترکمن" بزرگداشت با سرود انترنا - سنونال به پایان رسید.

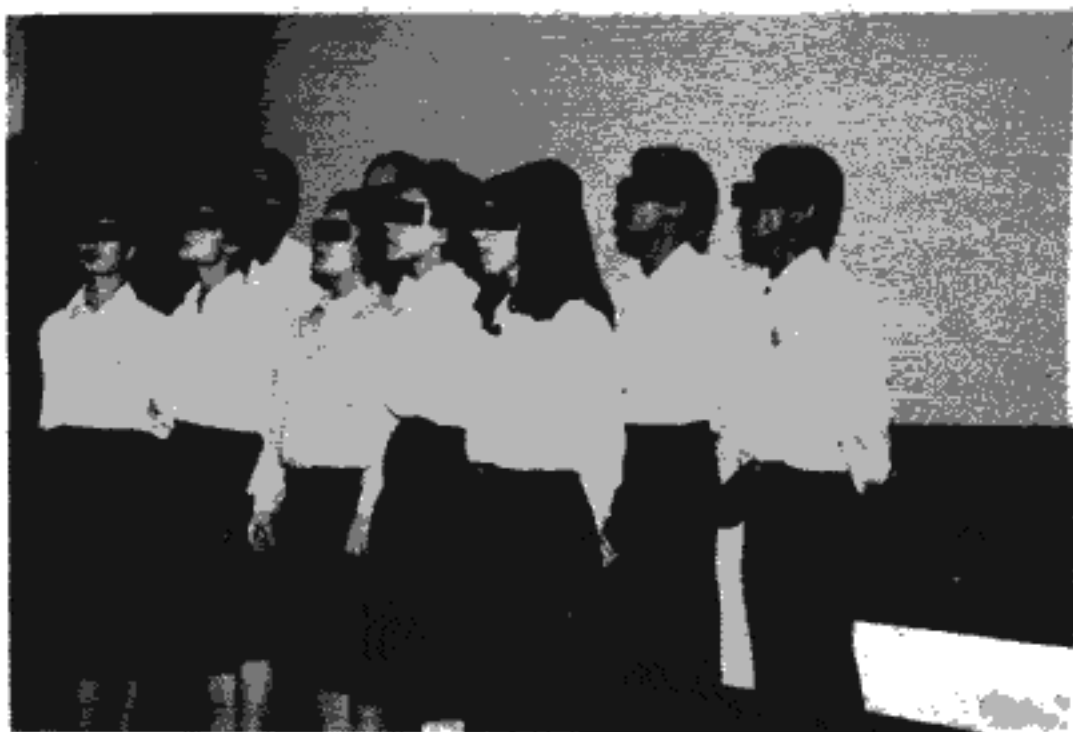
آلمان

سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلین غربی هوادار "سچفا" تا روز رستاخیز سیاهکل و قیام توده ای بهمن ۵۷ را بمدت بیست روز در سرتاسر آلمان در شهرهای ذیل برگزار نمودند:

هانور، برمن، گوتینگن، فرانکفورت، دارمشتات، ماینز، گارلسروهه، هایدلبرگ، برلین غربی.

در این مراسم که از هموطنان و نیروهای خارجی با بخش بیش از ده هزار اعلامیه به زبانهای آلمانی و فارسی دعوت بعمل آورده شده بود، مدعا تن شرکت نمودند.

در ابتدای برنامه پیام کمیته مرکزی "سچفا" قرائت گردید و سپس اسلاید در رابطه با مبارزات خلقها و سازمان، فیلم



گروه کر هواداران سچفا در کانادا در حال اجرای سرود

هوادار (سازمان چریکهای فدائی خلق ایران) با شرکت تعداد کثیری از هواداران - دانشجویان مرفی در شهر بلونیا برگزار شد. این مراسم پس از یک دقیقه سکوت و بیاد شهدای سیاهکل و تمامی شهدای بخون غفقه خلق و با قرائت پیام کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به کارگران و زحمتکشان آغاز شده و با سرود انترناسیونال به پایان رسید.

در حین این مراسم که سه ساعت بطول انجامید، گروه هنری سازمان دانشجویی برنامه هائی شامل، کر، دکلمه، نمایشنامه و سرود به اجرا درآوردند که مورد استقبال شدید شرکت کنندگان در مراسم قرار گرفت. لازم بیادآوری است که این اولین باری بود که یک سازمان دانشجویی انقلابی دست به اجرای برنامه ای با این مضمون میزد. این مراسم از ساعت ۸ بعد از ظهر شروع و تا ساعت ۱۱/۵ شب ادامه داشت.

در همین روز با توجه به اینکه رفقای هوادار سایر شهرها نیز میبایست در مراسم شرکت میکردند، جلسه ای فرهنگی با حضور هواداران سچفا از ساعت ۹ صبح تا بعدازظهر برگزار گردید و رفقای هوادار فعالانه در بحثهایی که شامل مقولات دوران، مرحله انقلاب نقش اردوگاه سوسیالیسم - بود، شرکت کرده و نقطه نظرات خود را به بحث گذاردند.

جنوا

بناسبت فرا رسیدن ماه بهمن، ماه سیاهکل و قیام، ماه خون و شهادت، جلسه

"حرف بزین ترکمن"، موسیقی مرفی خلقها و سرودهای انقلابی اجرا گردید.

در شهر برلین غربی اجرای تئاتر "ماهی سیاه کوچولو" که به وسیله یک گروه مرفی آلمانی به زبان آلمانی تهیه شده بود، به برگزاری این مراسم در حضور ۵۰۰ نفر شرکت کننده شور خاصی داد. در شهر گوتینگن نیز تئاتر "زندانی" بوسیله رفقای هوادار به زبان آلمانی به روی صحنه آمد. اجرای موسیقی مرفی دیگر خلقهای تحت ستم (ترکیه و آمریکا لاتین) در تعدادی از شهرهای فوق بوسیله نیروهای مرفی بین المللی این مراسم را به شبهای همبستگی خلقها نیز بدل نمود.

همچنین همزمان با فرارسیدن سالروز سیاهکل، پیامهای همبستگی نیز از طرف نیروهای هواداران راه انقلابی ترکیه در آلمان، هواداران جنبش چپ انقلابی شیلی (میر)، رفقای اتحادیه کمونیستهای آلمان، هواداران حزب کارگران کردستان ترکیه، دمکراتهای سوسیالیست آلمان و حزب سبزهای آلمان به سازمان هر افتخار چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان هوادار در آلمان ارسال گردید.

در طول برگزاری مراسم نیز شماره ویژه آلمانی زبان سازمان هوادار در سطح وسیع در بین نیروها و شخصتهای مرفی آلمانی توزیع گردید.

ایتالیا

بلونیا شنبه ۱۱/۲/۸۲

بناسبت سالگرد رستاخیز سیاهکل و قیام بهمن ۵۷ مراسم بزرگداشتی از طرف سازمان دانشجویان ایرانی در ایتالیا

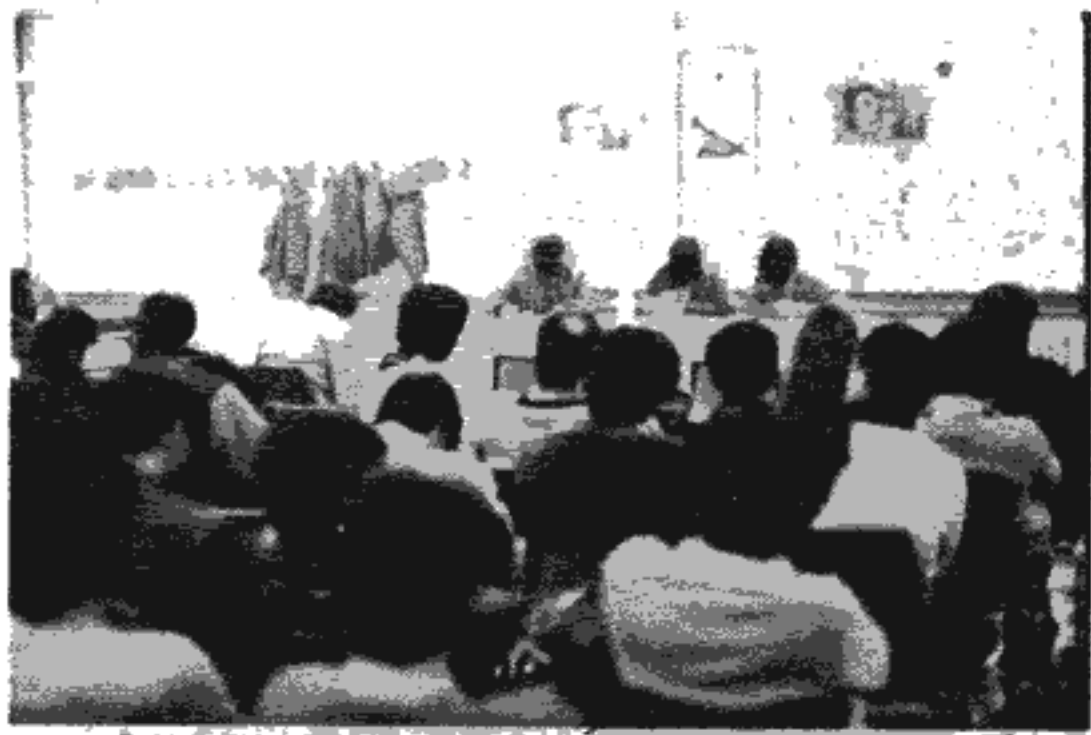
مبارزات راستین خلقهای ستمکش ایران دمیده سازمان جنبش خلقی آرامنه (در آمریکا) به سازمانهای انقلابی و خلقهای مبارز ایران درود میفرستد.

اعلامیه پس از تشریح نقش امپریالیسم جهانی سرکردگی آمریکا در جهان علیه جنبشهای انقلابی و ماهیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی و اشاره به وضعیت استفاک حاکم بر جامعه ایران و تاکید همبستگی گسترده بین خلق ارمنی و خلقهای ایران، ادامه میدهد:

"هدف سازمان جنبش انقلابی خلقی آرامنه، آزادی ارمنستان غربی از چوهر امپریالیسم سرکردگی امپریالیسم آمریکا و رژیم وابسته اش در ترکیه، که یکی از پایگاههای اصلی سیاسی - نظامی امپریا - لیسم در منطقه است، میباشد. آرامنه، در کنار دیگر خلقهای منطقه خاورمیانه که اینک با خون خود مبارزه رهاشیش علیه امپریالیسم و رژیمهای دست نشانده و سرکوبگرش را به پیش میبرند، برخاسته اند. آرامنه برای رسیدن به حقوق و آزادی خویش میباید در مبارزات طبقاتی کشورهای عبودیت شرکت جسته و پایگاههای داخلی امپریالیسم را درهم شکنند. "ارتش سوری آرامنه برای آزادی ارمنستان" (امالا)، اولین سازمانی بود که توانست با یک برنامه عمل متمرکز، با سیاستهای انحصارگرا و ارتجاعی حزب داشاک به مبارزه برخاسته و آلترناتیوی به پیش پای زحمتکشان ارمنی بگذارد..."

اعلامیه با اشاره به وجود اختلاف و مخالفت اقتصادی - سیاسی در ترکیه و رابطه آن با رژیم جمهوری اسلامی، با شعارهای زیر پایان میدهد:

مرکز امپریالیسم جهانی سرکردگی آمریکا مرکز رژیم جمهوری اسلامی ایران



مراسم اجرای قیام و سیاهکل در جنوا، ایتالیا

اندیشه های کمونیستی (متشعب از چوهر کمونیست بلژیک)، با ارسال پیامهای عبودیت گریز را با مبارزات خلقهای ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بر علیه رژیم ددمنش جمهوری اسلامی اعلام داشتند. پایان بخش برنامه سرود انترناسیونال بود که با آوای جمعی حاضرین همراه بود. در ضمن از بیرون سالن نمايشگاه عکس و پوستر برپا بود که مورد توجه علاقمندان قرار گرفت.

جنبش خلقی آرامنه به مناسبت سالگرد قیام بهمن و حماسه سیاهکل

اعلامیه انتشار داده است که قسمتهایی از آن در اینجا درج میگردد:

"رفقا! دوستان!

به مناسبت بزرگداشت قیام پرشکوه بهمن و حماسه سیاهکل که سحرى نو در -

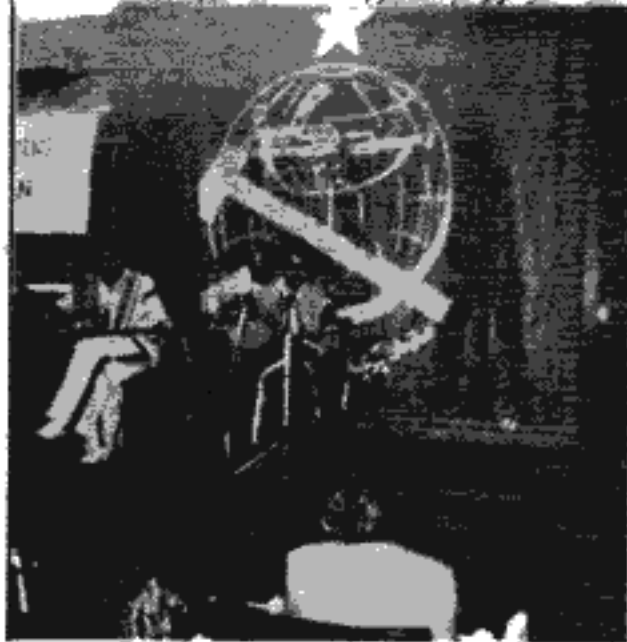
بزرگداشتی در شهر جنوا از طرف هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برگزار گردید.

این جلسه شامل مقاله هایی در رابطه با بهمن ماه و هنر و ادبیات متمرکز و انقلابی و همچنین اشعار انقلابی و متمرکز همراه با ۲ طبقه فیلم از تجربیات جنبش های رهاشی بخش جهانی (شیلی) بود که با استقبال دانشجویان ایران این شهر روپرو شد.

بلژیک

پروکسل

روز سه شنبه ۲۱ فوریه، مراسم باشکوهی از طرف هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در یکی از سالنهای دانشگاه آزاد پروکسل برگزار گردید. در این مراسم که جمعی از هموطنان و نیروهای خارجی شرکت نمودند ابتدا پیام کمیته مرکزی سازمان در بین حاضرین همراه با ترجمه فرانسه آن پخش گردید. به پاس گرامیداشت یاد تمامی شهدای خلق، یک دقیقه سکوت اعلام شد و مقاله ای توضیحی در باره سیاهکل و وضعیت آن دوران برای شرکت کنندگان قرائت گردید و سپس فیلم (حرف بزن ترکمن) به روی پرده آمد. در ادامه برنامه رفقای کرد با اجرای چند ترانه انقلابی، شور خاصی به برنامه دادند و بعد پیامهای رسیده از طرف نیروهای خارجی قرائت گردید. هواداران جنبش میر شیلی، رفقای هوادار جبهه خلق برای آزادی فلسطین (PFLP)، اتحادیه کارگران و دانشجویان کرد در بلژیک اتحادیه دانشجویان عرب، اتحادیه دانشجویان توش، کمیته آمریکای لاتین، و کانون



مراسم قیام و سیاهکل در پروکسل - بلژیک

روز جهانی زن

راگرایی میداد

گزارشهایی از
برگزاری مراسم
بزرگداشت ۸ مارس



کانادا

مونترال

انجمن دانشجویان ایرانی، هوادار سچفا، بمناسبت روز جهانی زن، برنامه بزرگداشتی در محل دانشگاه کنکوردیا ترتیب دادند. برنامه با یکدقیقه سکوت بپای شهادت خلق آغاز شد. مقاله‌ای به دو زبان فارسی و انگلیسی در مورد تاریخچه روز جهانی زن، مبارزات زنان ایران و رابطه آن با مبارزات سایر بخش‌های جامعه، موقعیت کنونی زنان ایران و سیاستهای ارتجاعی رژیم حاکم در مورد زنان، نقش زنان در اتخاذ سیستم حکومتی که میتواند تضمین کننده رفاه زنان و مردان باشد... ارائه گردید. قسمت‌های دیگر برنامه عبارت بود از نمایش اسلاید بزبان انگلیسی در مورد موقعیت زنان ایران در زمان رژیم پهلوی و رژیم جمهوری اسلامی، اجرای ترانه سرود، از جمله سرود فارسی و دکلمه انگلیسی شعر "من یک زنم" و نمایش فیلم مستند از تظاهرات زنان ایران بزبان فرانسوی. این برنامه با شرکت حدود ۲۰۰ نفر ایرانی و کانادایی و افرادی از سایر ملیتها و با موفقیت و استقبال حاضرین به پایان رسید.

آمریکا

نیویورک

هواداران سچفا بمناسبت هشتم مارس (روز جهانی همبستگی زنان) برنامه‌ای با همکاری چند نیروی مترقی دیگر ترتیب دادند. این برنامه که تحت عنوان زنان در مبارزه و با همکاری چند نیروی مختلف از غاورمیانه، آفریقا و آمریکای جنوبی اسلاید و سخنرانی میشد. علاوه بر سخنرانی در مورد موقعیت زنان ایران و مبارزات

تشکیل یافته بود، شامل برگزاری نمایشگاه عکس و میز نشریات، کارگاه بحث، نمایش آنها علیه رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم از طرف گروههای مختلف شرکت کننده از جمله ANG (کنگره ملی آفریقا)، JAMES السالوا - دورا نیز سخنرانی و پیامهایی ارائه گردید. سه نیروی اصلی برگزار کننده این برنامه عبارت بودند از:

- Black & Hispanic Graduate and Professional Students
- Iranian Student Association (supporter O.I.P.F.G.)
- African Students Organization

بعلاوه ۵ نیروی مختلف خارجی نیز از این برنامه اعلام حمایت نموده بودند.

لوس آنجلس

بمناسبت روز جهانی زن برنامه‌ای در محل خانه ایران از طرف انجمن دانشجویان ایرانی هوادار سچفا ترتیب داده شد که با ارائه مقالاتی در مورد تاریخچه روز جهانی زن و مبارزات زنان ایران، مسئله زن و وظیفه نیروهای کمونیست در قبال آن... آغاز گردید. حاضرین در جلسه در بحث آزادی پیرامون نکات طرح شده در مقالات شرکت کردند. در پایان برنامه فیلمی در مورد گرایش بخشی از زنان به اسلام و سنن اسلامی در کشور مصر نمایش داده شد که بدنیاال آندر مورد چرایی و چگونگی پیدایش چنین گرایشهای واپسگرایانه در میان مردم کشورهای مسلمان نشین خاصه زنان بحث شد. علاوه بر برنامه فوق، رفقای کمیته زنان انجمن لوس آنجلس در یک برنامه اختلافي بمناسبت روز جهانی زن که با همکاری نیروهای مترقی خارجی ترتیب داده

شده بود، شرکت فعال داشتند. همچنین از طرف "کمیته دمکراتیک برای دفاع از حقوق زنان" که از افراد و عناصر مترقی و نیز هواداران سازمان تشکیل یافته است، طی یک برنامه اختلافي دیگر بمناسبت روز جهانی زن، سخنرانی در مورد موقعیت و نقش زنان ایران ارائه گردید.

شیکاگو

با همکاری رفقای هوادار سازمان، کمیته بزرگداشت روز جهانی زن از افراد و عناصر مترقی تشکیل گردید و بمناسبت هشتم مارس دو برنامه فارسی و انگلیسی ترتیب یافت. در برنامه انگلیسی علاوه بر سخنرانی یکی از زنان مبارز ایرانی در مورد موقعیت و نقش زنان ایران، سخنران دیگری نیز در باره زنان فلسطین، آفریقا و السالوادور صحبت کردند. در این برنامه حدود ۵۰ نفر شرکت داشتند. برنامه فارسی نیز بصورت سخنرانی و بحث آزاد با شرکت دهها تن از ایرانیان علاقمند برگزار شد.

آمریکا - بشتون

در تاریخ ۲۳ مارس، مراسم بزرگداشت روز جهانی زن بزبان انگلیسی و حول شم "روز جهانی زن را در همبستگی با زنان ایرانی گرامی بداریم"، توسط هواداران سازمان در بشتون برگزار گردید. بخش ایرانی این برنامه شامل غزالت مقالاتی در باره وضعیت زنان ایرانی در پروسه شکامی از قبل از شکل گیری سرمایه داری تا امروز و جنایات رژیم جمهوری اسلامی، معرفی رفیق مرضیه احمدی اسکویی و قرائت شعر "افتخار"، نمایش اسلاید شو و فیلمی

از تظاهرات زنان در ماه مارس ۱۹۷۹ در پاسخ به تعدیات رژیم جمهوری اسلامی و نمایشگاه عکس بود. در بخش بین المللی برنامه، اسلاید شوئی در باره زنان در آمریکای مرکزی نشان داده شد. همچنین نمایندگانی از Alliance Against Women's Oppression (AAWO), Casa El Salvador - Farabundo Martí and Women for Women in Lebanon در باره زندگی زنان

آمریکایی، فلسطینی و السالوادوری صحبت کردند. در این برنامه علاوه بر نیروهای فوق الذکر، گروههای Line of March, Red Books, Us Anti-Imperialist League

و برخی نیروهای ایرانی شرکت نمودند.

علاوه بر برنامه یاد شده، هواداران سازمان در سه برنامه دیگر نیز در مساه مارس در سطح شهر برگزار گردید، شرکت نمودند. در ۱۰ مارس یکی از رفقای هوادار در برنامه آموزشی که در Dorchester International Women's Day Event

برگزار گردید، شرکت کرده در باره زنان ایرانی مطالبی ایراد نمود. در همین روز برنامه دیگری توسط "کمیته برگزار کننده روز جهانی زن" و AAWO برگزار شد که هواداران سازمان یکی از امضا کنندگان برنامه بودند و نمایشگاه عکس نیز برپا داشتند. در ۱۷ مارس نیز برنامه‌ای در همبستگی با زنان فلسطینی و غاورمیان انجام شد. که هواداران سازمان در آن شرکت کرده و با برگزارکنندگان عکس به افشای جنایات رژیم پرداختند.

در هفته بزرگداشت روز جهانی زن در ماه مارس نماینده سازمان آمریکا در نیویورک، در سه آکسیون بزرگداشت شرکت جست و به تحلیل موقعیت زن در جمهوری اسلامی و جنبش زنان در ایران پرداخت. در نخستین بزرگداشت که توسط "ائتلاف روز -

جهانی زن" International Women's Day Coalition برگزار گردید، نماینده سازمان آمریکا بعنوان یکی از سازماندهندگان این ائتلاف، به نمایندگی از سوی هواداران سچفا در آمریکا، در یکی از میزگردهای این برنامه تحت عنوان "موقعیت زنان قبل و بعد از انقلاب" در کنار زنان نماینده میسیون های اتحاد جماهیر شوروی، کوبا، نیکاراگوئه، کنگره ملی آمریکا، A N C و نماینده‌ای از جنبش مشرقی گرانادا، موقعیت زنان ایران را در نظام جمهوری اسلامی تشریح نمود. رفیق سخنان بحث نمود را با تشریح نقش فعال و انقلابی زنان طوسی

دوران مبارزات مردم ایران برای سرنگونی رژیم منفور شاه آغاز کرد و به تشریح مشکلات زنان در سازماندهی انتخابات معلمین، کارکنان و سائل ارتباط جمعی، پرستاران و ... پرداخت. آنگاه با شکیه بر این معیار که "آزادی هر جامعه توسط درجه آزادی زنان در آن جامعه متعکف شده میشود"، نقش گام به گام حقوق زنان در ایران را که مقدمه‌ای بر تقاضای حقوق دمکراتیک کل جامعه و دست‌آوردهای انقلاب بشمار میرفت، مورد تحلیل قرار داد. در این بخش، به ویژه به قوانین قرون وسطایی جمهوری اسلامی، و نقش درجه دوم زن در جامعه اشاره شد.

سپس بخشهایی از نامه گروهی از زنان مبارز ایران که به تشریح موقعیت عینی و روانی زنان در ایران پرداخته بود، نقل گردید. بخش‌هایی این سخنرانی به تشریح دیدگاههای جنبش چپ ایران پیرامون جنبش زنان اختصاص یافت و این نکته مورد تاکید قرار گرفت که چپ ایران در آغاز به پتانسیل انقلابی زنان ایران کم بهاداد و اصولاً نسبت به مسئله زن و مبارزات و خواسته‌های دمکراتیک زنان، عقب ماندگی بیشنی و سیاسی نشان داد. ولی اینک چپ انقلابی و متشکل زنان مارکسیست - لنینیست با برخوردی انتقادی و فعال نسبت به این مسئله مهم پرداخته و با کتب تجربیه از کمبودها و اشتباهات گذشته، جنبش زنان میروود که جایگاه درخور خویش را باز یابد. و این متحقق نمیشود مگر با شرکت و تشکل وسیع و توده‌ای و آگاهانه خود زنان. در پایان، اذاعه سکوت برخشی از نیروهای بین المللی پیرامون جنایات جمهوری اسلامی با شرکت در این جنایات مترادف شد. و نقش جنبش همبستگی بین المللی با جنبش زنان و جنبش انقلابی ایران، مورد تاکید قرار گرفت.

این سخنرانی مورد استقبال بی سابقه شرکت کنندگان در میزگرد (Panel) رویرو گردید و از نماینده هواداران سچفا در آمریکا برای شرکت در چند سمینار و سخنرانی دیگر دعوت بعمل آمد.

در آکسیون دیگری که از سوی سازمان زنان رادیکال (Radical Women) در دانشگاه نیویورک برگزار گردید، نماینده سازمان آمریکا در کنار نماینده جنبش زنان السالوادور و نماینده کنگره ملی آمریکا (ANC) به تحلیل وضعیت زنان در جمهوری اسلامی پرداخت.

مراسمی که از طرف Alliance Against Oppression of Women (اتحاد علیه ستم

بر زنان) ترتیب یافته بود، فرصت دیگری را برای نماینده سازمان آمریکا در نیویورک فراهم ساخت. در این مراسم نیز موقعیت زنان در ایران مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به سرکوب وحشیانه حقوق زن در جمهوری اسلامی، و ماهیت تحلیلی و افشاگرانه سخنرانی‌های فوق و استقبال بی‌سابقه شرکت کنندگان، برای نخستین بار زمینه بسیار جدی تری برای رشد جنبش همبستگی بین المللی با زنان ایران در - این منطقه، فراهم گردیده است چنانکه استقبال گروهها و نیروهای مختلف بهیابیه بوده است.

آلمان

تموند

روز ۲۱ مارس در تموند آلمان برای همبستگی با انقلاب نیکاراگوئه، تظاهرات موفقیتی برگزار شد. تعداد شرکت کنندگان در تظاهرات قریب ۱۰۰۰ نفر بود. این تظاهرات به همت اتحادیه عمومی و دانشجویان دانشگاه در تموند و مدرسه عالی فنی در تموند (Fachhochschule) برگزار شد. در این تظاهرات نیروهای مختلف آلمانی و خارجی از جمله رفقای راه انقلاب ترکیه، KPD از آلمان (حزب کمونیست آلمان) همچنین نیروهای دیگر شرکت نمودند. در این تظاهرات روزنامه (Iran in Kapat) نشریه آلمانی هواداران سچفا در آلمان فدرال بین تظاهر کنندگان بخش شد و از آنجا که این شماره از نشریه مختص به روز ۸ مارس، روز جهانی زن بود، مورد استقبال شدید نیروهای مترقی قرار گرفت. در حین تظاهرات همپلور شمارهایی به حمایت از انقلابیون السالوادور (FDR/FMLN) و همچنین بر علیه حکومت چنایتکار ترکیه داده شد. در پایان تظاهرات که در جلوی تئاتر شهر در تموند برگزار شد، سخنرانان سچفا از السالوادور، نیکاراگوئه و اتحادیه کارگری آلمان به حمایت از نیروهای انقلابی آمریکا لاتین سخنرانی نمودند. در شب این روز نیز مراسمی در مدرسه عالی فنی در تموند برگزار شد که مورد استقبال واقع گردید.

با هم در حوالی روز بین المللی زن، همه جا مراسم بزرگداشت این روز در اثبات حقانیت مبارزات زنان به چشم میخورد. سخن از زن است، زنی که زخم سالها ستم مضاعف را بر دوش دارد، زنی که بقول رفیق "مرضیه"، "در سینه اش دلی آکنده از زخم - های چرکین خشم است". امسال در شرایطی بقیه در صفحه ۲۲

گزارشهای از برگزاری مراسم عید نوروز سال ۱۳۶۳

آمریکا

لوس آنجلس

در روز جمعه ۲۳ مارس سازمان دانشجویان ایرانی در جنوب کالیفرنیا - هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - و کمیته کردستان سال جدید را با امید به پیروزی زحمتکشان ایران جشن گرفتند. این برنامه ساعت ۷/۵ بعد از ظهر با یک دقیقه سکوت بیهوده‌های خلق آغاز شد و در طی آن پیام نوروزی، ترانه‌های مرفقی از خلقهای ایران، نمایش صدا و تصویر، نمایش میان پرده و دکلمه اجرا گشتند.

بعد از تنفس شام، نمایشنامه "تناسل مستقیم" که در افشای آزادی خواهان دروغین و ضد انقلاب مغلوب تنظیم شده بود، بر روی پرده آمد و برنامه پایان یافت.

در خارج از سالن هواداران نیروهای سیاسی مرفقی، با گذاشتن میز و پخش نشریات به تبلیغ نظریات خود می پرداختند. هواداران مجاهدین با غیبت سیستماتیک خود در آکسیونهایی که هواداران سچفا در این شهر برگزار میکنند، ناراضیاتی نمود را نسبت به اینگونه برنامه‌ها نشان دادند.

توسان

در روز یکشنبه ۲۵ مارس رفقای هواداران سازمان همراه با سایر افراد مرفقی ایرانی برنامه نوروز را به صورت دمکراتیک در شهر توسان واقع در ایالت آریزونا برگزار کردند. در این مراسم حدود ۸۰ نفر از ایرانیان و سایر ملیتهای دیگر شرکت کرده بودند. ابتدا برنامه با اعلام یک دقیقه سکوت بیهوده‌های خلق آغاز شد و با قرائت یک مقاله کوتاه از اوضاع ایران در مورد مذبذبه‌های انقلابی و ضد انقلابی ادامه پیدا کرد. همچنین برنامه شامل یک اسلاید شو از نوروز خلق - ما در ایران، دکلمه شعر "چهار حرف" رفیق سعید سلطانپور، نمایشنامه کمیدی انتقادی از اوضاع مفت خواران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و چند ترانه مرفقی بوسیله یک گروه آمریکای لاتین همراه بود. این برنامه با استقبال شرکت کنندگان روبرو گردید.

برنامه تعدادی از رفقای "کانون هنری" کنسرت موسیقی اجرا کردند که با استقبال تماشاگران روبرو شد.

آمریکا - رالا

رفقای هواداران سازمان با همکاری هواداران ارتش رهاشیکس در این شهر برنامه مید مشترکی را برگزار نمودند. در این برنامه علاوه بر نمایش فیلمی از - کردستان و قرائت چند پیام، چند سرود انقلابی نیز اجرا گردید.

آطریش

اینسبورگ، برگزاری مراسم نوروز از سوی هواداران سچفا در اینسبورگ در تاریخ ۱۷ مارس ۸۴ از سوی هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در اینسبورگ، مراسمی بمناسبت فرارسیدن سال نو برگزار گردید. این مراسم شامل (۱) پخش اسلاید بزبان آلمانی که تحلیل رویدادهای ایران از ۲۸ مرداد ۳۲ تا مقطع کنونی بود، بسیار مورد توجه حاضرین در جلسه قرار گرفت. (۲) مقاله در تشریح اوضاع کنونی جامعه ایران و نظرات سازمان در این مورد، (۳) اجرای ترانه‌های فولکلور با لباسهای محلی، (۴) دکلمه‌ای از ناظم - حکمت به زبان آلمانی، (۵) اجرای چند سرود انقلابی توسط گروه کر، (۶) اجرای چند سرود کردی و (۷) در آخرین قسمت موسیقی ایرانی که اجرای چند تصنیف انقلابی و چند ترانه محلی را دربرمیگرفت که شور خاصی به جشن بخشید. این برنامه با تشبیک و ستور اجرا گردید و مراسم با تشبیک حاضرین و با موفقیت به اتمام رسید.

وین

در تاریخ ۲۳ مارس ۸۴ مراسمی هنری - سیاسی از سوی سازمان دانشجویان ایرانی در وین - آطریش، هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در شهر وین برگزار شد. برنامه‌ها شامل: تحلیل اوضاع ایران و مواضع سچفا به زبان های فارسی و آلمانی، اجرای چند سرود انقلابی، اجرای چند دکلمه به زبان آلمانی از سعید سلطانپور، ناظم - حکمت و چند شاعر کمونیست آمریکای لاتین و آطریشی، اجرای دکلمه، شعر "من یک زن" از فدائی شهید، مرضیه احمدی اسکوتسی بمناسبت روز زن به زبان آلمانی توسط یکی از رفقای زن، اجرای موسیقی ایرانی همراه با تشبیک و ستور در دو قسمت، قسمت اول شامل اجرای تصنیف‌های انقلابی و قسمت دوم

ترهوت

روز یکشنبه اول آوریل ۸۴ در ساعت ۷ بعد از ظهر در شهر ترهوت (ایندیانا)، مراسم شب جشن نوروزی از طرف هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ارائه گردید.

این برنامه شامل پیام نوروزی به زبانهای فارسی و انگلیسی، دکلمه به زبان انگلیسی، تقارن (در رابطه با افشاگری از رژیم حاکم و چگونگی فشار و اعتناق و اعدام و... در ایران)، برنامه سیاسی - فکاهی به زبانهای فارسی و انگلیسی دکلمه به زبان فارسی برگزار شد. در این

اجرای چند ترانه محلی که بسیار مورد توجه و تشویق حاضرین در جلسه قرار گرفت.

در آخرین قسمت برنامه تئاتری به نام شورا که مروری بر اوضاع ترکمن محصرا، قبل و بعد از قیام و تاریخچه شکل گیری و برپایی شوراهای خلق ترکمن و نقش رفیق توماج و همزمان و بالاخره سرکوب آن توسط ارتجاع بود، از سوی کمیته هنری سازمان دانشجویان ایرانی در وین بروی صحنه آمد.

این تئاتر که نزدیک به یک ساعت بطول انجامید، سبکی جدید در تئاتر همراه با نور و صدا و پخش انلاید و فیلم را برای اولین بار اجرا می نمود که توجه بسیار حاضرین را بخود جلب و مورد تشویق و استقبال قرار گرفت. همچنین در این مراسم ۲ پیام از طرف سازمان راه کارگر و توسط خود رفقا و دیگری از سوی هواداران ارتش رهاش بخش ترکیه در اطریش قرائت گردید. برنامه ها با شور فراوان حصار که قریب ۲۰۰ نفر میشدند و با موفقیت کامل به اتمام رسید.



انگلستان

اخیرا سفارت رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی دعوتنامه هایی به آن دسته از دانشجویانی که ارز دریافت میکنند و دوره فوق لیسانس یا دکترای خود را می گذرانند، فرستاده و آنان را به شرکت در جشن پنجمین سالگرد "پیروزی انقلاب اسلامی" که در روز جمعه سوم فوریه در سفارت برگزار میشد، دعوت نمود. ضمنا یکی از نکات قبیح شده در دعوتنامه این بود که دانشجویان همچنین میتوانند با مسئولین سفارت در رابطه با آینده شغلی خود در ایران مشاورت کنند. دانشجویان مبارز هوادار سازمانهای مختلف از جمله هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پس از اطلاع از این موضوع، دسته به شریک تظاهرات

ایستاده همزمان با برگزاری جشن در سفارت زدند. در این تظاهرات ایستاده قریب به هفتاد نفر شرکت کردند که با افشای موفقیت آمیز رژیم پویا پایان رسید.

"به نقل از خبرنامه شماره ۶، نشریه سازمان دانشجویان ایرانی در انگلستان، اسکاتلند و ولز، هوادار سچفا"

سوئد

استهکلم

در تاریخ ۸۴/۳/۲۲ در جشنی که به مناسبت فرارسیدن بهار از طرف سازمان دانشجویان ایرانی در استهکلم، هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و با همکاری دیگر نیروهای مترقی ایران انجام پذیرفت، بالغ بر ۲۵۰ نفر شرکت کردند.

این جشن که تحت عنوان "بهار کارگران و زحمتکشان ایران گرامی باد" برگزار شد، شامل برنامه های ذیل بود:

قراحت یک مقاله فارسی در رابطه با موقعیت جنبش انقلابی و وضعیت نیروهای سیاسی در ایران، قراحت یک مقاله سوئدی، اجرای تئاتر، اجرای برنامه سیاسی - انتقادی

آن از طرف برگزار کنندگان جشن به اجرا درآمد که مورد استقبال شدید حضار قرار گرفت.

رفقای کرد ترکیه هوادار PKK (حزب کمونیست کردستان) و رفقای آمریکای لاتین با اجرای سرودها و آهنگهای انقلابی، همبستگی خود را با مبارزات خلقهای ایران اعلام داشتند.

در این جشن همچنین حاجی فیروز، کر سرودهای انقلابی ایرانی، رقص و ترانه های محلی ایرانی به مرحله اجرا درآمد. قابل توجه است که برگزاری جشن عید از طرف هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و هواداران وحدت کمونیستی، تاثیر بسیار مثبتی بر روحیه ایرانیان و خارجیان مقیم شهر گذاشت.

در این جشن تعدادی بیش از ۲۰۰ (چهار صد) تن از ایرانیان و خارجیان شهر کوتینگن و شهرهای اطراف شرکت داشتند.

ماینز

در شهر ماینز این مراسم بوسیله کلیه نیروهای درون جنبش دانشجویی در حضور بیش از ۸۰۰ نفر شرکت کننده برگزار گردید. در این شب که نمایش عظیمی از اتحاد جنبش دانشجویی در این شهر بود سعی شد تا گونه هایی از فرهنگ مترقی خلقها که همه روزه بوسیله رژیم جمهوری اسلامی سرکوب میگردد، بنمایش گذارده شود. لازم به یادآوری است که هواداران مجاهدین و دیگر نیروهای شرکت کننده در "شورای ملی مقاومت" در این مراسم شرکت نداشتند.

برلن غربی

به مناسبت فرارسیدن نوروز و گرامی داشت این سنت تاریخی زحمتکشان میهنان، هواداران سازمان در آلمان با برگزاری مراسم ویژه ای به استقبال بهار زحمتکشان میروند.

فریدبرگ

در شهر فریدبرگ نیز مراسم ویژه ای بوسیله هواداران سازمان و ایرانیان مترقی در این شهر که در "انجمن فرهنگی شهر فریدبرگ" متشکل گردیده اند، اجرا گردید.

برلن غربی

در تاریخ ۶ آوریل در برلن غربی مراسم نوروزی بوسیله هواداران سازمان، هواداران راه کارگر و هواداران چریکهای فدائی خلق (ارتش رهاش بخش) برگزار شد.

رفقای هوادار سازمان در شهر دارمشتات مراسم بزرگداشت نوروز را در تاریخ ۱۲ آوریل برگزار نمودند.

***** بقیه در صفحه ۲۴

حاجی فیروز، اجرای موسیقی و آواز ایرانی، دکلمه چند شعر از رفیق شهید، فدائی خلق سعید سلطانپور شاعر زنده یاد و انقلابی به همراهی نمایش اسلاید از ایران و دکلمه چند شعر مترقی دیگر، اجرای کر فارسی.

آلمان - کوتینگن

از طرف هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و هواداران وحدت کمونیستی، در روز جمعه ۸۴/۳/۲۲ مراسم باشکوهی به مناسبت فرارسیدن عید نوروز در شهر کوتینگن برگزار گردید.

در این مراسم ابتدا مقاله هاایی به زبانهای آلمانی و فارسی در افشا جنایات رژیم فدخلفی جمهوری اسلامی قرائت گردید. سپس با تنومینی در چگونگی شکل گیری رژیم جمهوری اسلامی و سیاستهای ضد انقلابی



بمنتظر پیشبرد امر مبارزه ایدئولوژیک و طرح مسائل مورد بحث در سطح جنبش انقلابی در هر شماره "جهان" مقاله یا مقالاتی در این رابطه درج خواهد شد. بدیهی است که مواضع اینگونه مقالات الزاماً با مواضع "جهان" یکی نخواهد بود.

انقلاب آقای رجوی در علم و فلسفه! : نقدی بر کتاب تبیین جهان

تحولات و واقعیات، روشن شده و انسان از این طریق راه پیدا کند. (۴) برخلاف ادعای ایشان در بسیاری از سوره‌های قرآن خدا خالق آسمانها، زمین، و هرآنچه بین ایندوست، آورده شده است. (۵) در این سوره‌ها هم پدیده‌ها بدون ارتباط با هم بطور مجزا توصیف شده و هم پیدایش آنها بطور خلق الساعه و ایستا بوده‌اند (بدون تغییر در زمان). بعنوان نمونه میتوان سوره‌های زیر را که در آنها خدا با مکانیم "امر" و داشتن پلان (Blue Print) "مخلوقات" با ترانسفورمسیون مواد ساختمانی اولیه (آب، دود و گل) به کار خلقت هست می‌کمارد، نمود:

آسمانها و زمین پیوسته بود و از هم بازتان کردیم و هر چیز زنده‌ای را از آب آفریدیم... و در زمین لنگرها کردیم که نلرزند و در آن دره‌ها و راه‌ها کردیم شاید آنها هدایت یابند. آسمانرا سقفی محفوظ کردیم... و شب که شب و روز را آفریده با خورشید و ماه که هر یک در فلکی شناورند. (۶)

آنگاه با آسمان پرداخت که بخاری نبود... و بدور روز آنرا هفت آسمان کرد و بهر آسمانی فرمان خویش وحی کرد و آسمان نزدیک را به چراغها بهاراستیم و آنرا محفوظ داشتیم. این نظم خدای نیرومند دانست. اگر روی بگردانند، بگو: من شما را از ماعدهای نظیر ماعده عاود نمودیم. (۸)

نکات زیر از "عنصر فلسفی - ادراکی" در این دو سوره چشم می‌خورند:

۱- هر چیز زنده‌ای... از آب "نیامده، بلکه در آب، - بعنوان محیط زیستی از طریق پیدایش مولکولها و ارگانیسمهای میکروبی و ماکرو تا ماهیان که بعداً به خشکی و هوا آمده، بوجود آمده است.

۲- "دره‌ها و راه‌ها" متنوع نیروهای طبیعی مانند بهاران، سیل و انسانها می‌باشند.

۳- با وجود "لنگرها" باز هم زمین لرزه، زلزله و آتشفشان اتفاق می‌افتد.

۴- خلقت آسمانها (غلا) و اصولاً خلقت هیچ چه معنی دارد، نیز تنها جو زمین آنهم نه از ابتدا بخار آلود بوده و از "آسمان بخار" نبوده و غلا می‌باشد. دیگر اینکه آسمان "سف" (صفحه) نبوده و فضای سه بعدی است که در آن ستارگان (و سه "چراغها") در فواصل متفاوت از خورشید (ونه زمین) بخاطر نیروی جاذبه در حرکت و کون و فسادند. عدد ۷ در آسمانهای

مقدمه

در مقاله گذشته با تشریح سیستم التقاطی مجاهدین در مورد پیدایش جهان، تناقضات آنرا با اسطوره‌های سامی از یک طرف و نظریات علمی مربوطه از طرف دیگر نشان دادیم. ما در اینجا، برخلاف "تعبیرات" مجاهدین که تنها از بخش‌های بخصوصی از قرآن (۱) و علوم جدید سود می‌جویند، تلخیمی از روایات مختلف انسان با استناد به همه سوره‌های مربوطه در قرآن، احادیث و آثار مفسرین الهیات اسلامی را، با تئوریهای علمی مربوط به پیدایش انسان مقایسه می‌کنیم. از آنجائیکه آقای رجوی نظریات علمی در مورد تکامل انواع روی زمین را ولگاریزه کرده است ما را شاگرد نموده هرچند کوتاه، تاریخچه تئوریک تکامل، تکوین فیزیکی زمین، پیدایش حیات، مکانیم تغییر انواع و پیدایش انسان را تشریح نمائیم. سپس در ادامه این بحث به سیستم التقاطی مجاهدین در مورد پیدایش انسان که در اسطوره‌های مذهبی با مقوله روح همزاد است و "جهت داری تکامل" برخورد کنیم. چرا که آقای رجوی در ۸۷۲ صفحه کتاب "تبیین جهان (قواعد و مفهوم تکامل)" مقوله روح را که پایه اصلی ایده‌آلیسم مذهبی بطور عام و توحید - نبوت - تعاد ایشان بطور عام است، گویا سهواً از قلم انداخته‌اند!

خلقت انسان مطابق قرآن

طبیعت به لاتین Natura، یونانی Physis و عربی طبیعه از ریشه طبع می‌باشد. در قرآن طبیعه بکار برده نشده، ولی "طبع" چندین بار آمده و مفسرین اسلامی آنرا بمعنای "برده" ای که انسان (مخلوق) را از خدا (خالق) جدا میکند، تعبیر کرده‌اند. فخر رازی در "تفسیر کبیر" این تکه از سوره "بل طبع الله" (۲) را هم با همین تعبیر آورده است. این نشان می‌دهد که در قرآن دانش طبیعی در سطح حسی (بصری) مانده و به مرحله آبستراکسیون یا تعمیم نمی‌رسد. یعنی با شیوه متافیزیکی اجزاء طبیعت جدا جدا و بطور تکراری نامبرده میشوند و طبیعت در کل و بصورت عام مد نظر قرار نمی‌گیرد. و این درست نقطه مقابل برداشت آقای رجوی از "روش قرآن در رابطه با شناخت و تبیین جهان" (۳) می‌باشد. چرا که آقای رجوی معتقد است که قرآن در حیطه مشهودات و محسوسات متوقف نمی‌ماند، بلکه با نیروی تعقل دست به تبیین می‌زند. یعنی بعد از مشاهده واقعیات، بذکر، یادآوری تفکر، تدبر، تعقل و تبیین فرا می‌خواند تا مفهوم، مفهون و جوهر فضاها و پدیده‌ها، به عبارتی همان فلسفه حرکات و

لابتخانی ناچیز است. آراستن "آسمان نزدیک" (نزدیک به زمین) با آسمان اول (محاط بر زمین) به چراغها دیدی ابتدائی در شبهای پر ستاره کویرهای عربستان میباشد.

۵- همانطوریکه بر واضح است "شب و روز" دو پدیده جدا نبوده، بلکه از طریق گردش محوری زمین بدور خورشید حاصل میگردد.

۶- در ارتباط با خورشید و ماه تنها "حرکت" ظاهری خورشید دور زمین آنرا شبیه ماه مضامیند. تنها حجم خورشید میلیونها برابر بزرگتر از ماه میباشد. اینگونه ارزیابی سطحی قرآن از خورشید و ماه ناشی از شناخت حسی حاکم در ۱۴۰۰ سال پیش که زمین را مرکز عالم میپنداشتند، میباشد.

۷- خلقت ارگانیسمها از طریق "امر" (بطور خلق الماعه) و دید ایستا نسبت به آنها (تغییر ناپذیر) و جداگانه (غیر شکافی) مطابق اسطورههای سامی میباشد.

توجه شود که در اشتهای سوره دوم، هشدار داده میشود که اگر این احکام را که "نظم خدائی" نام گرفته است (خدائی نیرومند و دانا!) نپذیرید، شما را با عاقبه تبدیل به سنگ خواهم کرد (تهدید و ارباب، برای انسان جاهل و ناآشنا با علل پدیدهها، منطق چاق!) خواننده خود میتواند تفاسات توضیحات آقای رجوی را برای علمی جلوه دادن گفتههای قرآن و این احکام که پشتوانه خود را برخلاف نظر ایشان نه بر مبنای تعقل، تفکر، تدبیر، و تبیین، که بر تهدید و ارباب نهاده است، دریابد. شک نیست که همین شیوه برای انسانها شیکه شناختی بسیار سطحی و جزئی از محیط و پدیدههای پیرامون خود داشتند کارگر می افتد. اما برای انسان قرن بیستم چه؟

در سوره های دیگر خلقت زمین، تحت تاثیر تورات و انجیل و با امپرسیونیهای محیط کویر شب جزیره چنین آمده است:

"زمین را بمانند فرشی ساختیم، و با زمین را بستری و کوهها را میخها کردیم و شما را شور و ماده آفریده ایم و خفتنشان را آرامشی و شب را پوششی کرده ایم و روز را (وقت) عیاش کرده ایم و بالای شما هفت (آسمان) را محکم ساخته ایم و در آن چراغی فروزان نهاده ایم و لذا ابرهای باران زیر آبی فراوان نازل کرده ایم تا دانه و گیاه و باغهای انبوه بدان برآید." (۹)

تاکیدات از ماست.

لازم است که با توجه به شناخت امروزین انسان از پدیدههای مورد اشاره در این عبارات، توضیحاتی بیفزاییم:

۱- برخلاف تصور قرآن، زمین "فرش" سطح نبوده و یک کره است.

۲- کوهها از تصادم پهنه های کروی ساختاری (بقیبت بحد این مقاله رجوع کنید) پوسته زمین پیدا شده اند. مثلاً کوههای هیمالیا از تصادم شبه قاره هند با آسیا نزدیک به ۶۰ میلیون سال پیش شکل گرفتند.

۳- "آبی فراوان نازل کرده ایم" دیدی یکسو بوده چرا که با پیرویه نزول باران آبهای زمین داشما افزوده خواهد شد، در حالیکه سیکل بسته تبخیر - ابر باران - تبخیر مقدار آب را با جو تقریباً ثابت نگه میدارد.

۴- "دانه و گیاه ها و باغها" همانقدر به آب احتیاج دارند که به خاک و خورشید! دیگر اینکه مطابق ادعای اراده گرایانه قرآن چرا در عربستان که به آب احتیاج بیشتر دارد - باران کمتر "نازل" میشود و در انگلستان زیادتر؟!

در مورد حیات، قرآن چیزی مستقیماً نمیگوید، مع هذا خلقت آدم، عالی ترین شکل حیات، در ۲۶ سوره آمده است. (۱۰) در برخی

سوره ها، تحت تاثیر تورات و انجیل، مثلاً آدم خاک میباشد. (۱۱) و در جاهای دیگر انسان از آب آفریده شده است. (۱۲) و - سرانجام در پاره ای از سوره ها، با تجربیات بحری عامیانه از گوشت و استخوان نام برده میشود. (۱۳) همچنین تناسخ و قدرت حیات (دمیدن روح) و ممات (که اکنون امراض و شهادت مهلک شناخته شده اند) در دست خداست. "و قتی بمردید و خاک و استخوان شدید، (از گور) بیرون میشوید." (۱۴) دیگر اینکه مواد اولیه برای خلقت آسمان، زمین و انسان بلمان قرآن چنینند: "طین الازب" یا "گل رس" "طلمال" یا لای، "الماء" یا آب، "غمام" یا ابر، "دخان" یا دود، "طین" یا گل، "سراب" یا گردو "العمل" یا بار. بطور خلاصه مواد ساختمانی موجود در صحرای و حومه، قرا، عربستان برای خلقت کهکشانها، منظومه شمسی و موجودات زنده بکار برده شده است. بگذریم که این مواد ساختمانی خود نتیجه تکامل فیزیکی - شیمیایی گازهای اولیه بودند، یعنی در محور زمان، اینها پدیده های جدیدتر بوده و نمی توانستند برای پدیده های قبلی بکار برده شوند (معلول نمی شود زودتر از علت بیاید). نیروی تغییر هم "امر" است که مواد اولیه ساختمانی را با ترانسفورماسیون به اجسام و موجودات تبدیل میکند که به دومی "روح" هم اضافه میشود. ما در مقاله بعدی به مقوله "روح"، که آقای رجوی در کتابشان از قلم انداخته، برخورد خواهیم کرد. اینکه "عنصر فلسفی - ادراکی" قرآن در سطح حسی بوده، بقول دکتر مجید علی خان، یک دگماتیست مطلقان هندی از نوع آقای رجوی، "در قرآن توضیح روشنی در مورد پدیده های علمی متعدد وجود ندارد. زیرا دیدگاه قرآن علم یا فلسفه نیست." (۱۵) بنابراین "عنصر فلسفی - ادراکی" اسلام متعلق به عهد عتیق بوده که حتی "تعبیرات" آقای رجوی هم کفکی به این "عنصر مرده" نکرده و فقط نظریات علمی را ولگاریزه کرده است.

تاریخچه تئوری تکامل

مذهبات مدیدی بود که انسانهای اعمار مختلف در چین، بابل، مصر، هند، ایران، یونان و رم، بر اساس مشاهدات سطحی و مستقیم معتقد بودند که زمین سطح و بی حرکت مانند "فرشی" (۱۶) بر نقش و نگار بوده، خورشید (با طلوع از شرق و اقول در غرب) بدور آن میچرخد و برخی اشکال حیات (حشرات، کرمها، ماهیان، پرندگان و موث) بطور خلق الساعه از لجن، پهن، گل و دیگر مواد غیر حیاتی خلق میشوند. از این نقطه نظر پیدایش خلقت - الساعه حیات تنها یک مثال از تجلیات قوای خلاق خدایان و شیاطین انگاشته میشد. در تورات، انجیل و قرآن در محبت پیدایش خلق الساعه حیات از اسطوره ها و فولکلور مصری، مصری، بابلی، یونانی، ایرانی و عربی استفاده شده است. آثار این عذرا، بصل کبیر، اکوستین قدیس و غزالی بعنوان اتوریته های این بحث مورد قبول پیروان ادیان سامی میباشد. (۱۷)

بیش از صد سال پیش تغییر در جهان بینی بشر نسبت به طبیعت اتفاق افتاد. این تغییر خود ایده تغییرات بعدی بود. تا آن زمان اسطوره های خلقت جهان اقوام بدوی و مذاهب سامی با نظریه ایستا در مورد جهان فیزیکی بر اینکه بمجرد خلقت جهان، دیگر تغییری در آن حاصل نشد و مدت کوتاهی (حدود شش هزار سال) از خلقت جهان میگذرد، مورد قبول همگان بود. درک اینکه جهان ایستا نبوده، بلکه بطور همیشگی در حال تغییر است و اینکه نوع انسانها نتیجه تکامل است یک اثر بنیانی بر شناخت انسان گذاشت. برای نخستین بار بود که بشر بطور سیستماتیک در یافت

که زمین با موجوداتش در زمانی بسیار طولانی - که از پیش‌تیمین و برنامهریزی نشده - تکامل یافته است. زمین در تغییرات اتفاقی از طریق پروسه‌های طبیعی مطابق قوانین علمی محسوس زیستی با ارگانیسمها که در آنها نیز تغییرات اتفاقی (موتاسیون) اتفاق می‌افتد در تقاد قرار گرفته که حل آن بسته تکامل انواع و بقای حیات از طریق انطباق با محیط منجر می‌گردد. گذار از نظرات متافیزیکی به علمی را می‌شود در نظرات لامارک در چهار فرض زیر بوضوح دید:

- ۱- تلاش ذاتی ارگانیسم بسوی کمال.
 - ۲- ظرفیت ارگانیسمها در انطباق با شرایط (محیطی).
 - ۳- تکرار پی در پی پیدایش خلق الساعه ارگانیسمها.
 - ۴- ارشی شدن خصایل اکتسابی بصورت صفات ظاهری.
- می‌بینیم که فرض اول لامارک همان "سیر و جهت‌گیری همه اشیاء" در جهت خدا یا کمال مطلق (۱۸) آقای رجوی بسوده و فرض چهارم هم بر اساس داستان یعقوب در اسطوره‌های سامی است که در سفر پیدایش تورات هم آمده است. (۱۹) البته اکنون ثابت شده است که فرضهای لامارک بی پایه میباشند. سرانجام با استور در ۱۸۶۲ با آزمایشات پیگیر خود ثابت کرد که تشکیل خلق الساعه ارگانیسمهای میکرو از محلولهای آلی غیر ممکن می‌باشد.
- در مقابل تکامل عمودی (زمانی) لامارک، تکامل افقی (مکانی) داروین بر اساس مشاهداتش فرموله شدند. در اینجا تکامل بهمنای تغییر مداوم و تدریجی انباشته شده موتاسیونهای جزئی همراه با گذار آهسته در صفات فیزیکی افراد یک جمع در یک محیط متغیر میباشد. داروین در ۱۸۵۹ تئوری تکامل خود را بقرار زیر فرموله کرد:

- ۱- تکامل پروسه‌ای تدریجی در زمانی طولانی است.
 - ۲- جهان دائماً در حال تغییر و تکامل میباشد.
 - ۳- یک مبدأ مشترک در حیات وجود دارد.
 - ۴- تکامل از طریق انتخاب طبیعی روی داده است. (۲۰)
- در سالهای ۱۸۶۰ بعد از قوانین شفتیک و شوخ را بر اساس ژنهای ناقل در وراثت ژنتیکی از والدین به نوزاد فرموله کرد. اصولاً در علوم بسیاری از اکتشافات، اختراعات و نظریات در انحصار یک فرد نبوده، بلکه بطور همزمان یا در فواصل کوتاه و مستقل چند دانشمند به پاسخهای واحد برای پرسشهای طبیعی میرسند. نمونه برجسته این رویداد نظریات والاس در مورد تکامل اند که بطور مستقل و همزمان به یافته‌های داروین بسیار نزدیک میباشند. برعکس در مذهب، "عصر فلسفی - ادراکی" نبی در انحصار خود او میباشد و تجربیات او برای دیگران قابل ردیابی نمی‌باشد. سرانجام، انگلس در سالهای ۱۸۷۰ با نوشتن کتاب "دیاکتیک طبیعت" نشان داد که حیات ابدی نبوده و بطور خلق الساعه پیدا نشده، بلکه در پروسه ماده در هر جا و هر زمان، با شرایط لازم، شکوین پیدا کرده است. تا این زمان فلسفه "در خدمت دین" بود و مسائل علوم طبیعی به کنار گذارده میشدند. مطالعه طبیعت، نه بصورت مشاهدات و تجربیات، بلکه بشکل مطالعه کتب مقدس سامی و دیگر نوشتجات مذهبی فلسفاد میشد. بقول لنین "اسکولاستیکها و مبلغین مذهبی از ارسطو بجای عصر زنده (در مطالعه طبیعت) عصر مرده (نظرات اسپکولاتیو) را گرفتند." (۲۱) در دهه‌های اخیر هم دانشمندان صاحب جایزه نوبل چون خورانا، واتسون و کریک با مطالعه پدیده‌های میکرو، شناخت پایه‌های ژنتیکی پدیده‌های ماکرو را میسر گردانیدند. این شناخت در گیاهان (حبوبات و میوه‌جات) و برخی جانسوران بکار گرفته شده تا برای تغذیه برخی صفات آنها را بهبود

بخشند. منابع اطلاعات ما در مورد تکامل بقرار زیرند:

- ۱- علوم تجربی، منطق و آثار دانشمندان کشورهای مختلف.
 - ۲- اوضاع طبیعی فعلی روی زمین.
 - ۳- بیوشیمی ارگانیسمهای موجود.
 - ۴- فسیلهای جمع‌آوری شده در موزه‌ها.
 - ۵- مطالعه صخره‌ها و رسوبات غیرآلی زمین.
 - ۶- پروسه رشد جنینی حیوانات ■
- "ب- ر"
- *****

منابع

- ۱- رجوی، تبیین جهان، ج ۲، ص ۱۲
- ۲- ترجمه پاینده، قرآن، ۴: ۱۵۵
- ۳- رجوی، همانجا، ج ۲، ص ۷
- ۴- همانجا، ج ۲، ص ۱۱
- ۵- قرآن، ۲۸۴، ۱۱۷، ۱۱۶، ۲: ۲۹، ۷۳، ۱۵، ۱۲، ۴: ۳، ۱۶، ۳۲، ۲: ۱۹، ۱۴، ۱۰، ۱۰، ۱۲، ۲۹: ۲۶، و بسیاری جاهای دیگر
- ۶- همانجا، ۲۳: ۲۰
- ۷- قرآن، ۱۲: ۱۰، ۲۱: ۱۰
- ۸- همانجا، ۱۶: ۶، ۷۸: ۶، ۲۰: ۱۹، ۸۸: ۵۲، ۲۰: ۵۲
- ۹- همانجا، ۲۳: ۲۶، ۱۵: ۱۸۹، ۱۲: ۷، ۱۱: ۶، ۲: ۱، ۲: ۱
- ۱۰- همانجا، ۵۵، ۲۵: ۱۱، ۲۸: ۷۱، ۲۰: ۲۵، ۳۰: ۲۰، ۱۸: ۳۷، ۳: ۵۹
- ۱۱- همانجا، ۲۵: ۵۲
- ۱۲- همانجا، ۱۶: ۱۲، ۲۳: ۳۵
- ۱۳- مجید علی‌خان، (۱۹۷۸)، اسلام در مورد منشاء و تکامل حیات، دهلی، ص ۵-۱۶۴، ص ۲۰۷
- ۱۴- قرآن، ۵۲: ۱۰، ۲۰: ۵۲، ۲۳: ۲۸، ۵۱: ۲۲، ۲: ۱۹، ۷۱: ۱۹
- ۱۵- اوپارین (۱۹۶۸) پیدایش و رشد تکاملی حیات، نیویورک
- ۱۶- رجوی، همانجا، ج ۶، ص ۲۸
- ۱۷- کریوز، پاتای (۱۹۸۳) اساطیر عبری، نیویورک، ص ۲۲۱-۲
- ۱۸- وولپ (۱۹۷۷) تفهیم تکامل، ایووآ
- ۱۹- لنین، پاداشتهای فلسفی

بقیه از صفحه ۱۰

پیام کارکنان "جهان"

در بنده خلقی فراوان بگفته‌است را به هیجان آورده و شما می‌جستش مشرقی خارج از کشور را شور و شوقی نوین بخشیدید صوفیت درختان و کم‌تأثیر عملیات تعرضی شما که میتوان به جرئت ادعا کرد که در جنبش دانشجویی خارج از کشور کم‌باقی بوده‌است در دل بسیاری از گوشه‌گیران و امیدها خستگان نوری از امید و حرکت تا بیدو بگفته بسیاری، نشان داد که جنبش دانشجویی سرمد است. مبارزه شما یکبار دیگر بر مغراران شجاع کوردل و تارک اندیش کوبیده که با اینهمه شرور و گشتار و سرکوب، خلق ساکت شما شده‌است و فرزندان راستین آن در هر کجا که باشند، دشمنان خلق را رسوا کرده و با شما می‌نیروپرده از چهره چنانکه رآنان بر خواهند داشت. و نخواهند گذاشت دوری از میهن مانع همبستگی و پیوند آنان با یاران دربند و زمختان تحت ستم و بهره‌کشی سرمایه‌داران و زمین‌داران و آغوشهای مرتجع گردد. ما کارکنان "جهان" به سهم خود دست‌های گرم و مهربان شما را صمیمانه می‌فشاریم و پیروزی هر چه بیشتر شما را در تلاش‌های مردمی و انقلابی - شان آرزو می‌کنیم.



چرا "مجاهد"؟

"مبارز و

فرزند دلاور خلق" نامیده شده است؟

پاسخ به مقاله:

(("فرزندان دلاور خلق" در دامان

"خرده‌بورژوازی لیبرال"))

مترجم در مجاهد شماره ۱۹۳

کمیته کارگری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در تاریخ ۱۷ مهرماه ۱۳۶۲ اعلامیه‌ای علیه رژیم منتشر نمود که طوسی آن برای اولین بار از جنایت هولناک دیگری از جنایات رژیم پرده برمیداشت. اعلامیه حاکی از آن بود که جلادان جمهوری اسلامی برای درهم شکستن روحیه مقاوم و انقلابی زندانیان، مبارزان دلاوری را بنام اکبر چوپانی در زندان تبریز با کارد سر بریدند. مجاهدین در اسفند ماه ۶۲، در مجاهد شماره ۱۹۳، در مقاله‌ای تحت عنوان "فرزندان دلاور خلق در دامان خرده‌بورژوازی - لیبرال" پس از یک زمینه چینی احساساتی، نسبت به فدائیان معترض شده اند که چرا اولاً اعلامیه مذکور مشخص نکرده است که اکبر چوپانی از مجاهدین بوده است و بدین طریق "شهیدگیری زیرکانه" و غیر اصولی برای منافع سازمانی و گروهی خود کرده‌اند. و ثانیاً چگونه میتوان سیاست حاکم بر شورای ملی مقاومت و مجاهدین خلق را خرده‌بورژوازی - لیبرال و نتیجتاً غیراصولی و غیر انقلابی نامید، ولی رزمندگان و شهدای آن را انقلابی و فرزند خلق لقب داد و از فداکاری‌های آنان تجلیل نمود؟ از آنجائیکه این مقاله حاوی یک دید انحرافی و شومیه دیگری از فرصت طلبی‌های مجاهدین و در عین حال طرح سنوالی از ماست، بطور مختصر به آن می‌پردازیم:

مطلب اول

اتهام شهیدگیری زیرکانه و غیراصولی به سازمان ج.ف.خ.ا.
بدلیل تجلیل بموقع سازمان از یک مبارز شهید در زندان تبریز و افشای یکی دیگر از جنایات رژیم است. گویا مجاهدین از اینکه فدائیان سریعاً پس از دریافت این خبر حتی قبل از مجاهدین نسبت به انتشار اعلامیه و افشای این جنایت رژیم دست زده‌اند، نه تنها قدردان نیستند، بلکه دلخور هم شده‌اند! مجاهدین میدانند که معمولاً نامیدن یک شهید گمنام و شناخته نشده با صفات عامی چون مبارز و فرزند دلاور خلق به این معناست که هنوز اطلاعی از وابستگی سازمانی او در دست نیست. و مهم‌تر از همه آنجا که در این میان افشای عمق رذالت رژیم جمهوری اسلامی در سطحی وسیع مهم است و با نامیدن یک شهید، از میان دهها هزار شهید خلق، بنام مجاهد یا مبارز و فرزند دلاور خلق؟! براستی چقدر باید شگ نظر و سکنا ریزست و فرصت طلب بود که به این نکات ارزان و شیوه‌های چندش‌آور پرداخت؟ مسلماً اکبر چوپانی که در زندان تبریز توسط جلادان رژیم در انتظار دیگر زندانیان سیاسی سربریده شد، در زمان انتشار خبر، هویت سازمانی اش برای کمیته کارگری تبریز روشن نبوده است. آیا چون هویت سازمانی این شهید مشخص نبوده است، نمی‌بایست اعلامیه‌ای

انتشار می‌یافت و این جنایت بی سابقه به گوش جهانیان رسانده میشد؟ آیا اگر مجاهدین بهر دلیلی نتوانستند قبل از انتشار اعلامیه کمیته کارگری سازمان ج.ف.خ.ا. اطلاعیه‌ای بدهند باید اعلامیه دیگران را با این شیوه‌های مشتمل بر کشتن تخته نمایند؟ براستی اینهمه اتهام به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برای این است که در انتشار خبر اعدام قرون وسطائی رژیم جمهوری اسلامی از یک مجاهد، مبارز و فرزند دلاور خلق نام برده شده است؟ این است اتهام؟! جالب اینجاست که کسانی این اتهام را می‌زنند که خود فدائی کبیر و کمونیست برجسته و شناخته شده‌ای چون بیژن جزئی را فقط شهید خلق خطاب کردند. (مراجعه شود به مجاهد شماره ۱۲۲ و "جهان" شماره ۱۱۰).

همگان میدانند که مجاهدین در لیست انتشار داده خود از نام شهدا، تعداد زیادی از شهدای سازمانهای سیاسی دیگر را مجاهد نامیده‌اند. و ما نامه‌هایی مبتنی بر این اشتباه و بی‌استفاده؟! مجاهدین از طرف گمانیکه آشنائی کامل و نزدیک با این شهدا داشتند، دریافت کرده‌ایم. بعنوان مثال ۲۲ نفر از ۷۲ شهید شهر بندرعباس به غلط در لیست منتشره مجاهدین، مجاهد معرفی شده‌اند، شوجه داشته باشید تنها از یک شهر، یعنی بیش از ۱/۳ اسامی شهدای اعلام شده از بندرعباس که در لیست منتشره مجاهدین از آنها بنام مجاهد نام برده شده است، در واقع مجاهد نبوده‌اند، بلکه برخلاف تصور و خود مرکزبینی مجاهدین، آنها با چریک فدائی خلق و یا فدائی خلق بوده‌اند. ما اسامی این شهدا را در اینجا ضمیمه این نوشته نموده‌ایم. ولی ما حتی نسبت به این قتل مجاهدین تا بحال عکس‌العملی نشان نداده‌ایم. چرا که امیدواریم که ذکر نام این شهدای کمونیست بنام مجاهد از جانب مجاهدین نتیجه سهل انگاری آنها و نهایتاً اشتباهی بیش نبوده باشد. (البته بگذریم که گنجاندن نام مرتجعین بنامی چون قطب زاده که در رذالت پیشگی دست کمی از جلادان کنونی رژیم نداشت و خسرو قشقائی و ... در کنار نام شهدای خلق سهل انگاری و اشتباه نبوده است، بلکه براساسی استراتژی شکست خورده مجاهدین که لیبرالها را متحد خود نموده‌اند، بوده است).

اما مقاله مورد بحث مجاهدین در مجاهد ۱۹۳، به مصداق این گفته که "کافر همه را به کیش خود پندارد"، این سؤال را بطور جدی برای ما مطرح می‌سازد که آیا مجاهد معرفی نمیشودن تعدادی از فدائیان و کمونیستها و مبارزین شهید وابسته به به سایر نیروهای انقلابی در لیست منتشره مجاهدین از روی سهو بوده است یا بقول خودشان نوعی "شهید گیری زیرکانه" و غیراصولی برای منافع سازمانی و گروهی؟ چطور وقتی کمیته کارگری سقفا از یک شهید مجاهد بدلیل ناشناخته بودن وابستگی سازمانی او، تحت عنوان مبارز و دلاور خلق نام می‌برد و نه کمونیست، و با فدائی، مجاهدین این اتهام را بر ما می‌زنند، اما زمانی که خود شهدای فدائی و کمونیست را نه مبارز و فرزند دلاور خلق (بدلیل بی اطلاعی از وابستگی سازمانی شان)، بلکه مجاهد معرفی میکنند لباز لب نمی‌کشایند و شویخی برای این کار خود ندارند؟ مگر نه این است که اگر فدائیان قند "شهیدگیری زیرکانه" داشتند، اکبر چوپانی را می‌باید فدائی شهید می‌نامیدند؟ براستی نویسندگان "مجاهد" با این "کوچه‌علی‌چپ‌زدنها" قند تحریک احساسات چه کسانی را دارند و چرا میخواهند بجای پرداختن به مسائل اصلی مورد اختلاف بین ما و آنان، اذهان مبارزین را با این نوع مقولات مشغول دارند؟ چگونه است که مجاهدین هیچگاه برای

رد نظرات سیاسی و ایدئولوژیکی فدائیان و اثبات‌درستی سیاست‌های خود، مقاله‌ای بنویسند و تنها در اینگونه موارد که خونی و نام شهیدی و احساساتی در بین است، دست به قلم میشوند و مقالات مجاهد را در اختیار این و آن میگذارند؟

مطلب دوم

نویسنده مقاله با مقایسه سازمانهای سیاسی از جمله سازمان مجاهدین خلق به ارگانیم انسانی و با توسل جستن به نوعی فونکسیونالیزم غیرعلمی مترصد است که تفادی را در - ارزیابی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران کشف کند. او سازمان مجاهدین خلق را به ارگانیم زنده‌ای تشبیه میکند کسه دارای اندامهای مختلفی چون مغز، دست، انگشتان و غیره است که هر یک به قزاقور و تناسب توان، استعداد و صلاحیت‌شان کساری انجام میدهند. این نوع تمثیل و این دیدگاه که در جامعه‌شناسی بورژوازی از طرف فونکسیونالیست‌های چون اسپنسر طرح شده است، معمولاً برای توجیه نئوریک جوامع طبقاتی بکارگرفته میشود. با این شیوه استدلال و مقایسه غیرعلمی ادعا میشود که همانطوریکه دست هرگز در یک ارگانیم زنده نمیتواند به مغز تبدیل نشود، در یک سازمان و تشکیلات و یا در یک جامعه که مثل یک ارگانیم انسانی حرکت میکند نیز نهادها و یا افرادیکه نقش دست و انگشتان و پاها را ایفا میکنند (کارگران و...) نمیتوانند به حد مغز یعنی رهبری ارتقاء یابند. پس همانطوریکه بخش ارگانیم زنده دارای کارکرد ویژه‌ای است، مغز فرمان صادر میکند و دست اجرا میکند و در سیستم اجتماعی که به آن تشبیه میشود نیز همین روابط برقرار است. حال تصور میکنید که نویسنده این مقاله از این مغز و کبرا چندین چه نتیجه‌ای میخواهد بگیرد؟ به نتیجه‌گیری بسیار درخشان ایشان توجه کنید:

ایشان با تشبیه سازمان مجاهدین به ارگانیم انسانی و قراردادن رهبری مجاهدین بجای مغز ارگان، و شاخه‌های نظامی بجای دست، و رزمندگان مجاهد بجای انگشتان، تفاد عجیب و غریبی در استدلال سازمان در مقایسه مقاله "سه آلترناتیو - حکومتی در مقابل رژیم جمهوری اسلامی مندرج در کار شماره ۱۷۱ مبتنی بر بورژوا - رفرمیست نامیدن آلترناتیو جمهوری دمکراتیک اسلامی و اعلامیه تجلیل گرایانه از مجاهد اکبر چوپانی بهنگاه کرده است چرا که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مقر این - ارگانیم، (یعنی سازمان مجاهدین) را سازشکار و برنامهداران را بورژوا - لیبرالی میدانند و از طرف دیگر از مجاهد شهید، اکبر چوپانی تجلیل کرده است و او را بدرستی مبارز و فرزند دلاور خلق نامیده است. نویسنده مقاله با بکارگیری همان تشبیه‌سازی قبلی اش می‌پرسد: "چگونه ممکن است که رهبری یک سازمان (به تعبیر او مغز ارگانیم) سازشکار و لیبرال باشد و عنصر مجاهدی در زندان (به تعبیر او یکی از انگشتان) مبارز و فرزند دلاور خلق باشد؟ اگر الگوسازی غیرعلمی ایشان را مثل خود ایشان قبول داشته باشیم، نمیتوانیم بپذیریم که انگشت (عنصر مجاهد) عملی انجام دهد که برخلاف اراده مغز (رهبری) باشد! اگر ما با این تعبیر غیر علمی حرکت کنیم، باید از ایشان بپرسیم چگونه ممکن است که یکی از انگشتان (عنصر مجاهد) این بزم شما ارگانیم، خشن‌ترین شکنجه‌ها را تحمل کرده و جانش را از دست میدهد، ولی انگشت دیگری (باز هم عنصر مجاهد) در همان زندان به خیانت و سازش‌تن می‌دهد و ابزار کار نمایش‌های تلویزیونی

رژیم فدیشری خمینی میگردد؟ شما اگر واقعا روی استدلال و تشبیه سازیشان پابدار هستید چگونه میتوانید بگوئید عناصری از مجاهدین شناخته شده، برخلاف مجاهدی چون شهید اکبر چوپانی تمام اصرار سازمانی خود را فاش میکنند و علیه رهبری (به تعبیر شما همان مغز ارگانیم) در تلویزیون‌های ارتجاع فحاشی می‌نمایند؟ اگر شما توانستید این تفاد را پاسخ دهید، بسادگی درخواست بابت که آری ممکن است و بسیار هم ممکن است که قرضا در یک مقطع، رهبری سازمانی حتی خیانت کند و افسراد و عناصر انقلابی همواره انقلابی و پابدار به اصول خود باقی بمانند. گاهی هم ممکن است رهبری انقلابی باقی بماند ولی عناصری از همان سازمان تن به خیانت و سازش بدهند. چرا چنین چیزی ممکن است؟ زیرا برخلاف نظر شما قانون مندی یک سازمان سیاسی و یک جامعه بطور کلی، مثل ارگانیم انسانی نیست، بلکه این تمثیل و استدلال شما از بیخ و بن غلط و غلطی است ■

نام و مشخصات اصلاح شده ۲۵ تن از شهدای

شهر بندرعباس که مجاهدین آنرا بطور

مخدوش انتشار داده‌اند:

نام

۱- احمد اسلامی	چریک فدائی	ردیف ۲۲۲	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۲- کامران اسمعیل زاده	چریک فدائی	ردیف ۲۲۱	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۳- نعمت باخوار	فدائی خلق (عقلم آویز)	ردیف ۲۲۹	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۴- کرامت برخوردار	چریک فدائی	ردیف ۲۲۲	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۵- علی برشان	چریک فدائی	ردیف ۲۵۲	به اشتباه بیکار نوشته شده
۶- حسن بشیری	چریک فدائی	ردیف ۲۵۱	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۷- منصور بیابان	چریک فدائی	ردیف ۱۰۰۳	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۸- علی بهروری	چریک فدائی	ردیف ۱۰۰۴	به اشتباه بیکار نوشته شده
۹- حسن پورفتیری	چریک فدائی	ردیف ۱۲۲۵	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۱۰- محمد امین تراسی	چریک فدائی	ردیف ۱۲۵۶	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۱۱- محمد علی تراسی	چریک فدائی	ردیف ۱۲۵۸	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۱۲- احمد چشم براء	مجاهد	ردیف ۱۲۶۵	به اشتباه فدائی خلق نوشته شده
۱۳- محمد چشم براء	فدائی خلق	ردیف ۱۲۶۶	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۱۴- محمد طبعی	چریک فدائی	ردیف ۲۲۵۱	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۱۵- پرویز خانگی پور	چریک فدائی	ردیف ۲۲۰۹	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۱۶- عباسعلی شریفیان	فدائی خلق	ردیف ۲۵۲۲	به اشتباه چریک فدائی نوشته شده
۱۷- محمد ظهیری	چریک فدائی	ردیف ۲۲۰۲	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۱۸- فتح الله فرید	چریک فدائی	ردیف ۲۲۲۰	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۱۹- محمد نیروزی	فدائی خلق	ردیف ۲۲۸۱	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۲۰- علیرضا قاسمیان	چریک فدائی	ردیف ۲۲۷۸	به اشتباه را در کار نوشته شده
۲۱- محمد کدانی	چریک فدائی	ردیف ۵۱۲۲	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۲۲- ناصر مرادی	چریک فدائی	ردیف ۵۲۸۵	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۲۳- عباس مکاری	چریک فدائی	ردیف ۵۲۷۰	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۲۴- حسن مکاری	چریک فدائی	ردیف ۵۲۷۲	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۲۵- محمد یزدانی	چریک فدائی	ردیف ۶۲۲۲	به اشتباه مجاهد نوشته شده



مروری بر تاریخچه دانشجویی در ایران

یورش گسترده مزدوران رژیم چهل و سرمایه به دانشگاهها و مراکز عالی آموزشی در ایران، یکی دیگر از اوراق تاریخی تاریخچه حکومت جمهوری اسلامی است. طی این تهاجم که با برنامه ریزی دقیق قبلی از طرف حزب جمهوری اسلامی سازمان داده شده بود، روز اول اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۹ دانشگاه تهران و همزمان با آن دانشگاههای دیگر و موسسات عالی آموزشی در سراسر کشور به اشغال اوباشان مسلح و پاسداران جمهوری چهل و جنایت درآمد و مقاومت قهرمانانه دانشجویان و دانش آموزان پیشگام و سایر دانشجویان مبارز به خون کشیده شد و چند ده شهید و چندی زخمین از این یورش خونین برجای ماند.

این یورش که از نخستین تهاجمات سراسری رژیم به دستاوردهای قیام خونین بهمن بود، نه تنها در تهران و شهرهای دانشگاهی، بلکه در سراسر ایران امتکاس وسیعی یافت و خشم و نفرت انبوهی از کارگران و زحمتکشان را برانگیخت. رژیم ددمنش جمهوری اسلامی پیش از این یورش، در ترکمن صحرا، کردستان، در کارخانه ها و کارگاهها، در زندانها، در مدارس و دانشگاهها جنایات هولناکی آفریده بود و بارها در تهران و شهرستانها، تظاهرات توده ها را به خون کشیده بود. اما این تهاجم گسترده سراسری معیارهای تازه ای از سیاستهای سرمایه دارانه، ارتجاعی و سرکوبگرانه رژیم و خصومت عمیق آنرا بنا نیروهای انقلابی جامعه و مدافعان کارگران و زحمتکشان به نمایش گذاشت.

اگر توده ها قبلاً از طریق نشریه کار و نشریات نیروهای مترقی، از ابعاد جنایات رژیم در ترکمن صحرا و کردستان آگاه میشدند، و با مبلغان و مروجان اندیشه های انقلابی، سیاستهای سرمایه دارانه رژیم جمهوری اسلامی را برایشان افشاء میکردند، در تهاجم رژیم به دانشگاهها و فرو ریختن خون بهترین فرزندان خلق در روز اول اردیبهشت - یعنی فقط یکسال پس از استقرار جمهوری اسلامی - عمق درنده خوئی و ددمنشی رژیم برای توده ها عینیت یافت و زحمتکشان سیاستهای سرمایه دارانه رژیم را در سراسر میهن از نزدیک مشاهده کردند.

امروز که دیگر سیاستهای ضدبشری و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی برای کارگران و زحمتکشان جامعه روشن شده است، بسی گمان توده ها نمیتواند دلایل دشمنی آنرا با دانشگاهها و دانشجویان مبارز دریابند و خط و مشی آنها در مقابله با دانشجویان و دانش آموزان به درستی تحلیل و ارزیابی گشتند و آنها ملاکی برای شناخت ماهیت نیروها و عناصری بشمار آورند که با ادعای آزادیخواهی و دمکراسی وارد صحنه سیاست میشوند و پس از کسب قدرت چهره واقعی خود را آشکار میکنند.

تاریخچه پربار جنبش دانشجویی و مبارزات پیگیر دانشجویان در مقاطع مختلف تاریخی از بدو تاسیس دانشگاه در ایران نشان میدهد که این جنبش بمنزله بخشی از جنبش کارگران و زحمتکشان و خلقها، همواره نقش ارزنده ای در عرصه مبارزات مردم میهن ایفا کرده و دانشگاهها بمنابه سنگری شکست ناپذیر همیشه کانون مبارزه برعلیه هیئت حاکمه و حامیان آن بوده است. اصولاً تاسیس دانشگاهها و موسسات عالی آموزشی در ایران

نه در راستای رشد طبیعی جامعه و نیازهای جاری اجتماعی، بلکه عمدتاً در جهت رفع نیازهای جوامع امپریالیستی انجام گرفته است. کودتای سال ۱۲۹۹ که بوسیله سید ضیاء و رضا خان و با توطئه و حمایت دولت انگلیس در جهت منافع امپریالیسم سازمان داده شده بود، تاسیس نهادهای نوین اداری - آموزشی و کلاً تجدید نظام سیاسی - اجتماعی ایران را ایجاد میکرد. بنا تاسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ و دانشسرایعالی در سال ۱۳۱۵ و چندین موسسه عالی آموزشی متعاقب آن، لایه اجتماعی نوینی در ایران شکل گرفت که در ابتدا اجزاء آن را عمدتاً عناصری از طبقات مرفه جامعه تشکیل میدادند. در این مقطع از حیات جامعه، حرکات دانشجویی با وجود برخورداری نسبی از عنصر آگاهی، عمدتاً جنبه های منفی داشت. این شکل از مبارزه که بایستی آنرا بمنزله حالات جنبشی دانشجویی ارزیابی کرد، هنوز شخصیت سیاسی خود را نیافته و با مبارزات زحمتکشان پیوند نخورده بود. عمده ترین این حرکات، اعتصابات گسترده ای بود که در سالهای ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ دانشسرایعالی، دانشکده های فنی، پزشکی و حقوق را فرا گرفت و طی آن دانشجویان اتحاد و تشکل خود را برای نخستین بار در جامعه به نمایش گذاشتند.

با گذشت زمان و رشد سطح آموزش اجتماعی، و با ورود عناصری از طبقات میانی و پائینی جامعه بر دانشگاهها، قشری از روشنفکر در ایران پدیدار شد که بخش عمده ای از عناصر آن، از نظر طبقاتی با زحمتکشان جامعه پیوند و همگونی داشته و حامل مطالبات آنان در مبارزات سیاسی خود بودند. شکل گیری این قشر، با اوج خفقان و دیکتاتوری لگام گسیخته رضاخانسی در ایران همزمان بود. سطح نازل آگاهی های سوسیالیستی در میان دانشجویان، افقت مبارزات توده ها در نتیجه خفقان سرمایه، شهادت رفیق ارانی و بارانش و نبودن سازمانهای سیاسی آزموده و مبارز، از عمده مسائلی است که در آن برهه از زمان کفه منفی مبارزات دانشجویی را از کفه سیاسی آن سنگینتر میکند. با آغاز جنگ بین المللی دوم و سقوط دیکتاتوری خونین رضاخانی، مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران مرحله نوینی را آغاز کرد. با جو نیمه دموکراتیکی که بعثت سقوط دیکتاتوری در جامعه ایجاد شده بود مبارزات توده ها به سرعت اعتلا یافت و اشکال علنی بخود گرفت. در این مقطع از حیات جامعه، جنبش دانشجویی بمنزله بخشی از مبارزات توده ها هویت سیاسی خود را بازیافت. با ظهور سازمانهای سیاسی در جامعه جنبش دانشجویی حول آن سازمانها و برنامه هایشان متشکل شد. اتحادیه های دانشجویی هوادار مصدق و حزب توده عمده ترین اتحادیه های دانشجویی بودند که پس از سقوط رضاخان از دانشگاهها و مراکز آموزش عالی ایران اعلام موجودیت کردند. مهمترین عملت جنبش دانشجویی در آن دوره تبعیت بی چون و چرای اتحادیه های دانشجویی از سازمان مادر و دنباله روی کامل و بی قید و شرط از آنها بوده است. نتیجه این تابعیت مطلق آن بود که جنبش دانشجویی از شناخت هویت مستقل خود و کاربرد مبارزات دموکراتیک فد امپریالیستی در سطح جامعه بازماند و همه حرکات و مطالبات سیاسی خود را حول سیاستها و اهداف سازمان مادر متمرکز کند. در این دوره رابطه اتحادیه دانشجویی هوادار جبهه ملی و حزب

توده نیز براساس رابطه رهبران جبهه ملی و سردمداران حزب سمت و سو میگرفت. تا اوایل سال ۱۳۳۱ که حزب توده سیاست مقابله با دکتر مصدق را دنبال میکرد، اتحادیه دانشجویی حزب نیز بدون در نظر گرفتن ویژگیهای جنبش دانشجویی علم مخالفت با مصدق برافراشته بود. چرخش ناگهانی حزب توده به طرف مصدق پس از قیام توده ها در سیام تیر، تغییر اساسی در برخورد اتحادیه دانشجویی حزب توده نسبت به مصدق پدید آورد. اتحادیه دانشجویی جبهه ملی نیز عملکرد مشابهی را در برخورد با حزب توده پیشه کرده بود. نتیجتاً در سراسر این دوره این دو اتحادیه کسسه عمده ترین سازمانهای دانشجویی در آن مقطع حساس تاریخی بودند. هرگز موفق به اتخاذ تاکتیک واحدی در برخورد با مسائل مشخص و حاد اجتماعی نگردیدند و نیز هرگز تعابلی به نزدیکویی و همکاری متقابل از خود نشان ندادند.

اگرچه شکست دانشجویان در اشکال مختلف مبارزات در سراسر این دوره از حدت و کیفیت چشمگیری برخوردار است، اما این مبارزات عمدتاً از کانال حزب توده و جبهه ملی سازمان داده میشود و تعیین کنندگی سیاستها و نظرات سازمانهای مبارزات دانشجویی را از استقلال، خودکفایی و هویت مشخص تهی میکند. لذا مبارزات دانشجویان در زمینه برنامه ریزی، طرح شعار مناسب، سازماندهی و رهبری رشد چندانی نمی یابد و به همین سبب پس از کودتای شنگین ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، رژیم کودتا میتواند آنها مورد ضربات متعددی قرار دهد و به آستانه از هم پاشیدگی بکشانند. اما، با اینهمه یعنی با وجود زلزل و عدم توانایی تاریخی بورژوازی ملی از یک طرف و خیانت و تسلیم طلبی و گریز رهبران حزب توده از طرف دیگر و نیز علیرغم سرکوبی جنبش کارگران و زحمتکشان و شهادت بخشی از دلیرترین فرزندان خلق و سیطره خلق و سیطره جو خفقان در جامعه، دانشگاه بمثابة تنها سنگر مبارزاتی زحمتکشان پس از مدتی کوتاه دوباره چون شعله ای فروزان از میان خرمن خون و خاکستر قدیر افراشت و در شرایطی که مبارزات توده ها در اثر سرکوبی وحشیانه ارتجاع دچار افت و خمودگی شده بود و "احزاب سیاسی" با کنج عافیت را بر عرصه سیاست ترجیح داده و با بزداخانه به "دیار غربیست هجرت (!؟)" کرده بودند و هیچ تحلیل و جمع بندی منجممی از تحولات جامعه، مبارزات خونین توده ها، علل شکست آن و استراتژی و تاکتیک مبارزات آتی در دست نبود، دانشجویان مبارز توانستند دوباره پرچم مبارزه را برافرازند و با اعتراضات و اعتصابات گسترده تنفر عمیق خود را از رژیم کودتا و حامیان آن ابراز دارند.

نخستین حرکت اعتراضی منجم و مشکل دانشجویان در آستانه سفر نیکسون نماینده امپریالیستها برای بازدید از نتایج کودتا در ایران انجام گرفت. دامنه تظاهرات دانشجویان در آذر ماه سال ۱۳۳۲ آنقدر گسترده بود که رژیم کودتا ناچار شد تیپ زرهی خود را "برای حفظ آرامش" به دانشگاه تهران گسیل دارد. ارتش مسلح - این ارگان سرکوب امپریالیستی - در برابر توده های دانشجو که به ایمان، اندیشه و عشق به زحمتکشان مسلح بودند، قرار گرفت. دانشگاه به خون کشیده شد و در کارزاری نابرابر، سه دانشجوی مبارز - بزرگنیا، قندچی و شریعت رفوی - بشهادت رسیدند. در تظاهرات ۱۸ آذر همان سال که بمناسبت سومین روز شهادت سه دانشجوی مبارز و نیز اعتراض به ورود نیکسون برگزار گردید، نیروهای اشتراکمی دوباره به دانشگاه پورش آوردند و از آن تاریخ به مدت هفت سال - یعنی تا سال ۱۳۳۹ - در دانشگاه باقی ماندند تا شاید با حکومت نظامی و زور و سرنیزه مبارزات

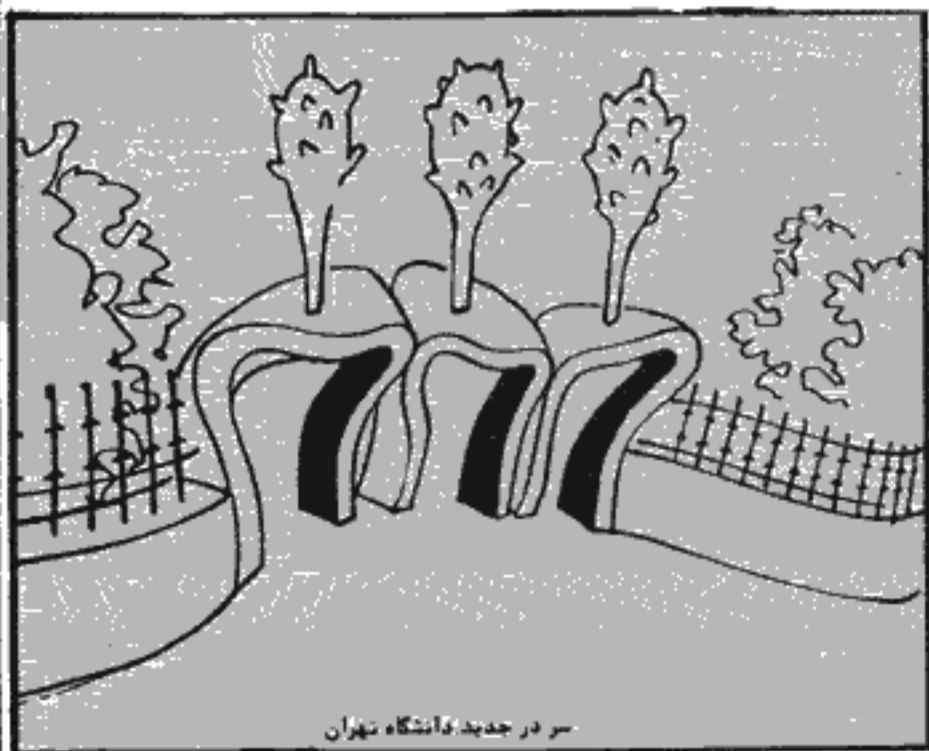
دانشجویان را درهم شکنند. اما در همان سالهای سیاه خفقان و وحشت و در زیر حکومت سرنیزه و جنایت نسل انقلابی در دانشگاه پرورده شد که نه تنها در امر سازماندهی جنبش، بلکه در تحلیل علمی از مسائل اجتماعی - تاریخی و تدوین مقدمات تئوریک انقلاب ایران شایسته ترین نقش را در صحنه مبارزات مردم ایران ایفا کرد.

نخستین حرکات گسترده دانشجویان پس از استقرار قوای انتظامی در دانشگاه، در رابطه با اعتصابات کارگران کوره پز - خانه های تهران در سال ۱۳۳۸ انجام گرفت که اگرچه با سرکوبی خونین از طرف ارتجاع حاکم مواجه شد، اما پیوند متقابل زحمتکشان و دانشجویان را از همیشه استوارتر کرد.

لزوم اقدام کامل ایران در بازار جهانی سرمایه از یک سو و توطئه برای تحمیل توده ها که از فلاکت و نابسامانی و خفقان به ستوه آمده بودند، از سوی دیگر امپریالیسم را به ایجاد "اصلاحات" در مناسبات اقتصادی - اجتماعی ایران برانگیخت. در تدارک مقدمات این "اصلاحات" اقبال به ریاست دانشگاه برگزیده شد و رژیم وابسته پهلوی تبلیغات سرمام آورش را در باره "انقلاب سفید" و "دموکراسی" آغاز کرد و قوای نظامی نیز از دانشگاه برچیده شد. همزمان با این تحولات نخستین تظاهرات مشکل و اعتراضی دانشجویان در جلایبه برگزار گردید و پس از آن "سازمان دانشجویان" که بوسیله رفیق بیژن جزئی و همزمانش رفقا ضیا، ظریفی و سمدی پی ریزی شده بود، رهبری مبارزات دانشجویان را بدست گرفت و با انتشار نشریه "پیام دانشجو" رادیکال ترین عناصر جنبش دانشجویی را در خود متشکل کرد.

پس از آن مبارزات دانشجویان به نحو چشمگیری گسترش می یابد و هر مسئله سیاسی - اجتماعی محمل مناسبی برای به صحنه آمدن دانشجویان و تظاهرات و اعتصابات آنان بر علیه رژیم وابسته پهلوی میشود. در تظاهرات گسترده و متواتر دانشجویان برای آزادی انتخابات در سال ۳۹ تعدادی از دانشجویان مبارز مجروح میشوند و دانشگاه تا اواسط فروردین سال ۴۰ تعطیل میشود. بدنبال شهادت دکتر خاتعلی، معلم مبارز "سازمان دانشجویان" تظاهرات عظیمی را تدارک می بیند و با شرکت گسترده آموزگاران و دانش آموزان توان سازماندهی خود را به نمایش میگذارد. بدنبال جریان سیل در جوادیه و خانه خرابی زحمتکشان، دانشجویان به ابتکار خود پل جوادیه را بنده میکنند و پس از وقوع زلزله در پوشین زهرای قزوین، دسته های متشکل دانشجو داوطلبانه برای کمک به آن منطقه سرازیر میشوند. در آذر ماه سال ۴۰ بزرگداشت شهدای ۱۶ آذر پوش مناسبی میشود برای برگزاری یک تظاهرات وسیع ضد امپریالیستی که دانشجویان طی آن از انقلاب الجزایر و مبارزات فدا امپریالیستی مردم آن تحلیل میکنند.

در واقعه ۱۵ خرداد سال ۴۲ "سازمان دانشجویان" فعالانه شرکت میجوید و با توجه به تجربیات و قابلیت هایی که در اثر سالها فعالیت مخفی در هسته های مطالعاتی و تشکیلاتی به دست آورده، عملاً رهبری تظاهرات را در بسیاری از نقاط تهران در دست میگیرد و با سازماندهی توده ها در دسته های چند نفره آزمودگی خود را در چگونگی کاربرد عملیات قهرآمیز به درستی نشان میدهد. پس در سرکوب خونین ۱۵ خرداد "رهبران" سازمان دانشجویان، و از جمله رفیق جزئی به اتهام "تحریک مردم به قیام مسلحانه" و دفاع از مبارزات خلق ویشنام دستگیر و زندانی میشوند.



سر در جدید دانشگاه تهران



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سه شنبه ۱۰ آبان ۱۳۶۲

سال پنجم - شماره ۱۷۲

دانشگاه

از سنگر آزادی تالانه ارتجاع

در استانه گشایش رسمی دانشگاهها پس از سرکوب دانشگاه و کشتارهای گذری کوتاه بر وقایع پس از ارد - وسیع و دستگیریهای گسترده ، بهشت خونین ۵۹ بسته شدن دانشگاهها تعطیل شد . و دو دانشگاهها و چگونگی پیشبرد ارگان بنامهای " ستاد انقلاب فرب سیاستهای سرکوبگرانه رژیم از منگی " و جهاد دانشگاهی که خود ان قطع تا کنون ما را یاری میرسد در تضاد با یکدیگر بودند بوجود ند تا عقب وحشت رژیم را از این امد که متشکل از مزدوران و وابستگان سنگر آزادی و مبارزه ، به تصویر کشیم رژیم بود و وجه وحدت آنها سر از آنجا که بمناسبتهای گوناگون کوب دانشجویان انقلابی ، اولین و از جمله در سالگرد یورش خونین اقدام این ارگانهای سرکوب پرور رژیم به دانشگاهها در اول ارد - پرورنده دانشجویان ، دستیابی به بهشت ۵۹ به نقش جنبش دانشجویی آدرس دانشجویان انقلابی و دستگیر در تاریخ مبارزات خلق قهرمان - آنان بود . آن بخش از دانشجویان ایران و یویژه در جریان قیام ۲۲ که به تمویض آدرس خود اقدام کرده بهمن و پس از آن بتفصیل سخن بودند و دیگر در دسترس رژیم نبود گفتیم و بهر نقش دانشجویان انقلابی تشکیل تورهایی غیابانی متشکلی بی را در افشای ماهیت جنایتکارانه از عناصر حزب اللهی و انجمن اسلام رژیم جمهوری اسلامی بر شمرده ایم دانشگاه بعضاً بدام افتادند که در اینجابه سیاستهای رژیم در تعدادی بخواه های اعدام سر - قبیل دانشگاهها پرداخته و به ده شده و بخشی نیز در زند آنها و ظایف کنونی دانشجویان در سرایف کنونی پسند می کشم .

در سال ۶۱ یعنی دو سال پس از

در سالهای بعد علیرغم خفقان حاکم ، حوزه فعالیست مبارزاتی دانشجویان به کارخانه ها و محله های کارگر نشین کشیده میشود و بخشی از دانشجویان به منزله پیشاهنگ میروند که پیوند خود را با طبقه برقرار کنند . شهادت جهان پهلوان تختی موج خشم توده ها و نیز دانشجویان را برمی انگیزد و دانشجویان با افشای جنایت رژیم ، روز چهلم تختی مراسم را به تظاهرات گسترده های خشمگین بر علیه رژیم تبدیل میکنند .

بدنبال جنگ اعراب و اسرائیل ، دانشجویان مبارز ، دفتر هواپیمایی اسرائیل را به آتش میکشند تا نفرت خود را از - امپریالیسم جهانی و صهیونیسم و همدردی خود را با خلق قهرمان فلسطین ابراز دارند .

در سال ۴۸ اعتمادات عظیم اتوبوسرانی بوسیله دانشجویان سازمان داده میشود و سرانجام با پیروزی به پایان میرسد . جنبش دانشجویی پس از رستاخیز سپاهکل وارد مرحله نوینی از حیات خود میشود . این مرحله با خون و آتش پیوند دارد و - سرشار از حرکت و حماسه است . رادیکال ترین بخش از عناصر جنبش دانشجویی حول مبارزه مسلحانه بسیج میشوند ، با جسذب جنبش مسلحانه میشوند و با به تبلیغ آن می پردازند . زندانها از چریک و دانشجو پر میشود . دانشجویان در زندانها چریک میشوند . و شریف ترین انبانهای عصر در اینگونه های شور به بند کشیده میشوند . دانشگاه ، کانون آتش و خون است و شعار مرگ بر شاه بصورت رایج ترین شعار در تظاهرات دانشگاه که تقریباً بصورت روزمره برگزار میشود ، جلوه میکند . در سال ۵۵ تانکها دانشگاه را محاصره میکنند . خون بر سیزه های دانشگاه می جوشد . خون سرخ و لزج . سال ۵۵ سال حمله کوماندوها و استقرار گارد است . سال تجاوز ، یال کشتار و شکنجه دانشجویان و سال ۵۵ سالهای پس از آن نیز . اما دانشجویان به پیمانی که با توده ها بسته اند همچنان وفادار میمانند . کشته میشوند اما از مبارزه دست نمیکشند . و سرانجام همدوش توده ها و همگام با پیشاهنگان انقلابی خود قیام را به ثمر میرسانند و دانشگاه به کانون مبارزات فدا میریالیستی دانشجویان ، کارگران و توده های انقلابی تبدیل میشود .

سرنوشت دردناکیز دانشگاه پس از استقرار حکومت تشکیلی و خوالود جمهوری اسلامی و داستان بخون کشیده شدن آن بوسیله چماقداران حزب جمهوری اسلامی در معیت سید ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهور مشترک و مخلوع رژیم جمهوری اسلامی و شورای ملی مقاومت بر کسی پوشیده نیست . اما تردیدی نیست که دانشگاه ، این موج خوف انگیز را نیز از سر می گذراند . اگر کشتار و خفقان میتواند سدی در برابر مبارزات توده ها و منجمله دانشجویان ایجاد کند ، حکومت پهلوی تا همیشه با بر جای میماند . تشدید ابعاد کشتار و جنایت خود بر ناتوانی حکومتی فد مردمی در اداره امور مملکت و چشاندن از قریب الوقوع سقوطشان دلالت دارد .

امروز مبارزات دانشجویان در جوار مبارزات کارگران و زحمتکشان ، در کارخانه ها ، کارگاهها ، در روستاها ، شهرها ، در کردستان و بلوچستان و در سراسر ایران با مناسب ترین شکل ممکن و عمدتاً در راستای برنامه عمل سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ، ادامه دارد و دیری نیست روزی که اعتلا ایست مبارزات دستگاه ستم جمهوری اسلامی را نیز به زیاده دانی تاریخ روانه کند و با استقرار جمهوری دموکراتیک توده ای ، پیوند استوار دانشجویان و کارگران و زحمتکشان را بیش از پیش تحکیم

بخشد



فدائی شهید، رفیق فرزاد بیگلری

دانشگاهها بار دیگر تعدادی از کارکنان دانشگاه تهران که عمدتاً استادان را شامل میشود از سوی هیئت باصلاح بازسازی دانشگاه - اخراج و برخی نیز بازنشسته شد -

سائی و تعقیب استادان آگاه و مبارز آغاز شد و این امر ابتدا مشمول عناصر شناخته شده و فعال گردید که در جریان قیام و پس از آن نقش برجسته ای در همپایی با دانشجویان انقلابی ایفا کردند و مدتی پس از قیام در تشکیل کانین دیکراتیک استادان نقش داشتند استادان مبارز و انقلابی عمدتاً متغیر و در بندی جدا گانه در اوین جای داده شدند و تعدادی نیز بجزو خه های اعدام سپرده شدند که از جمله آنها رفیق شهید فدائی خلق فرزاد بیگلری استاد دانشگاه صنعتی بود سپس آنها که مخالف رژیم بودند اما فعالیت چگونگی نداشتند مشمول تصفیه های رژیم شدند و این تصفیه ها همچنان ادامه دارد بطوریکه طی هفته های اخیر با گشوده شدن

ادعیه و با سوادترین شرکت کنندگان در کنگور مردود شده - اند و این امر اعتراض بسیاری را برانگیخت و هنگامیکه این باصطلاح مردودین به همراه خانواده خود در محل وزارت علوم و آموزش عالی تجمع کردند و با اعتراض دسته جمعی خود مزدوران رژیم را مورد بازخواست قرار دادند - از سویی با پاسداران سرمایه - مواجه گردیدند که جهت سرکوب اجتماع کنندگان بانان پرورش آورده بودند و از سوی دیگر یکی از مسئولین وزارت علوم صریحاً اعلام کرد که شرط قبولی کسب نمره نیست بلکه اعتقاد به جمهوری اسلامی است - بایسن ترتیب جدا از سهمیه ارگانهای سرکوب و شرکت کنندگان در جنگ ارتجایی و معلولین که بهر حال بیش از نصف قبول شدگان را تشکیل میداد و البته شرکت انبهار کنگور جنبه تشریفاتی داشت و از قبل در لیست قبولی جای داشتند بقیه قبول شدگان طبقه تلاش رژیم بدین دلیل که نارضایتی عمومی از رژیم بسیار گسترده است در تحقیقات محلی در موارد بسیاری از صافی های رژیم امکان عبور یافتند چرا که مردم حاضر به همکاری با رژیم نشدند و البته این عده رقم زیاد را تشکیل نمیدهند - باین صورت بود که سال اول تعدادی از رشته های مختلف از جمله رشته های پزشکی آغاز بکار کرد و کنگور برای سایر دانشگاهها نیز به همین ترتیب انجام شده است و اکنون که چند ماه از برگزاری کنگور رشته های فنی میگذرد هنوز نتایج آن اعلام نشده و دوره تحقیقات و تفتیش عقاید را میگذرانند البته رژیم از آن رو مرحله به مرحله دانشگاه ها را اجازه گشایش داد تا بتدریج سا - زمانه هم لازم برای کنترل همه جانبه بر آنها را پدید آورد و این در حالی است که جمع کثیری از دانشجویان را سر سپردگان به رژیم تشکیل میدهند و تمامی این ترفندها اوج وحشت رژیم از دانشگاهها را نشان میدهد - این روند در مورد استادان نیز پیشرفت - همزمان و مدتی پس از سرکوب دانشگاهها شناسا -

بستن دانشگاهها رژیم اعلام کرد که دانشجویان برای برگردن فرمهای مخصوص و ادامه تحصیل مراجعه کنند و از این رهگذر نیز تعدادی را بدام افکند - در این مرحله تود ایها و اکثریتی های خائن با پاسخگویی به پرسشنامه های رژیم مبنی بر معرفی فعالین جنبش دانشجویی کمک شایان توجهی به رژیم جفاکار جمهوری اسلامی کردند و تعدادی از مبارزین را به صلخ رژیم کشیدند - بگذریم از این که با این خیانت نتوانستند موجب ورود خود به دانشگاهها را فراهم کنند و تماماً اخراج اعلام شدند - اندسته از دانشجویان که جهت پاسخ به پرسشنامه مراجعه نکرد ه بودند نیز بعنوان فراری تحت تعقیب قرار گرفتند که عکس و مشخصات آنها به تورهای خیابانی سپر ده شده است بیان این نکته نیز ضروریست که وابستگان به رژیم گذشته و ساواکیها مشمول این تصفیه ها نشدند و در توجیه این امر مسئولین مربوطه متذکر شدند که آنها برای رژیم خطر نی ندانند - پس از گذشت این مرحله که دیگر به تصور رژیم "پاکا - زی" کامل از دانشجویان آگاه و مبارز صورت گرفته بود و زمینه برای گشوده شدن دانشگاهها "بی خطر" آماده شده بود تعد ادی از دانشگاهها از جمله رشته های پزشکی، کشاورزی و برخی رشته های مهندسی شروع بکار کرد و مسئله کنگور و گزینش برای سال اول دانشگاهها اعلام شد - سر انجام در پانز سال گذشته کنگور انجام شد اما نتایج آن تا اردیبهشت سال ۶۲ بطول انجامید - در این مدت جدا از سهمیه های مربوط به سپاه و بسیج و معلو - لین جنگ و ... آئنده از محصلین که از لحاظ نمره حد نصاب لازم را آورده بودند در تحقیقات محلی که پیرامون سوابق آنها صورت گرفت و توسط مزدوران محلی انجام شد از لیست قبولشدگان حذف گردیدند بطوریکه پس از چند ماه که نتایج اعلام شد مشخص گردید که تعدادی از بااستعدا -

Official document titled 'حکم اولیه' (First Judgment) from the 'کمیته انقلابی' (Revolutionary Committee). It contains a list of names and titles, including 'مقامات عالی' (High Officials), 'مقامات میانی' (Middle Officials), and 'مقامات پایین' (Lower Officials). The document is signed by 'مقام عالی' (High Official) and 'مقام میانی' (Middle Official). It also includes a section for 'توضیحات' (Comments) and a section for 'تاریخ' (Date). The document is dated '۱۳۵۷' (1357) and is signed by 'مقام عالی' (High Official) and 'مقام میانی' (Middle Official).

است، کوچکترین تخلف در مورد عدم رعایت باب اسلامی، از سوی دانشجویان دختر، موجب دواختر و سپس اخراج دانشجویان میگردد. صحبت دانشجویان دختر و پسر ممنوع است و هرگونه تجمع چند نفره شدیداً تحت کنترل و مراقبت جاسوسان رژیم مستقر در دانشگاهها قرار میگیرد. به عبارت دیگر حکومت نظامی موجود در جامعه در سطح وسیع تر و عریض تر در دانشگاهها سایه افکنده است اما واقعیت اینست که همه تلاشهای رژیم برای جلوگیری از ورود مخالفین خود به دانشگاهها چندان موفق نبوده است. به علاوه همان عناصری را که رژیم بعنوان مدافعین خود به دانشگاهها روانه کرده، در روند روزه رشد جنبش و گسترش نا رضایتی عمومی از رژیم جدا شده و تنها بخشی از آنها که کاملاً سرسپرده و مزد بگیرند باقی خواهند ماند که بتدریج منزوی و همچون ساواکیهای دوران شاه مطرو و میشوند و در اقلیت قرار خواهند گرفت به علاوه برای یک انقلابی هر چند هم که شرایط دشوار باشد راه مبارزه گشوده خواهد شد. تنها انتصاب درست تاکتیک متنا سبب شرایط است و هم اکنون بدلیل جو غفغان حاکم بر دانشگاهها، پنهانکاری و رعایت اصول و ضوابط امنیتی بسیار با اهمیت میباشد شناخت دقیق دانشجویان و ایجاد ارتباط خارج از دانشگاه و ایجاد هسته های مقاومت قطعاً امکان پذیر است که باید از طریق اتحاد عمل با دیگر دانشجویان انقلابی صورت گیرد جدا از هسته های مقاومت که متکی بر ایدئولوژی نیست، هوا داران سازمان باید با تشکیل هسته های سرخ منسجم و آموزش سیاسی ایدئولوژیک و مطالعه دقیق نشریات سازمان و کسب رهنمودهای لازم به تقویت تشکیلات خود بپردازند و در عین حال فعالانه در کمیته های مقاومت شرکت کنند. دانشجویان آگاه و مبارز باید تلاش کنند تا نقش واقعی دانشجویان را بدان باز گردانند و تلاشهای رژیم را در پد آورند جو سرکوب و غفغان خنثی کنند. باید دانشگاه به نقش پیشین خود یعنی

تعدادی که شامل هم نفر از دانشکده علوم و استاد از علوم اجتماعی چند نفر از علوم تربیتی و تعدادی نیز از واحد های دیگر اخراج شده اند. جالب اینکه احکام آنها مستقیماً ابلاغ نشده تا امکان اعتراض و تقاضای تجدیدنظر داشته باشند (مهلت اعتراض از تاریخ اعلام حکم ۱۵ روز است) و این عجله بدین خاطر بوده است که مهلت کار این هیئت پایان یافته بود و میخواست در آخرین روزهای ماهیوریت تنگین خود به وظایف ضد انقلابی خود تمام و کامل پاسخ مثبت گوید. جالب تر اینکه طبق قوانین خود رژیم هیئت های باز سازی باید قبل از صدور حکم برای هر فرد به وی فرصت دهند تا ظرف یک هفته بطور کتبی یا شفاهی از خود دفاع کند این امر نیز صورت نگرفته و تنها روز آخر ماهیوریت خود افراد اخراج شد و با احضار و آخر وقت همان روز نیز احکام اخراج را صادر کردند. اما خدمات شایان آنها به رژیم ضد انقلابی موجب گردید که علیرغم پایان یافتن ماهیوریت ضد مردمیشان، بار دیگر در تاریخ ۱۴ مهر لایحه تعدیل فعالیت هیئت های "باز سازی" دانشگاه با قید و فوریت به مجلس رود (برای مدت ۵ ماه) که همان روز و فوریت آن بتصویب رسید و خود قانون نیز در ۱۷ مهر تصویب شد تا کار تصفیه های آنان همچنان تداوم یابد. این همه در حالی است که رژیم به شدت با کمبود استاد مواجه است و از آموزش و پرورش و حوزه های علمی "استاد" به دانشگاه فرستاده اند در این میان جدا از تصفیه ها تعدادی از استادان که حتی وابستگی به هیچ سازمان انقلابی هم ندارند و مخالف رژیم هستند حاضر به همکاری با رژیم نشده اند و این نیز کمبود استاد را شدت بخشیده است. هم اکنون که حدود شش هفته از گشایش تعدادی از دانشگاه ها میگذرد، جو غفغان و سرکوب بر دانشگاهها سایه افکنده

میونهر چه بیشتر با توده های کارگر بار دیگر دست یابد و بار دیگر دا و زمختش و شرکت فعال در مبارزات دانشگاهها در خدمت آگاهی بخشی ضد امپریالیستی و مکرانیک توده ها به مردم تحت ستم قرار گیرد

پسده قالی

تاریخ: [] شماره: [] پست: []

دانشگاه صنعتی شریف

حکم تجدید نظر شورای پذیرش

آقای []

دانشجوی رشته [] دانشکده [] دانشگاه [] شماره دانشجویی []

سال نوبت [] دانشگاه [] تعداد واحد گذرانده [] معدل کل []

احترام شما و سلام آن در تاریخ [] به شورای پذیرش دانشکده [] ارسال گردید و رسیدگی مجدد به پرونده و اعتراض نامتان و سلام آن در تاریخ [] شروع و در تاریخ [] خاصه یافته است و رای تجدید نظر این شورا [] به اطلاع آید []

است: [] بنابر: []

گزارش گروه تحقیق [] استاد و مدارک موجود [] شهود مورد وثوق شورای پذیرش []

اقرار خودتان [] اظهار نظر مراجع قضایی []

و در نظر گرفتن ادای قضا []

الذ - مطابق ماده اول بند [] و ماده [] و ماده []

آیین نامه پذیرش دانشجویان صوب ستاد انقلاب فرهنگی که طی بخشنامه شماره ۱۷۲/۲۲ مورخ ۶۲/۱/۲۹ از وزارت فرهنگ و آموزش عالی به دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور ابلاغ شده است.

ب- طبق بند []

شواهد موسمی گزارش ها صوب هیئت عالی گزارش ستاد پس گیری فرمان امام

ج - طبق نظر هیئت مرکزی گزارش وزارت فرهنگ و آموزش عالی

با ادامه تحصیل شما به علت باقی بودن دروس انحرافی و حذف وابستگی گریه های تان موافقت

در نمود.

در ضمن طبق ماده ۱۳ بند - آیین نامه فوق الذکر [] به این ترتیب گواهی

نامه متداول فوق دیپلم و معادل لیسانس به دانشجویان صوب ۶۷/۹/۲۲ ستاد انقلاب فرهنگی درخواست گواهی نامه نمائید.

تذکره:

۱- از مراجعات مکرر و بی مورد به دانشگاه یا سایر مسئولین خودداری نمائید.

۲- برای خنثی کردن توجیهات و راهاندازی بیشتر میتوانست در تاریخ []

ساعت [] در محل []

به [] شورای پذیرش مراجعه نمائید.

۳- در صورتی که به رای صادره معترض هستید، میبایست اعتراض خود را با استناد و دلایل و مدارک احتمالی با ذکر تمامی دقیقان و دسپورت امکان شماره تلفنی که بتوان در صورت ضروری سرچشمه یا شبانه شبانه گرفت حداکثر تا تاریخ [] به هیئت ستاد برای رسیدگی دانشگاه ارسال و یا به دفتر ایشان تحویل و رسید دریافت دارید و تا ایشان اعتراض شما و ضامن آنرا به همراه پرونده کامل پذیرش تان جهت تصمیم گیری نهایی برای شورای مرکزی پذیرش ارسال نماید.

۴- به اعتراض هایی که فاقد آدرس دقیق دانشجویی معترض باشد ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۵- در صورت اعتراض شما شورای مرکزی پذیرش پس از بررسی اعتراض و پرونده شما حداکثر تا پایان سال تحصیلی جاری در مورد شما رای نهایی را صادر و برای شما ارسال مینماید.

در توجیهات:

شورای پذیرش

دانشگاه صنعتی شریف

بسیج زنان:

انقلاب

در

انقلاب

(۲)



مبارزات زنان و جنبشهای زنان و مبارزات آزادیبخش در کشورهای جهان سوم

بودند، آنها درک نمیکردند که با تحت ستم بودن زنان، روند رهایی ملی طولانی تر میشود. وقتی زنان بخشی از جنبش مقاومت نمی بودند به آسانی میتوانستند، بازچشمداشت نیروهای امپریالیستی شوند و به پایگاهی برای سیاستهای ارتجاعی آنها تبدیل گردند.

شکل سازمانی این اقدام در جنبشها مختلف است نقش نظامی زنان در ویتنام و آفریقا از چین بیشتر بود. در مدزنانی که کادریهای کمونیست را تشکیل میدادند نسبتاً در همه جنبشها کم بوده است (گردآوری آمار در این زمینه مشکل است)، اما تعداد زنانی که در سازمانهای توده ای متشکل شدند و در رهبری قسمتهای معین سازمانهای توده ای قرار گرفتند، نسبتاً زیاد است.

اتحادیه ها و سازمانهای زنان که در سالهای ۱۹۳۵-۱۹۴۴ در آفریقا، آسیا، و آمریکای لاتین بوجود آمدند، مسئولیت تعلیم و سازماندهی زنان، محافظت زنان از ستم جنسی، جلب آنان به فعالیتهای انقلابی و تولیدی، توجه به نمونه های پدرفشاری (شوهران) با همسرانشان، ساختن لحاف و بالاپوش وونیفورم و لباس برای ارتش جاده هشم را برعهده داشتند (Goldwasser and Dowty, 1975: 136). در محاصره ای که اخیراً یک کادر عضو حزب کمونیست چین با آمریکا - بی‌یهایی که به چین رفته بودند به عمل آورده، سیاست "زن - کار" حزب را به گونه زیرتیمین نمود:

"ما سعی داریم مسئله زنان را به وسیله و در سه جنبه حل نماییم: نخست در جنبه ایدئولوژیک ما زنان و مردان را تعلیم میدهیم و بر علیه عقاید کهن که زنان را از شرکت در تولید باز میدارد، مبارزه میکنیم، ما بر علیه ذهنیت فئودالی میجنگیم. جنبه دوم حل مسائل مشخص است: به عنوان نمونه ما سعی در حل مشکلات معیشتی که زنان در منزل با آنها روبرو هستند، میکنیم، و سوم باید اطمینان حاصل کنیم که زنان در رهبری شرکت جویند. باید مطمئن

بدون تردید روشن ترین فرمول بندی در مورد رابطه بین مبارزه طبقاتی و مبارزه علیه جنبه های ایدئولوژیک فئودالیستی و بورژوازی نظیر پدرسالاری و در برخی مبارزات آزادیبخش ملی تحت رهبری احزاب کمونیستی انقلابی و یا تحت نفوذ مارکسیست - لنینیستها ارائه شده است در چین، ویتنام، کامبوج، آنگولا، موزامبیک و زیمبابوئه. ادغام زنان در حزب و جنبشهای توده ای - زنان تحت رهبری حزب و حتی در واحدهای رزمنده در اغلب موارد - مورد تاکید قرار گرفته است. در سالهای دهه ۱۹۶۰ این قرن ماضی است دین در نوشته ای درباره جنبش زنان کشاورز در هونان، ستم کشیدگی زنان چینی را چنین تجزیه و تحلیل نمود:

"در چین مردان معمولاً در زیر ستم اقتدار قرار گرفته اند:

- ۱) ستم دولتی (قدرت سیاسی) ۲۰۰۰ ستم قبیله ای (قدرت قبیله ای) ۳۰۰۰ ستم قدرتهای مافوق طبیعی (قدرت مذهبی) ... اما زنان علاوه بر اینها در زیر اقتدار - مردان (قدرت شوهران) هم قرار دارند. این چهار شکل قدرت سیاسی، قبیله ای، مذهبی و شوهری مبین مجموعه ایدئولوژی و ستم فئودالی - پدرسالاری است و چون چهار ریسمان کلفتی است که خلق چین و بویژه دهقانان را در بند کرده است" (۱۹۶۷: ۴۴)

مبارزه برای پیوند زدن "ریسمان چهارم به دیگر ریسمانها ارتباط نزدیکی با توانایی افراد در پیوند دادن "ریسمان" دیگر با هم داشت. هرکوش همه جانبه برای رها کردن زنان تنها منوط به زیر و نمودن تمامی ساخت اجتماعی و تغییر عمیق در رابطه نیروهای که برای دستیابی به قدرت مبارزه می نمودند، بود" (Beldori, 1970, 310-311)

یک سخنران اتحادیه زنان زیمبابوئه توضیح میدهد که چگونه جنبش زنان در آنجا هم به همین درک از رابطه مبارزه زنان و مبارزه طبقاتی رسید: "برای مدت مدیدی مردان ستم دیده اردرک لزوم درگیری کامل زنان در مبارزات آزادیبخش ناتوان



روث و بگرمایان عموداره میاد

امکان پذیر باشد، می‌تواند مورد بحث قرار گیرد. این طرز تفکر در کوبا حاکم بوده است و قانون خانواده جدید مردان را نیز موظف به همکاری در کار منزل می‌نماید تا همسرانشان بتوانند شرکت بیشتری در فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی داشته باشند و کوشش برای به اجرا درآوردن این سیاست در سطوح مختلف مورد ترغیب قرار گرفته است.

مطرح نمودن این مسایل (علیرغم نظریاتی از رفقا) سبب تفرقه نمی‌شود. برعکس مطرح نکردن این مسایل است که به جدایی می‌انجامد. چرا که وقتی مسایل عنوان نگشته اند، جدایی می‌شود که از طرف جامعه طبقاتی تحمیل می‌شود. به عنوان چیزی عادی در نظر گرفته شده، مستحکم و دائمی می‌گردند. اگرچه این حقیقت دارد که نابرابری‌های جامعه طبقاتی را نمی‌توان بدون از بین بردن خود طبقات (که روندی طولانی می‌باشد) محو نمود، اما این نیز حقیقت دارد که در روند توفیق بر جامعه طبقاتی، می‌توان نمونه‌هایی از آنچه که سوسیالیستی است را خلق نمود. این ایده به خوبی در گزارش کنفرانس زنان موزامبیک که در مارس ۱۹۷۲ برگزار گردید، بیان شده است. شرکت کنندگان در کنفرانس به اهمیت شرکت مستقیم زنان در همه جوانب انقلاب موزامبیک تاکید نمودند:

"به این طریق ... (زنان) مستقیماً در پیروزی انقلاب که در واقع نزدیک تر کردن روز آزادی خودشان است سهم خواهد بود. به علاوه با پیوستن به مبارزه در سطوح مختلف آن، آنها چشم انداز نوینی برای آینده‌شان می‌کشایند و مفاهیمی را که به آنان نقش منفعل در جامعه میداد، از این طریق در عمل از بین می‌برند. علامه کنیم، آنها شرایط شرکت در اعمال قدرت و به کف آوردن سرنوشتشان را خلق می‌کنند" (L. M. S: 1974: 21)

جنبش‌های آزادی‌بخش در آفریقا و آسیا در دوره‌های قبل از پیروزی انقلاب و انقلاب کوبا پس از پیروزی، تصویری از روابط اجتماعی و چگونگی تغییر آنها در روند انقلاب را به ما ارائه می‌دهند. آنها نمونه‌هایی از این‌که چگونه حزب می‌تواند نقش رهبری کننده‌ای در خلق این تغییرات ایفا کند را، بدست می‌دهند و این علیرغم این

باشیم که آنها در ارگان‌های رهبری باشند. این امر مهمی است چرا که سبب می‌شود به زنان احترام گذاشته شود و به عنوان یک رهبر به آنها تکیه شود. این سبب ارتقاء آنها به سطح مساوی مردان می‌شود. همچنین زنان باید در این ارگان‌های رهبری باشند چرا که آنان مشکلات زنان را بهتر از ما مردان میدانند (Goldwasser and Dowty: 1975: 199-40). چندانکه مهم باید در ارتباط با شیوه‌ای که جنبش‌ها به مبارزه علیه پدرسالاری می‌نگرند، تذکر داده شود. نخستین شیوه این است که حزب به نمایندگی از طرف زنان می‌جنگد و زنان به نمایندگی از طبقه بسیج می‌شوند، اما زنان به خاطر آزادی خودشان که هم آزادی طبقه و هم آزادی زنان ستم‌دیده است نیز می‌جنگند. معنای چنین رابطه‌ای این است که این جنبش‌ها به یکدیگر پیوسته اند، ایماکاملاً یکی نیستند. سازمان‌های زنان تحت تاثیر (رهبری) حزب قرار دارند، اما آنها نیز به نوبه خود بر حزب تاثیر می‌گذارند. این دو بُعد، در نقل قول زیر از فدراسیون زنان چین منعکس شده است:

"تحت رهبری حزب فدراسیون زنان باید کارهایش را در سطوح مختلف همگام با کار مرکزی حزب نگاه دارد. این همگامی غامض مهمی است که همکاری نزدیک با بخش‌های مربوط و بطور کلی گسترش کار در میان زنان را، که بخشی از برنامه عمل مرکزی حزب است، میسر می‌کند، برنامه عمل مرکزی که توسط حزب تعیین می‌شود نیز در دوره‌های گوناگون اساس کار فدراسیون‌های زنان می‌باشد. کار زنان باید در انطباق با نیازهای حزب باشد و سیاست‌های حزب باید در میان توده‌های زنان به کار افتد. عقاید و خواسته‌های زنان نیز باید به نوبه خود کاملاً در حزب منعکس شوند و راه حل برای مشکلات مربوطه بدست داده شود، و از طرف همه رهبری و کمیته‌های حزب به کار گرفته شوند. تنها از این طریق امکان رشد و آموزش و وضعیت زنان وجود دارد" (Oroll: 1974: 7). تبیین روند تاثیر حزب و جنبش‌های زنان بر یکدیگر به این شیوه دیالکتیکی، به معنی کم بهادادن به کشمکشها و تضادهای اجتناب ناپذیری که بر سر راه قرار می‌گیرند، نمی‌باشد. چنانچه نمونه خوبی برای نشان دادن این است که چگونه رابطه بین جنبش‌های زنان و حزب در مراحل مختلف تغییر میکند و چگونه این رابطه در دوره بعد از انقلاب تحت تاثیر اهمیت دادن به پیشرفت اقتصادی بجای تغییر دادن روابط اجتماعی و سیاسی، قرار گرفت (Stacey: 1977: 408). ارزیابی این روابط تغییرکننده غالباً دشوار می‌باشد. مثلاً در دوران انقلاب فرهنگی (۱۹۶۸-۱۹۶۶) جنبش‌های زنان از هم پاشیده شد، تعلیم و تربیت، سوادآموزی، مبارزه برای کنترل موالید موقتاً مسکوت گذاشته شدند و ازدواج در بین جوانان افزایش یافت، اما در همین حال "انقلاب فرهنگی خانواده را از نابودی نجات داد. مردان و زنان به توانایی‌های تولیدی سیاسی و فرهنگی، زنان اوج بیشتری قابل شدند. این یک پیروزی ایدئولوژیک بود که کم بهادادن به آن امکان می‌باشد." جنبش زنان و مبارزه طبقاتی ارتباط و پیوستگی متقابلی دارند، گرچه در همه رقابت‌ها هر دو آنها به یک اندازه پیشرفت نمی‌یابند.

ملاحظات تئوریک:

جنبش‌های طبقاتی و جنبش‌های زنان

در روند بوجود آمدن یک انقلاب شرایط موفقیت آن نیز بوجود می‌آیند. تغییر روابط اجتماعی حتی قبل از تغییر کامل شرایط مادی در دوران ساختمان سوسیالیستی می‌تواند شروع شوند مسئله تقسیم کار در خانواده حتی قبل از اینکه اجتماعی نمودن کامل کار منزل و نگهداری فرزندان و ادغام زنان در تولید اجتماعی



حقیقت است که در احزاب و جنبشهایی که آغازگر و برخی اوقات حتی رهبری کننده جنبشهای سوسیالیستی زنان بوده اند، مردان در اکثریت بوده اند، این نکته سبب شده است که برخی از فمینیستها به تعهد این سازمانها نسبت به مسئله زنان شک کنند. توانایی این احزاب در تغییر وضعیت زنان را نمی نمایند. اما از نظر ما - آنچه مهم است این نیست که در سازمانهای آغازگر و هدایت کننده مبارزات زنان - مردان عضو در اکثریتند (حالتی که در بیشتر سازمانهای موجود در جامعه طبقاتی چه در مالک پیشرفته و چه عقب مانده به چشم می خورد)، بلکه این است که آیا این سازمانها شرایطی را فراهم می آورند تا توده های زنان نقش مستقیمی در آزادی شان ایفا نمایند. اینکه آیا این سازمانها چنین شرایطی را فراهم می کنند یا نه بستگی به این دارد که آیا آنان بنیان - ستم کشیدگی زنان را درک می کنند و قادرند تا این درک را به یک برنامه انقلابی ارتقا دهند. همچنین به این بستگی دارد که تا چه حد عضو شدن و رهبری کردن زنان، مدنظر حزب میباشد. اما مهم تر از همه منوط به درک حزب از رابطه با سازمانهای توده ای غیر حزبی میباشد.

بنابراین، من از یکسویا اوموت هم عقیده ام که جنبشهای سوسیالیستی زنان که بدوا توسط حزب پیش آهنگ که اکثر اعضای آن از مردان میباشند بوجود آمده است، جنبشهای راستین زنان میباشند:

"اگر رهبران یک جنبش دهقانی، میتوانند غیر دهقانان باشند، چرا باید رهبران جنبش زنان لزوماً و تنها زنان باشند؟ اگر بپنداریم که جنبش زنان تنها توسط زنان میتواند سازمان داده شود. باید از تعریف مان از جنبش زنان، جنبش زنان در رویش نام و اتحادیه های زنان موزامبیک را حذف کنیم چرا که این سازمانها توسط سازمانهای سیاسی ای که اکثریت آنها را مردان تشکیل میدادند، پایه ریزی گشتند و مورد حمایت چشمگیری قرار گرفته و تصمیم گیریهای اساسی نیز توسط این سازمانها انجام گرفت. و این مسئله - ای است که فمینیستهای غربی گرایش به دامن زدن بدان را دارند." (Onvedt, 1977:7)

از سوی دیگر مهم است که در این سازمانها اکثریت همیشه با مردان نباشد و شرکت زنان در آنها یک معیار پیشرفت به سوی رفاه باشد. هر دو جنبش که اوموت به عنوان مثال ارائه میدهد برای اقدام زنان در احزاب پیشرو و سازمانهای ویژه زنان اولویت فراوانی قابل میباشد. اما تعداد کادرهای زن در حزب به خودی خود به هیچ وجه ضامن این نیست که حزب بیاتر منافع زنان است. بویژه به این دلیل که موقعیت خانوادگی کادرهای زن عموماً مشابه موقعیت خانوادگی دیگر زنان نیست. جلب زنان به حزب باید با رابطه "صحیح" با سازمانهای توده ای متشکل از زنان با آن سازمان هایی که زنان بخشی از آنها هستند، همراه باشد. رابطه حزب با این سازمانها باید دوطرفه باشد که بر طبق آن هر یک دیگری را تحت تاثیر قرار میدهد حزب باید به زنان آگاهی بدهد و زنان باید به حزب فشار آورند تا خواسته های آنان را برآورده سازد. هرگاه این - رابطه یک جانبه باشد محتمل به نظر میرسد که رابطه بین استثمار جنسی و استثمار طبقاتی به استثمار طبقاتی تنزل یابد:

"یک حزب باید گروه سازمان دهنده ممکن است به ستم پدگی زنان اذعان کند و آنرا به شیوه ای سازمان دهد، اما اگر معتقد باشد که ستم بر زنان تنها از طریق انقلابات حاصل خواهد گشت اگر آنان را شخصاً در ارتباط با خواسته های مشترک مردان طبقه شان سازمان دهند و از بر غور دبا تفاد

منافع بین مردان و زنان رویگردانند، اگر آنها بیسبب مبارزه زنان را قربانی اهداف سیاسی حزب گردانند، آنگاه دیگر نمیتوانیم از وجود "جنبش زنان" حرفی به میان آورده. اعتراض زنان آمریکای شمالی که خودشان را "سوسیالیست فمینیست" میخوانند به یک جنبش زنان تحت رهبری حزب پیشاهنگ ناشی از تجربه منفی آنان از سازمانهای چپ و سکتاریست (که اکثراً دارای رهبری خرد بورژوازی میباشد). این گروهها نه تنها موقعی "عقب گرا" در رابطه با مسائل مبارزه حول برتری - طلبی مردان نشان داده اند، بلکه جهانی را نیز نسبت به مبارزات توده ای در حالت عام آینه نمایش گذارده اند. توده هایی که این گروهها در پی رهبری شان میباشد نیز به نوبه خود آنها را مشتکی امر و نهی کننده ای که توده ها را مستمک خواسته های سیاسی خویش قرار میدهند، میخوانند.

با در نظر گرفتن چنین پیشینه ای، دعوت به یک جنبش خود مختار (Autonomous) سوسیالیستی زنان قابل درک است اما معنای واقعی خود مختاری چیست؟ مسلماً به معنی مستقل از طبقات اجتماعی نیست اگر این دعوت به این معناست که جنبش زنان همواره باید مستقل از رهبری کادر مارکسیست - لنینیست باشد، پس تحت چه نوع رهبری خواهد بود و چه نوع سیاستی را منعکس خواهد نمود؟ آیا سوسیالیست فمینیستهای مستقل مخالف پیروزی یک رهبری لنینیست بر سازمانهای توده ای، نه از طریق مستمک قرار دادن آنان بلکه از طریق عمل شایسته و نشان دادن قابلیت رهبری موفقیت آمیز - مبارزات میباشد؟ در صورتی که پاسخ منفی است بنا بر این - مسئله این میباشد که اطمینان حاصل شود که رابطه بین حزب و سازمانهای توده ای به گونه ای باشد که هم مبارزه طبقاتی را به پیش براند و هم تحت تاثیر توده ها باشد.

چه معتقد باشیم که یک جنبش مستقل زنان باید وجود داشته باشد یا نه (یعنوان مسئله ای در حیطه اصول و یا مسئله استراتژی در دوران تاریخی خاص)، از نظر تاریخی رابطه بین جنبشهای زنان و جنبشهای چپ همواره نزدیک بوده است و جنبشهای زنان اغلب در جریان مبارزه طبقاتی شکل میگیرند. در ایالات متحده در سالهای ۱۹۶۰، تولد مجدد مبارزات فمینیستی با جریان نهضت برای احقاق حقوق مدنی (Civil Right Movement) و جنبشهای دانشجویی همزمان بود و تنها هنگامی که رهبری مردانه این جنبشها از پاسخگوئی به

اعتراضات برحق زنان درباره چگونگی برخورد به زنان در جنبش و اولویت دادن به سازماندهی جداگانه زنان ناتوان ماند به شکل یک جنبش جداگانه درآمد. در مالک نواستعماری نظیر هندوستان نیز جنبشهای زنان در متن یک مبارزه عمومی تر وسیعتری که زنان درگیر بودند، رخ میدهند مثلاً جنبه ۷۵-۱۹۷۳ برای مبارزه با افزایش قیمتها در هند) و در جریان این مبارزه وسیعتر به رهبری کادرهای کمونیست است که "خواستهای ویژه زنان" همراه خواستهای عمومی طبقاتی طرح میگردد.

جنبشهای سوسیالیستی بسیاری از مایل متفاوتی که بر زندگی زنان تاثیر مستقیم دارند را به خواستهای کوتاه مدت و بلند مدت تقسیم نموده اند. در مالکی که قوانین و سن فحودالی محکمی حاکم است تاثیر مبارزه بر علیه شرایط فحودالی مسلط بر زندگی زنان و نظیر مهریه، ازدواج غرضی، بارد بیوگان و غیره) بسیار شدید بوده است (نمونه های چین، ویتنام و هندوستان). همان شرایطی که در گذشته زنان را در بندنگاه میداشتند به مجزاینگس جنبش به مبارزه علیه آنها برخاست به شرایطی تبدیل گشتند که زنان را به اعمال رزم آواره سوق دادند.

سن فحودالی حاکم در آمریکا لاتین امروز به شدت سن حاکم بر چین، ویتنام و موزامبیک پیش از انقلاب نمیشد. در بسیاری مناطق و بویژه در مراکز شهری جدایی کار منزل از تولید اجتماعی (که به کارمنزوی زنان در منزل منجر میگردد) هم اکنون به وقوع پیوسته است. قوانینی که شرایط طلاق را تسهیل مینمایند، به رسمیت شناختن ازدواج های غیر رسمی و فرزندان نامشروع، و حمایت از زنان کارگر در بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین (اگرچه نه در همه آنها) در دوره، رفاه های ملی وضع گشته اند. برای حصول به برابری حقوقی در آمریکا لاتین همانند ایالات متحده، هنوز فرسنگها راه در پیش است بنا بر این جنبش سوسیالیستی زنان در آمریکا لاتین در وهله نخست مبارزه ای علیه قوانین و سن ماقبل سرمایه داری - نخواهد بود (اگرچه این رانیز شامل میشود) بلکه مبارزه ای خواهد بود برای به پایان رساندن انقلاب بورژوا - دمکراتیک و بنیان نهادن پایه های آزادی زنان (یعنی شرکت کامل زنان در همه جنبه های تولید و زندگی سیاسی در حالتی که بار کارمنزول و نگهداری فرزندان از دوشان برداشته شود، پایان دادن به رابطه سلطه جویانه مردان در خانواده، و یا تغییر در خود خانواده، و فرهنگی نوین که خواستار برابری زن و مرد میباشد). آنجا که باقیمانده های ماقبل سرمایه داری خیلی قوی میباشد، آهنگ این تغییر به مراتب کندتر خواهد بود و خواسته هایی که در سطح پایین تری میباشد مهمتر خواهند بود تا در مالک پیشرفته ای که سرمایه داری انحصاری روابط تولیدی، کارگر و خانواده را دستخوش تغییرات شدیدی نموده است.

برای سوسیالیستها و کمونیستها دامن زدن به مبارزه در جوامعی که تعداد وسیعی از زنان در تولید اجتماعی سهم نمیشدند (یعنی اغلب کشورهای نواستعماری) وجه در مالک پیشرفته که درآمد زیادی از زنان وارد فعالیت تولیدی خارج از خانه گشته اند، ضروری است تا زمانی که ایدئولوژی بورژوازی در روابط سلطه جویانه با زنان کارگر حاکم است مبارزه طبقاتی به اشکال مختلف با مخالفت این روابط روبرو خواهد شد. همانطور که دیکنسون مینویسد:

"تمرین معمول زن "قابلا احترام" به عنوان همسران و مادران پایین بودن شعور طبقاتی و رشد محدود سیاسی زنان کارگر میباشد چرا که در هنگام کار کردن غالبا به عنوان همسر - با همسر آینده - و مادر مشخص میگردد، تا کارگر مزد بگیر، در نتیجه زنان به شوهرانشان مرتبط میشوند و نه به سرمایه با به فرزندان و نه به مبارزه با سرمایه، به جنسیتشان

و دنیای مادونی که آنها در آن خود را انسانهایی متفعل وابسته و جدا افتاده میبایند، خانم خانه دار از خود بیگانه و منزوی، مادر با همسری که اعتماد را میشکند، کارگر زن غیر سیاسی، متفعل و فرمان بردار در کارخانه بحث نتیجیسه تسلیم به اخلاقیات بورژوازی میباشد که توسط تعصب مردان و واقعیت های استثمار زنان میباشد... از نظر تاریخی، تسلیم شدن سبب ایجاد آگاهی طبقاتی نازل و بی دیر برابری رشد سیاسی زنان گشته است دست و پنجه نرم نکرده بسا واقعیات استثمار زنان تنها سبب دافعی شدن آن چیزی میگردد که خواست سرمایه میباشد: ناراحت رزم آوری نیمه مونت پرولناریا نبودن". (Dixon: 1977: 24)

بدیهی است که ایدئولوژی بورژوازی همواره در غلظت نمودن رزم آوری زنان تابان حد که آرزو میکنند، موفق نیست. در بسیاری از خانواده های تحت ستم، زنان به مبارزه درجه کارگران و شوهران کارگران میپردازند تا درجه کارفرمایان آنان، زنان کارگر نیز گران بار از مسئولیت های کم رشتن خانه، گاهی حتی غلبه مخالفت خانواده شان فرصت و انرژی مبارزه علیه سرمایه را یافته اند زنانی که به خود به عنوان یک مادر میگردند و نه عضو یک طبقه، به مبارزه - علیه بورژوازی به خاطر فرزندان شان روی آورده اند. اما رزم آوری خود بخودی و مجزا از هم افراد یا بخش کوچکی از زنان تنه زمانی به یک نیروی بنیان کن تبدیل خواهد گشت که نیروهای باردارنده آن (فرمان برداری، عدم اطمینان، عدم تجربه رهبری، کار سنگین و - مسئولیت بچه داری) مورد حمله قرار گیرند. تنه زمانی که شوق - زنان به شرکت برابر در مبارزه مورد حمایت و تشویق عملی قرار



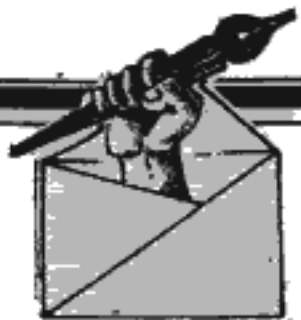
قرار گیرد، کوشش آنها به رزم آوری توده های وسیعتری تبدیل میگردد.

بنابر این روند انقلاب روند تغییر شرایط مادی، روابط اجتماعی و عقاید هست. این روند، در مرحله قبل از اوج گیری انقلاب شروع میگردد. با تصرف قدرت دولتی شدت میباید و در دوران تحول سوسیالیستی ژرف تر میگردد. هر جا که تصرف قدرت دولتی از طریق یک جنگ طولانی توده ای صورت گرفته است تغییر روابط اجتماعی (بویژه روابط بین زن و مرد) بیشتر صورت گرفته است هر چه تغییرات دوره های آغازین انقلاب بزرگ تر باشد، دستاوردهای انقلاب نیز ژرف تر خواهد بود. تغییر روابط بر مبنای جنسیت معماری برای سنجش روابط اجتماعی در حالت کلی آن (رابطه بین پرولناریا بورژوازی) و میزانی برای سنجش آهنگ پیشرفت بسوی سوسیالیسم میباشد. دوتن از رهبران جنبش آزادی بخش آفریقا این مطلب را به خوبی بیان کردند: "یکی از اصول جنگ، این است که خلق، هرگز آزاد نخواهد بود مگر اینکه زنان نیز آزاد باشند"

(Amilcar Cabral, quoted in LSM)

انقلاب و فاعلین تداوم و پیش شرط پیروزی آن است

(Samora Machel, quoted in L S M, 1974: 24)



از خوانندگان

● آمریکا - کالیفرنیا، "رسم": دوست عزیز عمر ارمالی شما بدستمان رسید. با تشکر، بموقع از آن استفاده میشود.

● آمریکا - فلوریدا، ج: با تشکر، چک شما رسید. نسبت به درخواست شما اقدام لازم بعمل آمد.

● آمریکا - کاربندل، رفیق ج: با تشکر نامه شما دریافت گردید. اقدام لازم بعمل آمد. موفق باشید.

● کویت، رفیق ا: عکس‌های ارسالی شما در ارتباط با اسرای ایرانی در عراق بدستمان رسید. با تشکر فراوان از تعدادی از آنها استفاده خواهد شد.

● پاکستان - پشاور، رفقای هوادار سازمان در این شهر با ارسال گزارشی تحت عنوان "استخدام مزدور افغانی جهت جنگ خانمانسوز ایران و عراق از غلاتهای مزدوران در پاکستان برده‌برمیدارند. رفقا در بخشی از گزارش خود مینویسند: رژیم "روزانه مبالغ هنگفتی صرف پیش‌نشریات اعلامیه‌ها، پوسترها و... مینماید. رژیم برای بخش‌های این نشریات از مزدوران افغانی سود می‌جوید. اما جالب‌توجه اینکه بیشتر این نشریات که تعدادشان بیشمار است، به قصابی‌ها و دکاندارها جهت پیچیدن گوشت و دیگر مواد غذایی، توسط همان افغانی‌هاشکه برای پیش‌آنها اجیر شده‌اند، فروخته میشود و منبع درآمدی برای این قبیل افراد شده است. در همین گزارش‌ها گفته شده است که یکی دیگر از وظائف کنسولگری رژیم در پشاور، استخدام مزدور برای اعزام به جبهه جنگ ارتجاعی ایران و عراق است که تحت پوشش "زیارت" به ایران اعزام میگردد. این افراد توسط "حزب اسلامی افغانستان" بسیج و معرفی میگرددند.

● آمریکا - میلوکی، اکبر: نامه شما دریافت شد. با تشکر از احساس مسئولیت شما ما مسئله را مورد پیگیری قرار خواهیم داد. در ضمن برای آشنایی شما از موقع ما در مورد مواقع اخیر حزب توده و "اکثریت" میتوانید به مقالاتی که در همین شماره "جهان" درج گردیده است، مراجعه نمایید.

● آلمان - تموند، رفیق ج: گزارش شما بدست ما رسید. ما ضمن تشکر از احساس مسئولیت شما، لازم میدانیم اشاره نمائیم که هر نیرویی در ارتباط با کاری که انجام میدهد، خود مسئول است. ذکر اینگونه

موازد در نشریه درست نیست چرا که آنها اگر با قصد گزارش‌دهی اقدام به این عمل کرده باشند، میتوانند این عمل را مخفیانه انجام دهند. بنابراین در مورد کاری که آنها انجام داده‌اند، در سطحی که شما اطلاع دارید، نمیتوان به آنها خرده گرفت.

● امارات متحده عربی - رفیق ج - م: نامه شما بدستمان رسید. ما نیز خوشحالیم که نشریات سازمان بدست شما میرسد. ما نمیتوانیم برای رفقاییکه با اندازه کافی احساس مسئولیت نمیکند، وظیفه تعیینی نداشته باشیم. شما بهتر است خود با رفقای ساکن آنجا در این مورد صحبت نمائید. در مورد سفر، در حال حاضر هیچگونه امکانش نیست. در صورت فراهم شدن امکانات، مستقیماً با شما تماس گرفته میشود. در مورد مقاله "درک مادی از تاریخ"، نامه‌های مشابهی نیز مبنی بر تحقیر بودن نوشته دریافت کرده‌ایم و به شما حق میدهیم. در مورد "متحدین سرمایه‌دار شوروی" در مقاله کمیترن، منظور احزاب و دولت‌های بورژوازی بوده که خود مورد هجوم فاشیسم واقع شده بودند لیکن بدلیل گسترش روزافزون کمونیسم و به‌مخاطره افشادن منافع طبقاتی آنها از نزدیک شدن به جبهه ضد فاشیسم که کمونیست‌ها بدلیل فداکاری‌های بی‌شائبه خود نفوذ روزافزونی در آن بدست می‌آوردند، ابا داشتند.

● آمریکا - نیویورک، رفقای هوادار چریک‌های فدائی خلق ایران: اطلاعاتی‌های شما مربوط به برگزاری آکسیون اعتصاب غذا برای فضای جنایات رژیم خمینی بدستمان رسید. متشکرم.

● آمریکا - کالیفرنیا، رفیق مرغیه: با دداشت درخواستی شما برای دریافت "جهان" بدست ما رسید. برای اطلاع شما لازم است یادآوری شود که هر ماه چندین نامه برای دریافت نشریه جهان بطور رایگان بدستمان میرسد. شما خودتان میتوانید حدس بزنید برای ما که منبع درآمدی برای هزینه چاپ و انتشار "جهان" جز خوانندگان آن نداریم، مقدور نیست بهمه این درخواست‌ها پاسخ مثبت بدهیم. درحالیکه شما خوب میدانید مخارج ۱ دلار در ماه برای دریافت نشریه جهان در مقابل مخارج یک دانشجو مثل شما در آمریکا که ماهانه بیش از چند صد دلار می‌شود، بسیار ناچیز است.

بهرحال ما برای شما یک شماره "جهان" ارسال میکنیم. اگر جداً قادر به پرداخت ۱ دلار در ماه نیستید، میتوانید با مراجعه به میز نشریات رفقای ما در شهر برکلی، آنرا مجاناً دریافت نمائید تا ما حداقل هزینه پست جداگانه نپردازیم.

● هند - دهلی، رفیق رفاس: با تشکر مجدد و پوزش در ارسال هدیه‌ای که به شما وعده داده شده بود، نسبت به ارسال آن اقدام لازم بعمل آمد. امیدواریم که تا بحال آنرا دریافت کرده باشید.

● آمریکا - نیویورک، آقای دکتر ف. و: نامه شما دریافت شد. ضمن تشکر، با شما تماس گرفته خواهد شد.

● آلمان - رفیق ج:

نامه پیشنهادی شما در مورد مسئله زن و سازمان مستقل زنان دریافت گردید. ما ضمن تشکر از برخورد مسئولانه شما و تأکید مطالب نامه‌تان، یادآور میشویم که هم‌اکنون در بسیاری از شهرها و کشورها، زمینه‌های لازم برای ایجاد چنین سازمانی بتدریج بوجود می‌آید. هواداران سازمان بویژه در آمریکا به سهم خود و پیشروان بسیاری از نیروهای دیگر بیش از دو سال است که دست به ایجاد "کمیته دفاع از حقوق زنان" زده است و تا بحال قادر بوده است نقش مهمی در تبلیغ و ترویج مسئله زن، موقعیت زنان ایران و سایر قتل و مبارزات آنان بین ایرانیان و نیروهای خارجی ایفا کند. گذشته از برگزاری آکسیون‌های مختلف مربوط به زنان، تا بحال نشریات و کتبی به زبانهای فارسی و انگلیسی انتشار داده است. ده هزار نسخه از هر نشریه "زن و مبارزه" که به زبانهای فارسی و انگلیسی چاپ میشود، انتشار یافته است. تا آنجائیکه اطلاع داریم حرکات مشابهی در کشورهای دیگر از جانب هواداران و نیروها و عناصر مترقی شکل گرفته و یا در شرف شکل گرفتن است. در ضمن نکات مطروحه در نامه شما درباره انحرافات موجود در جنبش زنان مهم و قابل بررسی است که در همین حال مسئولیت‌گونیست‌ها را در مقابل این مسئله سنگین قرار میدهد. ما نامه شما را در اختیار مسئولین "کمیته دفاع از حقوق زنان" قرار خواهیم داد.

● آمریکا - کالیفرنیا، آقای ب. ر: کارت شما رسید. ضمن تشکر اقدام لازم بعمل آمد.

● آمریکا - اوکلاهما، آقای ا. ش: ضمن تشکر فراوان، کارت تبریک شما رسید. ما

هم بنوبه خود فرا رسیدن بهار را به شما تبریک گفته، امیدواریم که سال جاری، سالی پر بار در مسیر مبارزات انقلابی و جنبشی خلقهای ما در راه استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم باشد.

● آمریکا - بوستن، رفقای مبارز، متن کامل برنامه دولت موقت الما لوادور و ترجمه آن بدست ما رسید. متشکریم. بموقع از آن در مقالات مربوط استفاده خواهد شد.

● آمریکا - اوهایو، دوستان عزیز م. ب. ● چک ارسالی شما رسید. با تشکر فراوان نسبت به درخواست شما اقدام لازم بعمل آمد. ● هلند - رفیق ک. وجه ارسالی شما دریافت شد. متشکریم.

● سوئد - حال ستاهامر، رفیق ک. ع. : نامه شما دریافت شد. با تشکر از شما، باید یادآور شویم که پاسخ به سئوالاتی که در نامهتان طرح نموده‌اید در این بخش عملی نخواهد بود چرا که برای پاسخ دادن روشن و صریح بهر یک از سئوالات شما لازم است مقاله‌ای مستدل و قانع‌کننده نوشته شود. ما سعی خواهیم کرد که در آینده در باره سیستم‌های حاکم بر آلبانی، چین و یوگسلاوی مقالاتی در "جهان" درج نمائیم.

● ایتالیا - بولونیا، رفیق الف. ز. : شعر شما دریافت شد. ضمن تشکر، منتظر دریافت اشعار بهتری از شما هستیم.

● فرانسه - لیل، رفیق پ. لک. : شعر "فزل زمانه" شما دریافت شد. با تشکر، منتظر دریافت اشعار دیگری از شما هستیم.

● ایتالیا - بلونیا، م. ج. دوست عزیز ترجمه مقاله‌ایکه از روزنامه "کارلینو" انجام داده‌اید، بدستمان رسید. ضمن تشکر فراوان از زحمات شما، برای ترجمه و ارسال این مقاله نکاتی را یادآور میشویم.

روشن است که ذکر این نکات ناشی از زحمات شما نخواهد بود. مقاله برای چاپ در نشریه جهان مناسب نیست زیرا یک مقاله کاملاً ژورنالیستی است. نویسنده در این مقاله توجه خواننده را به جنگ و خونریزی پی - هدی که در سراسر جهان بین نیروهای متخاصم انجام میگردد، معطوف مینماید بی آنکه تحلیلی ریشه‌ای از علل این جنگها بنماید و با اینکه تفکیکی بین جنگهای ارتجاعی و جنگهای انقلابی رها قیض قائل شود. او جنگ را محکوم میکند و ما نیز. ولی ما برای متوقف کردن جنگ ناچاریم به جنگی که از آن بیزاریم، متوسل شویم. برای مثال برای پایان دادن به سلطه حکومت جمهوری اسلامی که با انکودن جبهه‌های جنگ با عراق از یک طرف و علیه نیروهای انقلابی از طرف دیگر، مبارزان آزادی خواه

و استقلال طلب را وادار به مقابله میکند، چه باید کرد؟ مسلم است که مردم کردستان همچون ما از جنگ بیزارند و تشنه صلح و استقلال اند، لیکن برای دستیابی به آن، رژیم جمهوری اسلامی راهی جز جنگ برای آنها باقی نگذاشته است.

در مقاله ارسالی شما کوچکترین اشاره و تفکیکی در این زمینه انجام نگرفته است. ما در اینجا قصد شکافتن مقاله مذکور را نداریم تنها نمونه‌ای از بی جهت بودن مقاله را ذکر نمودیم. بی جهت بودن نه به معنای علمی، بیطرف بودن و واقع‌نگر بودن، بلکه به معنای دیپندن معلولها و فراموش کردن علتها و همه را با یک چوب زدن، چه انقلاب و چه ارتجاع. نویسنده مقاله با حفظ همین اسلوب چهارچوب ژورنالیستی مقاله خود را حفظ کرده است. درحالیکه توجه دارید سعی میشود مقالاتی در "جهان" بعنوان یک نشریه سیاسی درج گردد که کاملاً هدفمند و در جهت استراتژی انقلاب آرمان زحمتکشان باشد. مقالات "جهان" برخلاف مقاله مذکور همه را خوشحال و یا همه را ناراحت نخواهد کرد. مقالات ما دوستداران انقلاب را، دوستداران آزادی و استقلال را خوشحال خواهد نمود و دشمنان را حتی تا سرحد جنون عصیانی خواهد کرد. چرا که منافع آنها را به خطر می‌اندازد. بهر حال امیدواریم با ذکر این نمونه کوچک معیار درستی بدستان داده باشیم همکاری خودتان را با ما ادامه دهید. شما میتوانید در صورت تمایل، با رفقای ما در ایتالیا به آدرسی که در "جهان" درج گردیده است، تماس بگیرید. موفق باشید.

● سوئد - استهگلم، رفیق پویا : با تشکر نامه شما در ارتباط با جشن عید رفقای ما در سوئد بدستمان رسید. شما ضمن انتقاد از برگزاری جشن عید، نوشته‌اید که: "عید نوروز (اول فروردین) که وابسته است به پیدایش شاه در ایران، عید هواداران - سازمان چریکهای فدایی خلق ایران نیست، عید کمونیستهای جهان، روز اول ماه مه است. عید هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران باید روز سیاهگل باشد." ما نیز معتقدیم روز بزرگی چون اول ماه مه (روز کارگران) و یا "روز سیاهگل" باید از طرف کمونیستها جشن گرفته شود. اما در ارتباط با عید نوروز، برخلاف نظر شما، تنها جنبه‌ای که امروز مردم در برگزاری عید نوروز از آن یاد میکنند، ارتباط دادن نوروز به مسئله شاه و غیره است و امروز عید نوروز بصورت یک سنت نیکو در فرهنگ مردم جا افتاده است. از آن گذشته

امروز در خارج از کشور عید نوروز از - روزهایی است که نیروها و افراد مترقی و طرفدار انقلاب با تجمع وسیع و برگزاری مراسمی سیاسی - فرهنگی - هنری، در عین برگزاری جشن، اهداف سیاسی ویژه‌ای را نیز به پیش می‌برند. آیا این برگزاری جشن عید با چنین خصوصیات و ویژگی، مغایرتی با برگزاری بزرگداشت‌های روزهای تاریخی و مهمی چون روز اول ماه مه و ۱۹ بهمن (سیاهگل) دارد؟ از دید ما، خیر.

● آمریکا - دالاس، رفقای مبارز، عکسهای ارسالی شما رسید. متشکریم. بموقع از آنها استفاده میشود.

● پاکستان - کراچی، رفیق هوادار: گزارش نسبتاً مفصل شما در مورد "انحلال اتحادیه‌های دانشجویی و تشدید اختناق" در پاکستان بدست ما رسید. ضمن تشکر از احساس مسئولیت و همکاری شما در مورد ارسال این گزارش نکاتی را یادآور میشویم. از آنجائیکه این گزارش مربوط به دانشجویان غیر ایرانی است و شما در این مطلب از تشکیلات مختلف دانشجویی نام برده - اید که برای خوانندگان "جهان" نا آشناست. (چرا که مثل شما در بطن مسائل دانشجویی پاکستان قرار ندارند). بنا براین درج این گزارش برای همه قابل لمس نخواهد بود. اگرچه گزارش شما گسترش جو اختناق و حکومت نظامی پاکستان را در محیط‌های دانشگاهی بخوبی ترسیم میکند و شایسته آنچه در پاکستان میگذرد را، نشان میدهد. بهر حال ما منتظر دریافت گزارشات دیگری از شما، خصوصاً در ارتباط با وضعیت ایرانیان آواره در پاکستان هستیم.

● آلمان - فرانکفورت، رفیق عزیز: با تشکر از اخبار ارسالی شما، قسمتهایی از آن مورد استفاده قرار خواهد گرفت. - همکاری خود را با ما حفظ نمائید. موفق باشید.

● آمریکا - میلواکی، م. ا. : با تشکر، وجه ارسالی شما رسید. نسبت به درخواست شما اقدام لازم بعمل آمد. در ضمن پاسخ ما نسبت به پیشنهاد شما مثبت است. ما منتظر دریافت آنها هستیم. موفق باشید.

● آمریکا - کالیفرنیا، رفیق لوس آنجلس مقاله شما با عنوان "سالی که نکوست، از بهارش پیداست" بدست ما رسید. از آنجائیکه ما در ارتباط با مسئله شهید اکبر جویانی مقاله جداگانه‌ای در همین شماره "جهان" درج کرده‌ایم، چاپ مقاله شما را لازم ندانستیم. سیاست هواداران مجاهدین نسبت به جزئی و یارانش از همان قدیم است

رهبران شان علیه این رفیق شکت میگیرد. ما تعجب نخواهیم کرد که هواداران شان در تلفن خبری شان نیز از بردن نام فدائی برای رفیق بیژن جزئی، که از رهبران این سازمان بوده است، طفره روند. چرا که سازمان مجاهدین در نشریه مجاهد این سیاست را به هواداران شان نیز آموزش داده اند.

● آمریکا - کالیفرنیا، رفیق حمید: دو قطعه چکارسانی شما رسید. با تشکر فراوان نسبت به درخواست شما نیز اقدام لازم بعمل آمد.

● آمریکا - اوکلاهوما، ج. ب: با تشکر، چکارسانی شما رسید. نسبت به درخواست شما اقدام لازم بعمل آمد.

● آمریکا - فلوریدا - آقای ع: با عرض پوزش نسبت به درخواست شما مجدداً اقدام بعمل آمد.

● هلند - کمیته موقت هواداران سفید: با تشکر، لیست جدید درخواستی شما رسید. برای اقدامات لازم به مسئولین مربوطه ارجاع گردید.

● آمریکا - لوس آنجلس، رفیق مزیز ف: متأسفانه نامه، مقاله و جدول مورد اشاره شما را تاکنون دریافت نکرده ایم. ضمن پوزش، نسبت به درخواست شما اقدام لازم بعمل آمد. اگر وجهی همراه نامه اولیه تان برای ما ارسال داشته اید، ما را مطلع نمایید.

● آلمان - کیل، رفقای مبارز: مطالب ارسالی شما دریافت گردید. قبل از هر چیز ما نیز از همکاری متقابل شما رفقای مبارز بسیار خرسندیم. شما در یادداشت توضیحی تان که همراه مطالب ارسالی شماست در مورد دو خبر مهم در رابطه با جنبش فلسطین اشاره کرده اید که متأسفانه ما از اجل خبر بی اطلاعیم و نتوانستیم از توضیحات شما استفاده نماییم. در مورد سؤال شما همانطوریکه در همین شماره ملاحظه می نماید، اقدام نمودیم. همکاری شما در این زمینه و با هر مورد دیگر، باعث خوشحالی ما خواهد بود. در باره مقاله "دولت بحران..." سعی میشود با تغییرات جزئی در آینده از آن استفاده شود. در این مورد با شما تماس گرفته خواهد شد.

● اطریش - وین، رفقای مبارز: طسرج شما بمناسبت اول ماه مه، روز کارگر، دریافت شد. متشکریم. از آن استفاده خواهد شد.

● آلمان - برلین غربی، رفیق پ: نوشته مفصل و مسئولانه شما که حاکی از صمیمیت، تعهد و احساسات پاک و اعتقادات شما نسبت به کارگران و زحمتکشان و

رفقای فدائی میباشد، بدستمان رسید. ما در عین ارج نهادن به زحمات و احساس مسئولیت شما، نوشته را در اختیار رفقای مسئول قرار میدهم و سعی خواهیم کرد با شما در تماس و تبادل نظر بیشتری قرارگیریم.

● آلمان - دارمشتات، رفقای کمیته ترجمه: با تشکر فراوان مطالب ارسالی شما درباره "چگونگی احداث کانال کرکوم" که مقاله جالب و آموزنده ای است بدستمان رسید. امیدواریم بتوانیم در آینده از آن استفاده نماییم. پیشنهاد میشود رفقاتوان خود را روی ترجمه مطالبی ملموس تر برای خوانندگان نشریه جهان، بعنوان نشریه ای سیاسی، متمرکز نمایند. با امید موفقیت بیشتر.

● آلمان - آقای کندوله ای: مقاله شما تحت عنوان "سخنی با غیر دمکراتهایی که پرچمدار دمکراسی شده اند" بدستمان رسید.

پاسخ به یک هوادار مجاهد

● آمریکا - لوس آنجلس، آقای ا. ع: دوست عزیز از هواداران سازمان مجاهدین خلق ضمن ارسال نامه نسبتاً مفصلی، مطالبی را بیان داشته اند که ما به اختصار به آنها پاسخ میدهم. در ابتدا لازم است از برخورد مسئولان ایشان برای ارسال این نامه تشکر نماییم. این مطلب نشان میدهد که همه هواداران مجاهدین خواندن نشریه جهان را تحریم نکرده اند! ایشان در آغاز نامه شان اشاره کرده اند که:

"... نشریه مجاهدین چندی قبل سالگشت شهادت فدائیان شهید جزئی و یارانانش را منعکس نموده بود و از اسم فدائی، که هویت سازمانی شان بوده، خودداری کرده بود. با بعثت فلت چاپی یا به منظور دیگر، اشتباهی در این شماره نشریه مجاهد صورت گرفت و آنرا روزنامه کار، ارگان حزب (سازمان) چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) منعکس و با درج اینکه مجاهدین خلق از فدائیان وحشت دارند و یا... با آب و تاب به آن حمله نموده و سازمان مجاهدین را ضمیمه محاکمه، تهدید هم کرده اند. حال در جهان شماره ۱۷ صفحه ۱۲ خبری راجع به شهید اکبر چوپانی که... این مبارز عضو سازمان مجاهدین خلق ایران بود و شما هم از نوشتن نام مجاهد که هویت سازمانی این شهید بوده خودداری نمودید. آیا شما هم از سازمان مجاهدین خلق وحشت دارید؟ اگر حرکت مجاهدین نسبت به شهید جزئی و یارانانش اشتباه بود، شما چرا همان اشتباه را تکرار کردید؟" (تاکید از ماست).

در مورد مطلب مربوط به شهید چوپانی

شما میتوانید به مقاله "اتهام" مندرج در صفحه ۵۵ همین شماره "جهان" مراجعه نمائید و ما را از توضیح مجدد معاف دارید. و اما در مورد سایر مطالب، متأسفانه اطلاعات شما بسیار ناقص و غلط است. هیچ وقت سازمان چ. ف. ا. در مورد با مصطلح "اشتباه مجاهدین در ذکر نکردن فدائی بودن رفیق جزئی چیزی ننوشتند. که اولاً بقول شما با آب و تاب حمله کنند و ثانیاً مجاهدین را محاکمه کنند و ثالثاً آنها را تهدید نمایند. تذکر این مطلب در "جهان" شماره ۱۵ صفحه ۴۲، نشریه هواداران سازمان چ. ف. ا. فقط در یک پاراگراف آمده است. شما بهتر است خود به آن مراجعه کنید تا تبلیغات مسموم علیه فدائیان را باز شناسید. مطلب دیگری که ایشان بدان پرداخته اند، مقایسه حرکت سازمان مجاهدین در مورد مهدی سامع و علم کردن او علیه سازمان و چاپ اعلامیه های پی در پی او علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در مجاهد، ارگان رسمی مجاهدین و بقیه ماجرا که همگان با آن آشنائی دارند، بعنوان دخالت در امور داخلی یک سازمان دیگر و درج خبر چند سطر مربوط به خارج شدن عده ای از داخل سازمان مجاهدین که خود مجاهدین آنرا پنهان کرده اند، میباشد. ما فکر میکنیم خبر خارج شدن دهها نفر از دورن مجاهدین بسیار مهم تر از وارد شدن یک همافر و غیره باشد که مجاهدین برای یکی هیاهوی زیادی برای می اندازند و برای دیگری، سکوت مطلق! درج یک خبر، بمعنای دخالت در امور داخلی یک سازمان نیست. در مورد مهدی سامع، مجاهدین خبر اخراج او را درج نکرده، بلکه تلاش کردند که با انواع "حیل های شرعی" از او "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" مدافع شورا بزارند.

مطلب سوم ایشان در مورد خارج شدن پایه گذاران سازمان مجاهدین خلق از نهضت آزادی است. ایشان به اشتباه تصور کرده اند که ما در مقاله "مجاهدین، شکست یک استراژی"، به خارج شدن پایه گذاران مجاهدین از نهضت آزادی ابراد گرفته ایم. درست برعکس، ما آنرا تحسین کرده ایم. لطفاً مجدداً به مقاله مذکور مراجعه نمائید. چهارمین بند نامه ایشان در مورد مقاله "بحران فلسطین" مندرج در "جهان" شماره ۱۷ است. ایشان گفته اند "تذکر اشتباهات سازمانهای جنبش فلسطین"، دخالت در امور سیاسی یک سازمان انقلابی است. ما فکر میکنیم تحویل و بیان اشتباهات

هر سازمان سیاسی و دادن آموزش درست در باره آن، نه "مخالفت"، که وظیفه یک سازمان سیاسی است و این دید شما ناقصی از آموزش طولی و اراده‌ای است که متأسفانه نشریه مجاهد به شما منتقل نمیکند.

نکته پنجم ایشان در باره کاریکاتور است که از نشریه "آهنگر" در "جهان" شماره ۱۷ در باره خیانت‌های حزب توده چاپ شده است. ایشان ابرار گرفته‌اند که ما (در واقع آهنگر) نوشته‌اند خیانت به جنبش چپ و مرفقی ایران، در حالیکه خیانت حزب توده به کل جنبش، انقلاب و مردم ایران بوده است و نیروی چپ تنها قسمت کوچکی از آن است. همانطوریکه خودتان ذکر کرده‌اید، در کاریکاتور تنها کلمه چپ بکار نرفته، بلکه جنبش چپ و مرفقی نوشته شده و این یعنی همان کل جنبش که مورد نظر شماست.

نکته ششم، ایشان نوشته‌اند که: "در نشریاتشان، مقاله‌ها، و نوشته‌های دیگر همیشه سعی میشود خواننده را بی سواد، بی معلومات تلقی کنید، چون ضمن درج مقاله، خودتان هم تفاوت میکنید...". ما بسیار متأسفیم که چنین برداشتی برای شما پیش آمده است و اگر نحوه نوشته‌های ما باعث این برداشت بوده است، از این بابت پوزش میطلبیم. اگر چه چپ به شما این چنین تصویری نداشته و نداریم. البته دلیلی که شما فکر کرده‌اید و ما را هم متهم به "خودستایی" نموده‌اید، درست نیست. بهتر بود شما به مورد مشخصی اشاره میکردید. چرا که تفاوت ما در مورد یک مقاله بمعنایی نیست که شما برداشت کرده‌اید.

نکته هفتم نامه ایشان در مورد نشریه ایران‌شهر است. از آنجائیکه ایشان خود نوشته‌اند که: "متأسفانه تاکنون یک شماره آنرا هم مطالعه نکرده‌ام و از محتویات آن بی اطلاع هستم..." ما نیز از اظهار نظر پیرامون مطلب ایشان خودداری میکنیم.

نکته هشتم نامه ایشان ارزیابی شان درباره صفحات شورای مجاهد است که آنرا مثبت ارزیابی کرده‌اند!

نکته نهم نامه ایشان در باره "الترناتیو انقلابی" جامعه ایران است که میپرسند مگر شما از مردم رای گیری کرده‌اید که شعار جمهوری دمکراتیک خلق را بدهید و "الترناتیو" شورای ملی مقاومت را رد میکنند و میگویند که خلق دیگر فریب این "الترناتیوهای پوچالی" را نخواهد خورد.

اولاً شما حتما میدانید که مجاهدین هم برای "الترناتیو" خودشان از مردم رای -

گیری نگرفته‌اند. ثانیاً لازم به توضیح است که نفی "الترناتیو" شما به این دلیل است که محتوای برنامه آن منافع اکثریت مردم جامعه ایران که کارگران و زحمتکشان شهر و روستا باشند را در برنمیگیرد. در حالیکه برنامه "الترناتیو" جمهوری دمکراتیک خلق با محتوایی که سازمان چ.ف.خ.ا. پیشنهاد داده است، در برگیرنده منافع طبقه کارگر و اکثریت زحمتکشان ایران است. پس برای اثبات این مطلب شما میتوانید برنامه عمل سازمان چ.ف.خ.ا. را با برنامه دولت موقت شورای ملی مقاومت مطالعه و مقایسه نمایید. و بالاخره ایشان نامه خودشان را با شعار مرگ بر امپریالیسم، مرگ بر خمینی، پایان داده‌اند. شاید ایشان فراموش کرده‌اند که شعار مرگ بر امپریالیسم، از قطع سازش مجاهدین با لیبرالها، از نشریه مجاهد محو شده است! بهتر است ایشان به سازمان مجاهدین نیز نامه‌ای بنویسند و دلیل آنرا جوفا شوند. مجاهدین در مسورد پرش ما که پاسخی ندادند!!

● آمریکا - نیوجرسی، رفیق م. بخدری: داستان ارسالی شما درباره‌یافت گردید. متشکریم. برای استفاده آن در نشریه جهان مورد بررسی قرار میگردد.

● آمریکا - برکلی، رفیق م. مطلب ارسالی شما تحت عنوان "سیری در هنر و ادبیات بالنده"، نیما یوشیج آبدست مارتید. بسیار تشکر مطالب شما در نوشته‌های جهان مسورد استفاده قرار خواهد گرفت.

● آمریکا - بسطن، رفیق که. ع. مقاله شما تحت عنوان "چپ در اعتدالی نیرو-های زندگی خواه" که در پاسخ مقاله "نقش چپ در تضعیف حرکت‌های زندگی خواه" مندرج در "ایران‌شهر" شماره ۲۲۰ نگاشته اید به دستمان رسید. از آنجائیکه این مقاله به سبب برای "ایران‌شهر" نوشته و ارسال شده است ما نیز مثل شما امیدوار بودیم که ایران‌شهر آنرا به چاپ برساند. بهر حال تشکر از شما سعی میشود مقاله شما به یک تحوی مورد استفاده قرار گیرد.

● آمریکا - برکلی، دوست عزیز پروین ش: نامه محبت آمیز شما رسید و از انتقادات بجا و به موردتان در باره غلط‌های املائی، اختیارات تایپی و نارساییهای ادبی بخش اول مقاله "بازتاب رویدادهای تاریخی و اجتماعی در شعر فارسی" که مسئولیت همه آنها به ما برمیگردد متشکریم. از آنجائیکه قسمت‌های دیگر مقاله شما با هدفی برای درج این سری مقاد در "جهان" در نظر گرفته شده است انطباق کامل نداشت و از طرفی تغییرات کلی در مقاله شما را اصولی تشخیص ندادیم. در بخشهای دوم، سوم و

چهارم از مقالات دیگر استفاده شده است. البته با اجازه شما برای قسمتهای بعدی نیز از همان عنوان کلی مقاله شما استفاده شده و میشود. منتظر دریافت نوشته‌های جدید دیگری از شما هستیم.

نشریات رسیده

با تشکر فراوان از ارسال کنندگان نشریات. خبرنامه سباهکل - نشریه هواداران س. چ. ف. خ. ا. در بانکوک تایلند شماره‌های ۱۷ و ۱۸ و ویژه درگذشت کارل مارکس.

فهریات - نشریه هواداران س. چ. ف. خ. ا. در ترونت، آمریکا.

کاربین الملی - به انگلیسی، ترجمه س. گزیده مقالاتی از نشریه کار ارگان س. چ. ف. خ. ا.

خبرنامه - نشریه دانشجویان ایرانی - هوادار س. چ. ف. خ. ا. در انگلستان، اسکا-تلند و لز. شماره‌های ۸۰۷۰۶ و ۹.

خبرنامه - نشریه سازمان دانشجویان ایرانی در هند هوادار س. چ. ف. خ. ا. شماره ۱۲ همراه با ترجمه مقاله‌ای تحت عنوان: "الترناتیو استراتژیک برای توسعه" و ترجمه مقالات کار.

خبرنامه - نشریه فدراسیون هواداران سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران در ترکیه شماره‌های ۵۰۲ و ۶۰.

مجموعه مقالات - "سبک کار کومله برای تشکیل حزب کمونیست"، سلسله مقالاتی از ریگای گدل، نشریه سچفا شاخه کردستان.

راه، راه، راه دمکراسی واقعی است، نوشته‌ای از مگری، پاسخی به نوشته علی امیرحاج سید جوادی، تحت عنوان "راه از کدام طرف است".

آگاه - نشریه دانشجویان ایرانی هوادار جنبش چپ در بتن روز، شماره‌های ۲۰۱ و ۲۰۲ (ویژه نوروز).

علم و جامعه - نشریه مستقل، شماره‌های ۲۰ و ۲۱.

انقلاب و آزادی - ارگان ناچمن آزادی شماره ۱۰ آبگون - "نشریه‌ای دیگر"، شماره‌های ۵۰۲ و ۶۰.

خبرنامه - نشریه دانشجویان ایرانی در ایتالیا، هوادار سچفا شماره ۲.

"فرورت جدائی دین اردولت" از نشریه کار هفته نامه خبری - نشریه انجمنهای دانشجویان ایرانی در کانادا هوادار سچفا، شماره ۲۳.

بیکار اول اردیبهشت - شماره ۲.

☆☆☆☆☆

اول ماه مه

چیز مهمی نیست، تنها یکی از ما
تنها حیات حقیر انسانی، ویران شده،
تنها ذره‌ای ناچیز از جهان
در جهنم ماشین‌ها، کارخانه‌ها و خرده پاش‌ها
در هم شکسته است، خرد شده است، متلاشی شده است...

بگذار خدا نداند و تار از پود زندگی بگسلد.
بهندای بهار، ناگاه الهی بر حرارت
آنان را گرفته پرافروخته است.
در جهشی ناگهانی از عشق
در خیزی از نفرت
پس مانده‌های پامال شده به یکدیگر در آمیخته‌اند
به توده‌ای سوزان و آتش‌فشانی
جوشان و راز آمیز، مبدل شده‌اند.

و امروز، اینجا آن توده، مانیم.
جوانی ما - که دیری است از یاد رفته
در نهان به گمان دریافته و هرگز تصاحب نشده -
امیال ما - که به تدریج از دست رفته‌اند -
روایه‌های ما - که هرگز تاجی از پیروزی بر سر نهاده‌اند -
زندگی ما - دستخوش تیره روزی و شرمساری -
همه ناگاه از این حرارت سوزان شعله‌ور می‌شوند
و بلندی و تابناک زبانه می‌کشند.

هرچند اکنون به وضوح نمی‌توانیم شادی کنیم
و نمی‌توانیم در آرامش به سبوی هدف‌های نجیب خویش گام
برداریم، با این همه ما خداوند سرنوشت خویشیم، بهاریم، جوانی
هستیم.

سپیده دمیم

و نخستین روز مه، روز ماست، از آن ماست.

اعتصاب

اعتصابی می‌خواهم من، اعتصابی همه گیر
اعتصاب بازوها، پاها، موها
اعتصابی که از شرها مان همواره باز برآید
اعتصابی می‌خواهم من،
اعتصاب کارگران، راننده‌های اتوبوس،
تکنسین‌ها، پزشکان
اعتصاب گیسوتران، گلها، کودکان و زن‌ها
اعتصابی چنان هولناک، که ...
راه به عشق بگشاید!
اعتصابی که همه چیزها را از کار بازدارد
ساعتها را، کودکان‌ها را، اتوبوس‌ها را
خیابان‌ها را
کارخانه‌ها را، مدارس را، بیمارستان‌ها را،
بنادر را
اعتصاب چشم‌ها، دست‌ها، پوسه‌ها
اعتصابی نفس گیر
آنچنان که

سکوت را

برویاند

تا خلق در زمینه‌آن، مدای قدم‌های
ارتجاع را بشنود

(Gloconda Belli)

که شاعری از نیکاراگوئه -
می‌گوید، ترجمه از متن آلمانی

پی‌یترو گوری Pietro gore

(شاعر انقلابی ایتالیایی)

بیا، ای ماه مه!

بیا ای ماه مه
خلق‌ها انتظارت را می‌کشند
جان‌های آزاد بر تو درود می‌فرستند
ای عیدمهربان کارگران!
به افتخار آفتاب تابان شو.

دست‌های نینه‌بسته‌مان را برافرازیم
تائیرونی بارور تشکیل دهند.
ما بر آنیم که جهان را آزاد کنیم
از ستمگران و از بی‌کاری و از طلا

پس ای سرود امیدهای بلند پرواز، طنین افکن شو
به خاطر نیروئی که میوه‌ها را می‌رساند
به خاطر شکوفه‌باران بی‌نهایت دلخواهی که در آن
آینده، لرزان می‌درخشد
جوانی، دردها، آرمان‌ها،
و بهاران، پاملاحت اسرارآمیزشان.

ای ماه مه سبز، از تبار آدمیزادان!
به قلب‌ها شهادت و ایمان عطا کن.

به یاد رفیق شهید "حمه‌مه‌کس"
(محمد کس زانی)

بذر کُمون

عطر اندیشه‌ات در کوه طوفان آفرید
دریای شت را به باد سپردی

به رنگار
بر فلات
با شیار خشم تفتنگ
با زود خون آوندهای جوشان
با اندیشه سترگ جوشان
بذر کُمون
ای بیاد ماندنی

انسان‌رود خروشان
ملایمت دشت‌های پر طبعش کار
در تنگنای ستم‌ز کار و سرمایه
در کارزار بودن

و نبودن
در تقابل رشادت و رذالت
دیشان تو بود
که تلاشی شب را نوید میداد
و تفتنگ که سیاهی را میشکافت
و مشعل وار
بر ره ستاره می‌باراند
ای تجسم جاودانه سوسیالیسم!
زحمتکشان فردا
آنگاه که مان

کار
و آزادی
"به تساوی تقسیم میکنند"
ای مهربان
کمون‌های سرخ
نام والای ترا
ای بلشویک!
در کشت جمعی،
در کشتزارهای سرخ
سرود می‌خوانند

ترکیه، م. ۶۲/۱۲/۱۲

به "جهان"

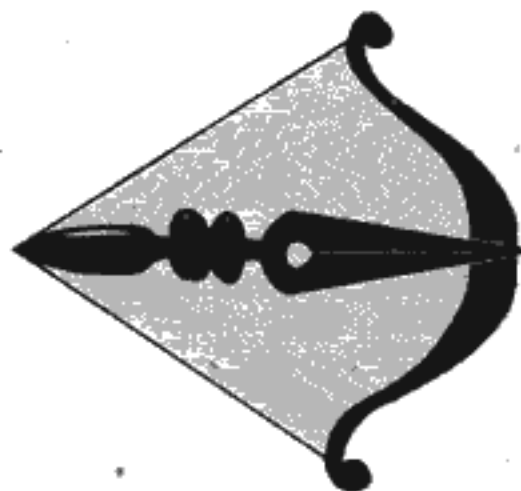
(جهانگیر قلعه‌میان‌دوآب)

به مناسبت روز کارگر

جهان ای تندرو طوفان
جهان جولانگه گردان
ز شیران نام بگرفتی
ز پیلان وام بگرفتی
سبکبال و سرود گویان
پر پرواز بگرفتی
به سر شور و شر داری
به دل عشق وطن داری
وطن خاک و آسیری نیست
تو دنیا باشی دگر داری
جهان ای تندرو طوفان
جهان جولانگه گردان
ز دنیایت چه داریم ننگ
همه خوشدل، همه بگرنگ
اگر دشمن بما یازد
بناریم با سلاح جنگ
جهان ای تندر آتش
جهان طوفان نگر و سرکش
تو شمشیر از نیام برکش
هزیمان را بهم درکش
چو رویاه راه پس گیرند
رها کن شیر از شرکش
جهان ای تندرو طوفان
جهان جولانگه گردان
صدایت زنده و گرمیت
ز تو زحمتکشان سرست
به ایران کزنداری ره
ز تو دنیا کنیم یکدست
دلبران سخت در کارند
بلان در فکر بیکارند
ز ترس خشم و قهر خلق
سران خصم بیمارند
جهان ای تندرو طوفان
جهان جولانگه گردان
به ایران باز خواهی گشت
به آذربایجان و رشت
به کردستان و خوزستان
همه ایران کنیم یکدست
جهان نام تو جاوید است
دلت از خصم پرکین است
ز خون پیشگامانت
بهار خلق نزدیک است
جهان جاری بمان، بشیر
بربران را ز بن درویش
اگر از ما قلم گیرند
ز خون جوهر قلم آمیز

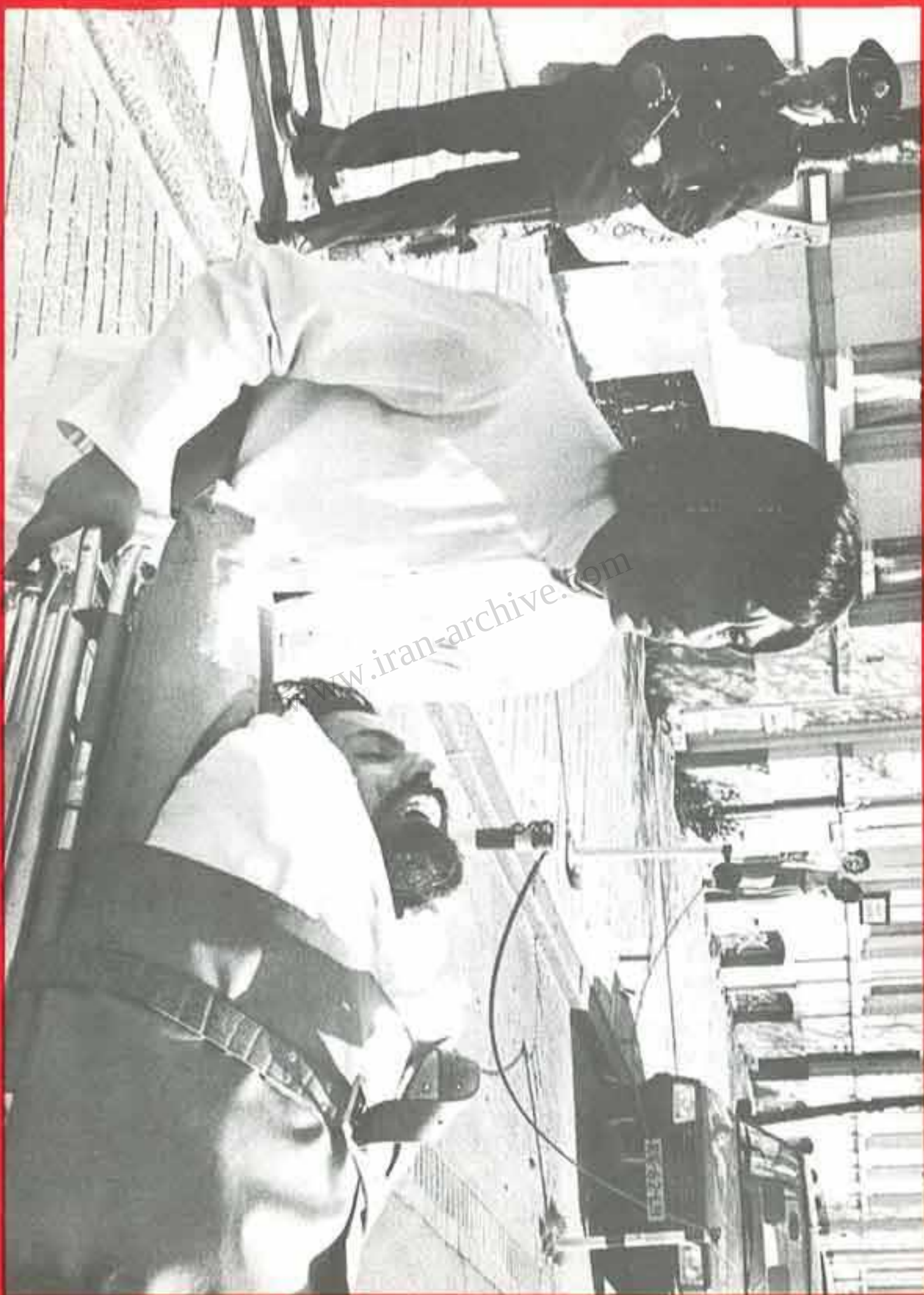
الف - ج ۶۲/۱/۲۵

شعر فوق توسط یکی از دوستان نزدیک
رفیق "جهان" از ایران ارسال
گردیده است.



بمناسبت تولدو. (۱). لنین





در جریان حمله به ساختمان مجلس، تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی توسط مأموران امنیتی دستگیر شدند. در این تصویر، یکی از نمایندگان مجلس در حال بازداشت است.